

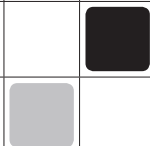
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس

نمیریز

سال شانزدهم □ شماره شصت و یکم □ زمستان ۱۳۹۷

صاحب امتیاز	مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
مدیرمسئول	دکتر علی محمد نائینی
سردبیر	یحیی نیازی
هیأت تحریریه	سردار سرلشکر پاسدار مصطفی ایزدی، سردار سرتیپ پاسدار حسین سلامی، دریادار پاسدار علی فدوی، سردار سرتیپ پاسدار حمید اصلانی
مدیر اجرایی	چمران بویه
ویراستار	الهام رضائزاد
صفحه آرایی	عباس درودیان
نشانی	تهران، خیابان شریعتی، خیابان شهید وحید دستگردی (ظفر)، پلاک ۷۷
تلفن	۲۲۹۰۹۵۲۵
دورنگار	۲۲۹۰۹۵۳۸
پست الکترونیکی	neginiran@gmail.com
فروشگاه اینترنتی	shop.hdrdc.ir
مرکز فروش	تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، مجتمع ناشران فخر رازی، پلاک ۵۳، انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس
تلفن	۰۲۱ - ۶۶۴۸۱۵۳۲
قیمت	۱۲۰,۰۰۰ ریال



- مقاله‌ها و مطالب درج‌شده در فصلنامه نگین ایران بیان‌کننده دیدگاه نویسندگان آنهاست.
- هرگونه استفاده از گزارش عملیات‌ها، نوارهای پیاده‌شده و اسناد مندرج، منوط به اخذ مجوز از مرکز اسناد می‌باشد.
- بهره‌برداری از سایر مندرجات فصلنامه با ذکر مأخذ بلامانع است.



سر مقاله

روایت دفاع مقدس در کلام مقام معظم رهبری

✍ یحیی نیازی

مقالات

آسیب شناسی روایت راویان راهیان نور یادمان شهدای عملیات والفجر ۸

✍ گروه پژوهشی نگین

مؤلفه های روایتگری در یادمان شلمچه

✍ امیر محمد حکمتیان

عملیات والفجر مقدماتی و نقدی بر دو روایت در یادمان های فکه و کانال کمیل (اسفند ۱۳۹۶)

✍ نوراله جعفری

سفر به سومار و بازدید از منطقه عملیاتی مسلم بن عقیل، سی سال بعد

✍ دکتر منصوره تاجیک

عملیات محرم و نقدی بر دو روایت در یادمان شریانی (اسفند ۱۳۹۶)

✍ محمد محمدپور

بررسی روایت معیار در یادمان طلائیه (بر مبنای گزارش روایت حجت الاسلام مهد تهرانی)

✍ سید محمد طباطبایی

روایت محسن رضایی در مورد عملیات بیت المقدس

✍ محمد محمدپور

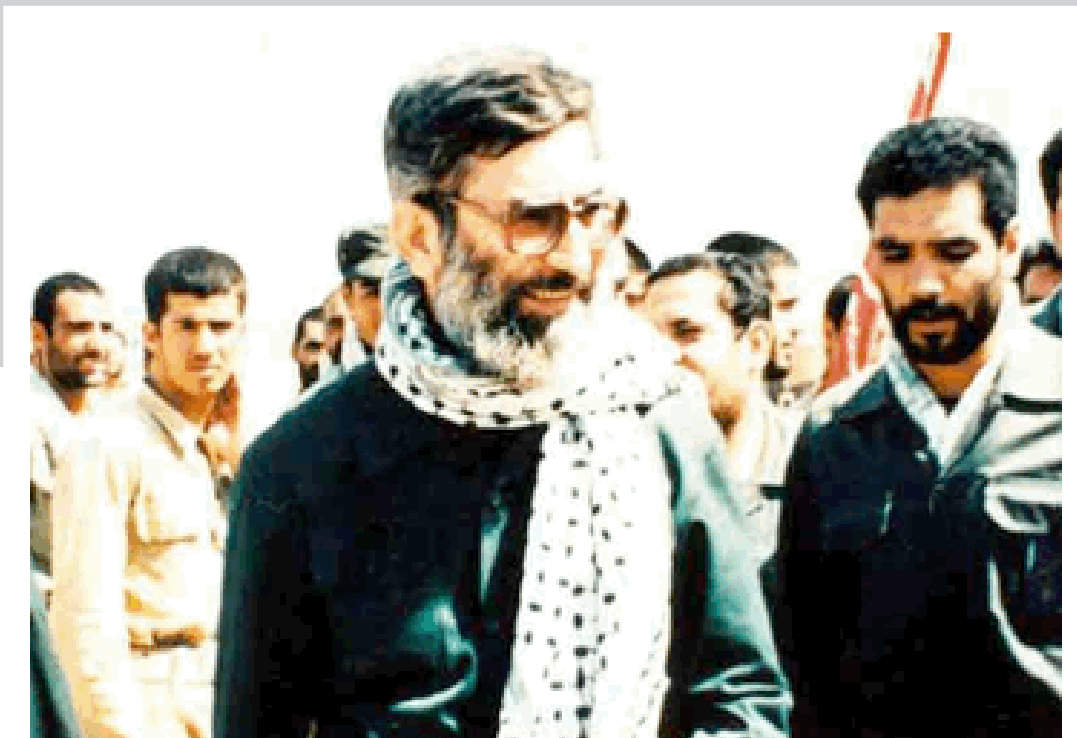
ملزومات یک روایتگری جامع در یادمان عملیات فتح المبین

✍ اکبر رستمی

اطلاع رسانی

معرفی آثار منتشر شده مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در مورد جبهه جنوب

۱۴۹



مقام معظم رهبری:

اگر این شهدایی که شلمچه، یادگار
آنها و این بیابان‌های خونین، حامل
نشانه‌های آنهاست، نبودند، امروز در
این کشور، از استقلال ملی، از شرف
ملت، از اسلام و از هیچ چیز ایرانی،
نشان برجسته‌ای نبود... یاد شهیدان
خوزستان و جوانان مخلص عرب - از
اهواز و سوسنگرد و شادگان و حمیدیه
و هویزه و دیگر مناطق این استان و
شهیدان آبادان و خرمشهر - گرمی
باد! اینها این کشور را بیمه کردند.



سرلشکر محمد حسین باقری:

تصویری که جهان از راهیان نور می بینند
این است که وقتی یک جوان خودجوش
و داوطلبانه به این مناطق می آیند، متوجه
می شوند که ملت و جوانان پای آرمان های
انقلاب ایستاده اند و آنها نمی توانند دست
به اقداماتی که مدنظرشان است بزنند... ما
در نمایاندن مفهوم و تاریخ ملی و گذشته
پر افتخار ایران کوتاهی هایی داشتیم اما
با جریان راهیان نور می توانیم گذشته
پرافتخار ملت ایران در هشت سال دفاع
مقدس و پیروزی انقلاب را به جوانان و
سایر ملت های جهان نشان دهیم.



سرلشکر جعفری:

حرکت راهیان نور و زیارت شهدا یک
زیارت معنوی است و با زیارت شهدا
می‌توانیم ذره‌ای از دریای معرفت
شهدا را درک کنیم.



روایت دفاع مقدس در کلام مقام معظم رهبری

یحیی نیازی*

جایگاه ویژه‌ای با عنوان سرزمین نور برخوردار شده‌اند. بدون شک، یکی از جلوه‌های زیبای پاسداشت آن دوران پر حماسه حضور در مناطق عملیاتی و شنیدن روایت‌های دلنشین راویانی است که دل در گرو عطر و بوی شهیدان دارند و تلاش می‌کنند فرهنگ ناب جهاد و شهادت و پایداری را به نسل‌های بعدی منتقل کنند. روایت جنگ در هر شرایطی به‌ویژه در زمان حضور کاروان‌ها اقدامی ارزشی و ستودنی است. اما اثرگذاری این اقدام مرهون تلاش بی‌وقفه راویانی خواهد بود مرهون تلاش بی‌وقفه راویانی خواهد بود که با بیان واقعیت‌های صحنه نبرد برای انتقال صحیح ارزش‌ها اهتمام می‌ورزند. در این ارتباط تأسی به کلام و بیان گهربار رهبر معظم انقلاب مؤثرترین روش و منش را به‌دنبال خواهد داشت. بنابراین، در این فرصت کوتاه

دوران دفاع مقدس قطعه‌ای نورانی و زرین از تاریخ پرافتخار کشور طی حیات ۴۰ ساله انقلاب اسلامی است. مردم عزت‌مند و قدرشناس ایران همواره یاد و نام ایثارگران و شهدای دفاع مقدس را گرمی می‌دارند و از هر فرصتی برای شنیدن وقایع حماسی آن دوران درخشان بهره می‌گیرند. امسال نیز به مانند همه سال‌های پس از جنگ، مردم شریف ایران، جوان‌ها، مردان و زنان بسیاری در قالب کاروان‌های راهیان نور یا حتی به‌صورت خانوادگی راهی مناطق عملیاتی می‌شوند تا هم‌زمان با چهلمین سال پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران ضمن ارج‌نهادن به مقام والای شهیدان وطن و تکریم و تجلیل ایثارگران، از نزدیک شاهد سرزمین‌هایی باشند که حالا به برکت قدوم، رزم بی‌امان و خون پاک شهدای گرانقدرمان از

* سردبیر فصلنامه نگین ایران

روایت دفاع مقدس در کلام مقام معظم رهبری

را هدایت و حمایت کرده‌اند. ایشان در مراسم شب خاطره ۴ مهرماه ۱۳۹۷ که در حضورشان برپا شد، فرمودند «اولاً لازم است تشکر کنم از کسانی که این پرچم را برافراشته نگه داشته‌اند. حقیقتاً صمیمانه و از ته دل متشکرم از کسانی که شب خاطره، ماجرای خاطره‌نویسی، ماجرای خاطره‌گویی و جریان احیای حوادث دوران دفاع مقدس را زنده نگه داشته‌اند؛ واقعاً متشکرم؛ کارشان بسیار کار بزرگی است. خب حالا ما چقدر خاطره داریم؟ چقدر قصه داریم؟ ما چند صد هزار رزمنده داشتیم و هر کدام از اینها یک مجموعه خاطره‌اند. هر کدام از اینها افرادی دوست و رفیق و خانواده و پدر و مادر و همسر و مانند اینها داشتند که هر کدام از آنها راجع به این رزمنده یک صندوقچه خاطره‌اند. بعضی از این صندوقچه‌ها متأسفانه در این سی سال، سی و چند سال، ناگشوده زیر خاک رفته، از دسترس ما خارج شده؛ حیف! حیف! این کسانی که به فکر می‌افتند -امروز به فکر می‌افتند، دیروز به فکر افتادند- که خاطره خودشان را بنویسند یا کسانی که فکر افتادند برونند از پدرها، مادرها، همسرها خاطره بگیرند. اینها دارند درواقع جلوی یک ضایعات مهم و خسارت‌بار را می‌گیرند و نمی‌گذارند ضایع بشود. دارند احیا می‌کنند این گنجینه‌های پُرارزش را، گنجینه‌های بی‌بدیل را. اینها سرمایه ملتند؛ هم آدم‌هایشان سرمایه ملت بودند، همین‌هایی که مانده‌اند- از جانباز و آزاده و رزمنده سابق و مانند اینها- هم خاطراتشان سرمایه‌های مردم هستند».

ایشان دربارهٔ با لزوم برپاداشتن پرچم روایت دفاع مقدس به همه دست‌اندرکاران امر روایت‌گری دفاع مقدس گوشزد می‌کنند که «اگر چنانچه شما امروز

با نسلی مواجه هستیم که ایمان، استعداد و شکوفایی و اقتدار او از نسل اول بیشتر است و این نسل برای عقب‌راندن دشمن از نسل‌های قبل آماده‌تر هستند. با وجود چنین جوانانی و با حرکت‌هایی همچون راهیان نور، دشمن در مقابل ملت ایران، همچون چهل سال گذشته، هیچ غلطی نمی‌تواند بکند».

ایشان در همین ارتباط به همه دست‌اندرکاران امر روایت‌گری دفاع مقدس تأکید می‌کنند که «در روایت دفاع مقدس باید روح و عظمت پیام این دفاع خودش را نشان بدهد. این دفاع مقدس درمجموع، یک روح واحد و یک زبان واحد و یک پیام واحدی دارد. این باید منعکس بشود. آن پیام و روح، روح ایمان است، روح ایثار است، روح دلدادگی است، روح مجاهدت است، پیام شکست‌ناپذیری ملتی است که نوجوان‌هایش هم مثل جوان‌ها و مثل مردهای میانسال و مثل پیرمردها با شوق و ذوق می‌روند داخل میدان و می‌جنگند. این خیلی مهم است. در همان وقتی که جوان‌های معمول دنیای مادی، هیجان‌های خودشان را به یک شکل‌های دیگری فرومی‌نشانند، جوان شانزده، هفده‌ساله ما می‌رود در میدان جنگ، این هیجان جوانی را با جهاد در راه خدا اشباع می‌کند و تأمین می‌کند؛ اینها خیلی مهم است، اینها خیلی ارزش است».

برپاداشتن پرچم روایت دفاع مقدس

تداوم روایت ویژگی‌ها و درس‌های دفاع مقدس، همواره مورد تأکید و توجه مقام معظم رهبری بوده است و خود ایشان نیز به این موضوع کاملاً اهتمام داشته و در هر مناسبتی از روایت حماسه‌های آن دوره غافل نشده و همواره برپانگهدارندگان پرچم روایت جنگ

بود- سیم خاردار می‌خواستیم بیاوریم، غیر از اینکه آن فروشنده نمی‌فروخت، آن کشوری هم که باید این سیم خاردار از داخلش عبور می‌کرد، با ما همراهی نمی‌کرد، اجازه نمی‌داد. یک طرف ما بودیم، یک طرف هم مدرن‌ترین وسایل جنگی آن روز را در اختیار داشت با کمیت بالا. لشکر ۹۲ اهواز، کمتر از بیست تانک داشت! یعنی در واقع یک‌هفتم یا یک‌هشتم استعداد سازمانی تانک، [در جایی که] گردان باید چهل و چند تانک می‌داشت. آن لشکری که ما دیدیم، یعنی آن تپیی که در اهواز مستقر بود، کمتر از بیست تانک داشت. آن طرف مقابل وقتی تانکش در جاده می‌خورد، بولدوزر را می‌فرستاد و تانک را می‌انداخت آن طرف جاده که راه را باز کند؛ اصلاً برایش اهمیتی نداشت. هرچه دلش می‌خواست می‌توانست [داشته باشد]؛ از امکانات زمینی، امکانات هوایی، امکانات دریایی، انواع و اقسام مهمات؛ حتی اجازه داشت سلاح شیمیایی مصرف کند. ببینید الان برای تهمت سلاح شیمیایی، اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها چه جاروجنجال در دنیا راه می‌اندازند، چه قرشمال‌بازی‌ای درست می‌کنند! آن روز رژیم صدام اجازه داشت سلاح شیمیایی مصرف کند؛ نه فقط در جبهه [بلکه] در شهر. سردشت، هنوز هم گرفتار است. اطراف سردشت هنوز گرفتار عوارض شیمیایی است. ببینید این وضع دنیای آن روز بود؛ نشان‌دهنده این بود که دنیا چه خبر است، تقسیم‌بندی دنیا چگونه است، معادله قدرت در دنیا چگونه است؛ این را جنگ، دفاع مقدس، این هشت‌سال، این فداکاری‌های رزمندگان ثبت کرد.

همین کشور فرانسه و همین کشور آلمان و بقیه کشورها -حالا دیگران به جای خود- بودند که کمک

به جمع‌آوری و افزودن بر سرمایه‌خاطرات جنگ رو نیاورید، دشمن میدان را از شما خواهد گرفت؛ این یک خطر است؛ من دارم به شما می‌گویم. جنگ را شما روایت کنید که خودتان در جنگ بوده‌اید؛ اگر شما جنگ را روایت نکردید، دشمن شما جنگ را روایت خواهد کرد آن‌طور که دلش می‌خواهد. از یک ضعف‌هایی هم استفاده می‌کنند -البته هر حرکت نظامی و غیرنظامی ممکن است ضعف‌هایی داشته باشد که حتماً دارد؛ از اینها استفاده می‌کنند- و طبق میل خودشان می‌سازند. ما باید در این زمینه خیلی احساس وظیفه کنیم، خیلی کار کنیم.»

جهان‌شمول کردن روایت دفاع مقدس

امروز و در جهان پر از زر و زور، رساندن پیام انقلاب اسلامی و رساندن پیام مظلومیت ملت ایران در طول هشت‌سال نبرد نابرابر با استکبار جهانی از مطالبات دیگر رهبر معظم انقلاب است که بارها بر آنها تأکید کرده‌اند، ایشان در همین زمینه می‌فرمایند «خب، دفاع مقدس جنبه‌های مختلفی دارد. یک جنبه دفاع مقدس این است که ترسیم‌کننده وضع معادلات قدرت در دنیای حاکمیت سلطه است -دنیای سلطه‌گر و سلطه‌پذیر- دفاع مقدس این است. شما و دیگر رزمندگان در طول این هشت سال توانستید یک تصویری از دنیای زمان خودتان، دنیای دیوانه، دنیای وحشی، دنیای ظالم، دنیای بی‌خبر از معنویات، بی‌خبر از انصاف به‌وجود بیاورید و ثبت کنید. چطور چنین تصویری را شما به‌وجود آوردید با عمل خودتان؟ برای خاطر اینکه با یک طرفی روبه‌رو شدید که [طرف ما] سیم خاردار نمی‌توانست بیاورد -که این اطلاع‌بنده است که گفتند و این‌جوری

اروپا پخش نشود؟ چرا در کشورهای آسیا پخش نشود؟ چرا مردم اندونزی و مالزی و پاکستان و هندوستان ندانند که چه اتفاقی در این منطقه افتاده و ما با چه کسی طرف بودیم؟ این تازه مال این قضایای اخیر است؛ اهمیت و عمق و گسترش قضایای دوران دفاع مقدس به مراتب بیشتر از اینها است.

در جشنواره‌های غربی، فیلم‌های ایرانی را بعضاً می‌برند نشان می‌دهند؛ فیلم‌هایی که از لحاظ کیفیت حرفه‌ای به مراتب پایین‌تر از بسیاری از فیلم‌هایی است که برای دفاع مقدس یا برای انقلاب ساخته می‌شود. می‌روند با به‌به و چه‌چه آنها را نشان می‌دهند [اما] یک دانه فیلم دفاع مقدس را اینها نشان نمی‌دهند؛ چرا؟ معلوم می‌شود که می‌ترسند. می‌ترسند از اینکه این تصویر افشاگر به اطلاع مردم دنیا برسد و افکار عمومی دنیا را تحت تأثیر قرار بدهد؛ می‌ترسند. پس این سلاح کارآمدی است، این امکان بزرگی است در اختیار ما؛ چرا از این امکان استفاده نمی‌کنیم؟

آنچه به رشته تحریر در آمد فقط گوشه‌ای از مطالبات و بیانات رهبری در امر روایت دفاع مقدس بود که بهانه انتشار شصت و دومین شماره نگین ایران، ویژه روایت‌گری یادمان‌ها و کاروان‌های راهیان نور نگاشته شد. امید است کارشناسان و صاحب‌نظران این حوزه با توجه به ابعاد مختلف دهه‌های آن دوران پر ماجرا و پندآموز در انتقال همه حوادث ماندگار دفاع مقدس کوشا باشند.

می‌کردند، شوروی آن روز هم از یک طرف. علاوه بر اینها، ما در محاصره اقتصادی که بودیم هیچ، در محاصره سیاسی که بودیم هیچ، در محاصره سخت تبلیغاتی هم بودیم؛ یعنی صدای ما واقعاً به هیچ جا نمی‌رسید، رسانه‌های دنیا در مشت صهیونیست‌ها و در اختیار آنها بود، آنهایی که دشمن بودند؛ نه اینکه طرفدار صدام باشند، دشمن نظام اسلامی بودند و هرچه می‌توانستند علیه ما می‌گفتند و صدای ما به جایی نمی‌رسید؛ یک چنین وضعی را ما داشتیم.

حُب سؤال من این است چرا مردم آلمان و فرانسه ندانند که دولت‌هایشان در دوران آن هشت سال چه کردند با ملتی به نام ملت ایران؟ چرا ندانند؟ الان نمی‌دانند، و این کوتاهی ما است. الان دنیا این تصویر روشن شفاف رسواکننده نظام سلطه را که ما به وجود آورده‌ایم، در مقابل خودش نمی‌بیند؛ چرا؟ این کوتاهی ما است و ما باید تلاش کنیم در این زمینه.

ما در ادبیاتمان، در سینمایمان، در تئاترمان، در تلویزیونمان، در روزنامه‌نگاریمان، در فضای مجازیمان بسیاری از کارها را باید انجام بدهیم درباره دفاع مقدس که انجام نداده‌ایم؛ هر جا هم که انجام دادیم و متعهدانه انجام دادیم، ولو در حجم کم و نسبت به مجموع کاری که باید انجام بدهیم، اندک [بوده] اما تأثیرگذار بوده. همین فیلم اخیر آقای حاتمی‌کیا در سوریه، در هر جایی که پخش شد، مورد استقبال قرار گرفت؛ چرا در



آسیب‌شناسی روایت راویان راهیان نور یادمان شهدای عملیات والفجر ۸

تهیه و تنظیم: گروه پژوهشی نگین*



نوشتار زیر با هدف ارزیابی و نقد روایت راویان راهیان نور مربوط به یادمان شهدای عملیات والفجر ۸ تهیه شده است. در این مقاله ابتدا محورهای مهم تاریخی - حماسی یادمان عملیات والفجر ۸ ذکر شده است و سپس در ادامه چند روایت مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

چکیده

مقدمه

عالی‌رتبه نظامی، برای طراحی این عملیات، ساعت‌های متوالی بحث و آن را بررسی کردند. بحث‌ها گاه آنقدر طولانی، دشوار و حتی تلخ پیش می‌رفت که اجرای عملیات را در هاله‌ای از ابهام فرو می‌برد. شناسایی‌ها چنان دقیق بود که روزها و ماه‌ها لحظه‌به‌لحظه جریان آب رودخانه پرتلاطم اوند رصد و ثبت می‌شد. آموزش‌ها به‌ویژه آموزش شنا و غواصی هم به‌قدری جدی و سخت انجام می‌گرفت که رزمندگان بعد از آنکه پای در خشکی می‌گذاشتند توان خارج کردن لباس غواصی از تن را

در ساعت ۲۲:۱۰ بیستم بهمن سال ۱۳۶۴ عملیاتی آغاز شد که بی‌تردید یکی از بزرگ‌ترین، پیچیده‌ترین و حساس‌ترین عملیات‌های دوران هشت‌ساله جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود. طراحی این عملیات که والفجر ۸ نام گرفت، حاصل قریب به ۹ ماه تلاش بی‌وقفه رزمندگان و فرماندهان در رده‌ها و سطوح مختلف بود. طراحی پیچیده، شناسایی‌های دقیق و آموزش‌های طولانی از جمله ویژگی‌های این عملیات است. فرماندهان



روایت راویان دفاع مقدس، منطقه عملیاتی والفجر ۸، یادمان اروند، اسفند ۹۵

تمهیدات از وجود عقلانیت در جنگ و به کارگیری تدبیر در عملیات‌های دوران دفاع مقدس و به طور مشخص عملیات والفجر ۸ و نیز از زحمات طاقت فرسای فرماندهان و رزمندگان حکایت می‌کند. بدیهی است در این بخش باید به موضوع حفاظت اطلاعات برای رعایت اصل غافلگیری نیز اشاره و این امر تبیین شود که چگونه باوجود تلاش‌های گسترده و اقدامات متنوع برای تمهید مقدمات این عملیات، از بر ملا شدن طرح جلوگیری شد.

و او را برای پذیرش شرایط به حق خود تحت فشار قرار دهند. همچنین چون اقدام به انجام چنین عملیاتی، به علت بسته شدن راه کارهای عملیات در مناطق مختلف در جنوب و شمال و نیز عدم افتتاح‌های متعددی که پس از عملیات بیت المقدس رخ داده بود، خطر داشت، فرماندهان نظامی ایران مجبور بودند هنگام تصمیم‌گیری خود خطرپذیرتر باشند و در جایی عملیات می‌کردند که احتمال غافلگیری دشمن و در نتیجه موفقیت ایران بالا باشد.

۱-۳. آماده سازی منطقه عملیات

عملیات گسترده‌ای نظیر عملیات والفجر ۸ نیازمند آماده سازی وسیع منطقه عملیاتی است. به همین منظور، گروه‌ها و افراد مختلف و متعددی از یگان‌های مختلف رزمی، فنی و مهندسی برای آماده سازی این عملیات تلاش کردند. در این بخش باید به گوشه‌هایی از زحمات طاقت فرسای نیروهای مهندسی و جهاد اشاره شود.

۱-۲. تمهیدات و تدابیر طولانی و پیچیده

این عملیات از زمان تصمیم‌گیری برای اجرا (حدوداً خردادماه ۱۳۶۴) تا زمان اجرای آن (۲۰ بهمن ۱۳۶۴) مراحل طولانی را پشت سر نهاد. طی این مراحل با تمهیداتی (طراحی‌ها، شناسایی‌ها، آموزش‌ها و...) که به صورت دقیق، گسترده و فشرده انجام شده بود) انجام شد که باید به نحو مطلوبی بیان شوند. بیان دقیق این

۴-۱. موقعیت جغرافیایی و طبیعی منطقه

در این بخش ضمن توصیف موقعیت جغرافیای منطقه و ذکر عوارض طبیعی باید شرایط بسیار ویژه رودخانه اروند اعم از عرض، سرعت آب، جهت آب، جزر و مد و... که موقعیتی عبورناپذیر به آن داده است نیز شرح داده شود تا مخاطبان از میزان اهمیت رزمندگان در عملیات والفجر ۸ آگاهی یابند. اقدامی که در ادبیات کلاسیک نظامی جهان بی سابقه و بی بدیل است.

۵-۱. وضعیت دشمن

در تشریح هر عملیات گزارش وضعیت دشمن ازجمله موارد اساسی به شمار می‌رود. اساساً مخاطب باید از میزان توان، استعداد، امکانات، تجهیزات و موانع دشمن در منطقه‌ای که عملیات در آن اجرا می‌شود، آگاهی یابد. این امر باعث خواهد شد مخاطب دریابد که درمقابل فرماندهان و رزمندگان خودی، دشمنی قدرتمند، مسلح و مجهز و بی رحم و... قرار داشت.

عبور غواصان از رودخانه اروند در شب عملیات حماس‌های بی بدیل بود که راوی باید به نحوی شایسته جلوه‌هایی از این حماسه را برای مخاطبان بیان کند

بخش می‌توان با ذکر خاطراتی از غواصان، توضیح لحظه‌های التهاب و اضطراب فرماندهان و رزمندگان و در کنار آن تصویر توکل و توسل آنان بر جذابیت و تأثیر روایت افزود. این رخداد بینظیر به قدری ظرفیت و پتانسیل حماسی در خود دارد که نیازی ندارد تحریف یا درباره آن اغراق شود. کافی است راوی با مطالعه و تحقیق، خاطراتی واقعی از رزمندگان را با امانتداری بیان کند تا مخاطب ضمن لذت بردن از حماسه‌ها، از این توانمندی تدبیر و توکل، تعقل و توسل و شجاعت و شهامت "بسیجیان خمینی" الگوبرداری کند.

۷-۱. نبرد در آن سوی اروند

عبور غواصان از اروند - که خود حماسه‌ای بی بدیل است - سرآغاز نبردی طولانی به نام والفجر ۸ شد. بنابراین، راوی باید شرایط و چگونگی نبرد در آن سوی اروند و در خاک عراق را با وجود همه کمبودها و سختی‌های آن توضیح دهد. مخاطب باید در جریان گوشه‌ای از نبردهای سهمگین رزمندگان در غرب اروند قرار گیرد از جمله شکستن خط، نبرد شهری، نبرد در نخلستان، عبور از باتلاق و... در این بخش می‌توان به مباحث مهم و حماسی نظیر انهدام لشکر گارد ریاست جمهوری عراق، نبرد در جاده فاو ام‌القصر، بمباران شیمیایی عراق و... اشاره کرد. هریک از این موارد البته به شرط استناد می‌تواند سرمایه مناسبی برای روایتی حماسی باشد.

۶-۱. حماسه عبور از اروند

هرچند تمهید مقدمات اجرای عملیات و طراحی‌ها و شناسایی‌های دقیق بخشی مهم از عملیات والفجر ۸ را شکل می‌دهد، عبور غواصان از رودخانه اروند در شب عملیات حماسه‌ای بی بدیل بود که راوی باید به نحوی شایسته جلوه‌هایی از این حماسه را برای مخاطبان بیان کند. در این

۸-۱. نقش یگان‌های هوایی، توپخانه و...

بی تردید، پشتیبانی‌های نیروی هوایی، هوانیروز و توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران و نبردها و حماسه‌آفرینی‌های نیروهای پدافندی و پشتیبانی و... از جمله موارد مهمی است که در موفقیت عملیات والفجر ۸ نقشی مهم بازی کرده است، بنابراین باید به این اقدامات نیز به نحو شایسته اشاره شود.

۲. پل بعثت

«حاج احمد امینی، فرمانده گردان غواص لشکر ۴۱ ثارالله دو بار به آب می‌زند، اما هر بار تلاطم آب او را به این ساحل برمی‌گرداند می‌گویند حاجی چه کار کنیم، حاج قاسم چه کار کنیم چجوری برویم جلو؟ می‌نشینند دست می‌زنند توی این آب، بچه سیدها را می‌آورند زیارت عاشورا را می‌خوانند و آب را به حضرت زهرا^(ع) قسم میدهند، آی آب، مهریه مادر مایی، آرام کن این آب را ما را برسان آنور» می‌گوید «تفهمیدیم چجوری رفتیم و به ساحل عراق رسیدیم». توسل و تلاش

طراحی و احداث پل بعثت که یکی از شاهکارهای مهندسی در دوران دفاع مقدس به‌شمار می‌رود، از جمله موضوعات مهمی است که باید در یادمان شهدای والفجر ۸ درباره آن بحث شود. طراحی و اجرای این پروژه عظیم که به‌نوبه خود از ابتکارات شگرف دوران هشت‌ساله جنگ تحمیلی است، به راوی فرصت می‌دهد هم گوشه‌ای از زحمات طاقت‌فرسای نیروهای جهاد و مهندسی سپاه سنگرزبان بی‌سنگر را برای مخاطب توضیح دهد و هم شعار «ما می‌توانیم» را تبیین کند.

۳. عملیات کربلای ۳

از آنجاکه به عملیات کربلای ۳ یادمانی اختصاص نیافته و نیز باتوجه به اینکه این عملیات، عملیاتی دریایی بود، یادمان شهدای عملیات والفجر ۸ بهترین مکانی است که راوی می‌تواند درباره حماسه‌هایی که در این عملیات به‌عنوان اولین عملیات دریایی سپاه خلق شد، صحبت کند.

براساس آنچه گفته شد در اینجا چند روایت انتخاب و همانگونه که در مطلع بحث به آن اشاره شد، ارزیابی و نقد شده است. این روایت‌ها در اسفند ۱۳۹۶ و فروردین ۱۳۹۷ در یادمان عملیات والفجر ۸ ثبت و ضبط شده‌اند.

عقلانیت در جنگ

برخی از راویان با استناد به بعضی از روایت‌های شفاهی که احتمال صحت و اصالت آنها ضعیف است، مطالبی را بیان می‌کنند که ایجاد شبهه و نیل به سمت روایت‌های غیرواقعی و اغراق‌آمیز عقلانیت در جنگ را نیز با تردید روبه‌رو می‌کند. محمدرضا پورمنش در بخشی از روایت خود می‌گوید:

با هم بود، می‌رسند توی ساحل عراق می‌شود عملیات والفجر ۸، عملیاتی که هنوز دنیا انگشت به دهان است که ما چطور از آن آب متلاطم ارونند عبور کردیم و خودمان را رساندیم به فاو و به مواضع عراقی‌ها و عملیات پیروز شد». جالب توجه آنکه راوی دیگری به‌نام آقای کیانی‌نژاد به‌درستی نقل چنین روایت‌هایی را نقد می‌کند و می‌گوید: «امدادهای غیبی الی ماشاءالله ... بعضی‌ها یا بگوئیم دشمن دانا یا دوست نادان اراجیف و دروغ‌هایی می‌گویند که ... مثلاً همین‌جا [یادمان عملیات والفجر ۸] یک‌وقتی گفته شده بود شب عملیات بچه‌ها هنر نکردند، غواص‌ها هنر نکردند، فاطمه‌زهرا آمده دست بچه‌ها را گرفته از اینجا بلند کرده برده آن‌ور پیاده‌شان کرده ... پدر رزمندگان غواص را در آوردند تا برای این کار آماد ه‌شان کردند، توی آب‌های مشابه، توی هوای سرد ... یعنی چی، این حرف‌ها

امدادهای غیبی الی ماشاءالله ... بعضی‌ها یا بگوئیم دشمن دانا یا دوست نادان اراجیف و دروغ‌هایی می‌گویند که ... مثلاً همین‌جا [یادمان عملیات والفجر ۸] یک‌وقتی گفته شده بود شب عملیات بچه‌ها هنر نکردند، غواص‌ها هنر نکردند، فاطمه‌زهرا آمده دست بچه‌ها را گرفته از اینجا بلند کرده برده آن‌ور پیاده‌شان کرده ... پدر رزمندگان غواص را در آوردند تا برای این کار آماد ه‌شان کردند، توی آب‌های مشابه، توی هوای سرد ... یعنی چی، این حرف‌ها

هنر نکردند، فاطمه‌زهرا آمده دست بچه‌ها را گرفته از اینجا بلند کرده برده آن‌ور پیاده‌شان کرده ... پدر رزمندگان غواص

فاطمه زهرا دستِ بچه‌ها را گرفته، بلندشان کرده، پرتشان کرده آنور این حرف‌ها کدام است، نه‌خیر. بچه‌ها با توسل به حضرت زهرا با رمز مقدس یا فاطمه‌الزهرا^(ع) و بچه‌های فاطمه‌زهرا و با انواع و اقسام آموزش‌ها، تمرین‌ها، رزمایش‌ها خودشان را آماده کردند تا برای اینجا کم‌نیازند...»

روای باید به عنوان بازگوکننده
بخشی از تاریخ دوران
دفاع مقدس، با مطالعه،
اطلاعات صحیح تاریخی را

هرچند گزیده‌گویی و پرهیز از اطناب ملال‌آور یکی از امتیازهای هر نوع روایتی است، اما این رویکرد تا جایی مجاز است که در اصل روایت خللی ایجاد نکند. در برخی از روایت‌ها به علت ضیق وقت یا حوصله اندک مخاطبان، روایان سعی می‌کنند روایت را بیش از حد تلخیص کنند. آنها به جای استفاده از فنون سخنوری و ارائه روایتی جذاب برای مخاطب، خلاصه‌گویی می‌کنند. این امر باعث می‌شود روایتی متناسب با یک رویداد بزرگ تاریخی و حماسی ارائه نشود. روایت آقای نورعلی رمضان‌زاده از جمله چنین روایت‌هایی است. او بسیاری از مطالب مهم مرتبط با عملیات بزرگ والفجر را بیان نمی‌کند. به جرئت می‌توان ادعا کرد که در روایت او تقریباً هیچ نکته و مطلبی دربارهٔ عملیات گفته نشده است؛ نه زمینه‌های اجرای این عملیات، نه مطالعات و شناسایی‌ها و طراحی‌های دقیق آن، نه اهداف و نتایج، نه حماسه بی‌پدیل

سال شانزدهم □ شماره شصت و یکم □ زمستان ۱۳۹۷



روایت راویان دفاع مقدس، منطقه عملیاتی والفجر ۸، یادمان اروند، اسفند ۹۵

دست بزند. در بسیاری از روایتها از جمله روایت آقای فلاح به زمینه‌های اجرای عملیات والفجر ۸ هیچ اشاره‌ای نشده است و راوی به ذکر کلیاتی از طراحی و اجرای عملیات والفجر ۸ بسنده می‌کند.

روایت‌های متناقض

تناقض‌گویی یکی از مواردی است که در روایت بعضی از راویان مشاهده می‌شود. در برخی موارد، اصل تناقض‌گویی باعث تضعیف شدن روایت و وارد آمدن آسیب‌های دیگری می‌شود. روایت آقای محمود کیانی‌نژاد مصداقی از چنین روایت‌هایی است. او در سراسر روایت خود بر حساسیت و پیچیدگی عملیات والفجر ۸ به‌ویژه حوزه حفاظت اطلاعات تأکید می‌کند و می‌گوید: «یکی دیگر از عوامل [موفقیت عملیات والفجر ۸] عبارت بود از رعایت شدید حفاظت اطلاعات در این منطقه، ... برای ورود به این منطقه حتی فرماندهان رده بالا هم مشکل داشتند، هرکس در هر رده‌ای بود باید ورودش در جلسات

عبور از اروند و نه رزم دلیرانه رزمندگان در آن سوی اروند و ...

پاسخ به شبهه کشور گشایی

همانگونه که اشاره شد یکی از موضوعات مهمی که در روایت عملیات والفجر ۸ بحث درباره آن ضرورت دارد زمینه‌های اجرای این عملیات آفندی است. با توجه به اینکه در این عملیات یک شهر عراق تصرف می‌شود و نیروهای نظامی ایران بیش از دو سال در آن حضور دارند، ضروری است راوی با بیان دقیق و صحیح زمینه‌ها و اهداف اجرای این عملیات به شبهه احتمالی در ذهن مخاطبان که ایران قصد کشور گشایی نداشته است پاسخ دهد. در این بخش راوی موظف است شرایط نابرابر سیاسی در حوزه بین‌المللی علیه ایران و به نفع عراق را تشریح کند و برای مخاطب توضیح دهد که جمهوری اسلامی ایران نه برای کشور گشایی و تصرف سرزمین بلکه برای احقاق حقوق خود در صحنه سیاسی، مجبور شد برای چانه‌زنی در مذاکرات و گرفتن یک امتیاز از دشمن به انجام یک اقدام نظامی

فرماندهان تصویب می‌شد. برای ورود به این منطقه یک دژبانى قَدْرِى در محلى بنام خسروآباد بود، فرماندهان در هر ردهاى هم بودند باید بر گره عبور مخصوص نشان مى دادند، خُب به ما هم در حد لشکر خودمان و شايد هم کمتر از تعداد انگشتان دست، اين بر گره مخصوص را داده بودند. فرمانده لشکر همیشه بايد با يك بر گره در دستش رفت و آمد مى كرد. جانشين ايشان و مسئول عمليات و مسئول اطلاعات همين طور. چهار، پنج تا از اين بر گره ها تقريباً به طور ثابت در دست اين برادرها بود ...»

راوى حتى به درستي يكى از دلايل اصلى غافلگيرى عراق را در اين عمليات رعايت شديد مسائل حفاظتى بيان مى كند و مى گويد «اين سختگيرى ها باعث شد با وجود گذشتن تقريباً دو سه روز از شروع عمليات، هنوز صدام و لشكرهاى نامردش باورشان نشود كه منطقه عملياتى اصلى امسال رزمندگان ايرانى همين جاست ...» اما، در ادامه با نقل يك خاطره شخسى، گزاره پيشين يعنى انتقال حساسيت و دقت شديد در مسئله حفاظت اطلاعات به مخاطب را نقض مى كند و مى گويد «يك روز صبح ما راه افتاديم - سه تا ماشين داشتيم، خواستيم بيايم وارد منطقه بشويم بر گره هم نداشتيم - گفتيم تو كلت على الله مى رويم، اگر توانستيم با دژبان كنار بيايم مى رويم داخل، اگر هم نشد از همانجا بر مى گرديم وظيفه ما را انجام مى دهيم. آمديم و ايستاديم در صف. ماشين هاى جلوتر رفتند، نوبت ما شد. من خودم پشت فرمان بودم، با دژبان سلام و عليك كرديم، اين را ياد گرفته بوديم كه با دژبان كَلْ كَلْ نكنيم ... گفتيم مى خواهيم برويم داخل، [گفت:] بر گره داريد؟ [گفتم:] بله كه داريم مگر مى شود بدون بر گره، [گفت بر گره ترددتان را نشان دهيد] ببينم. [امن اشاره كردم] به اين دكمه جيبمان كه تمثال مبارك حضرت امام را داشتيم اينجا. معمولاً همه رزمندگان داشتند، ما هم داشتيم، گفت [اين] بر گره تردد [است؟]، گفتم بله ... اين بنده خوب خدا سرش را انداخت پايين خجالت كشيد

روایت‌های راویان در یادمان شهدای عملیات والفجر ۸ (اروند) ضعیف‌ها و کاستی‌های فراوانی دارد. این روایت‌ها نه تنها به اکثر محورهای مهم تاریخی حماسی عملیات بزرگ والفجر ۸ که در ابتدای این نوشتار به عنوان شاخص‌های یک روایت مطلوب به آنها اشاره شد، نپرداخته‌اند، بلکه از نظر محتوا و شکل روایت نیز دچار ضعف اساسی هستند. به نظر می‌رسد برای رسیدن به یک روایت مطلوب، آموزش راویان هم از نظر اطلاعات تاریخی دربارهٔ عملیات و وقایع حماسی آن و هم از نظر نوع بیان و ارائه، ضرورتی انکارناپذیر است.



مؤلفه‌های روایتگری در یادمان شلمچه

تہیہ و تنظیم: امیر محمد حکمتیان*



	چکیده	
این مقاله به تشریح منطقه شلمچه، اشاره مختصر به وقایع این منطقه از آغاز جنگ تحمیلی تا پایان آن، توصیف موانع و پیچیدگیهای منطقه شلمچه، توضیح مختصر در مورد عملیاتهای کربلای ۴ و ۵ و ارزیابی راویان نسبت به معیارهای اصولی روایتگری می پردازد.		

مقدمه

از ابتدای شروع جنگ تحمیلی تا انتهای آن و سپس، عملیات کربلای ۵ که اهداف عملیات، سازمان رزم خودی و دشمن، شرح عملیات و آمار تلفات دشمن و خودی را در این عملیات دربر می‌گیرد، توضیح داده می‌شود.

وضعیت عمومی و جغرافیایی منطقه شلمچه

شلمچه در غرب خرمشهر و شرق بصره واقع شده و معبر اصلی رسیدن به این دو شهر ساحلی است. در جنوب

در نوشتار زیر روایت برادر سید کریم شریف‌سعدی در اردوی راهیان نور در سال ۱۳۹۶ در یادمان شلمچه، برای ارزیابی انتخاب شده است. در این روایت، هر کدام از مؤلفه‌های مربوط به شلمچه بررسی و ارزیابی می‌شود. به این منظور ابتدا موقعیت جغرافیایی شلمچه، برای مثال موانع و مواضع طبیعی و مصنوعی آن، دلایل اهمیت سیاسی و نظامی این منطقه برای ایران و عراق، وقایع رخ داده در منطقه شلمچه

*. کارشناس اسناد صوتی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

مدتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به این منطقه حمله کرد و سرانجام با آغاز هجوم سراسری به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ در نبردی نه‌چندان آسان، این منطقه را به اشغال خود درآورد سپس به سمت خرمشهر حرکت کرد و تا خرداد ۱۳۶۱ آنجا را در اشغال خود نگه داشت تا آنکه در روز تاریخی ۳ خرداد ۱۳۶۱ خرمشهر آزاد شد، هرچند حاشیه مرزی شلمچه تا شش سال بعد یعنی تا آغاز عملیات کربلای ۵ در ۱۹ دی ۱۳۶۵ در اشغال نیروهای عراقی بود. راوی سیدکریم شریف‌سعدی: «اینجا که شما تشریف آوردید ماکت منطقه عملیاتی کربلای ۵ در منطقه شلمچه است، همین‌طور که ملاحظه می‌فرمایید این ماکت در مقیاس یک‌پنجاه‌هزارم و اگر که می‌بینید خدای‌نکرده یک‌وقت ناقص هست یا کم گذاشته شده به‌خاطر سرعت عمل و فوریتی که داشتیم همین‌طوری که ملاحظه می‌فرمایید منطقه شلمچه شامل دو قسمت شلمچه ایران و شلمچه عراق می‌شود، شلمچه ایران از این سیم‌خاردها که خط مرزی هست را می‌بینید به این طرف و شلمچه عراق به آن طرف هست، چرا شلمچه شد نگین انگشتری دفاع مقدس ما و معروف شد؟ چرا شلمچه در آسمان‌ها و زمین چنین معروف است؟ به‌خاطر عملیات‌هایی که در آن انجام شد.»

ارزیابی روایت راوی: توضیحات راوی از موقعیت جغرافیایی و اهمیت نظامی و سیاسی شلمچه بسیار مختصر است و اطلاعاتی کافی را برای آگاهی و شناخت مخاطب از موقعیت و اهمیت این منطقه در اختیار او قرار نمی‌دهد. این درحالیست که این منطقه در شروع جنگ و پایان آن نقشی مهم دارد. به عبارت دیگر، سرنوشت جنگ در این منطقه رقم می‌خورد. درواقع، بعد از عملیات کربلای ۵ در این منطقه بود که شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۵۹۸ را صادر کرد. راوی محترم بهتر است هنگام روایت در

شلمچه رودخانه بزرگ و خروشان اروند جاری است. در این منطقه جاده‌های اصلی و فرعی متعددی وجود دارد که شلمچه مهم‌ترین آنهاست و از خرمشهر تا تنومه و بصره امتداد یافته است. ایران و عراق حدود ۱۲۰۰ کیلومتر مربع مرز مشترک زمینی با یکدیگر دارند که در این میان، مرزهای خسروی و شلمچه از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. از نظر عراق، خسروی دروازه قصر شیرین و کرمانشاه است و شلمچه دروازه خرمشهر و آبادان. فاصله خسروی از قصر شیرین بیش از ۱۵ کیلومتر نیست، ولی خسروی تا کرمانشاه حدود ۱۶۰ کیلومتر فاصله دارد. حال آنکه، مسافت شلمچه تا خرمشهر فقط ۱۴ کیلومتر است و با دستیابی به خرمشهر، اشغال آبادان آسان می‌شود. تأسیسات صنعتی و پالایشگاهی گسترده آبادان، اهمیت ژئوپلیتیکی خرمشهر و آبادان در کنار اروندرود و خلیج فارس، وجود بندرهای گسترده و مهم در منطقه، تصور عراق درباره اشغال آسان خرمشهر و جزیره آبادان و نیز امکان قطع ارتباط ایران با خلیج فارس در این منطقه از جمله عواملی هستند که بر ارزش و اهمیت نظامی شلمچه افزوده است. از سوی دیگر، از دیدگاه ایران، خسروی دروازه بغداد و شلمچه دروازه بصره به‌شمار می‌آید. خسروی تا بغداد بیش از ۱۰۰ کیلومتر فاصله دارد، درحالی که فاصله شلمچه تا بصره فقط ۲۵ کیلومتر است و تصرف بصره یعنی تسلط بر دومین شهر مهم سیاسی، نظامی و صنعتی عراق و ضربه اساسی بر حاکمیت نظام مستقر در عراق. بر این اساس بود که منطقه محدود شلمچه نظرها را به خود جلب کرد و نبردهای بسیار سنگینی در این محدوده به‌وقوع پیوست که مهم‌ترین آنها عملیات کربلای ۵ بود. درواقع، شلمچه بخشی کوچک از خاک ایران و عراق است که جاده مهم اقتصادی و نظامی خرمشهر-بصره از آن عبور می‌کند و هردو کشور پاسگاه‌هایی کنار این منطقه مرزی احداث کرده‌اند. عراق



روایت راویان دفاع مقدس، منطقه عملیاتی شلمچه، اسفند ۹۵

مخصوص از محور شلمچه پیشروی خود را به سوی ایران آغاز کرد. به دنبال این حمله، پاسگاه شلمچه در بعدازظهر ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به اشغال نیروهای عراقی درآمد.

۲. عملیات بیت المقدس: بعد از موفقیت مرحله اول و دوم عملیات الی بیت المقدس که از ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ تا ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۱ طول کشید، تلاش‌هایی انجام شد برای آزادی منطقه شلمچه، و بدین ترتیب مرحله سوم عملیات بیت المقدس با هدف آزادسازی شلمچه به اجرا درآمد. آخرین مرحله عملیات در اول خرداد ۱۳۶۱ آغاز شد. در این مرحله، سه قرارگاه، هدایت و اجرای عملیات را به عهده گرفتند. دو قرارگاه فجر و نصر به ترتیب در غرب نهر عرایض و در شرق شلمچه وارد عمل شدند. دشمن برای حفظ این منطقه بسیار کوشید و حتی بعد از موفقیت رزمندگان، پاتکه‌ای شدیدی کرد اما رشادت تیپ ۲۷ حضرت رسول^(ص) مانع از عبور نیروهای عراقی شد.

۳. عملیات رمضان: این عملیات در ۲۳ تیر ۱۳۶۱

منطقه شلمچه، اطلاعاتی دقیق و جامع از موقعیت شلمچه و اهمیت سیاسی و نظامی آن برای مخاطبان ارائه کند، تا آنها به شناخت بیشتر و بهتری از این منطقه دست یابند.

وقایع منطقه شلمچه از آغاز جنگ تحمیلی تا پایان آن

۱. اشغال شلمچه توسط عراق: منطقه عمومی شلمچه ایران که از شرق به نهر عرایض، از غرب به پاسگاه شلمچه، از جنوب به نهر خین و جزیره بوارین و از شمال به سیل بند عرایض محدود می‌شود، اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا آستانه هجوم سراسری ارتش عراق، بارها هدف حمله تجاوزگران عراقی قرار گرفت. مسیر منطقه زید تا شلمچه یکی از محورهای تهاجم ارتش عراق به استان خوزستان بود. در شروع جنگ، ارتش عراق با لشکرهای ۳ زرهی، تیپ ۲۶ زرهی از لشکر ۵ مکانیزه، گردانی از تیپ ۴۹ پیاده از لشکر ۱۱ پیاده به همراه گردان‌های ۷، ۸ و ۹ تیپ ۳۳ نیروی

و کارون و در حد فاصل سپاه‌های سوم و هفتم ارتش عراق آغاز شد. در این عملیات که هدف آن عبور از اروند و تصرف ابولخصیب بود، برای تأمین جناح راست عملیات و به‌عنوان تک پشتیبانی، از محور شلمچه و پنج‌ضلعی به مواضع دشمن حمله شد. در این نبرد یگان‌های قرارگاه نجف سپاه پاسداران از دو محور بوارین و پنج‌ضلعی به شلمچه هجوم بردند که در پنج‌ضلعی به موفقیت دست یافتند، ولی در بوارین با ناکامی روبه‌رو شدند. تاکتیک به‌کارگرفته‌شده برای تصرف پنج‌ضلعی، راه‌رنه به موانع و مواضع مستحکم شلمچه را آشکار کرد و بدین‌ترتیب شیوه‌های انجام عملیات کربلای ۵ مشخص شد.

۶. عملیات کربلای ۵: عملیات بزرگ و بسیار مهم کربلای ۵ همان عملیات شلمچه است. این عملیات یکی از سخت‌ترین، معروف‌ترین، دشوارترین و تأثیرگذارترین عملیات‌های دوران جنگ بود که ذهن بسیاری را به خود مشغول کرده است. این عملیات را سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طرح‌ریزی و با به‌کارگیری سه قرارگاه کربلا، قدس و نجف، در اولین ساعات بامداد ۱۹ دی ۱۳۶۵ در جبهه جنوب و در محور شلمچه در منطقه شرق بصره حمله خود را به مواضع دشمن آغاز کرد. قرارگاه کربلا پیش‌تاز این عملیات با حمله به جناح چپ دشمن، به نقطه آسیب‌پذیر ارتش عراق هجوم برد و در دو منطقه کانال پرورش ماهی و پنج‌ضلعی به ترتیب در غرب شلمچه (تا نهر جاسم) و جنوب شلمچه (جزیره بوارین) پیشروی و با تثبیت موقعیت خود نه‌تنها شلمچه ایران را به‌طور کامل آزاد کرد، بلکه شلمچه عراق را نیز به تصرف درآورد. اهمیت شکسته‌شدن استحکامات عراق در شلمچه به‌قدری بود که قدرت‌های جهانی آن روز از توانمندی نظامی ایران

در چهار محور اجرا شد. سه محور آن از زید تا کوشک و محور دیگر آن در شلمچه بود. رزمندگان اسلام عملیات را آغاز کردند و خط دفاعی عراق را شکستند و تا پشت نهر کتیبان پیشروی کردند، اما کم‌توجهی به جناح شمالی عملیات و تحول در زمین نبرد و برخی عوامل دیگر سبب شد ایران نتواند به اهداف خود دست یابد و در نبرد در محور شلمچه نیز موفق نشود.

۴. عملیات والفجر ۸: این عملیات در ششمین سال

جنگ تحمیلی و در روز ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ در مرز جنوبی استان خوزستان و در جنوب جزیره آبادان آغاز شد. هدف از انجام این عملیات، تصرف منطقه فاو و پیشروی به سمت بندر ام‌القصر و قطع ارتباط کشور عراق با دریا بود. در این عملیات هم‌زمان با اجرای تک اصلی یگان‌های سپاه پاسداران در فاو، ارتش نیز تک پشتیبانی در محور زید تا شلمچه را نیز در دستور کار قرار داد. در این عملیات در منطقه شلمچه از دو محور بوارین و پنج‌ضلعی به قوای دشمن حمله شد، اما

عملیات بزرگ و بسیار مهم کربلای ۵ همان عملیات شلمچه است. این عملیات یکی از سخت‌ترین، معروف‌ترین، دشوارترین و تأثیرگذارترین عملیات‌های دوران جنگ بود که ذهن بسیاری را به خود مشغول کرده است. این عملیات را سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طرح‌ریزی و با به‌کارگیری سه قرارگاه کربلا، قدس و نجف، در اولین ساعات بامداد ۱۹ دی ۱۳۶۵ در جبهه جنوب و در محور شلمچه در منطقه شرق بصره حمله خود را به مواضع دشمن آغاز کرد.

موفقیتی دربر نداشت.

۵. عملیات کربلای ۴: این عملیات در ۳/۱۰/۱۳۶۵ در منطقه‌ای به عرض حدود ۴۰ کیلومتر و از پاسگاه زید عراق در شمال شلمچه تا تقاطع رودخانه‌های اروند

اسلامی احساس خطر کردند و ناگزیر تصمیم گرفتند قطعنامه ۵۹۸ را تنظیم و تصویب کنند.

۷. عملیات کربلای ۸: در بامداد روز ۱۸ فروردین ۱۳۶۶ دو قرارگاه کربلا و قدس سپاه پاسداران در شلمچه و در همان منطقه عملیاتی کربلای ۵ با به کارگیری ۷ لشکر و تیپ رزمی به منظور تصرف کانال زوجی در شرق بصره دست به عملیات زدند. این عملیات در سه مرحله انجام شد و ۵ روز طول کشید ولی به هدف خود نرسید و موفقیتی دربرداشت.

۸. عملیات بیت المقدس ۷: این عملیات را قرارگاه کربلای سپاه طرح ریزی و در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۶۶ آن را با رمز یا اباعبدالله الحسین^(ع) در محور شلمچه و پنج ضلعی اجرا کرد. هدف عملیات، انهدام نیروهای دشمن در منطقه شلمچه بود. این عملیات آخرین عملیات تهاجمی ایران بود که در شلمچه انجام شد.

راوی سید کریم شریف سعدی: «در شلمچه هشت عملیات بزرگ و چندین عملیات کوچک انجام شد، اولین عملیاتی که در شلمچه انجام شد، عملیاتی بود که ورود نیروهای متجاوز ارتش بعث عراق از همین محور بود که فاصله شلمچه تا خرمشهر ۱۴ کیلومتر تا بصره حدود ۲۴ کیلومتر، شلمچه ای که آباد بود، شلمچه ای که سیزده پارچه آبادی درش بود و نخلستان های بسیار باصفا و بزرگی در شلمچه بود، دشمن بعثی با خیال خودش گفت من می روم سه ساعته خرمشهر را می گیرم، سه روزه می روم اهواز را می گیرم و یک هفته ای می روم تهران و کار انقلاب اسلامی ایران را تمام می کنم، اما زهی خیال باطل، این اولین عملیات شلمچه بود. دومین عملیاتی که در شلمچه انجام شد الی بیت المقدس که ما آمديم خرمشهر را، خرمشهری را که به گفته حضرت امام خدا

آزاد کرد، در آنجا داشتیم در سوم خرداد شادی می کردیم اما دشمن بعثی مان در شلمچه داشت ضد حمله انجام می داد که برگرد دوباره خرمشهر را بگیرد وقتی به ما می گفتند توی شلمچه دشمن بعثی دارد پاتک می کند خیال می کردیم پنجاه تا شصت کیلومتر فاصله است نه بابا چهارده کیلومتر، بعد از آن عملیات رمضان در ۲۳ تیر ۱۳۶۱ بود که در شلمچه انجام شد. هم زمان با عملیات خیر عملیات بعد و عملیات والفجر ۸ ما در منطقه شلمچه

عملیات های ایذایی، عملیات فریب داشتیم که دشمن را در همین جا سرگرم کنند و در نقاط مثل هورالعظیم و منطقه ارون دکنار فاو بتوانیم تک اصلی مان را انجام بدهیم، عملیات دیگری که در شلمچه انجام شد عملیات کربلای ۴ است از آن گوشه پنج ضلعی که شروع می شد ادامه پیدا می کرد می آمد تا داخل خرمشهر نزدیک جزایر مینو عملیات

کربلای ۴ انجام شد که در منطقه پنج ضلعی لشکر ۱۹ فجر فارس بغل دستش سمت چپ تیپ ۵۷ حضرت ابوالفضل با سمت چپش ۵ نصر ادامه پیدای می آید تا داخل خرمشهر ۳۱ عاشورا، ۱۴ امام حسین، ۳۳ المهدی همان هایی که می رویم علقمه و ۳۲ انصار الشکر ۷ ولیعصر در کنار جزیره مینو عمل می کند کربلای ۴ ظاهراً شکست خورد اما کلید پیروزی کربلای ۵، کربلای ۴ بود چرا؟ چون دشمن بعثی گفت من چنان ضربه ای

در این روایت، برخلاف مؤلفه اول (موقعیت شلمچه) راوی با توجه به مدت زمان اندکی که برای روایت داشت به وقایع رخ داده در منطقه شلمچه، مختصر اما بسیار خوب اشاره می کند و اطلاعات کافی از عملیات را در اختیار مخاطب قرار می دهد.

موانع و پیچیدگی‌های منطقه شلمچه

الف- موانع طبیعی

۱. رودخانه اروند: طول این رودخانه در منطقه شلمچه، از انتهای غربی جزیره بوارین تا شهر بصره، به ۲۰ کیلومتر می‌رسد. بستر رودخانه، گلی و رسوبی و عمق آن، از ۵ تا ۲۰ متر متغیر است. این رود، در بعضی نقاط، به چند شعبه تقسیم می‌شود و جزایر متعددی را تشکیل می‌دهد. برای مثال، اروندرود در منطقه شلمچه به دو شعبه اروند صغیر و اروند کبیر تقسیم می‌شود که در اثر این تقسیم، جزایر ماهی، ام‌الطویل و صالحیه شکل گرفته است.

۲. اروند صغیر: همان‌طور که اشاره شد این رودخانه انشعابی از بستر اصلی اروندرود است که با طی مسیری ۲۰ کیلومتری، در انتهای جزیره صالحیه، مجدداً به مسیر اصلی خود بازمی‌گردد. عرض این رودخانه ۴۰ تا ۱۵۰ متر است. جزایر ماهی، ام‌الطویل و صالحیه در اثر جدایی اروند صغیر از بستر اصلی خود به‌وجود آمده‌اند و از نظر نظامی اهمیتی فراوان دارند.

۳. نهر دوعیجی: نهر دوعیجی، به طول ۵/۵ کیلومتر، عرض ۳ و عمق تقریبی ۶ متر، از اروند صغیر منشعب و به انتهای کانال پرورش ماهی متصل می‌شود. در غرب این نهر، خاکریزی به ارتفاع ۳ متر وجود دارد.

۴. نهر جاسم: نهر جاسم به طول ۳/۵ کیلومتر، عرض ۲۵ و عمق ۳ متر در حالت مد، از اروند صغیر منشعب و به نهری دیگر متصل می‌شود. در پشت این نهر (سمت غربی آن) یکی از خطوط پدافندی مستحکم عراق دارد. نهر جاسم یا نهرهای شبیه آن را با توجه به طول، عرض و عمق آنها می‌توان به‌عنوان مانعی پدافندی استفاده کرد. ارتش عراق نیز با آگاه‌بودن از این موضوع و با احداث

به شما یعنی ایرانی‌ها زدم که حداقل تا شش‌ماه دیگر هیچ‌گونه عملیاتی نمی‌توانید انجام بدهید، اما زهی خیال باطل وقتی که صدام لعنت‌الله‌علیه تمام ترفیعاتش را داد، مرخصی‌ها را داد، تشویقی‌ها را داد رفت توی مکه و آنجا سجده شکر بجا بی‌آورد بهش گفتند چرا نشستی ایرانی‌ها در دروازه‌های بصره دارند پیش می‌آیند، چرا به ما شانزده روز بعدش عملیات پیروزمند کربلای ۵، کربلای ۸ را در همین منطقه شلمچه بیشتر در منطقه غرب کانال پرورش ماهی انجام دادیم، بعدازآن عملیات عراق در چهارم خرداد ۱۳۶۷ تک بسیار شدیدی را با کمک شیمیایی و سیانور انجام داد در منطقه شلمچه آمد جلو تا روی خط مرزی و کل منطقه شلمچه خودش را تصاحب کرد در ۲۳ خرداد ۱۳۶۷ ما عملیات الی بیت‌المقدس ۷ را انجام دادیم و بیت‌المقدس ۷ که انجام شد در ۲۳ خرداد ۱۳۶۷ بعد در تاریخ ۲۷ تیر ۱۳۶۷ قطعنامه ۵۹۸ توسط جمهوری اسلامی ایران مورد قبول واقع شد اما دشمن که برای فتح ایران برنامه‌ریزی‌های زیادی کرده بود با کمک صهیونیست‌ها و آمریکا و شوروی آمد در تاریخ ۳۰ و ۳۱ تیر ۱۳۶۷ و ۱ مرداد عملیات بسیار بزرگی را به نام عملیات سرنوشت انجام داد که در منطقه حسینیّه ۴۵ کیلومتری خرمشهر از جاده اهواز، خرمشهر حتی گذشت و دو کیلومتر رفت جلوتر و از آنجا بیمارستان صحرائی امام حسین را زد، بیمارستانی که طبق پروتکل‌های بین‌المللی حق زدنشان را ندارند».

اربابی روایت راوی: در این روایت، برخلاف مؤلفه اول (موقعیت شلمچه) راوی با توجه به مدت زمان اندکی که برای روایت داشت به وقایع رخ داده در منطقه شلمچه، مختصر اما بسیار خوب اشاره می‌کند و اطلاعات کافی از عملیات را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد.



روایت راویان دفاع مقدس، منطقه عملیاتی شلمچه، اسفند ۹۵

این منطقه را به دریاچه‌ای مصنوعی تبدیل کند، جاده‌ها، گودال‌ها و خاکریزهایی در زمین منطقه وجود داشت که با این اقدام همگی به زیر آب رفتند، اما همچنان شکل و حالت خود را در زیر آب حفظ کردند. هدف از جاری کردن آب در منطقه ایجاد مانعی عبورناپذیر برای نیروهای خودی بود که پیرو تدابیر پدافندی ارتش عراق و برای جلوگیری از نفوذ به مواضع پدافندی آن انجام گرفت. همچنین ارتش عراق برای اطمینان بیشتر و جلوگیری از عبور غافلگیرانه رزمندگان اسلام از منطقه آب‌گرفتگی، این محدوده را با دژهای خاکی تجزیه و چند خاکریز از پاسگاه کوت‌سواری تا پاسگاه بوبیان به‌طرف شمال احداث کرد.

۲. منطقه پنج‌ضلعی: منطقه پنج‌ضلعی حدود ۴ کیلومترمربع مساحت داشت. کانال‌ها، دریاچه‌ها و باتلاق‌های مصنوعی که دورتادور آن ایجاد شده بود، این محدوده را به شکل جزیره‌ای پنج‌ضلعی درآورده بود. این منطقه دارای خطوط پدافندی متعدد و دژهایی مستحکم

مواضعی در پشت نهرهای موجود در منطقه، از وضعیت و موانع طبیعی منطقه حداکثر بهره‌برداری را کردند.

۵. نهر هسجان: این نهر به طول ۴ کیلومتر و عرض ۱۰ الی ۱۲ متر بین نهرهای دوعیجی و جاسم قرار دارد.

ب- موانع مصنوعی

۱. منطقه آب‌گرفتگی: آب‌گرفتگی منطقه شلمچه، از شمال جزیره بوارین به فاصله یک کیلومتر از جاده شلمچه آغاز می‌شد و در امتداد مرز، به‌طرف شمال در ده کیلومتر انتهایی کانال پرورش ماهی، مابین ضلع شرقی آن و دژ مرزی عراق گسترش می‌یافت و حدوداً به ۷۵ کیلومترمربع می‌رسید. این آب‌گرفتگی با کانالی به عرض ۲ کیلومتر، از سمت پاسگاه زید، از طریق هورالعظیم تغذیه می‌شد. عمق آب باتوجه به کنترل آن در این منطقه، حداکثر به ۱۷۰ سانتی‌متر می‌رسید. کمترین عمق آب در کناره‌های آب‌گرفتگی حداقل ۳۰ سانتی‌متر بود. پیش از آنکه دشمن

پروورش ماهی بود؛ اما هدف اصلی از احداث آن، ایجاد مانعی در مقابل پیشروی احتمالی نیروهای زرهی ایران به سمت بصره بود. ارتش عراق در دوران جنگ به‌ویژه هم‌زمان با عملیات‌های رمضان، کربلای ۴ و کربلای ۵ با عملیاتی کردن این کانال، از این عارضه بزرگ برای دفاع از بصره بهره جست. طول تقریبی کانال ۳۰ کیلومتر و عرض آن ۱ کیلومتر است. عمق آب در آن زمان در کناره کانال ۵۰ سانتی‌متر و در اواسط آن به ۵/۲ متر می‌رسید.

دید بیشتر و افزایش تأثیر تیر مستقیم، نخل‌ها را کنده و نی‌ها و چولان‌های جلو خطوط پدافندی را سوزانده بودند. جزیره بوارین محور وصولی مناسبی برای دستیابی به عمق مواضع دشمن در شلمچه بود، به همین دلیل، ارتش عراق با احداث استحکامات و موانع فراوان، بوارین را به یکی از مستحکم‌ترین خطوط پدافندی خود تبدیل کرد. علاوه بر این، در نوک شرقی بوارین، سکوهای تانک و مواضع تیربارهای سنگین ایجاد شده بود تا با آتش مستقیم، تنگه

اروند و از طرف دیگر با کانال پرورش ماهی، شکلی خاص به زمین منطقه بخشیده بود. این کانال، نقطه‌ای مناسبی برای توقف تک و انجام پدافند به‌شمار می‌آمد.

۷. موضع هلالی: در طول خطوط پدافندی منطقه شلمچه، آنچه در وهله اول توجه را جلب می‌کرد، مواضع هلالی‌شکل در پشت این خطوط بود. این مواضع نیم‌دایره‌ای، به شعاع ۲۰۰، عرض ۳ و ارتفاع ۵ تا ۶ متر، خط دفاعی محکمی را تشکیل می‌دادند. کانالی دورتادور مواضع هلالی‌شکل و کانال‌های فرعی منشعب از آن، ارتباط سنگرهای پیاده و تانک را برقرار می‌کردند. دیوار کانال‌ها از جنس سیمان و سنگرهای نفرت آن مسقف بود. اطراف کانال، جاده‌هایی وجود داشت که رفت‌وآمد تانک‌ها را روی آن میسر می‌کرد. در پشت هلالی‌ها، سنگرهایی برای توقف تانک‌ها در زمان‌های غیرعملیاتی تعبیه شده بود. به این ترتیب، در هنگام لزوم، تانک‌ها با گذشتن از جاده‌ها به روی کانال می‌آمدند و با استقرار در جایگاه خود و با تسلط هرچه تمام‌تر (به‌علت ارتفاع تقریباً ۶ متری مواضع هلالی)، به‌سوی نیروی مهاجم شلیک می‌کردند. سنگرهای نیروهای پیاده که عمدتاً به تیربار مجهز بودند، بر خط اول کاملاً تسلط داشتند و راه نیروهای پیاده مهاجم را سد می‌کردند. رهاکردن آب داخل قوس هلالی و احداث میداین مین (مین والمر و ضدنفز) و سیم‌خاردار در آنجا امکان دستیابی نیروی مهاجم به قلب هلالی را محدود می‌کرد. از ویژگی‌های دیگر این مواضع، ویژگی پدافند دورتادور آن بود که دور زدن مواضع را مشکل می‌کرد.

۸. جزیره بوارین: این جزیره ۱۰ کیلومتر طول و حدود ۸ کیلومتر مربع مساحت دارد. سطح جزیره پوشیده از نخل و سواحل آن را نیز انبوه چولان پوشانده است. نیروهای عراقی در مقابله با حمله احتمالی قوای ایران، برای ایجاد

آبی بین ام‌الرصاص و بوارین نفوذناپذیر و فعالیت‌های آبی رزمندگان در این منطقه ناممکن شود.

راوی سیدکریم شریف‌سعدی: «در عملیات کربلای ۵، بین نیروهای رزمنده ماو دشمن بعضی‌مان حدود چهار کیلومتر آب‌گرفتگی بود. در این چهار کیلومتر حدود چهارصد مترش را چهل ردیف سیم‌خاردار، خورشیدی، میدان مین قرارداده و آب انداخته بود. این آب به عمق پنجاه ت هفتاد سانت بود؛ یعنی در این آب نه می‌شود شنا کرد و نه می‌شود راه رفت. پس بچه‌های رزمنده ما از این آب غواص‌هایمان

جزیره بوارین-محور وصولی مناسبی برای دستیابی به عمق مواضع دشمن در شلمچه بود، به همین دلیل، ارتش عراق با احداث استحکامات و موانع فراوان، بوارین را به یکی از مستحکم‌ترین خطوط پدافندی خود تبدیل کرد. علاوه بر این، در نوک شرقی بوارین، سکوهای تانک و مواضع تیربارهای سنگین ایجاد شده بود تا با آتش مستقیم، تنگه آبی بین ام‌الرصاص و بوارین نفوذناپذیر و فعالیت‌های آبی رزمندگان در این منطقه ناممکن شود.

بچه‌های اطلاعات عملیات چه جور گذشتند؟ چهار دست و پا کردند از این آب گذشتند، حواسمان باشد آن چیزی که خیلی از دشمن‌های گفتند ایرانی‌ها دیگر نمی‌توانند، چرا؟ چون منطقه

عملیات‌های کربلای ۴ و ۵

سال شانزدهم ☐ شماره شصت و یکم ☐ زمستان ۱۳۹۷



روایت راویان دفاع مقدس، منطقه عملیاتی شلمچه، اسفند ۹۵

هدف‌ها و علل انجام عملیات کربلای ۵

پیشروی به‌سوی بصره از زمان طراحی عملیات بیت‌المقدس تا پایان عملیات کربلای ۵ که جنگ در خوزستان و در جبهه جنوب به بن‌بست رسید، جزو راهبردهای اساسی نظامی جمهوری اسلامی بود. ایران تا پیش از عملیات کربلای ۵ حدود ۸ بار در محور شلمچه عملیات انجام داده بود. (در تمام دوران جنگ تحمیلی، رسیدن به دروازه‌های بصره همیشه به‌عنوان هدف استراتژیک جنگ ایران مطرح بود. به‌ویژه پس از آنکه جنگ به خاک عراق کشانده شد، این هدف اهمیت بیشتری یافت). هدف سیاسی عملیات کربلای ۵ نزدیک‌شدن نیروهای ایرانی به شهر بصره به‌عنوان دومین شهر بزرگ عراق بود. برای این امر نیز نیاز بود به قوای دشمن ضربات نظامی تعیین‌کننده‌ای وارد آید. نتیجه آنکه با طراحی دقیق عملیات اجرا شد و فشارهای سیاسی عظیمی بر رژیم عراق وارد آمد و بخشی وسیع از

ایران در زمستان ۱۳۶۵ پایان یافته است، درمیان نگرانی و نابسامانی به‌وجودآمده از عدم الفتح کربلای ۴ و شرایط سخت سیاسی و اقتصادی کشور و همچنین نگرانی از پراکنده‌شدن نیروهای حاضر در جبهه، فرماندهان سپاه تصمیم گرفتند در زمین شلمچه عملیات جدیدی اجرا کنند. موانع، استحکامات و مسلح‌بودن زمین، جرئت لازم را از هر فرماندهی سلب می‌کرد که برای عملیات به شلمچه فکر کند. باوجود این، عملیات کربلای ۵ به تشخیص آقای محسن رضایی فرمانده سپاه و موافقت توأم با تردید و نگرانی آقای هاشمی رفسنجانی و نیز همراهی فرماندهان دیگر سپاه -باوجود ترس آنها- در تاریخ ۱۹ دی ۱۳۶۵ شروع و پس از ۱۶ روزدرگیری سنگین و نبرد تن‌به‌تن، ارتش عراق متحمل سنگین‌ترین شکست در تاریخ این جنگ شد و مرحله‌به‌مرحله و گام‌به‌گام، از زمین‌های مسلح و پرمنازع عقب‌نشینی کرد و به پشت دوعیچی و کانال زوجی رفت.

ز- توپخانه: ۴۶ گردان.۲۰

در این عملیات فرماندهی و هدایت عملیات برعهده قرارگاه خاتم‌الانبیاء^(ص) بود که براساس ۲۰۰ گردان موجود، سازمان رزم عملیات را به شکل زیر طراحی کرد: قرارگاه کربلا که لشکر ۲۵ کربلا، لشکر ۴۱ ثارالله^(ع)، لشکر ۱۹ فجر، لشکر ۱۰ سیدالشهدا^(ع)، لشکر ۳۱ عاشورا، تیپ مستقل ۳۳ المهدی^(ع)، تیپ مستقل ۱۸ الغدير و تیپ مستقل ۴۸ فتح را شامل می‌شد؛ قرارگاه نجف که لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب^(ع)، لشکر ۵ نصر، لشکر ۱۰۵ قدس، لشکر ۱۵۵ ویژه شهدا، لشکر ۲۱ امام رضا^(ع)، تیپ مستقل ۵۷ حضرت ابوالفضل^(ع)، تیپ مستقل ۲۹ نبی اکرم^(ص) و تیپ مستقل ۱۲ قائم^(ع) را شامل می‌شد؛

قرارگاه قدس که لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله^(ص)، لشکر ۷ ولی‌عصر^(ع)، لشکر ۸ نجف اشرف، لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، لشکر ۳۲ انصارالحسین^(ع) و تیپ مستقل ۴۴ قمربنی‌هاشم^(ع) را شامل می‌شد؛ قرارگاه خاتم‌الانبیاء که گردان مستقل ۳۸ زرهی ذوالفقار، تیپ ۲۰ زرهی رمضان و تیپ توپخانه ۱۵ خرداد تحت امر^(ص) آن بودند.

درمجموع، ۲۴ گردان توپخانه آماده آتش وجود داشت. درجریان عملیات نیز قرارگاه عملیاتی نوح و تیپ‌های مستقل ۱۱۰ خاتم‌الانبیاء^(ص) و ۲۲ بدر نیز به سازمان رزم عملیات ملحق شدند. ۳ این ۲۴ یگان شرکت‌کننده در عملیات کربلای ۵ درمجموع ۳۰۰۰۰ (۲۱۵۰۰۰ پاسدار، ۶۵۰۰۰ سرباز و ۱۲۰۰۰ بسیجی) نیرو داشت. این درحالی بود که سپاه در این عملیات ۲۲۰ گردان نیرو را- که استعدادی بین ۸۵۰ تا ۱۰۰۰ نفرداشتند- به‌کارگرفت.۴

ارتش بعثی نیز منهدم شد. هدف نظامی عملیات کربلای ۵ نیز عبارت بود از رسیدن به یک خط دفاعی در اطراف تنومه که یکی از شهرک‌های شرق بصره بود؛ ایران قصد داشت با انجام این عملیات و اعمال فشار نظامی بر رژیم صدام، و کشاندن او به پای میز مذاکره امتیازهای سیاسی مشخصی از او بگیرد و ضمن پایان‌دادن به جنگ با برتری ایران و احقاق حق ملت ایران، تضمینی برای صلح پایدار به‌دست آورد. تصور عمده آن بود که در آن مقطع زمانی اجرای یک عملیات نظامی موفق، اهرمی مؤثر برای فشار در مذاکرات سیاسی است. در آن دوران تصمیم‌گیران ایران چنین تلقی می‌کردند که با تصرف منطقه شلمچه و نزدیک‌شدن به شهر بصره که دومین شهر بزرگ عراق و مهم‌ترین مرکز نفتی آن کشور بود، می‌توان به چنین هدفی رسید.۱

سازمان رزم خودی و دشمن در عملیات کربلای ۵ منطقه عملیاتی کربلای ۵ در حوزه پدافندی سپاه سوم عراق قرار داشت و سه لشکر ۱۱ پیاده، ۵ مکانیزه و ۳ زرهی در این منطقه مستقر بودند. با شروع عملیات، تعداد دیگری از لشکرهای عراق به‌تدریج در منطقه عملیاتی حضور یافتند. این لشکرها عبارت بودند از:

الف- پیاده: لشکرهای ۲، ۴، ۷، ۸، ۲۲، ۳۲، ۱۴، ۱۵، ۲۵، ۱۸، ۳۰، ۲۹، ۲۷، ۲۸، ۳۳، ۲۰ و ۳۵؛

ب- زرهی: لشکرهای ۶، ۱۰ و ۱۲؛

ج- مکانیزه: لشکر ۱؛

د- گارد ریاست جمهوری: لشکرهای ۱، ۲، ۳ و ۶؛

ه- نیروی مخصوص: تیپ‌های ۶۵، ۶۶ و ۶۸؛

و- کماندو: تیپ‌های ۱، ۲ و ۳ ستادکل، هفت تیپ کماندویی از سپاه‌های هفت‌گانه و پنج گردان مستقل کماندو.

شرح عملیات

در طراحی اولیه مانور عملیات، قرار شد یک محور هجوم در شمال منطقه پنج‌ضلعی و یک محور در جناح راست آن، با عبور از کانال پرورش ماهی قرار داده شود. این قرارگیری دشمن را که استحکامات منطقه را بیشتر برای پدافند از شرق احداث کرده بود، با هجوم قوای جمهوری اسلامی از شمال به جنوب مواجه می‌کرد. به علت محدودیت زمین و وابستگی منطقه پنج‌ضلعی به جناح راست منطقه عملیات، قرار شد مأموریت شکستن خط و گرفتن جای پای اولیه را به عهده قرارگاه کربلا گذاشته شود و سپس دو قرارگاه قدس و نجف با عبور از این جای پا منطقه تصرف شده را توسعه دهند. ۵ فرمان آغاز درگیری در ساعت ۱:۳۵ بامداد روز ۱۳۶۵/۱۰/۱۹ با رمز یا زهرا^(س) به یگان‌های خط‌شکن ابلاغ شد. پس از اعلام شروع عملیات، نیروهای قرارگاه کربلا مواضع دشمن در محورهای کانال پرورش ماهی، منطقه پنج‌ضلعی و شلمچه درهم شکستند و به هم ملحق شدند. قرارگاه نجف نیز که در شب اول عملیات فقط با یک لشکر در جزیره بوارین - به منظور فریب دشمن - وارد عمل شده بود، توانست به طور موقت و محدود در خط اول ارتش عراق به این جزیره رخنه کند. در ادامه عملیات، نیروهای خودی ضمن درهم شکستن دو پاتک عراق به سوی شلمچه پیشروی کردند و در ساعت ۱۰ صبح به مجاورت کانال هفت‌دهنه رسیدند و با تصرف دوموضع هلالی شکل اول و دوم، موقعیت خود در منطقه پنج‌ضلعی و شلمچه را مستحکم کردند. عملیات در شب دوم در حالی ادامه یافت که دشمن با آگاهی از تلاش اصلی فرماندهی عملیات، یگان‌هایی را که به فاو و مناطق دیگر عملیاتی برده بود، به سرعت به منطقه شلمچه منتقل کرد. بخش اعظم تلاش دشمن به عقب‌راندن نیروها از غرب کانال و

نیز جلوگیری از ایجاد الحاق در مثلث نوک کانال معطوف شده بود. این امر باعث شد قوای قرارگاه‌های قدس و نجف وارد عمل شوند، اما عواملی همچون آتش دشمن، نداشتن مواضع مناسب برای پدافند موجب شد نیروهای خودی فقط به انهدام نیروی دشمن و استحکام مواضع متصرفه در روز اول و نیز به هم زدن آرایش نیروهایی که خود را برای پاتک آماده می‌کردند، بسنده کنند. با روشن شدن هوا در روز دوم عملیات، پاتکه‌ای سنگین دشمن - بیش از ۲۰ مورد - در غرب کانال پرورش ماهی شروع شد که در هر پاتک، رزمندگان با تحمیل تلفات به یگان‌های دشمن آنها را عقب راندند. در شب سوم، پدوبیان، بخشی از جاده آسفالت در جنوب کانال پرورش ماهی، پل دوم و نیز مواضع هلالی شکل نوک کانال به تصرف نیروهای قرارگاه کربلا در آمد. نیروهای قرارگاه نجف نیز ضمن تصرف سومین موضع هلالی شکل، روی دژ مرزی پیشروی کردند. همچنین، قوای قرارگاه قدس حرکت خود را در شرق نهر دوعیجی آغاز کردند و ضمن پاک‌سازی مواضع هلالی شکل سوم و چهارم، به جاده شلمچه دست یافتند. بدین ترتیب، یگان‌های دو قرارگاه قدس و نجف موفق شدند اهداف مرحله اول عملیات را تأمین کنند. در ادامه، یگان‌های قرارگاه قدس به منظور تصرف خط دشمن در مجاورت نهر جاسم به پیش رفتند، لیکن به دلیل مقاومت نیروهای عراقی که تا صبح روز بعد ادامه داشت، مجبور شدند از خط نهر دوعیجی عقب‌نشینی کنند. ساعت ۹ صبح فشار هوایی و بمباران خطوط عملیاتی عقبه‌های خودی با به کارگیری سلاح‌های شیمیایی افزایش یافت و دشمن توانست نیروهای مستقر در محور کانال ماهی را عقب براند. در شب چهارم نیز طرح عملیات شب قبل مجدداً تکرار شد و همه یگان‌ها - جز یک یگان که وارد بوارین شده بود - پس از انهدام نیرو و

نهرجاسم را از دست داده بود، با ادامه عملیات در غرب این نهر و پذیرش تلفات بیشتر، سرانجام برای جلوگیری از پیشروی قوای نظامی سپاه پاسداران، تعداد زیادی از یگان‌های خود را وارد منطقه کرد. در این میان، باتوجه به مشکلات، موانع و کمبودهای موجود به‌نظر می‌رسید تداوم عملیات در غرب نهرجاسم و دستیابی به کانال زوجی آسان نیست، بنابراین، در تاریخ ۱۳۶۵/۱۱/۷ مقرر شد مهلت دوهفته‌ای به یگان‌های عمل‌کننده - برای بازسازی و تجدید قوا - داده شود تا آمادگی لازم را برای ادامه عملیات بیابند. در شامگاه مورخ ۱۳۶۵/۱۲/۳، مرحله تکمیلی عملیات آغاز شد و نیروها با پیشروی در محور نهر جاسم موفق شدند چهار راه شلمچه را تصرف کنند. متقابلاً، دشمن نیز با فرا رسیدن صبح، علاوه بر انجام سهم وردپاتک - با استفاده از سلاح شیمیایی - خطوط خود را در این محور تقویت کرد. در ادامه عملیات، نیروهای خودی موفق شدند تا روز ۱۳۶۵/۱۲/۱۳ ضمن پیشروی در غرب کانال ماهی و تصرف هلالی‌شکل سوم و نیز تسخیر یکی از مستحکم‌ترین قرارگاه‌های دشمن در منطقه، نیروهای دشمن را منهدم کنند.

نتایج عملیات کربلای ۵

عبور از موانع نفوذناپذیر دشمن در شرق بصره و حضور در حومه این شهر چنان اهمیت یافت که در پی این عملیات نتایج زیر به دست آمد:

در عملیات کربلای ۵، یادرواقع شلمچه، عراق به شکست نظامی (ونه شکست عملیاتی) تن داد و در پی آن، بار دیگر موازنه نظامی و سیاسی همچون پس ازفتح خرمشهر به ضرر رژیم بعث و به نفع جمهوری اسلامی رقم خورد و رژیم عراق درآستانه شکست کامل درجنگ قرار گرفت،

درنهایت با روشن‌شدن هوا به خطوط پدافندی روز قبل خود بازگشتند تا برای آغاز مأموریت بعدی آماده شوند. درابتدای روز چهارم، پاتک دشمن به جزیره بوارین آغاز شد که با تلاش نیروهای قرارگاه نجف این پاتک ناکام ماند. در محور قرارگاه کربلا نیز برای حفظ مواضع جناح راست و تثبیت موقعیت در منطقه کانال پرورش ماهی، نیروهای خودی آب را رها کردند. به‌این‌ترتیب، پیشروی در این محور متوقف شد و عملیات با دو هدف اصلی تصرف خط

نهرجاسم و پاک‌سازی جزیره بوارین ادامه یافت. ازساعت ۳ بامداد روز پنجم عملیات، دشمن پاتک خود را در غرب کانال ماهی با شدیدترین و پرجمع‌ترین آتش توپخانه درطول جنگ آغاز کرد و نهایتاً پس ازحدود ۲/۵ ساعت فقط توانست دوموضع هلالی‌شکل را پس بگیرد. با فرا رسیدن شب، یگان‌های قرارگاه نجف مأموریت دیگری را با هدف تصرف کامل بوارین و مقر دشمن آغازکردند و موفق شدند فقط به هدف دوم (تصرف مقردشمن) دست یابند. در روزها و شب‌های بعد

نیز رزمندگان طی درگیری‌های متعدد توانستند علاوه بر استقرار در شرق نهرجاسم، قسمتی از غرب این نهر را به‌عنوان سرپل به‌دست آورند. متقابلاً، دشمن درحالی‌که تلفات بسیاری را متحمل شده و زمین ارزشمند شرق

در عملیات کربلای ۵ یا درواقع شلمچه، عراق به شکست نظامی (ونه شکست عملیاتی) تن داد و در پی آن، بار دیگر موازنه نظامی و سیاسی همچون پس ازفتح خرمشهر به ضرر رژیم بعث و به نفع جمهوری اسلامی رقم خورد و رژیم عراق در آستانه شکست کامل درجنگ قرار گرفت، موقعیت سیاسی و نظامی عراق تضعیف شد و در نتیجه حملات گسترده این کشور به مراکز اقتصادی، صنعتی و مسکونی ایران بار دیگر آغاز شد.

۳۰ هزار کشته، حدود ۷۰ هزار مجروح و اسارت ۲۶۵۰ نفر از نیروهای دشمن؛

انهدام ۸۷۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۰۰۰ دستگاه خودرو، ۱۸۰ قبضه توپ صحرایی، ۱۲۰ قبضه توپ ضد هوایی، ۴۰۰ قبضه خمپاره‌انداز و تفنگ ۱۰۶ میلی‌متری، ۴۵ فروند هواپیما و هفت فروند هلی‌کوپتر؛

به‌غنیمت‌درآمدن ۲۳۰ دستگاه تانک و نفربر، ۲۰۰ دستگاه خودرو، ۲۰ قبضه توپ صحرایی، ۱۰۰ قبضه

توپ ضد هوایی، ۲۵۰ قبضه خمپاره‌انداز و تفنگ ۱۰۶ میلی‌متری و ۱۰۰ دستگاه مهندسی.

در باره آمار شهدا، مجروحان و مفقودان خودی در این عملیات باید اشاره کرد که از کل ضایعات انسانی یگان‌های سپاه در این عملیات که مشتمل بر ۶۴۴۷۹ تن می‌شد، ۷۶۵۱ تن شهید، ۵۳۲۹۹ تن مجروح و ۳۵۲۹ تن مفقود شدند. در این

در این عملیات حسین خرازی فرمانده دلاور و کم‌نظیر لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) که قبلاً در عملیات خیبر و منطقه طلائی دست راستش را در راه خداوند داده بود، اسماعیل دقایقی فرمانده لشکر بدر و نیز حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ عبدالله میثمی مسئول دفتر نمایندگی امام در قرارگاه خاتم‌الانبیا^(ص) به شهادت رسیدند.

عملیات حسین خرازی فرمانده دلاور و کم‌نظیر لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) که قبلاً در عملیات خیبر و منطقه طلائی دست راستش را در راه خداوند داده بود، اسماعیل دقایقی فرمانده لشکر بدر و نیز حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ عبدالله میثمی مسئول دفتر نمایندگی امام در قرارگاه خاتم‌الانبیا^(ص) به شهادت رسیدند. در عملیات کربلای ۵، ۳۰ فرمانده گردان و ۳۳ معاون گردان شهید و ۸۳ فرمانده گردان و ۱۶۲ معاون گردان مجروح شدند. در سطح

موقعیت سیاسی و نظامی عراق تضعیف شد و در نتیجه حملات گسترده این کشور به مراکز اقتصادی، صنعتی و مسکونی ایران بار دیگر آغاز شد. در واقع، شکسته‌شدن مستحکم‌ترین و پرمنازع‌ترین و پیچیده‌ترین خطوط دفاعی دشمن در شلمچه و نزدیک‌شدن به ۱۰ کیلومتری شهر بصره به‌عنوان دومین شهر مهم عراق و حضور در اطراف آن، سبب تغییر موازنه به سود قوای نظامی ایران شد. تغییر موازنه باعث شد تلاش‌های بین‌المللی برای پایان دادن به جنگ افزایش یابد و سرانجام به تصویب قطعنامه ۵۹۸ در شورای امنیت سازمان ملل بینجامید که در آن برای اولین بار نظریات جمهوری اسلامی ایران تاحدودی لحاظ شده بود. آمریکا پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ از استراتژی ادعای بی‌طرفی خارج شد و به مداخله مستقیم نظامی در جنگ عراق و ایران رو آورد و تلاش کرد علاوه بر کمک کارشناسی و دادن اطلاعات بیشتر به عراق، در خلیج فارس به حمایت از عراق به درگیری نظامی با ایران مبادرت ورزد و در عرصه سیاسی و دیپلماتیک با تجمیع متحدان اروپایی و منطقه‌ای فشار بیشتری به ایران وارد آورد. بعد از انجام این عملیات بود که آمریکا و متحدانش حضور نظامی خود را در خلیج فارس افزایش دادند و یکی از هواپیماهای مسافربری ایران به‌وسیله ناوگان آمریکا سرنگون شد. در این حمله تعدادی از حجاج بی‌دفاع ایران به‌دست رژیم سعودی به شهادت رسیدند.

آمار تلفات خودی و دشمن

آمار انهدام نیروی دشمن از شروع عملیات کربلا ۵ تا پس از عملیات تکمیلی کربلا ۵ به شرح زیر است:

انهدام ۵۵ تیپ زرهی، مکانیزه، و ۱۰۰ درصد نیروی مخصوص و پیاده ۶۷ تیپ به میزان ۵۰ درصد (حدود

منابع و مأخذ

۱. علایی، حسین (۱۳۹۱)، روند جنگ ایران و عراق، جلد دوم، نشر مرزوبوم، تهران، صص ۲۹۶ - ۲۹۸.
۲. سندهای ۰۲۵۷۸۸ - ۰۲۶۲۸۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۶۵/۱۱/۱۳ و سند ۰۲۵۷۸۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۶۵/۱۰/۲۲.
۳. گزارش ۰۶۶۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، طراحی و انجام عملیات کربلای ۵، صص ۲۲۴، ۲۱۵، ۱۲۲، ۴۸، ۸، ۳؛ و سند ۰۲۶۱۸۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۶۵/۱۱/۸.
۴. حسین، اردستانی (۱۳۹۳)، «تعیینکنندگی عملیات کربلای ۵ و تصویب قطعنامه ۵۹۸»، نگین ایرانزمین، شماره ۴۹، ص ۳۶.
۵. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، جنگ در سال ۱۳۶۵، ص ۲۰۴.
۶. حسین، اردستانی (۱۳۹۳)، «تعیینکنندگی عملیات کربلای ۵ و تصویب قطعنامه ۵۹۸»، نگین ایرانزمین، سال سیزدهم، شماره ۴۹، تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۲ - ۳۶.
۷. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، نبرد در شرق بصره، صص ۱۹۵ - ۱۵۳ و مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، جنگ در سال ۱۳۶۵، صص ۲۹۵ و ۲۹۴.
۸. حسین، اردستانی (۱۳۹۳)، «تعیینکنندگی عملیات کربلای ۵ و تصویب قطعنامه ۵۹۸»، نگین ایرانزمین، شماره ۴۹، ص ۳۶.



عملیات والفجر مقدماتی و نقدی بر دو روایت در یادمان‌های فکه و کانال کمیل (اسفند ۱۳۹۶)

تهیه و تنظیم: نوراله جعفری*



هدف این مقاله ارزیابی معیارهای روایتگری در روایت‌های یادمان‌های فکه و کانال کمیل است. ابتدا کلیاتی از عملیات والفجر مقدماتی ارائه می‌شود و سپس دو روایت از روایان یادمان‌های فکه و کانال کمیل سرهنگ مهدی محسنی‌پور و حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی سلیمانی نقد می‌شود.	چکیده	

مقدمه

راهیان نور است که این نیز در همان تاریخ، در قسمتی از

محوطه اصلی کانال کمیل تهیه و تنظیم شده است.

در روایت اول، راوی که خود از رزمندگان لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب^(ع) بوده است، ابتدا درباره شروع جنگ تحمیلی عراق و نیز شهرها و استان‌های درگیر این جنگ توضیحاتی کامل می‌دهد، سپس درباره عملیات‌های موفق اوایل دفاع مقدس و آزادسازی بخش‌های اصلی سرزمین‌های اشغالی و نیز عملیات رمضان و محرم مطالبی ارائه می‌کند و سرانجام حوادث رخ داده در عملیات والفجر

روایت اول بر اساس سخنرانی جناب سرهنگ مهدی محسنی‌پور، راوی مستقر در یادمان فکه برای کاروان خانواده شهدای شهرهای اراک و زرنديه ساوه است که در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۹ در ضلع شمالی قتلگاه فکه تنظیم شده و روایت دوم بر مبنای فایل صوتی سخنرانی روایت حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی سلیمانی، راوی مستقر در یادمان کانال کمیل برای کاروان هیئت فاطمیون قم و بسیجیان محله مشیریه تهران و عده دیگری از زائران

* . کارشناس اسناد صوتی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

از جمله رودخانه دویریج که از کوه‌های شمالی منطقه سرچشمه می‌گیرد و به "هورالسناف" می‌ریزد و رودخانه میمه که سرچشمه آن ارتفاعات ایلام است و به "هور بن عمران" (جنوب هورالسناف) منتهی می‌شود.

در روایت دوم، باتوجه به محیط بسیار خاص کانال کمیل و فضای متفاوت آن، راوی که از اعضای مؤسسه سیره شهداست تلاش می‌کند در لابه‌لای روایت خود به سلحشوری‌ها و تدین و اخلاص شهدا اشاره و با این کار روایت خود را جذاب‌تر کند.

شرح مختصر نبرد

درحالی که ناکامی در عملیات رمضان، دورنمای پیشروی در شرق بصره را دور از دسترس نشان می‌داد، پیروزی در عملیات محرم و تسلط بر زمین‌های تخت استان میسان، دستیابی به شهر العماره عراق -که به‌عنوان تهدید هم‌زمان علیه دو شهر بصره و بغداد محسوب می‌شد- را امکان‌پذیر کرده بود. به‌همین منظور و نیز چون فرماندهان جنگ ناگزیر بودند در مقابل تجهیزات برتر عراق، زمین سخت را گزینش و درگیری در وضعیت دشوار را به دشمن تحمیل کنند، منطقه رملی غرب ارتفاعات میشداغ -حدفاصل فکه تا چزابه- برای انجام عملیات سرنوشت‌ساز "والفجر" انتخاب شد.

اهداف عملیات

نخستین هدف، تصرف پل غزیه بود و چنانچه این مرحله از عملیات با موفقیت انجام می‌شد، تصرف شهر العماره به‌عنوان دومین هدف در دستور کار قرار می‌گرفت.

ج- لشکر ۱۰ زرہی؛ شامل: تیپ ۱۷ زرہی، تیپ ۴۲ زرہی، تیپ ۳۴ زرہی، تیپ ۲۴ مکانیزہ، تیپ ۴۱۲ پیادہ۔
منطقہ گسترش این لشکر از پیچ انگیزہ (شیار بجلیہ) تا جنوب غربی دھلران (چیلات) بود۔

منطقه عملیاتی از شمال به "میشداغ" و "برقازه"، از جنوب به هورالهویزه"، از شرق به "چزابه" و شهر "بستان" و از غرب به شهر "العماره" عراق و رودخانه دجله منتهی می‌شد.

در این منطقه رودخانه‌های متعددی وجود دارد؛



روایت راویان دفاع مقدس، منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی، اسفند ۹۵

منطقه شرق هورالسناپ؛ تیپ ۳۷ زرهی از لشکر ۱۲ زرهی؛ در منطقه بزرگان؛ تیپ ۱۰۱ پیاده گارد مرزی، در منطقه عماره؛ تیپ ۱۰ زرهی وابسته به ستاد کل، احتمالاً در شمال عماره؛ تیپ‌های ۴۸ پیاده و ۴۹ زرهی از لشکر ۱۱، در منطقه عماره؛ تیپ ۵۱ زرهی مختلط، در منطقه فکه؛ یک تیپ گارد ریاست جمهوری، در منطقه بند بزرگان؛ تیپ ۷۰۴ پیاده، در منطقه صفریه تارشیده.

نصر را به‌وجود آوردند. همچنین، یک تیپ مستقل به‌نام تیپ ۱۰ سیدالشهدا^(ع) تشکیل شد و تحت امر این سپاه قرار گرفت.

لشکر فجر هم با تیپ‌های المهدی^(ع)، امام سجاد^(ع) و ثارالله به "سپاه هفتم حدید" تبدیل شد. در این میان، لشکر فجر با همان سازمان لشکر باقی ماند. تیپ ثارالله نیز که به لشکر تبدیل شده بود، به اتفاق لشکر قدس (شامل لشکر ۷ ولی عصر و تیپ ۱۵ امام حسن) و لشکر ۸ نجف تحت امر سپاه هفتم قرار گرفتند.

سازمان رزم خودی

بعد از عملیات محرم، سپاه پاسداران درصدد گسترش سازمان رزم خود برآمد. بر همین اساس، لشکر فتح به "سپاه ۳ صاحب‌الزمان^(ع)" تبدیل شد و سازمان تمامی تیپ‌های تابعه آن جز تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم^(ع) نیز به لشکر تغییر یافت.

* قرارگاه کربلا

الف سپاه ۳ صاحب‌الزمان^(ع)؛
- لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) با استعداد هشت گردان،
- لشکر ۲۵ کربلا با استعداد ۱۱ گردان،
لشکر ظفر نیز "سپاه ۱۱ قدر" را تشکیل داد و در نتیجه دو تیپ ۲۷ و ۳۱ آن به لشکر تبدیل شدند و سه تیپ جوادالائمه^(ع)، امام رضا^(ع) و امام صادق^(ع) نیز لشکر ۵

- تیپ مستقل ۴۴ قمر بنی‌ہاشم^(ع) با استعداد پنج گردان.

ب سپاه ۷ حدید:

– لشکر ۱۹ فجر با استعداد ۲۴ گردان.

الف سیاہ ۱۱ (قدر):

- تیپ مستقل ۱۰ سیدالشهدا^(ع) با استعداد هفت گردان.

با سه تیپ جواد الائمه^(ع)، امام رضا^(ع) و امام صادق^(ع) با
استعداد ۲۳ گران

ضمناً از ارتش نیز یگان‌های زیر تحت امر فرماندهی این عملیات بودند:

- لشکر ۱۶ زرهی با استعداد شش گردان تانک و شش گردان مکانیزه،

- تیپ ۸۴ خرم آباد با استعداد چهار گردان پیاده و یک گردان تانک.

استعداد توپخانه شرکت کننده در این عملیات نیز عبارت بود از:

ارتش با ۱۶ گردان و سیاه با هفت گردان.

در ساعت ۲۱:۳۰ روز ۱۳۶۱/۱۱/۱۷ پس از اعلام رمز مبارک یاالله، یاالله، یاالله عملیات از پنج محور شمال و جنوب رشیده، صغریه و ارتفاعات چومر و خال آغاز شد و نیروها در تاریکی مطلق شب به منظور پاک سازی میادین

ایرانی را به تأخیر بی اندازد. بنابراین، این موانع زنگ خطر و عامل هشداردهنده‌های برای عراق بودند. از سوی دیگر، وجود این موانع توان نیروهای تک‌ور را برای تأمین اهداف در شب سلب می‌کرد. علاوه بر این، دو موضوع مهم در تاکتیک‌های دشمن در عملیات والفجر مقدماتی مشاهده می‌شد که عبارت بودند از: گرفتن جناح و به کارگیری نیروی احتیاط.

موضوع دیگر اینکه، در گذشته نیروهای هجومی و اصلی دشمن در خطوط حضور داشتند و به‌طور طبیعی در معرض آسیب‌پذیری نیروها مهاجم بودند؛ اما در این عملیات چون دشمن شکستن خط را پیش‌بینی می‌کرد، نیروهای هجومی خود را در احتیاط قرار داد و عملاً تصمیم گرفت با گذاردن نیروهای پدافندی در خط و عمق بخشیدن به میادین مین و ایجاد موانع دیگر پس از گرفتن توان نیروهای مهاجم، با وارد کردن نیروهای اصلی خود مناطق تصرف شده را پس بگیرد.

نتایج عملیات

با این عملیات، طراحان نظامی خودی دریافتند که عملیات‌های بعدی باید در مناطق عاری از نقاط قوت دشمن (موانع، آتش توپخانه و ...) انجام شود. از سوی دیگر، مناطق انتخابی باید به گونه‌ای باشند که ضعف‌های خودی در آن کمتر و جنگ با اتکا به نیروهای انسانی، در آن مناطق عملی باشد. علاوه بر آن، فرماندهان سپاه پاسداران به این نتیجه رسیدند که باید ضمن پرهیز از انتخاب مناطق با عمق زیاد، این انتخاب متناسب با سازمان رزم خودی باشد. در این عملیات، علاوه بر انهدام زیاد تیپ‌های ۹۰۵ و ۷۰۴ و یک گردان از نیروهای سودانی، ۱۱۳ تن از نیروهای دشمن نیز اسیر شدند.

مین و شکستن خطوط دفاعی دشمن و رخنه در این خطوط پیشروی کردند. وسعت و عمق موانع و استحکامات دشمن و وجود کانال‌های متعدد که دشمن برای ایجاد آنها تلاش بسیاری متحمل شده بود، از سرعت پیشروی نیروها کاست. در نتیجه، اگرچه خط اول دشمن شکسته شده بود، به علت پاک‌سازی نشدن منطقه - درحالی که تاریکی شب رو به پایان بود - طبیعی به نظر می‌رسید که امکان استقرار کامل وجود نداشته باشد. درواقع، تاریکی مطلق شب، الحاق نشدن نیروها و پاک‌سازی منطقه، عمق و وسعت زیاد میادین مین، هوشیاری و اطلاع قبلی دشمن از وقوع عملیات از جمله عوامل بازدارنده‌های بودند که سبب شدند در مرحله اول عملیات، کل اهداف تأمین نشوند.

به‌رغم وضعیت موجود، به دلیل انتظارات خاصی که در پی آغاز عملیات در مردم ایجاد شده بود و همچنین امیدواری مسئولان و نیز تبلیغات سوء دشمن و ... مرحله دوم عملیات در ساعت ۲۱ روز ۱۳۶۱/۱۱/۲۰ به منظور انهدام نیرو و تجهیزات دشمن آغاز شد. اما این بار نیز ناهماهنگی در نیروهای عمل‌کننده و همچنین هوشیاری دشمن و احاطه او بر راه کارهای خودی مانع از پیشروی رزمندگان شد.

بررسی عملیات

از نقطه‌رهایی نیروهای خودی تا خط دوم عراق، بیش از ۱۶ نوع مانع در منطقه وجود داشت که یا عارضه طبیعی بودند یا دشمن تعبیه و ایجاد کرده بود. دشمن با این اقدامات درواقع آنچه را به صورت تجربه از عملیات‌های گذشته به دست آورده بود، تقریباً به صورت کامل در منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی عملی کرد. ارتش عراق قصد داشت با ایجاد این موانع تا حد امکان، پیشروی نیروهای

نقد و بررسی دو روایت در یادمان‌های فکه و کانال کمیل (اسفندماه ۹۶)

در یک دسته‌بندی کلی، مفاهیم و شاخص‌های مطلوب برای ارائه یک روایت مستند و متناسب با یادمان و منطقه عملیاتی مورد نظر به چند مرحله (نقطه) تقسیم می‌شوند که عبارتند از: ۱. نقطه شروع ۲. نقطه اوج ۳. نقطه پایان.

الف- نقطه شروع

منطقه‌ای که آمدید منطقه فکه جنوبی یا منطقه عملیات والفجر مقدماتی است. این طرف استان میسان عراق به مرکزیت شهرالاماره، پشت سرتان تنگه چزابه، بعدش شهر بستان، هویزه، سوسنگرد و ... اهواز است؛ این طرف فکه شمالی قرار دارد که تا شرفانی منطقه عملیاتی محرم، شهر موسیان و دهلران، و استان ایلام ادامه می‌یابد؛ این طرف هم منطقه عملیات فتح‌المبین، ارتفاعات رقابیه و میشداغ، دشت عباس، سایت ۵ و ۴ و شهرشوش قرار دارد که تا شهر اندیمشک و دزفول ادامه می‌یابد.

انقلاب اسلامی و جنگ در منطقه از پیروزی انقلاب تا شروع جنگ و نهایتاً آزادسازی مناطق اشغالی و... توضیح داده می‌شود.

در روایت اول، سرهنگ محسنی‌فر، روایت معقول و مبتنی بر اصول را آغاز و بعد از بیان کلیاتی درباره ویژگی‌های منطقه فکه، با ذکر تاریخی مختصر از آغاز جنگ رژیم بعثی علیه ایران و محورهای مختلف این حمله سراسری، به عملیات‌های موفقیت‌آمیز ابتدای جنگ اشاره می‌کند و با ذکر جزئیاتی از وضعیت سیاسی آن روز کشور به شرح عملیات والفجر مقدماتی می‌پردازد:

«منطقه‌ای که آمدید منطقه فکه جنوبی یا منطقه عملیات والفجر مقدماتی است. این طرف استان میسان عراق به مرکزیت شهرالاماره، پشت سرتان تنگه چزابه، بعدش شهر بستان، هویزه، سوسنگرد و ... اهواز است؛ این طرف فکه شمالی قرار دارد که تا شرفانی منطقه عملیاتی محرم، شهر موسیان و دهلران، و استان ایلام ادامه می‌یابد؛ این طرف هم منطقه عملیات فتح‌المبین، ارتفاعات رقابیه و میشداغ، دشت عباس، سایت ۵ و ۴ و شهرشوش قرار دارد که تا شهر اندیمشک و دزفول ادامه می‌یابد.

در ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ لشکر ۱ مکانیزه عراق به‌دستور اربابانش از این پاسگاه فکه به کشور ما حمله کرد. بخشی از این لشکر مستقیماً رفت ارتفاعات رقابیه و میشداغ را گرفت، بعد هم رفت چنانه و دشت عباس، سایت ۵ و ۴ و تا کنار رودخانه کرخه روبه‌روی شهرشوش. بخشی از آن هم جدا شد رفت تنگه چزابه و شهر بستان را گرفت و از اینجا هم به سمت شهر سوسنگرد رفت. لشکر ۱۰ هم از شرفانی آمد، عینخوش، دشت عباس، سهره قهوه‌خانه، پل نادری که قرار بود با هم ملحق شوند و شهرهای اندیمشک و دزفول را گرفت و از طلائییه هم

اگر برای یک روایت خط سیر یا روند منحنی‌واری در نظر بگیریم که از یک نقطه شروع و در نقطه‌ای دیگر به اوج می‌رسد و در یک نقطه نیز خاتمه می‌یابد، نقطه شروع بهتر است شرح موقعیت منطقه عملیاتی (اعم از جغرافیا و سابقه تاریخی آن) برای مخاطبان باشد، نقطه اوج آن شرح واقعیات صحنه نبرد، ذکر مجاهدت‌ها رشادت‌ها و جانبازی در عملیات‌های مختلف و نقطه پایان نیز مفاهیم عبرت‌انگیز دوران دفاع مقدس به عنوان چراغ راه آینده باشد. بنابراین، در ابتدای این خط، وضعیت جغرافیایی منطقه و یادمان، عوارض طبیعی و مصنوعی آن، وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، تاریخ اجمالی

شد. به این ترتیب، بیش از ۵۰۰۰ کیلومتر از خاکمان آزاد شد. عملیات پنج (عملیات رمضان) از شلمچه تا کوشک - در خاک دشمن - و برای تنبیه متجاوز انجام شد. عملیات بعد از آن نیز یعنی عملیات محرم در شمال این منطقه، ارتفاعات حمرین انجام شد و شهر زبیدات عراق و هفتاد حلقه چاه نفت عراق به تصرف رزمندگان درآمد.

در روایت دوم راوی به شدت تحت تأثیر فضای خاص و آکنده از احساس محدوده کانال کمیل قرار می گیرد

و باتوجه به حال و هوای مستمعان خود، به موقعیت مکانی منطقه و تاریخچه دفاع مقدس و کلیات عملیات والفجر مقدماتی اشاره مستقیمی نمی کند. فقط سعی می کند به سرعت درباره اتفاقات رخ داده در عملیات سخن بگوید. البته در برخی موارد مطالب محدودی ارائه می کند که کافی به نظر نمی رسد.

در روایت دوم راوی به شدت تحت تأثیر فضای خاص و آکنده از احساس محدوده کانال کمیل قرار می گیرد و باتوجه به حال و هوای مستمعان خود، به موقعیت مکانی منطقه و تاریخچه دفاع مقدس و کلیات عملیات والفجر مقدماتی اشاره مستقیمی نمی کند.

ب- نقطه اوج

در این مرحله، به طور خاص بهتر است به موارد زیر اشاره شود: شرح نبردها و عملیات های مهم و تأثیر گذار منطقه؛ نقش یگان ها و نیروهای شرکت کننده در عملیات؛ شرح ایثار، فداکاری و مجاهدت شخصیت های مهم و کلیدی در منطقه عملیاتی و... همچنین باید از بیان مباحث مورد اختلاف بین ارتش و سپاه و نیز عرب و ایرانی و... اجتناب شود.

آمدند شهر اهواز را بگیرند. می خواستند خوزستان را کلاً از ایران جدا کنند.

در آن زمان مقام معظم رهبری، نماینده امام در شورای عالی دفاع و شهید چمران، وزیر دفاع بود. دو راه از یک کانال کردند قسمتی از آب کارون را داخل آن ریختند و منطقه دب حردان را آبیاری کردند. به این ترتیب، تانکهای دشمن نتوانست وارد شهر اهواز شود. از شلمچه آمدند داخل که شهر خرمشهر و شهر آبادان را بگیرند. جوانان خرمشهر و رزمندگانی که در خرمشهر بودند جلوی نیروهای بعثی ایستادگی کردند. ولی بعد از ۳۴ روز مقاومت به علت خیانت رئیس جمهور وقت آن زمان (بنی صدر) که نگذاشت مهمات به خرمشهر برسد و بسیجیها وارد شهر خرمشهر شوند، قسمت غربی خرمشهر دست دشمن افتاد. وقتی خیانت بنی صدر برای امام و همه روشن شد، امام از فرماندهی کل قوا خلعاش کرد.

بنی صدر همراه رجوی، بالباس زنانه به خارج از کشور فرار کردند. از آن به بعد اتحاد رزمندگان اسلام، سپاه و ارتش و بسیج و جهاد بیشتر شد و عملیات هایی گسترده را علیه دشمن شروع کردند. در اولین عملیات (عملیات ثامن الائمه در شرق کارون) حصر آبادان شکسته شد. در عملیات بعد (عملیات طریق القدس)، شهر بستان، تنگه جزایه و هفتاد روستای شهر بستان آزاد شدند. در عملیات سوم یعنی عملیات فتح المبین از کنار رودخانه کرخه تا کنار رودخانه چرخواب ارتفاعات رقابیه، میشداغ، دشت عباس، سایت ۴ و ۵ بیش از ۲۵۰۰ کیلومتر از خاکمان از دست بعثی ها پس گرفته شد. در عملیات چهارم، عملیات الی بیت المقدس، از بعد از دب حردان، کنار رودخانه کارون تا خرمشهر کنار اروند، شلمچه و یادمان شهدای هویزه پادگان حمید و طلائییه از لوٹ وجود بعثی ها پاک سازی

[illegible]



روایت راویان دفاع مقدس، منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی، اسفند ۹۵

عملیات موانع یعنی این، تیرتراش‌هایی که سطح زمین کار گذاشته بودند می‌گفت بالا سر این کانال‌ها همین‌طور تیرهای رسام حرکت می‌کرد که می‌گفت اگر یک جوان بلند می‌شد از کانال می‌ایستاد تیر به پایش می‌خورد. خیلی‌ها که تیر به سرشان اصابت کرده بود به شهادت رسیدند، حاج... (اسم فرد در صوت واضح نیست) می‌گفت «رفیقم سرش را آورد بالا یک تیر خورد زیر گلویش». به مظلومیت علی‌اصغر به پیش...

اینجا کجاست، اینجا کانال کمیل است. کانالی که بچه‌ها هدفشان این بود بروند دست راست شما پل قزله، سقوط الاماره، فشار روی بصره. سال ۱۳۶۱ اگر این عملیات کاملاً موفقیت‌آمیز بود شاید صدام شکست را می‌پذیرفت و جنگ ما تمام می‌شد. اما چه اتفاقی افتاد؟ چی شد بچه‌های گردان کمیل و حنظله حد فاصل اینجایی که شما نشستید، ۱۶۰، ۱۷۰ قدم جلوتران دو تا گردان پرپر شدند. حدود سیصد تا جوان و نوجوان اینجا لب‌تشنه به شهادت رسیدند.

شانزده نوع مانع جنگی جلوی راهت است. جوان می‌آیی با گردان کمیلی‌ها وارد عمل شوی. آمدند، زمینی که با عمق چند کیلومتر مین‌گذاری شده، مین‌های ایتالیایی که توی این زمین کاشته شده بودند، موانعی که جلوی راه این بچه‌ها بود نمونه‌ای از مانعی است که شما داخلش نشستید. دشمن درون کانال‌هایی را که یوگسلاوی‌ها به‌دنبال پیمان ورشو برای آنان کنده بودند، پُر از موانع مختلف سیم‌خاردهای حلقوی بشکه‌های فوگاز، تله‌های انفجاری کردند که جلوی راه این بچه‌ها را سد کنند.

از این کانال که آمدی بالا دست راست را نگاه کن. تپه تپه‌ها و پرچم قرمزهای کوچکی را روی زمین می‌بینی. اینجا کانال سوم است؛ کانال حنظله. یک کانال تیشکل، نفررو، یک‌متر در یک‌متر و نیم. حاج نادر می‌گفت «وقتی داشتیم توی این کانال‌ها رد می‌شدیم باید سرهایمان را خم می‌کردیم آخر بعد از کانال سوم سطح زمین را کنده بودند و تیربارهایشان را در ۲۰ سانتی سطح زمین کاشته بودند». بنویسید والفجر مقدماتی، بخوانید عملیات موانع.

خونریزی، خیلی تشنه شده بودم، آب هم نداشتم. از

روی شبنم علف‌ها که دور و اطرافم بود شبنم‌ها را با زبان می‌گرفتم داخل دهان می‌بردم تا تازه شود ولی تشنگی‌ام برطرف نمی‌شد. شهیدی در چندمتری‌ام بود، هرجوری بود خودم را با آرنج دست‌هایم رساندم به آن شهید، قمقمه شهید را با دندان و سر فانوسقه‌اش باز کردم، گذاشتم بین دو ساعد دستم در قمقمه را با دندان باز کردم. همین‌که آمدم قمقمه را بلند کنم که آب بخورم، قمقمه از بین دو ساعد دستم سُر خورد و افتاد روی رمل‌ها. رمل‌ها آبش را مکیدند و چیزی نصیب من نشد. این عزیز می‌گوید که بر اثر تشنگی از هوش می‌رفتم و دوباره به هوش می‌آمدم

و صدای ناله این مجروحانی که اینجا بود می شنیدم. یکی امام زمان را صدا می کرد، یکی امام حسین را و یکی پس از دیگری بر اثر خونریزی و تشنگی به شهادت می رسیدند. تا روز پنجم دیگر صدای کسی نمی آمد. می گوید روز پنجم وقتی به هوش آمدم دیدم چند نفر بالای سرم هستند دیدم که عراقی هستند. عراقی ها من را به اسارت

بردند». آقای ربیعی به اسارت رفت، این عزیزان هم با لب
 تشنه اینجا به شهادت رسیدند. آقای ربیعی از اسارت که
 برگشت خاطره این قتلگاه را برای سید مرتضی آوینی
 تعریف کرد. بیستم فروردین سال ۱۳۷۲ سید مرتضی
 آوینی با اکیپ همراهش که برای ساختن فیلم مستندی
 از این قتلگاه از این مسیر آمدند، پایش خورد به مین والمر
 و خودش و سعید یزدانپرست هر دو مجروح شدند و قبل
 از رسیدن به بیمارستان به شهادت رسیدند.

عزیزان ما معمولاً در شهر خودمان مهمان که
 می‌خواهد بیاید خانه‌مان می‌گوییم قدم روی چشم ما
 بگذارید و مهمان ما باشید ولی این تعارفی بیش نیست،
 چون هیچ مهمانی روی چشم هیچ صاحبخانه‌ای قدم

نفوذی میدانی یعنی چی؟ نفوذی یعنی این؛ سیدعبدالله میرسپاسی سیزده ساله. این حنظله است. می گفت «یک ستون داشت از سمت چپ می آمد سمت ما همه شان لباس خاکی به تنشان بود و به پیشانی هایشان سربند قرمز بسته بودند. ما گمان می کردیم بچه های گروهان های بغلی می خواهند گردان ما ملحق شوند و با ما عمل کنند. رسیدند چندمتری بچه های ما...» نفوذی یعنی این. نفوذی نماز می خواند، نفوذی مثل ما لباس می پوشد، مثل شما اهل رفتن به مسجد است. ولی نفوذی می تواند دشمن باشد. سعید قاسمی می گفت «در اطلاعات عملیات ما می فرستادیمش جلو، پشت سرش نماز می خواندیم، قبل والفجر مقدماتی دیدیم خبری ازش نیست کجا رفته، اسیر دشمن شده، چه اتفاقی برایش افتاده، هر چه گشتیم پیدایش نکردیم. چند هفته بعد رادیو عراق دیدیم صدای آشنایی می آید، من محسن صرب اهرابی هستم». اطلاعات این عملیات را برداشت و به عراق پناهنده شد. نفوذی یعنی آن نامردهایی که می گفتند اینجا بچه ها در این پنج روز محاصره آب و غذا برای خوردن نداشتند، می گفت دیگه فشنگ نداشتیم برای جنگیدن، تانکهای دشمن آنجا شیرهایشان را باز می کردند آب در آن دشت ریخته می شد. منافقین می آمدند به زبان فارسی پشت بلندگوها داد می زدند. بیایید بیایید که صدام بهتان امان داده است. قسم می خورد می گفت به خدا قسم یک دانه از بچه های ما دستش را بلند نکرد بگوید جلوی دشمن من تسلیمم، انّ الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه. کانال کمیل است، کانال حنظله است، شما اگر جای این بچه ها بودید می دیدید تشنه تان شده است، احساس خستگی می کنید، چکار می کردید؟ می گفت «لوله افتاد بین بچه ها، بچه ها برویم اسیر بشویم، جانمان

نگذاشته، ولی شما مهمان شهدا هستید و شهدا دعوتتان کردند که ایام آخرین سه شنبه سال ۱۳۹۶ مهمان ویژه شان باشید. گفتند قدم روی چشم ما بگذارید بیش از دوست و چهل چشم زیبای بهترین یاران امام با این خاک آمیخته شده و زیر قدمهای مهمانان شان قرار گرفته و شما قدم روی چشم آنها می گذارید. پس حالا که می آید و مهمان ویژه شهدا هستید از شهدا عاقبت به خیری برای خودتان خانواده تان، برای فرزندان تان، برای آنهایی که حقی به گردنتان دارند، برای همیشان دعا کنید چون شهدا حاجت خیلی ها را برآورده کردند. این عکسی که پشت سرتان است، اولین عکسی است که وقتی آمدند در این قتلگاه از این قتلگاه گرفتند. عکس استخوان شهدا که بعضی از آنها از این خاکها بیرون مانده است، توی این عکس پیداست. پس دست خالی از پیش این شهدا بیرون نروید».

در روایت دوم، راوی با ذکر برخی از اتفاقات صحنه نبرد و تمجید از مقاومت سلحشوران رزمندگان اسلام، با زیرکی تمام سعی می کند بین مطالب متعدد درباره مجاهدت های رزمندگان و مسائل روز ارتباط برقرار کند و درباره مسئله نفوذ (که از دغدغه های اصلی ای است که دائم امام خامنه ای ^(مدظله) تذکر داده است) هشدار دهد.

«حاج آقا زود بگو گرم مان است. در یک کلمه رفیق، دقت کردی رفیق که هیئت می آمد دیگر خبری ازش نیست. دیگر هیچ جا پیدایش نمی شود. گوش می دهید به صحبت های نائب امام زمان در سال های اخیر، همان عاملی که بعد از ۳۵ سال دارد از دل شهر ما جوان هایمان را تلف می کند چیست؟ نفوذ، نفوذ، نفوذ است. حواست بود. دشمن نفوذ کرد وسط پست های اینستاگرام و تلگرام و دلت را از مجلس امام حسین برد و جدا کرد یا نه.

دست را بگذار روی تربت این شهدا. بیعت ببند. نگذار حرف نائب مهدی فاطمه روی زمین بماند رفیق. نوحه می‌خواندم از حضرت آقا خطاب به آن پسر شهیدی که گله کرده بود به آقا. آقا جوان‌هایمان، آقا مملکت‌مان، اوضاع خراب است فساد زیاد است. فقط یک کلمه گفته بود گردان کمیلی‌های سپاه مهدی فاطمه به گوش باشید، جوانان عزیز، ما چشم به‌راهیم که شماها از راه برسید، نائب امام زمان که هیچ، خودِ امام زمان چشم‌به‌راه شما است. بچه‌ها ظهر شهادت امام هادی، مهمان ابراهیم هادی شدید. ابراهیم هادی که اینجا نه تنها قتلگاهش است که مزارش است. اینجا زائرهای شهدا، حاج مهدی آقا، اینجا کانال کمیل است. اینجا فقط قتلگاه شهدا نیست. خوش آمدید به گلزار شهدای گردان کمیل و حنظله. تنها تفاوت اینجا با گلزار شهدا این است که دنبال سنگ مزاری نگردید. حاجی گفت «شهدای اینجا اینقدر انس گرفته بودند به نام مادرشان فاطمه، این الفاطمیون؟ بچه‌های فاطمیون، اینقدر انس گرفته بودند به نام حضرت زهرا که یک جاهایی در خلوتشان شاید در شب‌های این کانال یک جایی، دلشان خوب که شکست حضرت زهرا^(ع) را مادر صدا زدند. مادر ما هم دوست داریم مثل تو بی‌مزار باشیم. شدند ابراهیم‌های، گردان کمیل. آنکه هر سال خواهرش می‌آید با حسرتی در این کانال را نگاه می‌کند. نمی‌دانم در جمع شما خواهر شهید هست، مادر شهید هست یا نه. خدا می‌داند، با حسرتی داخل این کانال را نگاه می‌کرد. گفتم حاج‌خانم از مادر آقا ابراهیم چه خبر؟ (چند سال پیش) گفت حاج‌آقا مادر ما که از ندیدن ابراهیم‌های دق کرد و از دنیا رفت. مهمان‌های علیرضا بنکدار گوش کنید. گوش‌هایتان را تیز کنید، لب‌تشنه شدید صدای العطش علیرضا بنکدار به گوش‌تان می‌رسد.

سالم بماند. سیدجعفر طاهری، قاری قرآن گردان کمیل بود رو کرد به بچه‌ها گفت بچه‌ها می‌خواهید برویم تسلیم بشویم، می‌رویم، ولی بچه‌ها اگر تلویزیون عراق فیلم ما را گرفت امام نگاهش به چهره ما افتاد به آقا گفتند آقا اینها در والفجر مقدماتی خودشان را تسلیم دشمن کردند امام خجالت کشید چی داریم جواب امام را بدهیم؟ این را که گفت بچه‌ها روحیه گرفتند ایستادند و جنگیدند. اصلاً شما لفظ امام را از این بچه‌های گردان کمیل و حنظله

زیاد می‌شنیدید، لحظات آخر محاصره بود، بی‌سیم‌چی از اینجا حاج‌همت را می‌گرفت. «حاجی شارژ بی‌سیم دارد تمام می‌شود، از ته کانال بعضی‌ها دارن می‌آیند یکی یکی بچه‌ها را تیر خلاص می‌زنند» سیدحسین می‌گفت «همت داشت به پهنای صورت گریه می‌کرد التماس می‌کرد تو را خدا بی‌سیم‌ات را قطع نکن، تو را خدا هرچی می‌خواهی بگویی بگو». می‌گوید آخرین حرفی که زد این بود «حاجی برو سلام ما را به امام برسان

بگو آقا یاد است گفتی بچه‌های حسین‌وار مقاومت کنند. اینجا بچه‌های حسین‌وار مقاومت کردند ماندند و تا لحظه آخر جنگیدند». سنگر دل شهرت را فتح نکنند عزیز دلم، خسته شدی آمدی کانال کمیل، پناه آوردی به شهدا نمی‌دانم، ولی این شهدا نگذاشتند حرف امامشان روی زمین بماند. ظهر گرمای روز اول سال ۱۳۹۷ مردانه

سیدجعفر طاهری، قاری قرآن
گردان کمیل بود رو کرد به
بچه‌ها گفت بچه‌ها می‌خواهید
برویم تسلیم بشویم، می‌رویم،
ولی بچه‌ها اگر تلویزیون عراق
فیلم ما را گرفت امام نگاهش
به چهره ما افتاد به آقا گفتند
آقا اینها در والفجر مقدماتی
خودشان را تسلیم دشمن
کردند امام خجالت کشید چی
داریم جواب امام را بدهیم؟ این
را که گفت بچه‌ها روحیه گرفتند
ایستادند و جنگیدند

بی‌تردید، روایت در هریادمان باید به‌مانند یک سناریو دارای محتوایی معین و مشخص باشد. اجزای اصلی این سناریو ابتدا در ذهن راوی شکل می‌گیرد و سپس هنرمندانه بسته به داشته‌های راوی به مخاطب ارائه می‌شود. در حقیقت هر روایت باید دربرگیرنده پاسخ به چند پرسش اساسی باشد: ۱. این منطقه کجاست؟ این پرسش در برگیرنده موقعیت جغرافیایی منطقه است، ۲. چه عملیات یا اتفاقاتی در این منطقه رخ داده است؟ پاسخ

معاون گردان کمیلی که به همین حالت افتاده بود گوشه کانال؛ دست و پای زخمی و باندپیچیشده. آقا سید مدنی می‌گفت «خون زیادی ازش رفته بود، تشنه شده بود، کنارم چندساعتی که زنده بود، می‌دیدم هرازچندگاهی لب‌هایش دارد تکان می‌خورد. گوشم را می‌بردم نزدیک. «آقاسید تشنه‌ام، آب نرسید».

آب نداشتیم بهش بدهیم.

به این سؤال نیز در بردارنده شرح مباحث مربوط به عملیات نظامی و اقتضات آن است، ۳. چرا این مباحث باید گفته شود؟ این پرسش که به نوعی اصلی‌ترین سؤال در ماهیت روایت است، ناظر بر ارائه یکسری مفاهیم مرتبط با گفتمان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است.

روایت دفاع مقدس یکی از دشوارترین و درعین حال ارزشمندترین مسئولیت‌ها در مناطق عملیاتی است. هنر اصلی راوی این است که

ترکیبی متجانس از پاسخ به پرسش‌های سه‌گانه فوق را بسته به نیاز مخاطب بدهد. درواقع، مفاهیم و موضوعات حماسی، ابعاد معنوی و معرفتی که راوی بیان می‌کند باید با منطقه عملیاتی، یگان‌ها و افراد شاخص، ارتباط و هماهنگی درستی داشته باشد. نتیجه این هماهنگی را درنهایت باید به‌صورت یک الگو به مخاطب ارائه شود.

معاون گردان کمیلی که به همین حالت افتاده بود گوشه کانال؛ دست و پای زخمی و باندپیچیشده. آقا سید مدنی می‌گفت «خون زیادی ازش رفته بود، تشنه شده بود، کنارم چندساعتی که زنده بود، می‌دیدم هرازچندگاهی لب‌هایش دارد تکان می‌خورد. گوشم را می‌بردم نزدیک. دیدم با صدایی خسته می‌گوید «آقاسید تشنه‌ام، آب نرسید». آب نداشتیم بهش بدهیم. به خدا بچه‌ها اینجا آب آوردند به من بدهند، آب بخورم. خدا می‌داند خجالت کشیدم. از حال می‌رفت، به‌هوش می‌آمد، می‌گفت «سید به خدا جیگرم دارد می‌سوزد آب نرسید» چندساعتی کنارم افتاده بود، دیگه هرچی صدایش زدم، علیرضا علیرضا. سی‌وپنج‌سال پیش جواب سید را اینجا نداد، شما صدایش بزیند ببینید جواب شما را می‌دهد. آخه علیرضا بنکدار توی وصیتنامه‌اش آرزو کرده بود، خدایا من دوست دارم مثل بچه‌های مفقودالثر مادرم فاطمه که بدن‌هایشان افتاد و بی‌مزار شدند، بدنم برنگردد.

مؤلفه‌های روایت هدفمند در منطقه عملیاتی والفجرمقدماتی

راوی دفاع مقدس را نمی‌توان در تنگنا قرار داد که چه روایت کند یا چه مطالبی را بیان کند، اما واضح است که یک روایت (روایت درست) در درجه نخست باید با منطقه عملیاتی، فرماندهان و افراد شاخص و شرح آن عملیات هماهنگی و تناسب داشته باشد. ترویج واقعیت‌ها و ارزش‌های دفاع مقدس به‌طور شایسته باید تابلوی روایتگری باشد. ضروری است حتی در روایت دفاع، شکست‌ها را هم با حماسه و مقاومت و قهرمانی توضیح دهند و شکست را آنچنان روایت کنند که مایه سربلندی باشد.

عملیات والفجر مقدماتی و نقدی بر دو روایت
در بادمیان‌های فکه و کانال کمیل (اسفند ۱۳۹۶)

البته حضور در منطقه بسیار معنوی و خاص کانال کمیل و مستمعانی مستعد که تازه از قتلگاه فکه خارج شده‌اند و قلوب آماده‌ای برای ریختن اشک و شنیدن سخنان احساسی دارند قطعاً به ایشان را در بیان روایتشان بسیار کمک کرده است.

ب- نقاط ضعف

ضعف بزرگ این راوی محترم نپرداختن به اصل عملیات‌های رخ داده در منطقه فکه - به‌ویژه عملیات والفجر مقدماتی - است که موجب گنگی بخشی از روایت ایشان و نیز باعث شده مخاطب به شناخت دقیقی از آنچه راوی در حال بیان آن است دست نیابد. طبیعتاً اگر مخاطب شناخت درستی از منطقه عمومی فکه و عملیات والفجر مقدماتی نداشته باشد نمی‌تواند با اتفاقات کانال کمیل ارتباط خوبی برقرار کند و این موضوع بخشی از کار راوی محترم را زیر سؤال می‌برد و بی‌نتیجه می‌کند. نتیجه آنکه، اگر راوی به منطقه فکه و عملیات والفجر مقدماتی اشاره مناسبی می‌کرد، می‌توانست تأثیر بیشتری بر مخاطب خود بگذارد.

شایان ذکر است که ما در این مقاله یک روایت از هر راوی را مبنای تحلیل قرار داده‌ایم که این خود ضعفی جدی در تحلیل ایجاد می‌کند، چراکه ممکن است راوی گرامی فقط در این یک روایت ضعف یا قوت خاصی را بروز داده باشد. به عبارت دیگر، نمی‌توان بر مبنای یک روایت درباره شکل کلی روایتگری یک راوی تحلیلی درست ارائه کرد.

مقدماتی و همچنین کلیت عملیات‌های دفاع مقدس است. ایشان با تجربه فراوانی که با سال‌ها حضور به عنوان راوی استقرار منطقه فکه کسب کرده، توانسته است مطالب را با دسته‌بندی بسیار دقیقی برای مخاطبان خود بیان کند.

ب- نقاط ضعف

تنها ضعفی که در روایت این راوی وجود دارد کم پرداختن به نقطه پایانی و ارتباط‌دادن اتفاقات و حوادث عملیات و فرهنگ شهدا با شرایط کنونی جامعه است. همانطور که اشاره شد ایشان تسلط فراوانی بر تاریخچه منطقه فکه و عملیات‌های متعدد رخ داده در آن و یگان‌های مؤثر در عملیات‌ها و... دارد که إنشاءالله در صورتی که بتواند تمرکز بیشتر بر پایان روایت خود داشته باشد می‌تواند یک روایت استاندارد و باکیفیت‌تری (بر اساس معیارهای ترسیم‌شده در این مجله) ارائه کند.

-روایت دوم (حجت‌الاسلام سلیمانی)

الف- نقاط قوت

با توجه به این موضوع که مؤلف خود در زمان ضبط روایت از مستمعان راوی بودهام، نقطه قوت اصلی ایشان را توان او در ایجاد ارتباط بین حوادث گوناگون در دوره دفاع مقدس و شرایط کنونی جامعه و بیان درس‌های متعددی می‌دانم که می‌توان از تاریخ دفاع مقدس آموخت. ایشان با دقت در ظرایف حوادث، عملیات‌ها را چنان دقیق روایت و در ذهن مخاطب ترسیم می‌کند که مخاطب مجذوب روایت می‌شود و سفری ذهنی به دوران دفاع مقدس می‌کند و مطالب در عمق جان او اثر می‌گذارد.



سفر به سومار و بازدید از منطقه عملیاتی مسلم بن عقیل، سی سال بعد

تنظیم: دکتر منصوره تاجیک*

چکیده		

مرکز فرهنگی وارثان سفر مقدمات سفری گروهی را برای دیدار از سومار که یکی از جبهه‌های میانی دفاع مقدس به‌شمار می‌رفت، از ۱۹ تا ۲۱ مهر ۱۳۹۱ در استان کرمانشاه فراهم کرد. مبدأ سفر بهشت زهرا قطعه شهیدان در تهران و مقصد آن سومار و منطقه عملیات جنگی مسلم بن عقیل (عملیات مسلم بن عقیل به‌منظور فتح ارتفاعات شمالی و جنوبی میان‌تنگ، گیسکه و کهنه‌ریگ در ۷ مهر ماه ۱۳۶۱ طرح‌ریزی و با موفقیت انجام شد) بود. بازدید از این منطقه عملیاتی مصادف بود با سی‌امین سالگرد این عملیات. افراد شرکت‌کننده در این سفر، از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف دانشگاه گرفته تا استادان دانشگاه، دبیر، جانبازان بازمانده از این عملیات و خانواده شهدا انگیزه‌های متفاوتی داشتند. سفر به‌وسیله اتوبوس انجام گرفت و طی آن، یک رزمنده و دو جانباز دوران جنگ خاطراتی را درباره چند عملیات انجام‌شده در این منطقه و نیز درباره رزمندگان، بسیجیان و شهیدان و جانبازان دیگر بیان کردند. این مقاله چکیده‌ای است از جمع‌بندی‌ها، مشاهدات و اهداف سه نفر از راهیان که به‌صورت نظم، نثر و تصویر و به‌منظور مستندسازی سفر ارائه می‌شود.

مقدمه

غرب ایران آغاز کرد، دفاع از آن در شمار وظیفه‌ای ملی و نیز وظیفه‌ای شرعی قرار گرفت. بر همین اساس بود که بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی پس از تهاجم عراق به ایران ضمن اعلام جهاد، بیان کرد که دفاع از سرزمین اسلامی وظیفه‌ای شرعی (هر کس به حد توانایی‌های خویش) است. قرآن کریم در

حق انکارناپذیر هر انسانی است که وقتی در معرض هجوم دیگران قرار می‌گیرد بتواند از جان، مال، خانه، خانواده و سرزمین خود دفاع کند. هنگامی که صدام حسین در شهریور سال ۱۳۵۹ نیز اولین حمله غیر قانونی و تهاجمی خود را به مرزهای غرب و جنوب

* استاد سابق دانشگاه ماساچوست آمریکا

[illegible]

جهاد نباید محیط و مردم را آلوده کرد».

اگر به جنبه جهانی و حقوق بین‌الملل جنگ عراق با ایران و دفاع مقدس نگاه کنیم، عراق و ایران، به‌عنوان دو عضو دائم سازمان ملل متحد، موظف بودند بر اساس حقوق و مسئولیت‌های خود از هرگونه تجاوز، دست‌درازی یا عملیات خصمانه علیه یکدیگر خودداری کنند. در اصول ۴۷ تا ۵۱، فصل ۷ منشور سازمان ملل متحد نیز به صراحت ذکر شده است که از تجاوز به سرزمین ملل دیگر و حق دفاع از سرزمین یا شخص یا گروه خودداری کنید. ۴ اما صدام حسین و سران دیگر عراق این حقوق و مسئولیت‌ها را زیر پا گذاشتند و به ایران حمله کردند. همچنین فصل ۷، آشکارا شورای امنیت و کشورهای دیگر عضو را به موضع‌گیری و عمل در مقابل کشور متجاوز ملزم می‌کند. اما با تأسف طی ۸ سال دفاع مقدس، شورای امنیت سازمان ملل و اعضای دیگر از هرگونه موضع‌گیری در قبال کشور متجاوز خودداری کردند. مهم‌تر از آن اینکه، اکثر کشورهای عضو، اعم از کشورهای غربی و عربی (جز سوریه و لیبی) کمک‌های بسیاری از نظر مالی، نظامی، تسلیحاتی، اطلاعاتی و حتی نیروی انسانی به عراق کردند که طبق قوانین سازمان ملل متحد (کمک به کشور متجاوز)، نقض قانون بین‌الملل محسوب می‌شود و پیگرد قانونی دارد. درک صحیح و جامع از این جنگ و دستاوردهای آن و انتقال و گسترش این درک به نسل کنونی و آینده برای شناخت اشکالی که جنگ‌های امروزی به خود گرفته‌اند مانند جنگ‌های همه‌جانبه و مسلح به ابزار گرم و سرد، جنگ‌های مادی و روانی، تحریم‌های اقتصادی و علمی، ترور دانشمندان، ترور رهبران، تکنولوژی و صنایع مرکب و مخرب و نظیر آنها علیه ایران و یارانش ضروری است.

اکنون سؤال این است که «چه باید کرد؟» ما چگونه می‌توانیم این درس بزرگ را مطالعه کنیم؟ چگونه می‌توانیم آنچه را از این درس یاد می‌گیریم به دیگران -کوچک و بزرگ، ایرانی و غیر ایرانی، مسلمان و غیر مسلمان، و تمام آزادگان جهان- منتقل کنیم؟ وظیفه ما در برابر نسل کنونی چیست؟ در مسیر پر پیچ‌وخم دفاع مقدس امروزی، با چه قطب‌نمایی باید صراط راست را تشخیص دهیم و در آن مسیر حرکت کنیم؟ برای این مأموریت چه ابزار و مهارت‌هایی ضروری هستند؟

شرح سفر

بهشت زهرا^(س)، مبدأ سفر

سفر به سומר سفری گروهی کاروان راهیان نور بود که از قطعه شهیدان (نزدیک آرامگاه شهید آوینی) در بهشت زهرا^(ع)ی تهران، روز چهارشنبه، ۱۹ مهر ۱۳۹۱ آغاز شد. این کاروان سفر خود را از ساعت ۶:۳۰ بعد از ظهر بعد از اقامه نماز مغرب و عشا از تهران (مسافت تهران تا کرمانشاه ۵۳۰ کیلومتر است) آغاز کرد و بین ساعت‌های ۴ تا ۵ صبح پس از عبور از همدان به کرمانشاه رسید و پس از توقف و استراحتی کوتاه و نیز برگزاری نماز صبح در حسینیه، برای صرف صبحانه و ایراد سخنان مقدماتی درباره مرحله بعدی سفر به سمت بنیاد شهید استان کرمانشاه حرکت کرد. مقصد بعدی سומר، منطقه عملیات مسلم‌بن‌عقیل بود. برای این منظور، کاروان از طریق بزرگراه از خروجی جنوب غربی کرمانشاه به سمت اسلام‌آباد غرب حرکت کرد. طی این سفر، کاروان، ابتدا به ماهی‌دشت و سپس به تنگه چارزبر رسید. از نظر مسافت، ماهی‌دشت ۱۳ کیلومتر بعد از کرمانشاه و اسلام‌آباد غرب تقریباً ۱۶



این تصویر از سایت <http://www.davodabadi.persianblog.ir/pst/346> (در دسترس تا تاریخ ۱۳۹۲/۱/۲۵) به امانت گرفته شده است. همچنین این عکس از کرانه رودخانه سومار در سال ۱۳۹۱ یعنی سی سال پس از استقرار چادرهای لشکر ۲۷ و لشکر عاشورا و بمباران غافلگیرانه هواپیماهای عراقی که به شهادت و زخمی شدن نزدیک به ۱۵۰ تن از رزمندگان منجر شد، گرفته شده است. در صورت نیاز به کپی کردن این تصویر، لطفاً امانت را رعایت و نام سایت اصلی آن را ذکر کنید.



عکاس: علی فریدونی

این تصویر که کرانه رودخانه سومار را پس از بمباران نشان می‌دهد، از سایت <http://www.davodabadi.persianblog.ir/pst/346> (در دسترس تا تاریخ ۱۳۹۲/۱/۲۵) به امانت گرفته شده است. در صورت نیاز به کپی کردن این تصویر لطفاً امانت را رعایت و نام سایت اصلی آن را ذکر کنید.



تصویری از رودخانه سومار که محل استقرار چادرهای لشکر ۲۷ و لشکر عاشورا بود و در اثر بمباران غافلگیرانه هواپیماهای عراقی نزدیک به ۱۵۰ تن از رزمندگان آنها شهید و مجروح شدند.

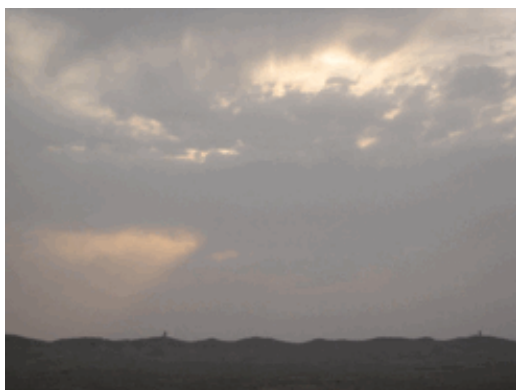


تصویری دیگر از رودخانه سومار و محل استقرار چادرهای لشکر ۲۷ و لشکر عاشورا



این تصویر از سایت <http://www.davodabadi.persianblog.ir/pst/346> (در دسترس تا تاریخ ۱۳۹۲/۱/۲۵) به امانت گرفته شده است. در این تصویر کرانه رودخانه سومار و محل استقرار چادرهای لشکر ۲۷ و لشکر عاشورا نشان داده شده است. لطفاً در صورت نیاز به کپی کردن این تصویر امانت را رعایت و نام سایت اصلی آن را ذکر کنید.

فضای معنوی و غروب بسیار زیبای سومار اکثر شرکت کنندگان به مراسم فضای خاصی داده و حال اکثر حاضران را دگرگون کرده بود. همزمان با غروب آفتاب راهیان نور به سمت کرمانشاه حرکت و با توقف در تنگه چارزیر از نمایشگاه عملیات مرصاد بازدید کردند.



غروب آفتاب در محل برگزاری مراسم. مرز ایران و عراق و پایگاه‌های مرزی در خط افق تصویر

آنها سپس در مسجد جامع اسلام‌آباد غرب نماز مغرب و عشا را اقامه کردند. پس از اقامه نماز نیز آقای الله‌داد شاه‌مرادی از مدافعان مردمی و محلی اسلام‌آباد غرب وارد اتوبوس شد و از خاطرات خود در دفاع شهری صحبت کرد.



الله‌داد شاه‌مرادی از اهالی اسلام‌آباد غرب و از مدافعان شهری

بعد از صرف شام در مهمانسرای بنیاد شهید



منطقه مین‌گذاری شده و علائم بتونی که اخطار درباره خطر مین‌ها روی آن حک شده است.

مراسم بزرگداشت با سخنرانی آقای مرتضی مصطفوی، مسئول تبلیغات لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) که اکنون مسئول مؤسسه فرهنگی وارثان هستند، شروع شد و با سخنان حاج‌فاضل، فرمانده گردان مالک اشتر، آقای یدالله واعظی، خلبان هوانیروز عملیات مسلم‌بن‌عقیل که در همین عملیات به درجه جانبازی (۷۰٪) نائل شدند و مداحی آقای احمد شهیدی از رزمندگان دفاع مقدس، ادامه و با قرائت زیارت عاشورا و اهدای جوایز به فرزندان شهدا و راویان خاتمه یافت.



مراسم بزرگداشت سی‌امین سالگرد عملیات مسلم‌بن‌عقیل، آقای واعظی در حال سخنرانی

خواندنی‌ها خوانده شد از ریختن خون عدو
خون دلها خورده شد از شری آن دشمن درنده‌خو
وصف یک باران آتش در کنار رود و جو

خوش به مقصد چون رسید آن کاروان راه نور
ظاهرش را سنگ و خاک و مین دید، پنهان و کور
ظاهری زیبا و بکر، نقش خطرزدیک و دور
یادگار یک نبرد حق و باطل، کشتی ظلمات و نور

پهنه دشت وسیعی پر ز سنگ و خار و مور
جبهه سومارلیک جغرافی سینا و طور
صحن غافلگیری یک دشمن آکنده از کبر و غرور
بازپس‌گیری خاک میهن و لیبیک یارانی غیور

فاضلان از رقص ماه گفتند و ابر و باد و بور
واعظان از آتش و پرواز ودود و از تنی خسته، صبور
راویان از کوله‌پشتی‌های سوزان به‌هنگام عبور
سینه حائل، شعله خفته، بی‌صدا سوختن مردی جسور

خواب بود؟ افسانه بود؟ یا مایه اشکان شور؟
یا که غواصی خوبان در دل دریای نور؟
یا حدیث زنده ایثار و فتح وادی صعب‌العبور؟
یا تلنگر بر ضمیر آدمیت، مژده وصل و ظهور؟

شرح عملیات مسلم‌بن‌عقیل

این عملیات به‌دلیل تقارن آن با ایام مسلمیه یعنی
ایام عرفه، مسلم‌بن‌عقیل نامگذاری شد. بر اساس
آنچه در مقاله «سیری در جنگ ایران و عراق، از
خرمشهر تا فاو»^۵ آمده است، عملیات مسلم‌بن‌عقیل

با هدف "تنبیه متجاوز" که باید در خاک دشمن
انجام گیرد و پس از عملیات رمضان در شرق بصره
از تاریخ ۱۳۶۱/۴/۲۳ تا ۱۳۶۱/۵/۷ انجام شد. علت
و چگونگی اتخاذ عملیات محدود (عملیات مسلم‌بن-
عقیل اولین عملیات محدود با این تدبیر محسوب
می‌شود) را باید اساساً با توجه به نتایج برآمده از
عملیات رمضان بررسی کرد. در عملیات رمضان،
دشمن سعی کرد با بهره‌گیری از نیروی زرهی و آتش

شدید توپخانه، هرگونه
عملیات گسترده یا محدود
در دشت باز را کنترل کند
و از بین ببرد. درواقع، در
عملیات رمضان دشمن
نشان داد که با آگاه‌بودن
از تاکتیک‌های نیروهای
خودی، تدابیری مناسب
اندیشیده و بر مبنای آن به
توان خود در مقابله با قوای
نظامی ایران افزوده است.
از آن سو، دست‌اندرکاران
و مسئولان نظامی
متوجه شدند که به‌دلیل
پیروزی‌های به‌دست‌آمده

**درواقع، در عملیات رمضان
دشمن نشان داد که با آگاه‌بودن
از تاکتیک‌های نیروهای خودی،
تدابیری مناسب اندیشیده و
بر مبنای آن به توان خود در
مقابله با قوای نظامی ایران افزوده
است. از آن سو، دست‌اندرکاران
و مسئولان نظامی متوجه شدند
که به‌دلیل پیروزی‌های به‌دست
آمده از عملیات فتح‌المبین و
بیت‌المقدس از برخی مسائل
غفلت کرده‌اند.**

از عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس از برخی
مسائل غفلت کرده‌اند. نمایش قدرت نظامی دشمن
در جنگ رمضان نیروهای نظامی ایران را به این
نتیجه رساند که از این پس ادامه جنگ با اتکای
به تاکتیک‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس امکان‌پذیر
نیست، زیرا شرایط زمین و نحوه پدافند دشمن و

خاطرات

خاطره‌ای از شهید صیاد شیرازی

«نباید مسیر حرکت ما قطع می‌شد. لذا به عملیات محدودتر اقدام کردیم تا بتوانیم خودمان را برای عملیات وسیع آماده کنیم. اولین عملیات محدودی که طرح‌ریزی می‌شد، عملیات مسلم‌بن‌عقیل در منطقه سومار برای دستیابی به ارتفاعات کهنه‌ریگ و گیسکه بود که در طرفین تنگه سومار قرار داشت.

این عملیات طرح‌ریزی شد و ما خودمان را سرگرم چند عملیات کوچک کردیم تا برای عملیات عمده آماده شویم. عملیات عمده سری والفجرها بود که طرح‌ریزی کرده بودیم. می‌خواستیم والفجرها را شروع کنیم که سرانجامش برسد به هدف عمده‌های مثل بغداد یا بصره. بیشتر بصره موردنظر بود. عملیات مسلم‌بن‌عقیل در محور سومار طرح‌ریزی شد. ارتش و سپاه، باید یک قرارگاه واحد، باید

عملیات را اداره می‌کردند. عملیات مسلم‌بن‌عقیل، یک عملیات ضربتی و آفندی پرتوان بود. ما از دو یگان ضربتی ارتش و سپاه، به‌صورت هسته اولیه عملیات استفاده کرده بودیم. بقیه یگان‌ها در تقویت آنها بودند. از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی،

نجف اشرف آغاز شد. به‌دنبال اعلام رمز، رزمندگان با عبور از میادین مین و سیم‌های خاردار طی فقط ۱۰ دقیقه ارتفاعات گیسکه تا کله‌شوان و بعد از آن به ترتیب ارتفاعات واروالین به قلعه بین تا سمت راست تنگه جوق و ارتفاعات مثلثی را تصرف کردند. در پایان عملیات، دشمن در جلگه مستقر شد. استقرار دشمن در جلگه سبب شد نیروهای خودی بر دشمن تسلط یابند. نیروهای دشمن در پی آماده‌باش‌های متوالی دچار خستگی جسمی و ضعف روحی شدند و هنگام شروع حمله غالباً در خواب به‌سر می‌بردند. با روشن‌شدن هوا در ساعت نخست روز ۱۳۶۱/۷/۹ دشمن اقدام به پاتک کرد.

خسارات وارد به دشمن و غنایم به‌دست‌آمده عبارت بودند از:

۱. آزادسازی بیش از ۱۵۰ کیلومتر از خاک جمهوری اسلامی ایران؛

۲. کشته و زخمی‌شدن بیش از ۴۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن؛

۳. انهدام ۷۹ دستگاه تانک و نفربر از جمله چند دستگاه تانک تی-۷۲؛

۴. به‌اسارت‌گرفتن ۲۷۵ نفر از جمله تعدادی از افسران آنها؛

۵. انهدام ۲۰ دستگاه خودرو، ۳ دستگاه لودر و ۳ قبضه کاتیوشا؛

۶. به‌غنیمت‌گرفتن یک دستگاه رادار، یک دستگاه ردیاب صوتی توپخانه، ۳ دستگاه لودر و بولدوزر د-۸، و ۳ قبضه توپ ۱۰۰-م-م دوربین‌دار....؛

۷. سرنگون کردن ۷ فروند از هواپیماهای دشمن.

وضعیت ارتفاعات گیسکه و کهنه‌ریگ طوری بود که از طرف عراق و شهر مندلی، شیب ملایمی داشت و آنها می‌توانستند نیروهایشان را پشتیبانی کنند. طرف ما بریده‌بریده بود، به‌طوری که به‌سختی از بعضی جاها می‌شد روی ارتفاع رفت. بقیه جاها کاملاً دیوارمانند بود.

[illegible]

هم دعای توسل داشتیم. ایشان خودشان دعای توسل را خواندند. خیلی با حال بود. دعای توسل پرشوری بود و خواندن ایشان هم جالب بود. بعد رزمندگان عملیات را شروع کردند.

خاطره دوم، خاطره‌ای است که در عملیات پیش آمد. من نگران چگونگی انجام عملیات بودم. شب، آسمان را نگاه کردم ببینم وضع جوی چطور است. وضع عجیبی بود. عصرش باران باریده بود. این باران یک برکت بود. در آن فصل سابقه نداشت که در سومار باران ببارد. آن زمان هوا گرم بود. سومار گرمای بدی دارد. گرمای آن اصلاً بیماریزاست. ابرهایی که در آسمان بودند، تکه‌تکه شدند. همین‌طور که داشتم نگاه می‌کردم، از نظر نظامی تحلیل می‌کردم که چطوری تکه‌تکه شد. سیزدهم، چهاردهم ماه و هوا کاملاً مهتابی بود. نور ماه از لابه‌لای ابرهای تکه‌تکه شده می‌تابید. ابرها در تمام سطح منطقه تکه‌تکه بودند. هر تکه‌ای به شکل دایره بود یا مربع، تقریباً چنین چیزی. نور ماه، نور متعادلی روی زمین می‌انداخت که نه زیاد روشن بود که دشمن دید داشته باشد و نه زیاد تاریک که نیروهای ما نتوانند ببینند. جاهایی که ابرها به صورت تکه‌های بزرگتر بودند، جلوی ماه را که می‌گرفتند، تاریکی مطلق به وجود می‌آمد. این هم بیشتر از ده دقیقه، یک ربع طول نمی‌کشید. دوباره آن حالت به وجود می‌آمد. من داشتم برای خودم توجیه نظامی می‌کردم. بچه‌هایی بین تنگ پیرعلی و ارتفاعات گیسکه و کهنه‌ریگ در حال حرکت بودند. تا آنجا حدود سه، چهار کیلومتر راه بود. معلوم بود که رزمندگان اگر راه بروند، زیر این نور، دشمن می‌بیندشان. تا موقعی که تاریکی

محور سومار برداریم. در نتیجه، مرز را در آن نقطه، عمق بیشتری بدهیم. اگر بخواهیم هدف‌های دیگری هم برایش تعیین بکنیم، این عملیات تهدیدی برای شهر مندلی بود. کوتاه‌ترین راه را از اینجا داشتیم و بعدها می‌توانست هدفی منظور شود.

عملیات شروع شد و نقطه شروع جالبی داشت. به خاطر دارم که در زمان حیات آیت‌الله شهید اشرفی اصفهانی بود. ایشان نماینده امام^(ع) و امام جمعه کرمانشاه بودند. ما هروقت فرصت می‌کردیم، با برادر رضایی خدمت ایشان میرفتیم؛ چه به صورت مشترک و چه فردی، و از محضر ایشان کسب فیض می‌کردیم. رزمندگان اسلام را دوست داشت و خیلی دلش هوای جبهه را داشت. برای پیشرفت نبرد دلسوز بود و با آن روحیه عرفانی ما را تقویت می‌کرد. هروقت پیشاپیششان می‌رفتم، مقداری آب زمزم می‌داد می‌خوردیم. انگشتی هم به یادگار دادند. یک روز رفتم خدمت ایشان تا بعد بروم به طرف منطقه و عملیات را آن شب شروع کنیم. ایشان از عملیات پرسیدند. خواستم بگویم امشب عملیات شروع می‌شود. فقط گفتم: داریم می‌رویم وضعیت را ببینیم که چطوری است. با هلیکوپتر رفتم؛ برای اینکه سریعتر به سومار برسم. نزدیک نماز مغرب بود که دیدم آیت‌الله شهید اشرفی اصفهانی هم آمدند. حالا چطوری مطلع شده بودند، نمی‌دانم. من از آن شب دو خاطره بسیار جالب دارم که هر وقت یاد عملیات مسلم‌بن‌عقیل می‌افتم، بیشتر از خود شب‌های عملیات و نتیجه‌ای که رزمندگان گرفتند، این دو خاطره نظرم را جلب می‌کند. یک خاطره مربوط به نماز جماعتی بود که به امامت ایشان خواندیم. بعدش

قرائت شد: «سوگند یاد کرده‌ام که آزادانه با مرگ مقاومت کنم. اگرچه می‌دانم مرگ چیز ناگوار و تلخی است.»^۳ شاید زندگی آزادانه و مرگ شرافتمندانه شهدا این برکت مهم را نیز دارد که قاعدان و دیگران نشسته نیز از قِبل شهادت آنها مجال و فرصت آزادانه زیستن را پیدا کنند.

این گزارش نیز که بر مبنای یک سفر دو روزه راهیان نور به یکی از مناطق عملیات جنگی میانی، منطقه سومار است این فرصت را به تهیه‌کنندگان آن می‌دهد تا بتوانند با مرور دوباره این سفر بعضی از تجربه‌ها و برداشت‌های خود را با برگزارکنندگان، شرکت‌کنندگان و دیگرانی که حضور نداشتند در میان گذارند و نقشه راهی اگرچه محدود، برای قدم‌های بعدی خود برای آشناکردن عمیق‌تر خود و دیگران بردارند. از عوامل زیر می‌توان به‌عنوان مؤثرترین عوامل برای یادگیری و آشنایی عمیق‌تر با دفاع مقدس، عملیات مسلم‌بن‌عقیل و منطقه در این سفر یاد کرد:

۱. سفر به منطقه عملیات به‌عنوان یک تجربه محسوس جغرافیایی؛
۲. بیان تجربیات و خاطرات راویان، رزمندگان و

جانبازان به‌جامانده؛

۳. دیدار از جغرافیای منطقه و مشاهده عینی تمامی علائم، خطرها و نشانه‌های برجای مانده؛
۴. فرصتی برای آشنایی با همسفران دیگر (که سابقه، خاطره و انگیزه‌های متفاوتی دارند) و در کنار هم قرار دادن آنها برای انجام کارهای فرهنگی مشترک؛

۵. فرصت آشنایی و بازدید از موزه دفاع مقدس (اگرچه کلمه «موزه» برای این مجموعه مقدس کلمه‌ای کاملاً نارسا و ناشیانه است)؛
 ۶. کسب فیض از شهدای مظلوم سومار و طلب استمداد از آنها و شنیدن خاطرات راویان و شرکت‌کنندگان در عملیات؛
 ۷. اثر پذیری و بهره‌مندی از فضای معنوی خاص آن مناطق به‌منزله تلنگری به نسل امروز؛
- (نسل امروز باید بداند که دفاع همچنان ادامه دارد و باید ادامه‌دهنده آرمان‌های آن ازجان‌گذشتگان باشد و از جوانمردی، فداکاری، تیزهوشی، سرعت عمل، توکل و توسل نسل دیروز جبهه‌ها الگو بگیرد تا آرمان‌های آن جوانان را را به سر منزل مقصود برساند).



عملیات محرم و نقدی بر دو روایت در یادمان شریانی (اسفند ۱۳۹۶)

تهیه و تنظیم: محمد محمدپور*



هدف این مقاله این است که ضمن تشریح کلیاتی از عملیات محرم و ابعاد آن، با ارائه یک طرحواره و الگو، دو مورد از روایت‌های ارائه شده در اسفندماه ۱۳۹۶ در یادمان شریانی، مورد ارزیابی و سنجش قرار دهد. در این مدل هر روایت از نقطه‌ای شروع شده و سپس به نقطه اوج رسیده و در نهایت در نقطه‌ای به پایان می‌رسد.	چکیده	

اشاره

به پیشینه تفحص شهدای گمنام این یادمان و چگونگی

ایجاد یادمان در این نقطه اشاره می‌کند.

روایت دوم نیز بر مبنای فایل صوتی روایت حجت‌الاسلام شیروی، راوی مستقر یادمان شریانی- برای همان کاروان- تنظیم شده است. راوی که از نیروهای اعزامی مؤسسه سیره شهدا است در روایت خود، فارغ از تناسب موقعیت مکانی روایت و تشریح جغرافیا و عملیات منطقه، با ارائه مثال‌های مختلفی از ایثارگری‌ها

روایت اول، بر مبنای فایل صوتی روایت سرهنگ چوبین، راوی مستقر در یادمان شریانی است که در ۲۹ اسفند ۱۳۹۶، در محوطه اصلی یادمان شریانی و در کنار محل تفحص شهید گمنام یادمان برای کاروان بسیجیان محله مشیریه تهران ارائه شده است. راوی که مسئول یادمان شریانی و از رزمندگان بومی منطقه است، پس از شرح فضای معنوی و قداست منطقه عملیاتی محرم

* . پژوهشگر و کارشناس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

بازپس‌گیری بخش اعظم خاک کشور و گرفتن غنائم و اسرای فراوان از عراق، شروع بحث مربوط به گسترش سازمان رزم در سپاه پاسداران قبل و حین و بعد از عملیات بود. یکی از نقاط عطف عملیات محرم - که باعث تأثیر امام و مردم شد - ماجرای غرق‌شدن تعدادی از نیروهای تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) به-علت باران شب عملیات و طغیان رودخانه دویرج بود که فلش جنوبی عملیات را با وقفه مواجه کرد. درمجموع، عملیات در دستیابی به اهدافش موفق بود و دستاوردهای محسوس و بزرگی برای کشور داشت.

در سال ۱۳۶۱، عراق با وجود شکست در جبهه جنوب (از دست دادن خرمشهر) با در اختیار داشتن ارتفاعات مهم در منطقه عمومی دهلران (شهرانی و زبیدات) با حفظ یک خط پدافندی مطمئن، جاده دهلران عین خوش را که نزدیک‌ترین معبر وصولی جبهه‌های میانی و جنوبی بود، زیر دید و تیر خود داشت. علاوه بر این، مواضع پدافندی دشمن به گونه‌ای بود که می‌توانست به اشغال چندین حوزه نفتی و تأسیسات آن در منطقه بیات ادامه دهد. به همین دلیل و نیز با هدف تصرف ارتفاعات منطقه و قرار گرفتن در موضع برتر تاکتیکی و راندن دشمن به سوی دشت بود که طرح عملیات محرم در دستور کار قرار گرفت.

منطقه عملیاتی محرم پراز تپه‌های ماهور و شیارهای آبرفتی است و از نظر نظامی منطقه پیچیده‌ای به‌شمار می‌آید. در این منطقه دشمن با تسلط بر ارتفاعات مرزی حمربن علاوه بر تصرف بخش‌هایی از خاک ایران، ده‌ها کیلومتر از مناطق ایران را زیر دید و تیر قرار داده بود. نحوه قرار گرفتن ارتفاعات حمربن در نوار مرزی و وجود ارتفاعات ۲۹۸، ۴۰۰ و ۱۷۵ موجب می‌شد نیروهای قرار گرفته بر این ارتفاعات بر دو سمت شرق و غرب آن (ایران و عراق) تسلط دید و تیر داشته باشند. از این رو، جاده مهم عین‌خوش دهلران که از نزدیک‌ترین محورهای مواصلاتی غرب و جنوب بود، به‌علت تسلط دید و تیر دشمن و اجرای آتش توپخانه ارتش عراق روی این جاده، عملاً استفاده‌شدنی نبود. نیروهای خودی به‌طور محدود و آن هم در تاریکی شب در این جاده تردد می‌کردند و از آنجا که این آمدوشده‌ها با چراغ خاموش انجام می‌گرفت، گاه موجب تصادف می‌شد و خسارت‌هایی به بار می‌آورد. از سوی دیگر، موقعیت ارتفاعات حمربن به نیروهای مستقر روی آن این امکان را می‌داد که در سمت

عدم‌الفتح نیروهای ایران در عملیات رمضان (در تابستان ۱۳۶۱) و نافرجام‌بودن تلاش‌ها برای دستیابی به خاک عراق از جبهه شلمچه نیز باعث شده بود بر عملیات‌های نیمه‌گسترده بیشتر تأکید شود. بر همین اساس بود که عملیات محرم در ۱۰ آبان ۱۳۶۱ در منطقهٔ عمومی موسیان‌عین‌خوش در نوار مرزی شروع شد و تا دههٔ سوم آبان ادامه یافت. هدف این عملیات آزادسازی بخش‌های اشغال‌شده در این منطقه و تسلط بر ارتفاعات مسلط مرزی حمرین بود که همهٔ این اهداف نیز تصرف و تأمین شد.



روایت راویان دفاع مقدس، منطقه عملیاتی محرم، یادمان شرهانی، اسفند ۹۵

روی جاده‌های مواصلاتی دشمن و شهرک‌های موجود در این منطقه و مهم‌تر از همه تحمیل خط پدافندی گسترده بر عراق در دشت باز با استقرار نیروهای خودی در ارتفاعات سرکوب حمربین.

پ- فرماندهی عملیات، نیروهای شرکت کننده و سازمان رزم

فرماندهی عملیات محرم را قرارگاه مرکزی قائم به مسئولیت حسین خرازی از سپاه و سرهنگ منوچهر دژکام از ارتش برعهده داشتند. استعداد قرارگاه‌های قائم ۱ تا قائم ۶ که اجراکننده این عملیات بودند عبارت بود از:

قرارگاه قائم ۱: ۱۰ گردان پیاده، یک گردان ضدزره، ۲ گردان ادوات از تیپ ۸ نجف، گروهان ژاندارمری موسیان، یک گردان توپخانه ۱۰۵ میلی متری ارتش و آتشبار ۱۲۲ میلی متری سپاه به فرماندهی احمد کاظمی فرمانده تیپ ۸ نجف سپاه.

غرب نیز به جاده‌های مرزی و عمق خاک عراق به‌ویژه جاده آسفالت و مهم زبیدات شرهانی تسلط دید و تیر پیدا کنند، که این امر برای ارتش عراق بسیار حیاتی بود.

عراق برای حفظ این منطقه که به مدت ۲۵ ماه آن را در اشغال داشت، رده‌های مختلفی از موانع کار گذاشته بود؛ از جمله احداث کانال سراسری از فکه تا نهر عنبر، ایجاد خاکریزهای متعدد، ایجاد شبکه سیم خاردار، ایجاد میدان‌های مختلف مین از ۳ تا ۳۰ ردیف، مین‌گذاری همه مسیرها و آبرفت‌ها، کارگذاری رده‌های مختلف تله‌های انفجاری، ایجاد سنگرهای مستحکم بتونی و سنگرهای کیسه شنی و... .

اهداف عمده عملیات محرم عبارت بودند از: آزادسازی بخش‌های اشغال‌شده ایران و رسیدن به مرز؛ رفع تسلط دید و تیر دشمن به عقبه‌های ایران، به‌ویژه جاده عین‌خوش - دهلران؛ آزادسازی چندین پاسگاه مرزی و حوزه نفتی در این منطقه؛ امکان یافتن دید و تیر

و قائم ۲ به یکدیگر بود که علت آن فشار فراوانی بود که نیروهای عراقی با اتکا به جاده‌ای که در این محور قرار داشت به عقبه‌های خود وارد می‌کردند. بنابراین، ادامهٔ عملیات و پر کردن شکاف موجود، به عملیات روز آینده موکول شد.

در این مرحله از عملیات، ۳۰۰ کیلومتر از اراضی مرزی آزاد شد یا به تصرف نیروهای خودی درآمد. نیروهای قائم ۴ نیز روی ارتفاع ۱۷۵ مستقر شدند. همچنین ۷ تیپ عراقی آسیب جدی دید و ۲۷۰ تانک و نفربر منهدم شد و ۲۴۷ تانک و نفربر و خودرو نیز به غنیمت درآمد.

در ساعت ۵ صبح ۱۷ آبان، عملیات با ۸ گردان منها برای الحاق دو بخش قرارگاه قائم ۱ و قائم ۲ آغاز شد. در محور شمالی، تیپ ۸ نجف (قائم ۱) با عقب‌نشینی نیروهای عراقی توانست ۱۲ کیلومتر پیشروی کند و چند تپهٔ مهم را به تصرف درآورد. نیروهای محور جنوبی (قائم ۲) نیز در محورهای تعیین‌شده موفق شدند پیشروی کنند و به قرارگاه قائم ۱ (تیپ ۸ نجف) ملحق شوند. البته به‌علت آنکه عملیات در روشنی روز اجرا شد و دشمن بر همهٔ اقدامات نیروهای خودی به‌ویژه قائم ۲، به لحاظ دید و تیر تسلط داشت، با اجرای آتش دقیق توپخانه صدمات زیادی به نیروهای خودی وارد کرد.

در این روز، همچنین در محور جنوبی منطقهٔ عملیاتی، یکی از گردان‌های مستقر در تپه ۱۷۵ به‌علت فشار دشمن، تمام‌شدن مهمات و تأخیر در پشتیبانی در ساعت ۱۰، منطقه را خالی کرد که بلافاصله نیروهای عراقی روی آن مستقر شدند. در روز بعد (۱۸ آبان) بار دیگر نیروهای قائم ۴ (تیپ امام حسین^(ع)) در عملیاتی سریع موفق شدند این ارتفاع را پس بگیرند و با آتش انبوه و دقیق خودی باعث

داد تا با بهره‌گیری از امکانات خود اقدامات لازم را برای تصحیح در ابعاد عملیاتی و مهندسی انجام دهند. به این منظور در طول روز، قائم ۱ (تیپ ۸ نجف اشرف) و قائم ۳ (تیپ ۱۷ علی بن ابیطالب^(ع)) با اجرای عملیاتی توانستند تلفات سنگینی به نیروهای عراقی وارد کنند و به‌ترتیب بلندی‌های مشرف بر شهرک طیب و تپه‌های سرکوب در منطقهٔ عملیاتی خود را به تصرف درآورند.

در ۱۳ آبان نیز نیروهای خودی در محدودهٔ قرارگاه‌های قائم ۱ و ۳ تلفات سنگینی به دشمن وارد کردند؛ از جمله یک ستون بزرگ از نیروهای عراقی را که قصد داشتند به منطقهٔ عملیاتی وارد شوند، زیر آتش قرار دادند که بر اثر آن ۳۰۰ نفر از نیروهای دشمن کشته شدند. نیروهای قرارگاه قائم ۳ و قائم ۴ با حمله به محل تجمع نیروهای عراقی تلفات فراوانی را به آنها وارد کردند، ولی به‌علت برخی مشکلات پدافندی، نیروهای قرارگاه قائم ۴ بخشی از ارتفاعات مهم ۱۳۵ را که قبلاً به تصرف درآورده بودند، تخلیه کردند و به عقب بازگشتند. اجرای تک همه‌جانبه برای رسیدن به جادهٔ آسفالت زبیدات شرفهانی و اجرای تک در منطقهٔ چم‌سری به‌سمت جنوب غربی و رسیدن به خط پدافندی مناسب که تدبیر فرماندهی قرارگاه کربلا به قرارگاه قائم بود، در ۱۴ آبان در قرارگاه قائم بررسی و سرانجام به‌منظور برآورده‌شدن تدابیر فرماندهی، انجام تک با ۲۴ ساعت تأخیر در اولین ساعات بامداد ۱۶ آبان آغاز شد. در این حمله، نیروهای خودی با پیشروی سریع توانستند چندین گردان پیاده و تانک دشمن را به محاصره درآورند و با وجود فشار فراوان دشمن به‌ویژه انبوه نیروهای زرهی و تانک‌های عراقی، به اهداف خود دست یابند. تنها مشکل عمده‌ای که تا آخرین ساعات روز باقی مانده بود، الحاق نشدن قائم ۱

شوند پاتک عراقی‌ها بی‌نتیجه بماند. در روز ۱۹ آبان، عراق برای بازپس‌گیری ارتفاع ۱۷۵، آتش توپخانه بسیار سنگین و متمرکزی را علیه مواضع خودی اجرا کرد، به‌حدی که طبق برآوردها در هر دقیقه ۶۰ گلوله از انواع مختلف بر منطقه‌ای که نیروهای تیپ امام‌حسین^(ع) در آن مستقر بودند، فرود می‌آمد. این وضعیت کم‌وبیش ۲۴ ساعت ادامه یافت. با این حال، نیروهای خودی به‌علت شناختی که از موقعیت و اهمیت این ارتفاع داشتند عقب‌نشینی نکردند و با وجود تلفات فراوانی که به ۲ گردان از نیروهای این تیپ وارد شد، به مقاومت ادامه دادند. پس از این نیز عراق در روزهای ۲۰ و ۲۱ آبان برای بازپس‌گیری مواضع از دست‌رفته، پاتک‌های سنگینی را در محور قائم ۲، قائم ۳ و قائم ۴ انجام دادند که با پایداری و عکس‌العمل مناسب یگان‌های خودی، ۱۱۰۰ نفر از نیروهای عراقی کشته و زخمی شدند و ۴۶ تن از آنان نیز به اسارت درآمدند و ۱۳

در روز ۱۹ آبان، عراق برای بازپس‌گیری ارتفاع ۱۷۵، آتش توپخانه بسیار سنگین و متمرکزی را علیه مواضع خودی اجرا کرد، به‌حدی که طبق برآوردها در هر دقیقه ۶۰ گلوله از انواع مختلف بر منطقه‌ای که نیروهای تیپ امام حسین^(ع) در آن مستقر بودند، فرود می‌آمد. این وضعیت کم‌وبیش ۲۴ ساعت ادامه یافت

شهرهانی (اسفندماه ۱۳۹۶)

بدین ترتیب، عملیات محرم پس از ۱۱ روز کشمکش، با پیروزی کامل نیروها و تثبیت مواضع تصرف شده پایان یافت. در پی موفقیت این عملیات، علاوه بر شکست تبلیغات نسبتاً وسیع عراق مبنی بر متوقف کردن نیروهای ایرانی پس از عملیات رمضان، فرماندهان نظامی ایران به توانایی خود برای

به اوج می‌رسد و در یک نقطه خاتمه می‌یابد، نقطه شروع بهتر است تشریح موقعیت منطقه عملیاتی (اعم از جغرافیا و سابقه تاریخی آن)، نقطه اوج تشریح واقعیات صحنه نبرد، ذکر مجاهدت‌ها رشادت‌ها و جانبازی در عملیات‌های مختلف و نقطه پایان نیز مفاهیم عبرت‌انگیز دوران دفاع مقدس به‌عنوان چراغ راه آینده باشد. بنابراین، در این روایت نیز ابتدا باید وضعیت جغرافیایی منطقه و

یادمان، عوارض طبیعی و مصنوعی آن، وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، سیر اجمالی تاریخ انقلاب اسلامی و جنگ در منطقه از پیروزی انقلاب تا شروع جنگ و نهایتاً آزادسازی مناطق اشغالی و... توضیح داده شود.

در روایت اول، سرهنگ چوبین، قبل از شرح موقعیت جغرافیایی منطقه به حال‌وهوای تفحص شهدا در این منطقه اشاره می‌کند و از همان ابتدای روایت به سخنان خود حالتی احساسی و

ازجنگ را انتخاب و روایت کند. در این زمینه مناسب است که راوی به‌طور کلی با جغرافیا، پیشینه و سابقه عملیاتی، وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منطقه مقارن انقلاب و شروع جنگ، عملیات‌های شاخص در منطقه مورد نظر و شهدا، فرماندهان و شخصیت‌های فعال در این مناطق آشنایی کامل داشته باشد. البته شخصیت، عقاید و اندیشه‌های راوی هم در نوع روایت و بیان مطالب مؤثر است. بنابراین، راوی باید با توجه به اندوخته‌های خود و وضعیت منطقه، ترکیبی مناسب از اطلاعات سیاسی و عملیاتی جنگ و نیز مباحث معرفتی ایجاد و مخاطب را با ارائه اطلاعاتی مستند و متقن متأثر کند. در بعضی موارد، راویان یا به‌علت فقر اطلاعاتی در زمینه‌های یادشده، یا به دلایل دیگر مانند پررنگ کردن نقش فرد یا یگانی خاص سعی می‌کنند روایت‌ها را به‌سمت مباحث معرفتی، معنوی، سبک زندگی شهدا، روایت اشکی و مطالب دور از واقعیت و مخدوش سوق دهند. راوی موفق کسی است که با توجه به داشته‌هایش از روایت جنگ برای مخاطب امروز حرف داشته باشد و راهکار ارائه دهد و از دل وقایع جنگ حکمت‌هایی استخراج کند که مخاطب بتواند از آن به‌عنوان توشه زندگی امروز استفاده کند.

در یک دسته‌بندی کلی، مفاهیم و شاخص‌های مورد نظر برای ارائه یک روایت مستند، مطلوب و متناسب با یادمان و منطقه عملیاتی مورد نظر را باید در چند نقطه تقسیم کرد:

الف- نقطه شروع

اگر برای یک روایت خط سیر یا روند منحنی‌واری را در نظر بگیریم که از یک نقطه شروع و در نقطه‌ای دیگر

راوی موفق کسی است که با توجه به داشته‌هایش از روایت جنگ برای مخاطب امروز حرف داشته باشد و راهکار ارائه دهد و از دل وقایع جنگ حکمت‌هایی استخراج کند که مخاطب بتواند از آن به‌عنوان توشه زندگی امروز استفاده کند

عاطفی می‌دهد. راوی روایت خود را این‌گونه آغاز می‌کند «برادران عزیز، عزیزان من، فرزندان مقام معظم رهبری، ما می‌خواهیم به شما بگوییم، جوان‌هایی مثل شما در سال‌های ۱۳۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲ تا پایان جنگ همراه رهبرشان بودند و رهبرشان را تنها نگذاشتند. حتی با پیکرهایشان رهبرشان را یاری کردند. این فضای معنوی‌ای که شما در آن نشست‌اید، این قسمتی که شما می‌بینید محل جمع‌آوری ۱۳۰۰ تن از شهدای عملیات

محرم و فتح‌المبین، قدس ۳، عاشورا، والفجر ۱، والفجر
مقدماتی، والفجر ۶ و ... [است] که همه و همه در این
مکان در این قسمت کفن شده و انتقال پیدا کرده‌اند، اما
چه شهدایی؟ شهدایی که مثل آقا اباعبدالله الحسین^(ع)
سر در بدن نداشتند، مثل مادرشان زهرا پهلوها شکسته
شده. فرزندان رهبری، شهیدی که [فقط] جمجمه و
پلاکش [بوده]؛ یعنی از یک جوان رعنا ما فقط جمجمه
را با پلاکش پیدا کردیم. شهدایی که مثل عباس علمدار
حسین^(ع) در عصر عاشورا دست‌ها از بدن جدا شده
بود، شهدایی که هنوز بوی عطر و گلاب از پیراهن‌ها و
لباس‌هایشان به مشام می‌رسد. یک روز پنج تا از شهدای
اینجا را درآوردند- آنهایی که گمنام بودند کفن کنند و
در اول شهر دهلران مزارشان را برپا کنند و ای کاش آن
روز بودید، آن روز سخت‌ترین روز تفحصی‌ها است- تا
برای روز تاسوعا در شهر دهلران آماده و کفن کنند،
اولین شهید را که بررسی و مرتّب کردند، هیچ نشانی
نداشت، این را کفن کردند و کنار گذاشتند، دومی،
سومی، چهارمی را هم به همین ترتیب. بعد شهیدی را
آوردند که سر در بدن نداشت، مرتّبش کردند، آماده‌اش
کردند، لحظه آخر که می‌خواست کفن شود، در داخل
جیب این شهید یک تکه پارچه بود که روی آن نوشته
بود، حسین پرنده اعزامی از اصفهان. این شهید را همان
روز اعزامش کردند اصفهان که در روز عاشورا، در اصفهان
تشییع جنازه شد. شهید دیگر هم شاید آن تاسوعایی
عباس علمدار حسین باشد که کفن کردند و مرتّب
کردند و بردند در شهر دهلران دفن کردند».

«اینجا شرفانی است، منطقه عملیاتی محرم، نزدیک‌ترین راه به حرم شش‌گوشه آقا اباعبدالله^(ع). آقا سلامش دهید، خجالت نکشید، خودش فرمود هر جا و

در سیره اهل بیت بود در دفاع مقدس عملیاتی و اجرا شد. اگر دفاع مقدس محقق نمی‌شد، انقلاب اسلامی باقی نمی‌ماند و اگر انقلاب اسلامی محقق نمی‌شد دفاع مقدس هم تحقق پیدا نمی‌کرد. اینها با همدیگر مرتبط است. انقلاب اسلامی تئوری بود، دفاع مقدس اجرایی عملیاتی بود. بسیاری از آیات قرآن، روایات، سیره اهل بیت در دفاع مقدس اجرایی و عملیاتی شد و تأثیرگذار. حالا بعد از انقلاب اسلامی و دفاع مقدس تمام موحدان عالم به انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بدهکارند. چه بپذیرند، چه نپذیرند. مسیحی‌ها، یهودی‌های اهل سنت، ادیان دیگر، هرکسی که می‌گوید من دارم خدا را عبادت می‌کنم. اگر حالا به معنای واقعی بگویند یا غیرواقعی. اگر کسی بگوید مهدویت امام زمان، اگر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را قبول نداشته باشد، دارد دروغ می‌گوید. به شهدای دفاع مقدس بدهکار است، چون عبادات اینجا معنا شد.

راوی سپس منطقه عملیاتی محرم را این‌گونه معرفی می‌کند: «این قسمتی که ما هستیم به آن منطقه شرفانی می‌گویند. اینجا منطقه میانی جبهه است؛ یعنی آن‌طرف‌مان [جبهه] جنوب می‌شود، این‌طرف‌مان هم [جبهه] غرب می‌شود. اینجا منطقه میانی است و این [نقطه] منطقه شرفانی. پایین را که نگاه می‌کنید مقتل پنج شهید را می‌بینید. این پنج شهید بزرگوار اینجا مجروح بودند، اینها را گذاشتند اینجا بروند و بیاوند ببرندشان که ظاهراً نتوانستند. اینها اینجا ماندند، دشمن آمد، از جلو در محاصره قرار گرفتند و شهید شدند. علت اینکه اینجا مقدس شده این است که عبادت و رازونیز و استغاثه بسیار زیاد شهیدانی است که لحظات آخر عمرشان را در اینجا سپری می‌کردند و اهل بیت را صدا می‌زدند. پایین‌تر، مقتل یکی از شهدا است که اینجا

تمام موحدان عالم بخواهند یا نخواهند به آن بدهکارند؛ یکی جنگ کربلا، یکی هم جنگ دفاع مقدس. ج بحث نگ‌های صدر اسلام جدا است. اما اگر دفاع کربلا قیام امام حسین (ع) نبود، هیچ‌چیزی از انسانیت و شرافت و غیرت و عبادت و خداپرستی و اینها [باقی] نبود. اگر این دو جنگ اتفاق نمی‌افتاد ما نمی‌فهمیدیم عبادت یعنی چی؟ ایثار یعنی چه؟ گذشت یعنی چی؟ دینداری یعنی چه؟ در ماجرای کربلا همه‌چیز برعکس شده بود؛ یعنی مردم مسلمان آن زمان کسی مثل یزید را خلیفه می‌دانستند و قبول کرده بودند. خُب دین نداشتن خیلی بهتر بود تا اینکه خلیفه مسلمین‌شان یزید باشد. اگر دین نداشتند می‌گفتند دین نداریم، ولی وقتی خلیفه مسلمین‌شان یزید می‌شود هرچی یزید انجام می‌دهد، می‌شود دین. این خیلی بدتر است».

در دفاع مقدس هم همین‌گونه بود. انقلاب اسلامی در مقابل شرق و غرب، سوسیالیسم، کاپیتالیسم و لیبرالیسم محقق شد. هر دو این کشورها یعنی هر دو ابرقدرت - هم فلاسفه‌شان، هم سیاستمدارشان - به این نتیجه رسیده بودند که دین افیون ملت‌ها است، دین به‌درد نمی‌خورد، معنویت به درد نمی‌خورد. اصلاً دین کارآمد نیست و تقریباً همه جهان این را پذیرفته بودند. اگر مؤمنان و مسلمانان هم این را نپذیرفته بودند می‌گفتند نمی‌توانیم کاری کنیم. آنها حرف غلطی زده‌اند، اما ما نمی‌توانیم در مقابل امریکا و شوروی و این‌همه جریان بایستیم. افسوسه انقلاب اسلامی این بود که دین و خداپرستی و بندگی در مقابل خدا و به کمال رسیدن را به صحنه بیاورد. خُب این تئوری مطرح شد. انقلاب اسلامی که این تئوری را مطرح کرد حالا باید بیاید این را عملیاتی و کاربردی کند، دفاع مقدس این را کاربردی کرد؛ یعنی هر اندیشه‌ای که در اسلام، در آیات و روایات،

در یادما: شهانه، (اسفند ۱۳۹۶)

دفن شده. همین شهید گمنامی که اینجاست، داستان پیداکردنش متفاوت است. از زمانی که اینجا و این جبهه باز شد تاکنون انسان‌های بسیاری به اینجا آمدند و عبادت کردند. هرکسی می‌آید اینجا غیر از عبادت کردن و نماز خواندن و صلوات فرستادن و قرآن خواندن چه کار دیگری انجام می‌دهد. برای همین است که این سرزمین مقدس شده. آیا تقدس این سرزمین به قدم مبارک حضرت زینت کبری هست یا نیست؟»

در این مرحله، به‌طور خاص بهتر است به شرح نبردها و عملیات‌های مهم و تأثیرگذار منطقه؛ نقش یگان‌ها و نیروهای شرکت‌کننده در عملیات؛ شرح ایثار، فداکاری و مجاهدت شخصیت‌های مهم و کلیدی در منطقه عملیاتی و... پرداخت و از موارد و مباحثی که بین ارتش و سپاه و همچنین عرب و ایرانی و... تفرقه می‌اندازد اجتناب کرد. در روایت اول، راوی پس از تعریف یک نمونه از تفحص شهدای یادمان شرهانی که در حین روایت او رخ داده بود و استفاده از تعبیر معجزه در خصوص آن، گریزی به واقعه عاشورای حسینی سال ۶۱ هـ.ق می‌زند و بدون اشاره به فلسفه انجام عملیات محرم، این عملیات و یگان‌های شرکت‌کننده در آن و نتایج و دستاوردهای آن را (چند مورد از تفحص‌های انجام‌شده در این منطقه) شرح می‌دهد.

« اول می‌خواهم شهید گمنام شریانی را تعریف کنم، عزیزان اگر شهید گمنام شریانی نبود، اینجا یادمان نمی‌شد. بچه‌های تفحص چهارده‌سال اینجا کار کردند، شهدا را جمع‌آوری کردند، مأموریت تمام شد و معراج شهدای شریانی با همان مظلومیتش ماند، ساختمان‌ها و سنگرها همه رفتند. بچه‌های ارتش هم

سال شانزدهم □ شماره شصت و یکم □ زمستان ۱۳۹۷



روایت روایان دفاع مقدس، یادمان شرهانی، اسفند ۹۵

دانشجوها دستش را بلند کرد [گفت] آقا، این جوی آب چیه؟ توی دلم گفتم یا فاطمه الزهرا خودت رحم کن این یک حرف دیگری را دارد. این یک چیز دیگری را می‌خواهد. بهش گفتم جوی آب نیست، اینجا مقتل و محل شهید گمنام شرهانی است. [گفت] قبولش ندارم، تا ثابت هم نکنید حق روایتگری ندارید. حالا چه کار کنیم حُب بهش گفتم تابلو را دیدید؟ به تابلو نگاه کرد و گفت بله شما زرنگید، یک روز به حضرت زهرا^(س)، یک روز هم به عباس، یک روز هم به حسین^(ع)، یک روز هم به زینب و ما را همین‌جا می‌آورد و توی دلم گفتم یا فاطمه الزهرا تو خودت دل‌رحمی، این فایده ندارد. گفتم سند هست اگر تشریف بیاورید داخل اتاقم سند [آن را ارائه می‌کنم]. خوب گوش بدهید، [گفت] چهار نفر نشسته‌اید یک صورت جلسه امضا کردید. ما اینجا هستیم. از شما عذر می‌خواهم، سرم را برگرداندم به سوی تابلوی یا فاطمه الزهرا^(س) [گفتم] یک تیری به این

یادمان شهدای شرهانی در میراث فرهنگی ضبط شد». «من از سال ۹۰ جلوترش، اما رسماً از سال ۹۰ رسماً مدیر یادمان هستم. حالا من یک چیز بگویم که لذت ببرید که کجا آمدید، یک چیزی تا حالا نشنیده‌اید، یک چیزی که خیلی سخت است تحملش کنیم، اما این داستانی که می‌خواهم بگویم شواهد دارد، نه یک نفر و دو نفر. کاروان دانش‌آموزی مهران، دخترخانم‌های دوم دبیرستانی گفتند فرمانده سپاه مهران، سرهنگ برویم کنار مقتل شهید گمنام شرهانی آنجا روایت‌گری کن. حرکت کردیم، ما هم رسیدیم به آنجا. دخترخانم‌ها همه نشستند، من گفتم بسم الله الرحمن الرحيم. یک خانمی دستش را بلند کرد، آقا ما سه تا اتوبوس دانشجو هستیم، اجازه می‌دهید ما هم به این جلسه برسیم. چند تا صلوات فرستادیم تا جمعیت حال دیگری به خودش بگیرد، آرام‌آرام صحبت می‌کردیم، کاروان رسید. [گفتم] بسم الله الرحمن الرحيم. خانمی از میان

در یادما: شهانه، (اسفند ۱۳۹۶)

خانم شلیک کن، این جمعیت همه ببینند. بهش گفتم من کسی نیستم ولی اینجا تو شهید پیدا کردی حالا هم خودت جواب بهش بده. از آخر ستون دانش آموزها یک دخترخانمی کوچولو آرام آرام داشت می آمد. وقتی آمد ترسیدم، چرا؟ گفتم آن از دور دارد با من حرف می زند ولی این به نظرم برای دعوا آمد، حالا ما به این چه بگوییم. وقتی گفت جای شهید کجاست؟ من با مظلومیت گفتم همین جا. آرام نشست چادرش را به صورت خیمه زد. این دخترخانم بالا ایستاده. این جوری یک نگاهی کرد، من آرام سرم را انداختم پایین دیدم همان لحظه ای که نشست کتف هایش شروع کرد به لرزیدن. متوسل شدم از نو به حضرت زهرا. یا فاطمه الزهرا، اتورا قسم می دهم! به عباست هرچی این دختر می خواهد بهش بده. شروع کردم. آن دخترخانم دیگر هیچ حرفی نزد. همین جوری سرپا ایستاد، همه جمعیت نشسته، اون سرپا. روسریش هم وسط سرش، همانجوری ایستاده بود. بعد از ۴۵ دقیقه که این دخترخانم بلند شد. پیراهن شهید گمنام شرفهانی دستش بود، حالا نصف پیراهن در دستش است. نصفش هم زیر خاک است، هر کاری می کرد بیاید بالا نمی آمد، زمین را پنجاه سانت در پنجاه سانت کنده، چون باران زده بود هیچ کس داخل کانال نمی رفت، خیس خیس بود. گفتم یکش بالا گفت نمی توانم. گفتم فریاد بزن یا زهرا، برادران فریاد بزنید، هرچی می خواهید ازش بگیرید. فریاد یا زهرا^(ص)، جمعیت این پیراهن را بالا آورد، وقتی آورد بالا من گفتم آقای فرمانده سپاه دهلران، آقای ملکی پیراهن را بگیر وقتی پیراهن را گرفت. توی دلم گفتم شهید گمنام شرفهانی را از دست دادی چون داخل جیب هایش مشخص بود یک چیزی هست گفتم دکه ها را باز کن برادران گفتنش سخت است اما من

سراغ این شهید و آوردیم اینجا کفنش کنیم، مرتیش کنیم، مجمعه را بلند کردیم، مجمعه از دستان افتاد. پلاک که دیگر زنجیرش بریده شده و رفته بود داخل مجمعه با گل‌هایی که سال‌های سال رفته بود داخل مجمعه قاطی شده بود. شده بود یک تکه گل، مجمعه که افتاد، گل شکست پلاک داخلش بود».

« عزیز [شهید] دیگری مشخص بود در حال نماز خواندن بوده که یک حلقه سیم‌خاردار انداخته بودند رویش، بعد همان‌طور زنده‌زنده با یک بیل، لودر مستقیماً رویش خاک ریخته بودند و خاک را همین‌طوری فشار داده بودند تا رفته بود [داخل] زمین. یک بادگیری که تن این عزیز بود پُر از خون شده بود. یکی از دوستان گفت رفتیم سراغش. دیدیم همین‌جوری که رفته، این پلاک گیر کرده به سیم‌خاردار، وقتی گیر کرده بود. همه خوشحال شدیم پلاک دارد. وقتی نگاه کردیم این دو تا شماره آخر پلاک از بین رفته بود و بقیه شماره‌ها بودند. ناامید شدیم یا فاطمه‌الزها این پلاک دارد حالا ما چجوری این را به‌عنوان گمنام معرفی کنیم، چه‌کارش کنیم. می‌گویند وقتی پیکر را بلند کردیم پاهایش تا اینجا داخل پوتین بود تا آخر آخر بسته بود، مثل کسی که در حال سجده است. یکی از دوستان دیگر آمد گفت بگذار من این بند پوتین را باز کنم. گفتیم بابا بگذار قشنگه بگذار. بندش را باز نکن گفت نه، من دوست دارم باز کنم. دوستان وقتی بند پوتین را باز کردند لبه بند پوتین نوشته بود شماره پلاک من این است به ترتیب تا آن دو عدد آخر که آنجا از بین رفته بود. آنجا همان لحظه‌ای که نوشته بود و همان لحظه که گره زده بود، به جوراب سفیدی که داخل عرض کنم پایش بود آن شماره هم حکاکی شده بود. پوتین بعد را باز کردند دیدند بله. بندش

آنجایی که علی‌اکبر حسین از اسبش بر زمین افتاد، آقا امام‌حسین رفت بالای سر جوانش. سر جوانش را بغل کرد و جوانش در دامنش به شهادت رسید. اینجا هم چنین شد، در منطقه عملیاتی والفجر ۶، سیدابراهیم و سیدحسین اسماعیل‌زاده از لشکر ۲۵ کربلا پدر و پسر بودند، با هم ثبت‌نام کردند پلاک‌هایشان پشت سر هم، با هم به شهادت رسیده بودند. وقتی شهیدی را در کنار کانال بجلیه عراق پیدا کردیم، از لباسش و جورابش بوی عطر و گلابی می‌آمد که هیچ‌جای عطاری‌های دنیا ندارد. این‌قدر اینها عزیزند. دوست داری این پیکرها را فقط نگهداری کنی، به کسی ندهی. دوست داری باهاشان حرف بزنی، باهات حرف می‌زنند. شهید دیگری روی بند اسلحه‌اش، مشخصات خودش را نوشته بود اعزامی از اصفهان. بعد از ۳۶ سال خیال می‌کردی دیروز این را نوشته‌اند. زیر خروارها خاک. شهیدی که مثل سردار شهید صداقتی فرمانده گردان یازها در منطقه عملیاتی محرم در قله ۱۷۸، دستش مصنوعی بود. این دست بعد از ۳۶ سال زیر خاک قرمز قرمز شده بود. این‌قدر قشنگ بود فقط دوست داشتی به آن نگاه کنی. دلت نمی‌خواست آن را به کسی بدهی».

«آقای از بچه‌های تفحص می‌گفت که ما یک شهیدی آوردیم اینجا. شهید را آوردیم، به ما دستور دادند شهدا را جمع کنید تا ببرند محمودوند و بعد تهران. وقتی خواستم بروم این را بلند کنم مثل اینکه کسی می‌گفت نه فعلاً بگذارش، خیلی وقت‌ها می‌رفتیم و می‌آمدیم، این می‌ماند. گفتند این تعمیرکار می‌رود یک آجاری می‌آورد، یک پیچ‌گوشتی می‌آورد یک وسیله‌ای می‌آورد، با صلوات می‌رود، پس ما صلوات بفرستیم برویم سراغ این شهید. می‌گویند صلوات فرستادیم و آمدیم

« ما طلائیه بودیم سردار باقرزاده خودش برای

من تعریف کرد، گفت حاج آقا یک دفعه رزمنده‌ای آمد اینجا گریه [می‌کرد] که برویم یک جایی را ببینیم، از سه‌راه طلائی می‌گفت ما مستقیم رفتیم یک جایی دیدم نشست و شروع کرد به گریه کردن. خیلی گریه کرد. بعد که ساکت شد گفتم چرا [گریه کردی]، اینجا چی شده؟ گفت در عملیات خیبر من همین‌جا مجروح شدم، دور و بر من مجروح‌های دیگری بودند، آنها شهید شدند. من تنها شده بودم، آنجا من متوسل شدم به مادرم فاطمه الزهرا. حضرت زهرا سلام الله علیها همین‌جا سر من را به دامن گرفت. هیچ دلیلی هم برای دروغ گفتن نیست، اگر اینها نبودند امکان عبور نبود، امکان پیروزی نبود».

پشتِ سرِ شما یک کانال هست به نام بجلیه که از پاسگاه بجلیه شروع می‌شود و می‌رود تا طرف‌های فکه تا [کانال] گردان حنظله و کمیل. طول این کانال نودوپنج الی صدکیلومتر و عرضش چهار، پنج کیلومتر است. عمقش هم چهارمتر، پنج‌متر، سه‌متر، فرق می‌کند. شما اگر بروید کانال را ببینید، فقط همین عبور از کانال بدون اینکه جنگی باشد، درگیری باشد، ادواتی باشد، تله‌های انفجاری باشد، سیم‌های خاردار باشد، مین باشد، تیربار دشمن باشد، دوشکای دشمن باشد، شب باشد، تاریک باشد، اضطراب باشد، همین جوری بخواهید عبور کنید، چقدر برای شما سخت است! اصلاً امکانش هست یا نیست؟» راوی در ادامه می‌گوید «ما دو، سه هفته قبل کاروانی از اهل سنت آورده بودیم. سران اهل سنت به توسل و شفاعت اعتقاد ندارند. این چیزها را اینها قبول ندارند. ما هم اینها را به آنها نمی‌گفتم. اصلاً نگفتم اینجا امام حسین^(ع) عنایت کرد. فقط بهشان می‌گفتم ببینید [معجزه] این بچه‌هایی را که از اینجا عبور کردند.

راوی بدون توجه به سیر تاریخی حوادث و تناسب آنها با یادمان شهرهائی و توضیح عملیات محرم، پس از اشاره‌ای گذرا به حال و هوای رزمندگان در عملیات محرم و سختی‌های عملیات خیبر در سه‌راه طلائی، دربارهٔ کانال بجلیه صحبت می‌کند و عبور از این کانال و موارد مشابه را فقط با توسل به ائمه اطهار امکان‌پذیر می‌داند

فقط می‌گفتند یا اباعبدالله، یا حجت ابن الحسن یا صاحب‌الزمان، یا فاطمه‌الزهرا- که کسی حتی جرئت نمی‌کرد سرش را بلند کند تیراندازی کند، چون [عراقی‌ها] مثل دیوانه آتش می‌ریختند. چیزی دیگر آنجا غیر از ذکر خدا نبود. آیا واقعاً، اگر کسی که اهل بیت را صدا بزند، جواب نمی‌دهند؟ وقتی از امام زمان کمک می‌خواهند جواب نمی‌دهد؟ وقتی از ائمه علیهم‌السلام کمک می‌خواهند جواب نمی‌دهند یا جواب می‌دهند؟»

آخر بار به من می گفتند حاج آقا فقط خدا عنایت کرده وگرنه امکان عبور نیست».

حجت الاسلام شیروی در ادامه به مشکلات عملیات والفجر ۸، با وجود مشکلات کشور و عبور از اروند چنین اشاره می - کند

«حتماً می دانید که رمز و راز عملیات والفجر ۸ - ما هزار دفعه تا حالا، توی کتاب ها هم نوشتیم - چقدر از فرماندهان مطرح کردند. امریکایی ها می گویند ایرانی ها راز عملیات والفجر ۸ را دروغ می گویند. به ما [راز واقعی را] نمی گویند، چون باورشان نمی شود. می گویند آقا اگر کسی بتواند از این رودخانه عبور کند ما هستیم (یا شیروی یا امریکا یا آلمان یا فرانسه) اصلاً عبور از رودخانه اروند برای هیچ کشوری امکان پذیر نیست. مخصوصاً جهان سوم و به خصوص ایرانی که سیم خاردار هم تحریم است، شما که تحریم هستید چطور می توانید عبور کنید و واقعاً هم همین جور است. وزیر دفاع مصر و پاکستان آمده بودند. پاکستان همان موقع آمده بود روی کنار اروند قدم می زد و به آقای شمعانی گفته بود «چرا دروغ می گویند ما از رودخانه عبور کردیم؟» خُب بچه های ما آن طرف آب هستند مگر نمی بینید، بیا برویم آن طرف آب. گفت «من نمی گویم نرفتید، چرا می گویند از رودخانه». گفتم پس چه بگوییم؟ گفت «شما باید بگویید ما از دریا عبور کردیم چرا می گویند رودخانه. اینکه رودخانه نیست». این آب به قدری غیرطبیعی و کنترل ناپذیر و پیش بینی ناپذیر است که به آن اروند می گویند. اصلاً به معنای وحشی است. آنها [عراق] می گویند شط العرب، ما می گوئیم اروند وحشی».

«من می خواهم یک خرده اینها را مقایسه کنیم. اگر واقعاً توسل نبود، ایمان نبود، اعتقاد به خدا نبود، اعتماد

به خدا نبود، اخلاص نبود، راز و نیاز نبود، گریه نبود، نماز نبود، اصلاً عبور از این مناطق و فتح آنها امکان پذیر بود. امکان نداشت. ببینید شهدا چه چیزی را به صحنه آوردند؟ اعتماد به خدا، توکل به خدا، ایمان به خدا، اهل بیت، کارآمدی اهل بیت (ع) معنویت، گریه، بندگی. اگر ما اینها را از دفاع مقدس نگیریم و در جامعه منتشر نکنیم، پس چه چیز دفاع مقدس خوب است؟ اینها را می گویند، گذشت هایی که کردند!»

«علی محمدی، فرمانده گردان لشکر ۴۱ ثارالله است، وصیتنامه اش را ببینید، می گوید خدایا اگر من شهید شدم و قدرت شفاعت داشتم، اولین کسانی که شفاعت می کنم همین عراقی هایی هستند که با من جنگیدند و من را کشتند. من اینها را شفاعت شان می کنم، شفاعت این بیچاره ها را کی بکنند؟ کدام حقوق بشری می تواند این را بفهمد؟ یعنی چه؟ این

غیرطبیعی و کنترل ناپذیر و پیش بینی ناپذیر است که به آن اروند می گویند. اصلاً به معنای وحشی است. آنها [عراق] می گویند شط العرب، ما می گوئیم اروند وحشی

یک الگوی گرفته شده از امام حسین است که شمر را شفاعت می کند. دفاع مقدس این مواردش خیلی قشنگ است، گذشت هایش قشنگ است. من در اروند دیدم که بچه ها اسیری را گرفته بودند. او بچه ها را مسخره می کرد، اسیر بود، زخمی بود [ولی] بچه ها را مسخره می کرد. اول جنگ یک سرهنگی را گرفتند، مجروح بود می خواستند خون بهش وصل کنند می گفت نه. خون شما نجس است. دو روز بهش گفتند خیلی خُب خون

نمی‌خواهی. اگر تلف شدی به ما ربطی ندارد. روز سوم دیدند دارد گریه می‌کند، گفتند چرا گریه می‌کنی؟ سردار کلاه کج فرمانده سپاه سوسنگرد، خودش می‌گفت، روز سوم داشت گریه می‌کرد گفتیم چرا گریه می‌کنی؟ گفت چرا ما با شما داریم می‌جنگیم؟ شما که آدم‌های خوبی هستید. توی دفاع مقدس چرا این اتفاق افتاد؟ چرا آن اتفاق افتاد؟ جنگ اخلاق بود با بی‌اخلاقی، جنگ ایمان بود با بی‌ایمانی، جنگ اعتقاد بود، جنگ اهل‌بیت با دشمن اهل‌بیت بود. آقای قاسم سلیمانی در خاطراتش می‌گوید - من این خاطره تلخ را قاسم سلیمانی یادم نمی‌رود - شهید همّت در عملیات خیبر به من پیام داد که قاسم می‌توانی یک گردان به من قرض بدهی من بروم شهدایمان را بیاورم».

«اینجا خیلی بچه‌ها ناله کردند، خیلی التماس کردند و کسی قادر نیست واقعاً بخواهد اینها را حذف کند. آقای حاج حسین کاجی یک خاطره تعریف می‌کند. از بعضی خاطرات در ظاهر خیلی راحت عبور می‌کنیم ولی واقعیت این است که در باطنش خیلی حرف است. حسین کاجی می‌گوید به ما گفته بودند توی گروهان‌تان، توی گردان‌تان، توی لشکرتان اگر نیرویی دارید که مشکل دارند، ضعفی دارند، گرفتاری دارند، بدهی دارند، کمکی بهشان شود. من دیدم یک نیرویی داریم که مثل بقیه جوان‌ها عادی مثلاً جوان نیست کمی غیرعادی است، از سنش کمی گذشته. گفتم شما از کجا آمدی، مشکل

کنیم، هرچی زنگ را زدیم دیدیم کسی جواب نمی دهد. از همسایه‌شان سؤال کردم این خانمی که اینجا بود کجا رفته؟ گفت مگر خبر نداری گفتیم نه چی شده؟ گفت ده روز پیش فوت کرد ما هم رفتیم دفن کردیم. هیچی، هیچ کس از این خانواده خبر ندارد».

«کسانی در دفاع مقدس خودشان را هزینه کردند که اصلاً اسم‌شان جایی ثبت نشده است. کسی خبر ندارد، هیچ کس نمی داند. ما از شهید همت را یک مقداریش می شناسیم، شهید باکری را مقداریش را می شناسیم. شهید باکری سه تا برادر هستند، علی آقایشان قبل از انقلاب توی دریاچه نمک قم انداختنش و اصلاً جسدش برنگشت که دیگه هم بر نمی گردد. آقا مهدی‌شان هم که آن اتفاق افتاد در عملیات بدر، حمید آقایشان هم در عملیات خیبر. خواهرش گریه می کرد. می گفت سه تا برادر دارم ولی یک قبر ندارند که بروم سر قبر برادرم بنشینم. این هزینه‌ها شده است. همه اینها را می دانیم شما هم می دانید. پایین تر، مقتل ده شهید است که به آنها می گویند ده تن. اینکه اینها چطور تفحص شدند داستان خودش را دارد. این شهیدی که اینجا دفن است داستان خودش را دارد. یک وقت چندتا از دانشجوها آمده بودند آنجا که پرچم هست و روایتگری می کردند. یکی از آنها همین جوری که با زمین داشت بازی می کرد دید یک لباس پیدا شده شهید را پیدایش کردند. شهدای ما هنوز خودشان را نشان ندادند، هنوز حرف‌هایشان را نزدند».

«آقای بهمن کهن، یکی از بچه‌هایی که در تفحص مؤسسه سیره شهدا کار می کند، دو، سه هفته پیش در گلزار شهدا برای من تعریف کرد. گفت من خانمم مشکل داشت. خودم اینجا بودم. خانمم هم توی بوشهر بود، به

چیست؟ کی هستی؟ نمی گفت، بچه‌های قمی هم خیلی حساس هستند. گفتم بیا برو مرخصی. آمد مرخصی، باهاش آمدم مرخصی. رفت توی یک کوچه، رفت توی یک کوچه، زنگ در را زد دیدم یک زن نابینا در را باز کرد، آمد برو توی خانه، پایم را گذاشتم پشت در، سرش را بلند کرد دید من هستم. گفت برای چی این کار را می کنی؟ گفتم من تا نیایم توی خانه تو را ببینم تو کی هستی، نمی روم، من باید ببینم تو کی هستی. اصرار کردم گفت بیا تو. رفتیم توی خانه دیدیم یک خانه چهل، پنجاه متری است که خود قمی‌ها می گویند در پیتی. بعد گفتم تو کی هستی؟ چرا به ما نمی گویی، گفت «حالا که آمدی بهت می گویم. من قمی نیستم، من و این خانم، ما چهارده سال ازدواج کرده بودیم بچه‌دار نمی شدیم. بعد از چهارده سال خدا یک بچه‌ای به ما داده، یک پسری به ما داد، پسر بزرگ شد، همین که خودش را شناخت گفت من می خواهم بروم طلبه شوم، آمد طلبه شد بعد از یک مدتی گفت که من می خواهم بروم جبهه، آمد رفت جبهه و شهید شد، این هم مادر شهید است، از بس که در فراق این بچه که یک بچه داشت بعد از ۱۴ سال گریه کرد چشم‌هایش را بینایی‌اش را از دست داد. این مادر شهید است. من هم داشتم این مادر را اداره می کردم، زندگی‌مان را می کردیم، [همسر] یک روز از خواب بلند شد گفت خواب پسر را دیدم گله کرده که بابا چرا اسلحه من را بر نمی دارد، چرا بابا پرچم من را به دست نمی گیرد. من هم آمدم جبهه. همه قصه من، همه زندگی من همین است». در عملیات بعدی که با خود ما بود شهید شد. [یعنی] پدر هم شهید شد. من گذاشتمش در آمبولانس و بردمش سردخانه. آمدیم به زنش بگویم که آماده شود برای اینکه تشییع جنازه‌اش

عملیات محرم و نقدی بر دو روایت
در یادمان: شب هانم، (اسفند ۱۳۹۶)

ما انتقالی نمی‌دادند بیاییم اینجا. یا من باید برمی‌گشتم یا آن انصراف می‌دادم. استعفا داد، آوردمش قم. دو روز دیگه وقت داشتیم که یا من انصراف بدهم یا اون. آمدم در گلزار شهدا. یکی از راوی‌ها داشت روایت‌گری می‌کرد، گفت هرچی می‌خواهید از شهدا بخواهید، شهدا دست‌شان باز است. گفت خانمم توی دلش گفته بود ای شهدا اگر راست می‌گویید کار من را درست کنید ما بیاییم. شوهرم هم می‌خواهد برای شما کار کند. فردا کارم درست شد. شبش به خانمم گفتم من خواب دیدم همان جایی که گلزار شهداست ایستادم. ایستاده بودم دیدم دو تا شهید از قبر آمدند بیرون، یکی‌شان محکم کوبید در سینه خودش گفت که کشور مال ما است، خودمان هم حمایت داریم، چی این طرف و آن طرف دارید شما می‌روید، چرا اعتماد نمی‌کنید».

« من یک رفیق داشتم از دوران راهنمایی بهاش
رفیق بودم، معاون گردان شد، عملیات خیبر که آمدم،
من ازدواج کردم ایشان عقد کرده بود، به من گفت که
فلانی من از عملیات برگردم می‌خواهم ازدواج کنم، یک
مقداری حالا تجربیات را به من بگو. تمام شد، سه روز
بعدش گفتند که رضازاده شهید شده. خوراک رفیقش
که با هم عقد اخوت خوانده بودند، گریه شد، دائم گریه
می‌کرد. بعد هم شهید شد. یک تیر خورد مستقیم توی
سجده گاهش شهید شد.»

« در دفاع مقدس انسان‌هایی به نام مرتضی جاویدی
رشد کردند. مرتضی جاویدی را می‌شناسید، کتابش را
کی خوانده؟ امام خمینی که ما هیچ شناختی از او نداریم.
هر کی هم می‌گوید من امام را می‌شناختم، وُلُو آنکه غریق
استخر فرح باشد هم کشکی دارد می‌گوید. تنها کسی
که سجده‌گاهش را بوسیده آقای مرتضی جاویدی است،



روایت راویان دفاع مقدس، یادمان شرهانی، اسفند ۹۵

زمین چال کردند توی خاک داخل زمین گذاشتند. کوتاه نیامدیم. اگر سرهنگ چوبین می آمد اینجا برای شما خطرهای از یک خلبانی می گفت. ۷ کیلومتر پایین تر از این جاده، خلبانی را می گیرند و روی همان جاده آسفالت که ما داریم می آییم دهلران، به او می گویند به خمینی توهین کن تا آزادت کنیم. توهین نمی کند. سرش را همانجا با کلاهش جدا می کنند. مدت های مدیدی مردم به این خلبان فحش می دادند که این جاسوسی کرده و پنهانده شده. یک چوپانی که یک گوشه نشسته بود و بعد هم به خارج رفته بود ماجرا را می بیند. مدتی بعد پسرش می آید. به پسرش وصیت کرده که برو این را بگو. من مدیون هستم. می روند تفحص می کنند شهید را پیدایش می کنند تازه می بینند این چه ایثارگری و چه گذشتی کرده، یک خلبانی که زمان شاه تربیت شده، اما ببینید درون مقام ولایت و اصل ولایت چه اتفاقی برایش افتاد، من دیگر عرایض را جمع و جور کنم».

ناله می کنیم، ما اگر گریه می کنیم به حال خودمان باید گریه کنیم که شرمنده شهدا نباشیم. صحبتی می کنیم می گویند آقا جان سیاسی اش نکن. کی گفته سیاسی نکنیم. نمی شود تقسیم کار کرده باشیم که ما بیاییم اینجا، ایام عید بیاییم اینجا گریه کنیم آقایان هم بروند توی جزیره نمی دانهم قشم و جزیره فلان کار کثافت کاری خودشان ... اینها اینجا شهید شدند. اینها را سردست بگیرند، اسلام سردست گرفته می شود، اهل بیت سردست گرفته می شود، فرهنگ امام زمان سردست گرفته می شود. زمینه ساز عصر ظهور می شود. آقای حاج رحیم صارمی برای خود من تعریف می کرد می گفت ما چهار تا شهید را تفحص کردیم، یک شهید را تفحص کردیم، گفتیم چرا این شهید این جور است شهید که باید افقی خوابیده باشد چرا عمودی است. آمدیم شهید را ببینیم دیدیم نه چهار تا هستند، کم کم دیدیم چهار تا شهید ما را اینها به هم بستند با این سیم های تلفن، اینها را زنده زنده در

سربلندی داشته باشیم».

در روایت دوم، راوی وظیفه و رسالت دوران دفاع مقدس و راهیان نور را زمینه‌سازی ظهور حضرت ولیعصر می‌داند. هرچند در این زمینه بهتر است متخصصان حوزه مهدویت اظهار نظر کنند، به نظر می‌رسد این مقوله فراتر از آن چیزی است که مخاطب دفاع مقدس با سفر راهیان نور به دست آورد. بنابراین، بهتر است راوی ابتدا داده‌های درست و منطقی و نه پراکنده در اختیار مخاطب بگذارد، سپس از او بخواهد جمع‌بندی مطلوب را آرزو کند.

راوی در خاتمه روایتش چنین می‌گوید: «انشاءالله ما بتوانیم به وظیفه‌مان عمل کنیم. ما هم وظیفه داریم، این انقلاب اسلامی، این دفاع مقدس را اگر به زمینه‌سازی عصر ظهور منجر نشود رها نکنیم؛ یعنی حداقلش این است که ببینیم وظیفه‌مان برای عصر ظهور چیست. الان خیلی‌ها درصدد این هستند که مثل داستان کربلا که امام حسین را شهید کردند و حضرت زینب را اسیر کردند، بگویند دیگر همه چیز تمام شده است. چه کسانی نگذاشتند این قضیه تمام شود. راوی‌های کربلا نگذاشتند. راوی کربلا، امام سجاد و حضرت زینب و حضرت سکینه بودند. راوی‌هایی که ما هستیم، شما هستید نباید بگذاریم این قصه تمام شود، نباید بگذاریم این اتفاق بیفتد که بگویند آقا ولی فقیه کارآمد نیست، نظام اسلامی کارآمد نیست، باید کارآمدیش را نشان دهیم. الان که ما دنیا را فتح کردیم و همه جا توانستیم حرف‌مان را بزنی، علوم اهل بیت در همه جا منتشر شده. مادر شهیدی آمده بود اینجا. سنگر پایین چند سال پیش، یک خُرده از من سؤال کرد و من هم برایش توضیح دادم. من نمی‌دانستم مادر شهید است. فکر کردم زنی است که دارد اطلاعات می‌گیرد. یک پیرزن قبل‌بندی بود. دیدم برگشته به این بیابان نگاه می‌کند انگار که بچه‌اش پشت این

برداشتند، یکی یک تکه سیم‌خاردار، یکی یک پوکه، یکی یک تکه ترکش. می‌گوید من گل‌های شقایق شرهانی را دیدم. بلند شدم قوطی کنسروی که ظهر استفاده کرده بودم برداشتم و رفتم کنار گل نشستم. گل می‌خواهم از ته دریاورمت از ریشه در بیاورمت. با خاک در بیاورمت و با خودم ببرمت. می‌گوید وقتی نشستم می‌خواستم گل را از ته، از ریشه و با خاک، گل در جمجمه سر شهید است فریاد زدم یا صاحب‌العصر و الزمان کمک کردید، کمک دیگری کن، چی می‌خواهی از آقا امام زمان، دعای آقا امام زمان خوانده شد چی می‌خواهی از آقا امام زمان. چرا از آقا امام زمان نمی‌خواهی. شما هم بخواهید که این شهید پلاک داشته باشد، مشخص شود، کی است؟ از کدام لشکر است؟ نیمه شعبان میلاد آقا امام زمان وقتی شهید را کاملاً زیر خاک بیرون آوردند دیدند پلاک توی گردنش است. همه خوشحال بودند. پلاک را آوردند و استعلامش کردند. اولین شهید شرهانی، شهید مهدی منتظرالقائم از لشکر ۱۴ امام حسین است. خوش به حالت شهید مهدی منتظرالقائم. روز نیمه شعبان است و نام و لقب هم متعلق است به آقا امام زمان. بعد از این شهید هزار و سیصد تا از شهدا پیدا شد. راوی می‌گوید وقتی این شهید اینجا پیدا شد، در اصفهان هیچ‌کس اطلاعات نداشت. همه مردم می‌گفتند فردا شهید مهدی منتظرالقائم خواهد آمد، مگر می‌شود؟ وقتی می‌روند از پدرش می‌پرسند می‌گوید آقامهدی دیشب با یک‌دسته گل به استقبال آمد. راوی‌های می‌گویند در کل اصفهان، دوستان هیچ‌کسی در خانه‌ها نماند، همه آمدند به استقبال شهید مهدی منتظرالقائم. پس خوب جایی آمدید خوب جایی را انتخاب کردید. انشاءالله که سالی سرشار از نعمت الهی، و سالی با عزت، با شرافت، با

خاکریز است. گفت محمد، گفتم محمّدت کیست؟ گفت
 بچه من شهید شده اینجا مفقود شده، باور کنيد با مژه‌های
 چشمش داشت این شهیدش را تفحص می کرد. می خواست
 شهیدش را پیدا کند. بچه‌ها جمع شدند تسلی بهش دادند،
 احترامش کردند، دلداری بهش دادند. در اینجا ما وقتی
 شهید می آوردیم، مادر شهید می آمد، پدر شهید می آمد،
 به محض اینکه جنازه را می دید همه دلداریش می دادند
 که گریه نکن، اجر شما پیش خدا محفوظ است شما را
 خدا انتخاب کرد. شما انتخاب شده هستید. شهدا پیش
 خدا هستند. عند ربهم یرزقون هستند. پیش امام حسین
 هستند. خودشان به خواب می آمدند، خودشان سفارش
 می کردند. ولی در کربلا وقتی امام حسین^(ع) می رود بالای
 سر علی اکبر جوانش - گناه نکرده، آن هم علی اکبر، آن هم
 امام حسین، حالا فرض هم بگیریم نعوذ بالله یک گناهی هم

مؤلفه‌های روایت هدفمند در منطقه عملیاتی
محرم

کرده باشند وقتی یک پدری بالای سرِ یک پُسر می‌رود، دیگه شماتتش نمی‌کند- به جای اینکه به او تسلی دهند، هلهله و خنده کردند، کارهایی را کردند که امام حسین خودش هم شهید شد. وقتی زینب آمد توی گودی قتلگاه و می‌خواهد امام حسین را پیدا کند هرچه نگاه می‌کند، او را پیدا نمی‌کند. مگر چقدر گذشته بود. می‌گفت برادرم همین‌جا شهید شده، پس جنازه برادرم چی شد، زینب مثل همین مادر شهیدی که داشت نگاه می‌کرد بچه‌اش را پیدا کند، همه جا را می‌گردد. اما اینجا به مادر شهید تسلی دادند ولی در کربلا همه به زینب نگاه می‌کردند. زینب مستأصل بود می‌گفت برادرم یک مرتبه دید از زیر شمشیر شکسته‌ها، نیزه‌ها شکسته. اخی، الی، زینب جان می‌فرماید من نیزه شکسته‌ها را کنار زدم شمشیر شکسته‌ها را کنار زدم. زینب توقع داشت بدن مطهر اباعبدالله را ببیند، سرِ اباعبدالله را به دامن بگیرد یک مرتبه بدن بی‌پیکر، بدن

واضح است که روایت در هر یادمان باید به مثابه یک سناریو محتوایی معین و مشخص داشته باشد. اجزای اصلی این سناریو ابتدا در ذهن راوی شکل می‌گیرد و سپس هنرمندانه - بسته به داشته‌های راوی - به مخاطب ارائه می‌شود. در حقیقت، هر روایت باید در

الف- بایدها

۱. بیان مشخصات جغرافیایی و تاریخی منطقه
۲. شرح موضوعات عملیاتی یادمان و اشراف بر منطقه
۳. توضیح واقعیات جنگ و مباحث عقلانی و ابتکارات عملیاتی
۴. جذابیت و بیان روان و رسا در ارائه مطالب
۵. انسجام و پیوستگی مطالب و اجتناب از پراکنده‌گویی

۶. روایت دقیق و مستند (متقن)

۷. برقراری ارتباط صحیح بین مباحث دفاع مقدس و مسائل روز

۸. جامعیت روایت و تناسب آن با یادمان

۹. تبیین روشمند مسائل حماسی و معرفتی

ب- نبایدها

۱. پرهیز از ارائه آمار و اطلاعات نادرست

۲. پرهیز از اغراق و مبالغه

۳. خودداری از بیان صحنه‌های دلخراش

۴. اجتناب از تأکید در روایت‌های مبتنی بر خواب و خیالات

۵. اجتناب از داستان‌سرایی و تأکید بر متأثر کردن و گریاندن مخاطب

۶. پرهیز از روایت صنفی و نگاه نقطه‌ای، یگانی و محلی

برگیرنده پاسخ به چند پرسش اساسی باشد: ۱. این منطقه کجاست؟ (این پرسش دربرگیرنده موقعیت جغرافیایی منطقه است)، ۲. چه عملیات یا اتفاقاتی در این منطقه رخ داده است؟ (این سؤال نیز در بردارنده توضیح مباحث مربوط به عملیات نظامی و اقتضائات آن است)، ۳. چرا این مباحث باید گفته شود؟ (این پرسش که به نوعی اصلی‌ترین پرسش درباره ماهیت روایت است، ناظر بر ارائه یکسری مفاهیم مرتبط با گفتمان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است).

بی‌تردید روایت دفاع مقدس یکی از دشوارترین و درعین حال ارزشمندترین مسئولیت‌ها در مناطق عملیاتی است. هنر اصلی راوی این است که ترکیبی متجانس از پاسخ به این پرسش‌ها را بسته به نیاز مخاطب ارائه دهد. درواقع، مفاهیم و موضوعات حماسی، ابعاد معنوی و معرفتی که راوی بیان می‌کند باید با منطقه عملیاتی، یگان‌ها و افراد شاخص ارتباط و هماهنگی درستی داشته باشد. نتیجه این هماهنگی را درنهایت باید به صورت یک الگو به مخاطب ارائه شود. بنابراین- با درنظرگرفتن محدودیت زمانی و گستردگی مطالبی که هر راوی با آن روبه‌رو است- این روایت‌ها باوجود داشتن نکات مثبت و ارزنده، کاستی‌هایی دارند که تقویت آنها به غنای روایت در جهت تبدیل آن به یک روایت مستند و متقن کمک می‌کند.

به‌طور کلی، به‌منظور ارزیابی روایت‌ها در یادمان‌های مختلف، می‌توان معیارهایی را برای هدایت راوی به مسیر صحیح ارائه کرد که آن را نصب‌العین خود قرار دهد. معیارهایی که با آنها می‌توان روایت‌های راویان در یادمان‌های مختلف ارزیابی کرد، عبارت‌اند از:

راوی دفاع مقدس را نمی‌توان در تنگنا قرار داد که چه چیزی را روایت یا چه مطالبی را بیان کند، اما واضح است که یک روایت (روایت درست) در درجه نخست باید با منطقه عملیاتی، فرماندهان و افراد شاخص و شرح آن عملیات هماهنگی و تناسب داشته باشد

دریادمان شریانی (اسفند ۱۳۹۶)

شرهانی (اسفند ۱۳۹۶)

هرچند، منطقه شرفانی (منطقه عملیاتی محرم) از محورهای اصلی تهاجم عراق در آغاز جنگ نبوده است، راوی باید حوزه جغرافیای منطقه عملیاتی، حتی الامکان منطقه عمومی دهلران و رودخانه‌ها، جاده‌ها، موانع طبیعی و مصنوعی منطقه را تشریح کند. از نظر تاریخی نیز علاوه بر پرداختن به تهاجم‌های مرزی قبل از شروع جنگ، فعالیت گروه‌های ضدانقلاب و عوامل عراق در منطقه، به مقاومت مردمی قبل از عملیات نیز اشاره کند. دربارهٔ مباحث عملیاتی راوی باید به عملیات‌های فتح‌المبین و محرم، سازمان رزم این عملیات‌ها، روزهای نبرد، انهدام‌ها و اسراء، میزان پیشروی، وضعیت تلفات یگان‌های شرکت‌کننده و... بپردازد و دربارهٔ مباحث حماسی و معرفت‌شناختی جنگ به مواردی مانند فرماندهان و افراد شاخص در عملیات و مفاهیمی نظیر تکلیف‌مداری و بصیرت رزمندگان و... همچنین از بیان نقش فعال گروه‌های مردمی و... از جمله شهدای بومی غافل نماند.

الف- نقاط قوت

نقطه قوت این روایت و شاید مزیت اصلی آن ارائه مطالب و مستندات براساس تجربیات راوی _ که حاصل حضور مستمر او در این یادمان به عنوان مسئول آن است- و تقریباً رعایت پیوستگی اطلاعات است. راوی همچنین از فن بیان بسیار خوبی برخوردار است و تلاش می‌کند روایتی کاربردی و جامع ارائه کند که صرف نظر از مواردی که به آنها اشاره خواهد شد، در این امر موفق بوده است.

پراکنده‌گویی نیز در سخنان او مشهود است. روایت انسجام بسیار کمی دارد. یکی از نمونه‌های بارز آن ذکر خاطرات رزمندگان در مناطق مختلف، با هدف اشاره به معجزات شهدا است. این امر باعث می‌شود تدابیر و تلاش‌های فرماندهان و مسئولان یگان‌ها در طراحی و آماده‌سازی عملیات‌ها، خلاقیت‌ها و ابتکارات و مجاهدت‌های رزمندگان در ذهن مخاطب کم‌اثر شود. همچنین راوی در مواردی با به‌کاربردن تعبیر عامیانه در روایت مانند «کثافت‌کاری، درپیتی و...» صرف‌نظر از جنبه منفی آن، به محتوا و کیفیت روایت ضربه می‌زند و اصل روایت را آسیب‌پذیر می‌کند. این امر با ماهیت روایتگری و فلسفه وجودی آن نیز در تعارض است.

شایان ذکر است که تمامی مواردی که راوی به آنها اشاره می‌کند، باید از حماسه‌ای عظیم حکایت کند که شهدا، ایثارگران، جانبازان و آزادگان در طول ۸ سال جنگ مشقت بار خلق کرده‌اند. راویان باید به این موضوع اشاره کنند. چراکه مشابَهت‌های زیادی بین دفاع مقدس ما و قیام امام حسین^(ع) وجود دارد. مقام معظم رهبری نیز دفاع مقدس را "نمی از یم عاشورا" توصیف کرده است. بنابراین، راوی باید از این ظرفیت فرهنگی برای هدایت کاروان‌ها در مسیر درست بهره‌برد. امید که دفاع مقدس ملت ایران به تأسی از نهضت امام حسین^(ع) درس ایثار، ایستادگی و مقاومت به مردم جهان بدهد.

پس از پرداختن مبسوط به جغرافیا و شرح عملیات و رعایت ترتیب و توالی منطقی رویدادها به آن بپردازد. برای نمونه، راوی در ابتدای روایت به حق مطلب در این باره اشاره کرده است: «فلسفه انقلاب اسلامی این بود که دین و خداپرستی و بندگی در مقابل خدا و به کمال رسیدن را به صحنه بیاورد. حُب این تئوری مطرح شد. انقلاب اسلامی که این تئوری را مطرح کرد حالا باید این را عملیاتی کاربردی کند. دفاع مقدس این را کاربردی کرد؛ یعنی هر اندیشه‌ای که در اسلام، در آیات و روایات و در سیره اهل بیت بود در دفاع مقدس عملیاتی و اجرا شد».

ب- نقاط ضعف

این روایت با در نظر گرفتن محدودیت زمانی و سطح مخاطبان آن، روایتی نسبتاً ضعیف است و کاستی‌هایی دارد که برطرف کردن آنها به ارتقای روایت و غنای آن کمک می‌کند.

ضعف عمده این روایت نپرداختن به عملیات محرم است. راوی از هر دری سخن گفته است؛ از سختی عبور از کانال بجلیه و عملیات خیبر گرفته تا ذکر خاطراتی از سردار سلیمانی و رزمندگان، اما نه موقعیت جغرافیایی را تشریح کرده و نه عملیات محرم را. بنابراین، روایت او کمترین تناسب را با یادمان شریانی دارد. شاید در مکانی دیگر هم می‌شد این روایت را ارائه کرد.



بررسی روایت معیار در یادمان طلائیہ (بر مبنای گزارش روایت حجت الاسلام مهدی فلاح تهرانی)

نگارش و تدوین: سید محمد طباطبائی*



در این یادداشت پس از بررسی و تحلیل شاخص‌ها و مؤلفه‌های روایت معیار در یادمان طلائیہ -براساس روایت یکی از راویان مستقر در یادمان- به ویژگی‌های روایت معیار و جامع در یادمان اشاره می‌شود. راوی روایتی که برای بررسی انتخاب شده است، حجت‌الاسلام مهدی فلاح تهرانی از راویان باسابقه مرکز سیره شهدای قم است که سال‌هاست به‌عنوان راوی در مناطق عملیاتی به روایت دفاع مقدس مشغول است. این روایت، در یکی از روزهای پایانی اسفند ۱۳۹۵ در محوطه یادمانی طلائیہ (سه راهی شهادت) در جمع صدنفره دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهرستان شبستر نقل شده است.	چکیده

مقدمه

می‌رسد، آن هم کاروانی که دختر و پسر در آن مختلط هستند که این امر نیز خود از ضعف‌های این کاروان دانشجویی هم محسوب می‌شود. به‌هرحال، با کمک و هدایت حاج آقا فلاح، راوی مستقر در طلائیہ، جای مناسبی در ضلع شمالی محوطه یادمان در نظر گرفته شد و دانشجویان توانستند پس از استقرار، آماده شنیدن روایت شوند. راوی از زائران و دانشجویان خواست که پشت به آفتاب بنشینند. این کار در آن ظهر داغ در بیابان طلائیہ برای فضای روایتگری لازم بود، به‌ویژه که

نزدیک ظهر است ... کاروان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شبستر پس از طی مسیر از روی دژ طلائیہ، حرکت خود را درحالی‌که همه با هم نوای دلنشین "کجا یید ای شهیدان خدایی" را زمزمه می‌کردند، به‌سمت محوطه یادمان در سه‌راهی شهادت ادامه دادند. در ساعت نزدیک به اذان ظهر که اوج حضور کاروان‌های راهبان نور در طلائیہ است، پیدا کردن محل مناسب برای تعداد حدود ۱۰۰ نفر -برای نشستن- کمی سخت به‌نظر

* پژوهشگر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

بررسی روایت معیار در یادمان طلائی
(بر مبنای گزارش روایت حجت الاسلام مهدی فلاح تهرانی)

قبل از هر بحثی در زمینه نقد و بررسی این روایت، باید چهارچوب روایت مطلوب ارائه شود. اولین نقدی که به روایت های راهیان نور وارد می شود این است که اغلب



روایت راویان دفاع مقدس، یادمان طلائیه، اسفند ۹۵

روایت‌ها بدون قالب و چهارچوب مشخص هستند. از این رو، در اولین بخش از این یادداشت سعی می‌شود ابتدا چهارچوب کلی روایت یادمان طلائیه ارائه و سپس روایت در همان چهارچوب بررسی شود.

۲. تلاوت قرآن. از آنجاکه محافل معنوی و علمی به برکت نور قرآن، ثمربخش‌تر خواهند شد، تلاوت آیاتی از کلام‌الله در ابتدای روایت توسط یکی از اعضای کاروان می‌تواند به ایجاد فضای معنوی‌تر روایت کمک بیشتری کند. در این روایت نیز یکی از حاضران با صدای دلنشین آیاتی از قرآن را تلاوت کرد.

۳. قراردادن مخاطب در فضای یاد خدا و توسل به اهل بیت و شهدا و بیان مقتل شهدا در فضای روضه‌خوانی در حین یا انتهای روایت. اتصال مقتل شهیدان و مقتل امام حسین^(ع) از این نظر که دفاع مقدس امتداد راه کربلا بود، می‌تواند در فضا سازی و اثربخشی روایت نقشی مهم بازی کند. در این روایت نیز راوی با توجه به وقت و حوصله کاروان به مقتل شهدا و امام حسین^(ع) اشاره‌ای مختصر می‌کند که از نظر شکلی می‌تواند اثر مثبت در

الف- ظرفیت‌های شکلی موجود در روایت یادمان طلائیه

هر یادمانی در راهیان نور از نظر شکلی و ظاهری ظرفیت‌های خوبی برای روایتگری ایجاد کرده است که توجه به این ظرفیت‌های شکلی می‌تواند به کیفیت بخشی از روایت راوی کمک زیادی کند. در زیر به برخی از این ظرفیت‌ها اشاره می‌شود.

۱. اجرای برنامه تحیت و سلام حین ورود به یادمان با خواندن اشعار حماسی یا دعاها جمع. نمونه رایج چنین برنامه‌ای اجرای هماهنگ سرود "کجا یید ای شهیدان خدایی..." است که در این کاروان هم به خوبی

بررسی روایت معیار در یادمان طلائی
(بر مبنای گزارش روایت حجت الاسلام مهدی فلاح تهرانی)

حجت‌الاسلام فلاح در این روایت، جغرافیا و تاریخ منطقه را به‌طور خلاصه چنین شرح می‌دهد «...پچه‌ها اینجایی که نشستید، پشت سر شما (اشاره راوی به جنوب) به فاصله حدوداً ۸ کیلومتری مرز کوشک هست که تا پاسگاه زید امتداد دارد. سمت چپ شما که تا مرز ۱۰-۱۲ کیلومتر فاصله هست، هورالعظیم قرار گرفته که تا جزایر مجنون شمالی و جنوبی ادامه دارد. روبه‌روی شما منطقه عمومی جفیر قرار گرفته که به سمت دشت آزادگان و داخل خوزستان امتداد دارد (این منطقه عملاً عقبه نیروهای ما در عملیات خیبر محسوب می‌شد). در سمت راست شما هم جاده مهم اهواز - خرمشهر و رودخانه کارون و پادگان حمید قرار گرفته است. دشمن در ابتدای تهاجم به کشورمان برای ورود به خاک خوزستان، از سه محور، عملیات انجام داد. محور شمالی که از سمت فکه و چزابه بود. محور میانی که برای تسلط بر جاده اهواز - خرمشهر و منطقه طلائیه و محور سوم

هم که محور جنوبی، یعنی شلمچه بود...»

پس راوی باید دقت کند که ذهن مخاطب را با منطقه‌ای که در آن قرار دارد هرچه بیشتر و بهتر آشنا کند. ذهن مخاطب به دلیل فطرت جست‌وجوگری که دارد، در اولین مواجهه با پدیده‌های جغرافیایی و تاریخی از خود می‌پرسد کجا هستیم؟ راوی باید این نیاز فطری مخاطب را درک کند و با کوتاه‌ترین جملات، مخاطب را متوجه کند که در چه منطقه‌ای قرار دارد و اهمیت منطقه‌ای که در آن قرار دارد، برای چیست.

ب- سیر کلی جنگ: در این بخش، راوی باید سعی کند سیری کلی از جنگ را تا عملیات خیبر برای مخاطبان شرح دهد؛ اینکه چه اتفاقاتی در طول جنگ افتاد و چه مسیری را طی کردیم تا به عملیات خیبر رسیدیم و نیز چه شد که در سال ۱۳۶۲ تصمیم گرفتیم عملیات را در منطقه هور انجام دهیم. پاسخ به این پرسش‌های اساسی درواقع راوی را در فضای سیر جنگ قرار خواهد داد و او نیز با دادن پاسخ‌های کوتاه می‌تواند نقشی مهم در روشن شدن ذهن مخاطبان بازی کند.

راوی روایت طلائی (حجت الاسلام فلاح) سیر جنگ تا عملیات خیبر را برای مخاطب خود با عباراتی خلاصه چنین تعریف می‌کند «... در ابتدای جنگ به مدت ۱۸ ماه، منطقه طلائی در جنوب خوزستان در تصرف دشمن بعثی بود تا اینکه در عملیات بیت‌المقدس همه این مناطق از دب بردان گرفته تا سوسنگرد و از آنجا تا پاسگاه زید و شلمچه و نهایتاً خرمشهر، در دومین عملیات بزرگ دفاع مقدس یعنی بیت‌المقدس آزاد شدند. در سوم خرداد نیز جشن پیروزی در خرمشهر گرفته شد... بعد از عملیات بیت‌المقدس، اولین عملیات- با هدف تنبیه متجاوز و تعقیب دشمن در خاک خودش و درواقع برای

فشار آوردن به دشمن در جهت پذیرش حق ایران- در ماه مبارک رمضان و به همین نام در محدوده پاسگاه زید انجام شد (تیرماه ۱۳۶۱) که متأسفانه با عدم‌الفتح مواجه شد و طراحان آن به نتیجه مطلوبی دست نیافتند. پس از عملیات رمضان در سال ۱۳۶۲ عملیات خیبر- با هدف ورود به خاک عراق و تحت فشار قراردادن عراق به منظور پایان دادن به جنگ و درگیری و همین‌طور تصرف جزایر مجنون شمالی و جنوبی و تسلط بر جاده‌های عمده-بصره-طراحی و عملیاتی شد.»

ج- شرح عملیات: در این بخش، راوی باید مطالب مربوط به عملیات‌های مهم هر یادمان را که در تاریخ جنگ هشت‌ساله تحمیلی ثبت و ضبط شده است، به اختصار بیان کند. برای مثال، عملیات‌های خیبر و بدر به یادمان طلائی مربوط می‌شود و راوی باید درباره این دو عملیات مهم مباحثی را مطرح کند. البته میزان مطالبی که راوی در این بخش روایت می‌کند باید با وقت کاروان و حوصله و سطح فکری مخاطب متناسب باشد. همچنین در این بخش راوی می‌تواند درباره هدف عملیات، محورهای عملیات، یگان‌های تعیین‌کننده در عملیات، حوادث خاص و ابتکارات هنگام اجرای عملیات و مطالبی از این دست صحبت کند. البته بسته به نوع مخاطب و نیاز او مطالب این بخش می‌تواند بسط یابد یا خلاصه شود. برای مثال، طبیعی است که دانشجویان به شنیدن ابعاد و جزئیات عملیات‌ها بیشتر تمایل داشته باشند. برعکس در کاروانی که اعضای آن را دانش‌آموزان دختر تشکیل می‌دهند صحبت درباره جزئیات عملیات نمی‌تواند چندان مفید باشد. در این موارد راوی باید با بیان رسا و گیرا به کلیاتی از عملیات بسنده کند، البته بیان همان کلیات هم باید دقیق و مستند باشد، چراکه

۳. حمایت گسترده کشورهای غربی و عربی از صدام و سخت شدن شرایط برای ایران در وضعیت تحریم‌ها؛

ساواک برد و کشت و جنازه‌ش را تحویل نداد. حمید هم سال ۱۳۶۲ در همین مناطق شهید شد و جنازه‌ش جا ماند». درواقع، مهدی باکری داداش حمید نگذاشت که جنازه حمید را برگردانند به عقب. می‌گفت چون این امکان برای برگرداندن شهدای دیگر فراهم نیست، پس بگذارید حمید هم پیش رفقای شهیدش همانجا توی خط بماند! سال بعد، مهدی باکری هم در عملیات بدر شهید شد و جنازه او هم به آب دجله سپرده شد

حمید هم سال ۱۳۶۲ در همین مناطق شهید شد و جنازه‌ش جا ماند». درواقع، مهدی باکری داداش حمید نگذاشت که جنازه حمید را برگردانند به عقب. می‌گفت چون این امکان برای برگرداندن شهدای دیگر فراهم نیست، پس بگذارید حمید هم پیش رفقای شهیدش همانجا توی خط بماند! سال بعد، مهدی باکری هم در عملیات بدر شهید شد و جنازه او هم به آب دجله سپرده شد و برنگشت.

و برنگشت. خدایی فردای قیامت اگر علی و حمید و مهدی باکری جلوی ما را بگیرند، باید چه جواب به آنها بدهیم؟!»

راوی در بخش مباحث حماسی و معرفتی، با زدن تلنگرهای متناسب با یادمان، تلاش می‌کند روایتی معیار ارائه دهد. راویان حاضر در طلائی‌ه علاوه بر اینکه تلاش می‌کردند مباحث را متناسب با نیاز مخاطب انتخاب و مطرح کنند، تلاش می‌کردند جزئیات این مباحث را

به‌خدا شرمندهم. عذر می‌خوام که پا روی صورتت گذاشتم. دیدم نای حرف زدن نداره، ولی به‌خوبی از چشمانش فهمیدم که داشت التماس می‌کرد: برو برادر برو که امام تنه‌است ...».

راوی در بخش‌های مختلف روایت خود به جنبه‌های دیگر حماسه رزمندگان اسلام در طلائی‌ه اشاره می‌کند. او از زبان قرآن، رمز پیروزی رزمندگان را در سختی‌ها و مشکلات برای مخاطب خود تقوا معرفی می‌کند و موضوع را چنین شرح می‌دهد «اینجا طلائی‌ه است... ۳۱ سال پیش در ۳ اسفند ۱۳۶۲ عملیات خیبر که اولین عملیات آبی-خاکی بود، در این منطقه انجام شد. تردد در آب و هور به‌شدت دشوار است، به‌ویژه با موانعی که دشمن ایجاد کرده بود، کار بچه‌های ما سخت‌تر می‌شد. خب در این شرایط سخت، بچه‌های ما پل خیبری را برای عبور از هور احداث کردند. ابتکار ساخت این پل در تاریخ جنگ‌های دنیا کم‌نظیر و شاید بتوانیم بگوییم بی‌نظیر بوده است. رفقا یک سؤال: رزمنده‌های ما فن پل‌سازی را از کجا آموزش دیده بودند؟! قرآن جواب می‌دهد، راه را قرآن به‌خوبی روشن کرده است: آیه ۲ و ۳ سورة طلاق؛ و من یتق الله یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث یرتیب و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شیء قدراً. منظور این است که هرکسی تقوا داشته باشد، هرکسی برای خدا حریم قائل شود خدا هم راه را به او نشان می‌دهد! شهدای ما بین خود و گناه خط قرمز کشیدند و خدا هم به ذهن و دست و بازویشان برکت داد و راه را هموار کرد».

راوی در بخش دیگر روایت خود، ایثار و فداکاری را در داستان خانواده شهیدان باکری به‌خوبی بیان می‌کند «... خواهر شهیدان باکری می‌گوید «برادرمون علی را

هنرمندانه و به‌گونه‌ای بیان کنند که به ایجاد فضایی معنوی و معرفتی در مخاطبان کمک کند:

۱. مقاومت عاشورایی (با اشاره به حماسه‌آفرینی فرماندهان و رزمندگان یگان‌های سپاه در طلائی‌ه و جزایر)؛
۲. فرمان امام برای حفظ جزایر، پیوند امام و رزمندگان، ولایت‌مداری رزمندگان اسلام؛

بررسی روایت معیار در یادمان طلائی
(بر مبنای گزارش روایت حجت الاسلام مهدی فلاح تهرانی)

۳. پیوند عاشورا و جنگ: رزمندگان اسلام در هشت سال دفاع مقدس به علت انس با مفهوم عاشورا و شهادت، خطوط اصلی جهاد و دفاع را شناختند و بر مبنای همین رویکرد الهی و معنوی و با عشق و شور و حماسه، در جبهه حق علیه باطل به بهترین وجه نقش آفرینی کردند و تا پای شهادت برای حفظ انقلاب پیش رفتند. راویان باید بر همین مبنای اعتقادی شیعه، حوادث حماسی عملیات‌ها را هنرمندانه و شاعرانه با عاشورا و امام حسین^(ع) مرتبط کنند. اوج این ارتباط حماسی بین عاشورا و جنگ در روایت حاضر، آن جایی است که در یکی از شب‌های عملیات خیبر و در شرایط سخت مقاومت، حاج حسین خرازی با تأسی از امام حسین^(ع) در شب عاشورا، یاران و هم‌زمان خود را در لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) گرد خویش می‌آورد و آنها را در رفتن یا ماندن مخیر می‌کند.

۵. سیره عملی شهدا (راوی تلاش می کند با مرورى بر خاطرات و بیان منش و سیره رفتاری فرماندهان و شهدای شاخص به ایجاد فضایی درس آموز در روایت طلائیہ کمک می کند. نام ابراهیم همت، حمید باکری، مهدی باکری، حسین خرازی، احمد کاظمی، علی هاشمی، عباس کریمی، علی تجلایی، مرتضی یاغچیان، اکبر زجاجی، بهروز غلامی و... صدها شهید گمنام دیگر با نام طلائیہ و خیبر پیوند خورده است. مسلماً رآویان با مرور خاطرات این شهدا می توانند در معرفی الگوهای عملی به مخاطب کمک کنند).

۲. اشاره به سختی‌ها در جنگ: راوی در حین روایت به شرایط سخت رزمندگان در شب‌های عملیات اشاره می‌کند. توصیف صحنه‌های دشوار، به ترسیم واقعیات



روایت راویان دفاع مقدس، یادمان طلایه، اسفند ۹۵

یکی از نقاط قوت در روایت‌های راهیان نور، بحث درباره مسئله عقلانیت در جنگ است. بسیاری از راویان، اتفاقات بزرگ جنگ را در پرتو صرفاً امدادهای غیبی و الهی شرح می‌دهند و به جنبه‌های عقلانیت رزمندگان و فرماندهان، و تلاش‌ها و تدبیرهای آنان، آن گونه که باید توجه نمی‌کنند. مسلماً برای مخاطبان راهیان نور، به‌ویژه برای قشر دانشجویی بحث درباره جنبه‌های مدیریت و تدبیر رزمندگان در عملیات‌ها جذاب و شنیدنی خواهد بود.

"پل خیبری" موضوعی مهم در عملیات خیبر است که برای اشاره به وجود عقلانیت در جنگ سوژه مناسبی است. این نبوغ و خلاقیت در خاطرات فرماندهان و رزمندگان در عملیات خیبر بیان شده است و راوی نیز در این روایت با پرداختن به آن هر چند کوتاه، عقلانیت و تدبیر در جنگ را برای مخاطبان خود تاحدودی تبیین می‌کند.

۷. استفاده از طنز حین روایت: استفاده از طنز در ادبیات افراد همیشه موجب نشاط و جذابیت بوده است.

۴. بهره‌گیری از آیات قرآن برای تبیین مسائل: یکی از نقاط قوت روایت‌های راهیان نور و دفاع مقدس، بهره‌مندی از مفاهیم آیات الهی متناسب با فضای روایت است. راوی نیز در این روایت و در بخش‌های مختلف آن، از آیات نورانی قرآن برای تبیین مسائل و مطالب بهره می‌گیرد. برای مثال، آنجا که قصد دارد دلایل موفقیت رزمندگان اسلام را برای مخاطبان بیان کند، ضمن اشاره به آیات دوم و سوم سوره طلاق، به عنصر تقوا و نقش آن را در برکات و موفقیت‌های زندگی اشاره می‌کند.

۵. تبیین روش و سیره زندگی رزمندگان (ارائه الگوی سبک زندگی اسلامی): راوی در بخش‌های مختلف روایت خود با اشاره به سیره شهدا، ابعاد موفقیت شهدا را در قالب سبک زندگی اسلامی به مخاطبان خود ارائه دهد. ابعدی از زندگی شهدا که در این روایت بیان می‌شوند عمدتاً عبارت‌اند از: توجه به نماز و قرآن، ایثار و مقاومت و اخلاص. ۶. پرداختن به جنبه‌های تدبیر و عقلانیت در جنگ:

در نقل روایت نیز استفاده از طنز یک قوت محسوب می‌شود. راویان باید در برخی از بخش‌های روایت در حد توان، صحبت‌های خود را با چاشنی طنز بیامی‌زند. این امر خود باعث همدلی و همراهی مخاطب با راوی و روایت خواهد شد. در این روایت نیز راوی آنجا که لازم است برای همراه کردن ذهن و دل مخاطب از چاشنی طنز به‌خوبی بهره می‌گیرد.

۸. تأکید بر آرمان‌ها: راهیان نور درواقع فرصتی

مناسب برای انتقال مفاهیم نورانی انقلاب اسلامی و آرمان‌های متعالی شیعه است. راوی در این روایت با شرح فضای مقاومت سخت و سنگین در طلائیه و با اشاره به موضوع مدافعان حرم و شهدای این راه که در امتداد راه دفاع مقدس، امروز در مرزهای اسرائیل علم مبارزه را برافراشته‌اند، درواقع هدف متعالی مدافعان حرم را در قالب این جمله که از جملات معروف امام راحل و بخشی مهم از آرمان انقلاب اسلامی به‌شمارمی‌رود، چنین بیان می‌کند «که هر جا ظالمی هست، مبارزه هم هست» و چنین نتیجه می‌گیرد که جهاد همچنان ادامه دارد. به‌موقع آرمان‌های انقلاب

راوی در این روایت با شرح فضای مقاومت سخت و سنگین در طلائیه و با اشاره به موضوع مدافعان حرم و شهادت این راه که در امتداد راه دفاع مقدس، امروز در مرزهای اسرائیل علم مبارزه را برافراشته‌اند، درواقع هدف متعالی مدافعان حرم را در قالب این جمله که از جملات معروف امام راحل و بخشی مهم از آرمان انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود، چنین بیان می‌کند «که هر جا ظالمی هست، مبارزه هم هست» و چنین نتیجه می‌گیرد که جهاد همچنان ادامه دارد. به هر حال، طرح صحیح و به‌موقع آرمان‌های انقلاب اسلامی از مؤلفه‌های یک روایت مطلوب به‌شمار می‌رود.

نتیجه

درمجموع، روایت آقای فلاح تهرانی از نظر پیوستگی مطالب و تناسب روایت با مخاطبان اثربخش و جذاب است و از مقاومت مردمی در برابر دشمن، تحلیلی کلی و درس آموز ارائه می دهد. واقع گرایی، انصاف و دوری از مبالغه از ویژگی های دیگر راوی در این روایت است.

۲. تالار روایت: سالی برای ارائه روایت واحد در

یادمان توسط راویان شاخص با حضور متمرکز کاروان ها؛

۳. تالار استراحت زائران: سالن و محوطه ای برای

صرف ناهار و استراحت کاروان های مستقر در یادمان؛

۴. تابلو-نوشته های محتوایی: نصب این تابلوها با

مطالب مختصر و چکیده در معرفی حماسه بدر و خیبر

در طلائی به سزایی دارد؛

۵. تابلو-عکس های بزرگ شهدای شاخص منطقه: زائران

طریق این تابلوها ارتباطی ذهنی

و معرفتی با منطقه برقرار می کند.

یادمان طلائی هم مثل

یادمان های دیگر راهیان نور

ظرفیت های بسیاری برای

روایتگری دارد. در این یادمان،

راویان می توانند متناسب با تعداد

عملیات ها و یگان ها و محورهای

عملیاتی و حوادث منطقه در طول

جنگ و همچنین فرماندهان

و شهدای شاخص که در این

منطقه به شهادت رسیده اند،

روایت های مختلفی نقل کنند.

بنابراین، لازم است متولیان امر هرچه سریع تر، متمرکزتر و

منسجم تر طرحی فراهم کنند و با بسیج نیروهای فعال و

اثرگذار در حوزه روایتگری، به کمک این پدیده مهم فرهنگی،

تاریخی و اجتماعی کشور بیایند و در جهت نظارت، تقویت،

تربیت و مدیریت راوی و روایتگری معیار اقداماتی انجام دهند

که در شأن و منزلت راهیان نور باشد. با امید به اینکه مباحث

طرح شده در این یادداشت در زمینه ارتقای روایتگری راهیان

نور مؤثر واقع شود.

چند نکته درباره ملاحظات شکلی در یادمان

طلائی

پ. به طور کلی، فضای سرپوشیده این یادمان از یادمان های پربازدید خوزستان، کمتر است. فضاهایی که در این یادمان وجود دارد، عبارت اند از:

۱. مقبره شهدای گمنام که محل نماز و زیارت و گاهی استراحت زائران است و به نام حسینیه حضرت ابوالفضل^(ع) شناخته می شود.

۲. پدهای روایتگری در سه راهی شهادت که عمدتاً با شن و ماسه مسطح شده اند و روباز هستند.

۳. سنگرهای هلالی سیمانی که محل اقامت خادمان و راویان استقرار می یابند.

با وجود فضاهای حداقلی که به آنها اشاره شد، از نظر

شکلی و محتوایی، کمبودهای اساسی در یادمان طلائی

وجود دارد که این کمبودها مسلماً بر کیفیت روایت ها

هم تأثیر گذاشته است. اکنون به برخی از نیازمندی های

شکلی و محتوایی یادمان اشاره می کنیم و امیدواریم با

فراهم شدن آنها، شاهد افزایش کیفیت محتوای یادمان

طلائی در آینده نزدیک باشیم:

۱. تالار نمایشگاه: سالی برای نمایشگاه دائمی و

موقت درباره معرفی ابعاد مختلف جنگ در منطقه

عملیاتی طلائی؛

یادمان طلائی با وجود آنکه یکی از یادمان های پرتردد خوزستان در راهیان نور به شمار می رود، امکانات موجود در آن با حجم زائرانی که هر سال برای زیارت و شنیدن روایت جنگ و دفاع مقدس راهی این منطقه می شوند، متناسب نیست



روایت محسن رضایی* در مورد عملیات بیت المقدس

محمد محمد یور**



چکیده		

اوضاع کشور در آستانه عملیات بزرگ آزادسازی خرمشهر

باعث کشتن بسیاری از انقلابیون و مردم عادی شدند. اما با مواجهه شدید نیروهای انقلابی و مردمی با این عوامل بحران‌ساز تاحدودی به اوضاع داخلی کشور سامان داده شد. با سامان یافتن اوضاع داخلی این فرصت فراهم شد تا با همکاری و هماهنگی ارتش نیروهای مردمی مجدداً به کار گرفته و با انجام یک سلسله عملیات موفق شوند

در آستانه عملیات آزادسازی خرمشهر، بنی‌صدر به‌دلیل ارتباطش با مجاهدین خلق از ریاست جمهوری عزل شد. در همین زمان مجاهدین خلق به افزایش درگیری‌های خیابانی، دامن زدند و با بمب‌گذاری و ترور

* . فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دوران دفاع مقدس و دبیر کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام

**. پژوهشگر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

[illegible]

نیروهای ارتش عراق نیز در نتیجه عواملی مانند انتخاب اهداف وسیع و تعیین مأموریت برای تمام یگان‌هایش و در نهایت نداشتن نیروی احتیاط کارآمد، سازمان و کنترل فرماندهی خود را از دست داده بودند. آنها با وجود داشتن نیرو، تجهیزات و امکانات مناسب در مناطق مختلف عملیاتی، به علت استیصال روانی قادر به بهره‌گیری از استعداد موجود نبودند. به همین دلیل، در مواقع پانک یا فرار می‌کردند یا تسلیم می‌شدند. در مجموع، تا قبل از عملیات بیت‌المقدس بخش زیادی از نیروها و تجهیزات ارتش عراق منهدم و بسیاری از نیروهایش اسیر و امکانات آنها نیز به غنیمت گرفته شد. عراق در آستانه عملیات بیت‌المقدس در معرض ازهم‌گسیختگی کامل قرار داشت. موضوعی که موجب نگرانی حکام بغداد و تشویش اذهان حامیان منطقه‌ای و جهانی او شده بود.

سردار محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه پاسداران در دوران جنگ درخصوص اهمیت عملیات و مشکلات موجود قبل از اجرای عملیات چنین می‌گوید: «طراحی عملیات بیت‌المقدس در میان عملیات‌های ایران، هم از نظر بزرگی و عظمت طرح و [هم از نظر] وسعت منطقه و اهداف درگیری و هم به‌علت کمبود امکانات و ضعف تاکتیکی ما در برابر دشمن با عملیات‌های قبلی بسیار متفاوت بود. برخی امکان عبور ایران از استحکامات عراق

***. معاون عملیات فرمانده کل سپاه پاسداران و فرمانده سپاهی
 قرارگاه فتح در عملیات بیت‌المقدس
 ***. فرمانده قرارگاه قدس در عملیات بیت‌المقدس
 ****. معاون اطلاعات عملیات قرارگاه مرکزی سپاه پاسداران
 (خاتم‌الأنبياء (ص)
 *****. فرمانده قرارگاه دریایی نوح در دوران دفاع‌مقدس

دشمن، مانور آن را می‌داند. ثانیاً اینکه از خط مقدم تا عمق خط خودی رده‌های پدافندی دارد که باید شکسته می‌شد، بنابراین حمله ما شکست می‌خورد». (جلسه ۷۷؛ ۱۳۹۳/۶/۳۱)

او ضمن بیان اینکه چندین جلسه طول کشید تا ارتش پذیرفت تمرکز اصلی در عبور از کارون باشد، حسن این کار را چنین دانست «دشمن مواضع پدافندی ندارد و ما می‌توانیم تا جاده آسفالت برویم. در حالی که در طرح ارتش درگیری از همان خط مقدم شروع می‌شد. ولی با این طرح ما نمی‌توانستیم دشمن را در منطقه حمید دور بزنیم و به‌سوی بصره پیشروی کنیم. قلب منطقه درست پشت جاده آسفالت و ایستگاه حسینیّه قرار داشت و فاصله زیادی با کارون نداشت. اگر از شمال به جنوب حرکت می‌کردیم، این نقطه دردسترس نبود و برای رسیدن به آن باید زمان زیادی طی می‌شد». (جلسه ۷۷؛ ۱۳۹۳/۶/۳۱)

ب- چگونگی عبور و سرپل‌گیری

سردار رضایی درباره سرپل‌گیری معتقد است «پس از گفت‌وگوهای زیاد، در نهایت ارتش پذیرفت قرارگاه فتح و قرارگاه نصر هر کدام سرپل‌های خود را بگیرند و عبور کنند. تأکید ارتش روی شناسایی بود، اما مسئله این بود که این کار وقت‌گیر بود و ما کمبود زمان داشتیم، همچنین اگر دشمن مانند عملیات فتح‌المبین همچنان در کرخه می‌ماند، چه؟ رضایی می‌گوید «من بحثی را درباره میزان اهمیت سرپل مطرح کردم! شهید صیادی* گفت این حرف شدنی نیست و ما نابود می‌شویم. من

* فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران

را ناممکن می‌دانستند. درواقع، عملیات در نوع خود کم‌نظیر بود. به‌همین دلیل بود که بسیاری آن را عملیات سرنوشت می‌دانستند». از نظر او مشکلات طرح مانور که باید حل می‌شدند عبارت بودند از: ۱. تلاش اصلی کجا باید انجام شود، ۲. مراحل عملیات چه و چگونه باشد؟ (جلسه ۷۷؛ ۱۳۹۳/۶/۳۱)

الف- اهداف و مأموریت

سردار محسن رضایی فرمانده کل سپاه در دوران دفاع‌مقدس درباره اهداف این عملیات در طرح‌ریزی اولیه می‌گوید «در عملیات اهدافی مشترک بین سپاه و ارتش وجود داشت، که غرب کارون و شرق شط‌العرب دربرمی‌گرفت». او در ادامه می‌گوید: «دو نوع پیشنهاد هم درباره تلاش اصلی مطرح بود: ۱. جنوب خرمشهر و جاده اهواز خرمشهر به سمت پادگان حمید، ۲. رودخانه کارون و عبور از آن و پیشروی سریع به‌سوی خرمشهر». (جلسه ۷۷؛ ۱۳۹۳/۶/۳۱)

رضایی درباره طرح مانور این عملیات و اختلاف نظر با ارتشی‌ها می‌گوید «نظر ارتش ابتدا این بود که جنوب خرمشهر تلاش اصلی باشد. علت آن هم تجربه قبلی موفقیت نسبی عملیات نصر در هویزه بود. پیشنهاد دوم این بود که تلاش اصلی روی کارون باشد و یک‌سوم قوا از نشوه و طلائیّه و جغیر عمل کنند. تأکید ارتش این بود که عبور از کارون متکی به پل است و اگر ارتش عراق پل‌ها را بزند یا محاصره کند، چه؟ بنابراین، نباید به پل متکی بود و این همه امکانات را به زمین مناسب (جاده‌ها و...) متکی کنیم. سپاه نیز استدلال ارتش را درست می‌دانست، اما می‌گفت مشکل عملیات در جنوب اهواز متکی‌بودن به تک‌جبهه‌ای است و اینکه

رضایی یکی از دلایل تأکید زیاد بر سرعت عمل در رسیدن به جاده آسفالت را وجود خاکریزی می‌دانست که عراق برای جلوگیری از نفوذ نیروهای اطلاعاتی ایران در غرب کارون زده بود که از نظر او برای نیروهای خودی موهبت به‌شمار می‌رفت. احمد غلامپور*** در این زمینه معتقد است «در طرح‌ریزی عملیات، هدف آقای رضایی تصرف زمین دشمن بود. او بر تصرف حسینی و فضاهای خالی از پدافند (به‌عنوان کلید منطقه) اصرار می‌کرد و این امر در انتخاب تلاش اصلی و موفقیت نیروها بسیار مؤثر بود». (جلسه ۷۷؛ ۱۳۹۳/۶/۳۱)

ج- طرح مانور

سردار رضایی دربارهٔ مباحث مربوط به طرح مانور می‌گوید «مانور پیشنهادی ما [سپاه] احاطه یک‌طرفه و مانور پیشنهادی ارتش یک تک‌جبهه‌ای بود. شهید صیادی اصرار می‌کرد ما به هویزه و هور برویم و نیروها را به جفیر و طلائیه سرازیر کنیم. درحالی‌که این امر امکان‌پذیر نبود و نیروهای خودی نمی‌توانستند به کارون برسند. مانور ما مشکل پشتیبانی و لجستیک داشت، ولی مانور ارتش این مشکل را نداشت و عقبه قابل اتکایی داشت».

او در توجیه اصرار خود و فرماندهان سپاه در سرپل‌گیری سریع، عبور از کارون در همان شب اول و رسیدن به جاده آسفالت و محاسن این طرح می‌گوید «اگر به قلب منطقه می‌زدیم عراق با سه تهدید مواجه می‌شد: یکی، امکان محاصره نیروهای عراق زیاد بود و هم‌زمان [می‌توانستیم] به‌سمت خرمشهر برویم و ۴۰

****. فرمانده قرارگاه قدس از سپاه پاسداران

گفتم نه اتفاقاً اگر سرپل کوچکی را بگیریم دشمن روبه‌روی ما می‌آید و خط پدافندی درست می‌کند. [الان] فاصله رودخانه تا جاده، خالی از پدافند دشمن است. اگر دشمن بعد از کارون روبه‌روی ما آرایش دفاعی می‌گرفت، کار ما خیلی سخت می‌شد و در صورت عبور از کارون باید سریع تا جاده آسفالت پیش می‌رفت». (جلسه ۷۷؛ ۱۳۹۳/۶/۳۱)

رضایی می‌گوید «پس از بحث‌های طولانی در نهایت فرماندهان سپاه هماهنگ شدند که [اولاً] این سرپل وسیع باشد، ثانیاً سریع استقرار عملیاتی پیدا کنیم، سپس عملیات را شروع کنیم». از فرماندهان ارتش نیز فقط شهید صیادی در جلسات شرکت می‌کرد. او ادامه می‌دهد که «ما عبور از کارون را تا رسیدن به جاده آسفالت سرپل و پیشروی به‌سمت مرز را در مرحله دوم عملیات قرار دادیم. ما سرپل بزرگ را گرفتیم تا فرصت کافی برای حرکت به‌سمت بصره داشته باشیم». (نوار ۴۹۰۹؛ ۱۳۶۱/۱/۱۷) او مشکل طرح ارتش را تحلیل‌رفتن توان اصلی نیروها روی جاده آسفالت می‌دانست. درحالی‌که فرماندهان سپاه به عبور برق‌آسا از کارون و چسبیدن به جاده اهواز خرمشهر و سپس تلاش برای عبور نیروها معتقد بودند. او ضمن بیان اینکه فرماندهان سپاه طرح را پیش بردند و تکمیل کردند و ارتش در روزهای آخر هماهنگ شد، می‌گوید «شهید باقری*، رشید* و رحیم*** در ابتدا موافق سرپل بزرگ نبودند و تاحدودی با ارتش موافق بودند، صیادی هم وقتی همگامی آنها را دید سکوت کرد».

*. فرمانده قرارگاه نصر از سپاه پاسداران

**. فرمانده قرارگاه فتح از سپاه پاسداران

***. فرمانده عملیات جنوب از سپاه پاسداران

این بود که، باعث بلا تکلیفی و تردید دشمن می شد که خواست ما بود. و ویژگی دوم این طرح، مانور آن بود که اگر بصره به دست ما نمی افتاد، به خرمشهر دست پیدا می کردیم». (جلسه ۷۷؛ ۱۳۹۳/۶/۳۱)

سردار رضایی دربارهٔ مرحله بندی عملیات معتقد است «با عبور از جاده مرحله بندی عملیات نیز رعایت شد». به تعبیر او شرایط عملیات آن را به نیروها تحمیل کرد. در این عملیات مرحله اول رسیدن تا جاده آسفالت و مرحله دوم رسیدن تا مرز (طول ۱۲ و ۱۴ و وسعت ۳۵ کیلومتر) بود. در مرحله سوم این سؤال مطرح شد که آیا به سمت بصره و تنومه برویم یا به سمت خرمشهر؟ این موضوع ابلاغ شده بود که قرارگاه نصر خرمشهر را محاصره کند، قرارگاه قدس به سمت نشوه برود و قرارگاه فتح به سمت تنومه. پیش بینی ما برای دو سه روز بود که هر مرحله یک هفته زمان می برد.

او دربارهٔ علل حذف بصره و تنومه از طرح مانور می گوید «ما قبل از عملیات می خواستیم به سمت نشوه و تنومه برویم، ولی تعبیر امام که گفته بود، زیاد داخل خاک عراق نروید، باعث شد ما تنومه را ۳ یا ۴ روز قبل از عملیات از طرح عملیات حذف کنیم. ولی تا پشت کانال ماهی را برنامه ریزی کردیم که در صورت فتح خرمشهر آنجا را به عنوان سرپل بگیریم». (جلسه ۷۹؛ ۱۳۹۳/۹/۳)

د- سازمان رزم

رضایی ضمن بیان اینکه فرماندهان ارتش خیلی دیرتر به کلیت طرح مانور اعتقاد پیدا کردند، می گوید «پس از مباحث طرح مانور، بحث زیادی دربارهٔ نحوه مدیریت و ادغام نیروها در بین فرماندهان در گرفت که تا سه چهار شب مانده به عملیات طول کشید و انتظار می رفت به

۵۰ هزار نفر اسیر بگیریم. دوم، مستقیم به سمت بصره برویم چون فاصله ما با خرمشهر و بصره مساوی بود و سوم، لشکرهای ۵ و ۶ عراق را در شمال منطقه عملیات- روبه روی هويز- محاصره و کامل منهدم کنیم. ما وقتی خودمان را جای دشمن گذاشتیم و به وضعیت نگاه کردیم، دیدیم دشمن یکی دوتا از اهداف را رها خواهد کرد». (جلسه ۷۷؛ ۱۳۹۳/۶/۳۱)

رضایی دربارهٔ تردید شهید صیادی به طرح سپاه که نگران بازگشت و پاتک لشکرهای ۵ و ۶ عراق بود، می گوید «بعضی وقت ها علم و اطلاعات در مواجهه با تشخیص و فهم قرار می گیرد. من گفتم قرارگاه فتح اگر رفت سمت مرز شما نگران تک دشمن از شمال به جنوب نباشید. به آقای غلامپور هم گفتم شما خودتان را به جفیر و طلائییه برسانید. بنابراین، قرارگاه قدس مأموریت داشت در صورت شکست هم آنجا بماند و درگیری را ادامه دهد». غلامپور نیز در این باره می گوید: «آنها (نیروهای عراقی) به صورت مایل به سمت پاسگاه شهبای آمدند، تعدادی از ادوات و تجهیزاتشان مانده بود که به یگان های ما می زدند». حجت الاسلام بشردوست نیز می گوید «لشکرهای ۵ و ۶ به تیپ ثارالله زدند، اما این تیپ ایستادگی کرد و گرنه کار ناقص می شد».

از نظر رضایی در این عملیات، تدبیر خلاقانه علاوه بر ایمان و شهادت طلبی - که از جمله عناصر مدیریت جهادی هستند- رسیدن به قلب منطقه یعنی حسینییه بود. او معتقد است «اینکه ما سرپل و مرحله اول عملیات را یکی کردیم ایده ای جالب بود. البته امکان وقوع فاجعه هم بود. بنابراین، تمام هم و غم ما این بود که نیروها به جاده آسفالت برسند (به عمق ۲۵ کیلومتر). از نظر رضایی این طرح دو ویژگی داشت: ویژگی اول این طرح

آن بودند در جزایه)، تیپ اهواز به فرماندهی کلاه کج و نیروهای لشکر ۱۶ زرهی قزوین پایین تر از لشکر ۲۱ امام رضا^(ع) مستقر بودند. (جلسه ۷۷؛ ۱۳۹۳/۶/۳۱)

۲. قرارگاه فتح: این قرارگاه از جبهه میانی منطقه عملیات وارد عمل می شد. از سپاه، غلامعلی رشید (که جعفر اسدی مسئول ستاد، محمد باقری مسئول اطلاعات و اصغر کاظمی مسئول عملیات او بودند) و از ارتش، سرهنگ منفرد نیاکی با اتکای به لشکر ۹۲ زرهی مسئولیت قرارگاه را برعهده داشتند. سه تیپ از سپاه با چهار تیپ از ارتش ادغام شده بود. براین اساس، قرارگاه فتح به چهار قرارگاه تقسیم شده بود:

- فتح ۱: تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی خوزستان (نیاکی) + لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) (حسین خرازی)؛
- فتح ۲: تیپ زرهی دزفول (مستقل با ۳۰ تانک و احتیاط)؛

- فتح ۳: تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی خوزستان (بهرامی) + تیپ ۸ نجف اشرف (احمد کاظمی)؛
- فتح ۴: تیپ ۵۵ هواپرد و تیپ ۳۷ زرهی شیراز + تیپ ۲۵ کربلا (مرتضی قربانی). (جلسه ۸۴؛ ۱۳۹۳/۱۱/۱۶)

۳. قرارگاه نصر: این قرارگاه مأموریت داشت از جبهه جنوبی منطقه عملیات وارد عمل شود. از سپاه حسن باقری و از ارتش سرهنگ حسنی سعدی با محوریت لشکر ۲۱ حمزه سیدالشهدا مسئولیت قرارگاه را برعهده داشتند. یگان های تحت امر این قرارگاه عبارت بودند از: تیپ ۲۲ بدر، تیپ خرمشهر، لشکر ۲۷ محمد رسول الله، تیپ ۷ ولیعصر، تیپ ۴۶ فتح.

نتیجه مطلوب نرسد. شهید صیادی روی دو نکته تأکید می کرد: یکی حفظ سازمان ارتش و دوم حفظ روحیه بسیجی نیروها. به تدریج با پیشروی کارها مقاومت فرماندهان ارتش شکسته شد و ما نیز به این نتیجه رسیدیم که بگذاریم فرماندهان با هم کار کنند تا به فرمول بهتری برسند. در عمل یکسری مسائل نادیده گرفته شد، چون تداوم این مباحث ممکن بود به تفرقه منجر شود.

قرارگاه های این عملیات عبارت بودند از:

قرارگاه قدس: این قرارگاه از شمال منطقه عملیات (از شرق هور تا جاده و رود کارون) وارد عمل می شد. با توجه با اینکه منطقه عموماً دچار آب گرفتگی بود، تمرکز این قرارگاه روی حمیدیه تا اهواز و عبور از کرخه کور بود. از سپاه، احمد غلامپور (که محمدعلی جعفری* معاونش بود) و از ارتش، سرهنگ سیروس لطفی** مسئولیت قرارگاه را برعهده داشتند. یگان های تحت امر این قرارگاه عبارت بودند از:

تیپ ۳۱ عاشورا (سوسنگرد)، تیپ نور (به فرماندهی علی هاشمی در سمت چپ عاشورا)، لشکر ۲۱ امام رضا^(ع) (که شهید چراغچی و شهید خادم الشریعه مسئولان

*. فرمانده کنونی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، معاون احمد غلامپور در عملیات بیت المقدس
**. فرمانده لشکر ۱۶ زرهی قزوین

از نظر رضایی در این عملیات، تدبیر خلاقانه علاوه بر ایمان و شهادت طلبی - که از جمله عناصر مدیریت جهادی هستند - رسیدن به قلب منطقه یعنی حسینییه بود. او معتقد است «اینکه ما سرپل و مرحله اول عملیات را یکی کردیم ایده ای جالب بود. البته امکان وقوع فاجعه هم بود. بنابراین، تمام هم و غم ما این بود که نیروها به جاده آسفالت برسند (به عمق ۲۵ کیلومتر)

اقدامات آماده‌سازی و پشتیبانی

سردار رضایی بر این باور است که در این عملیات، رشد ستادهای پشتیبانی، مهندسی و توپخانه‌های ارتش و سپاه و بهداری و اعزام نیرو بسیار بیشتر از عملیات فتح‌المبین بود.

سردار حسین علایی دربارهٔ مخابرات و شنود می‌گوید «ظرفیت‌های کلی سپاه در این عملیات تجلی پیدا کرد. در حوزه کارهای ستاد قرارگاه بحث شنود خیلی مهم بود. مسئول شنود قرارگاه آقای اسحاقی* بود که قبل و حین عملیات وضعیت دشمن را رصد می‌کرد. برای مثال، ما طی این شنود متوجه شدیم عراقی‌ها واقعاً نفهمیده بودند که ما به سمت خرمشهر امکاناتی را منتقل کرده‌ایم. تصور من این بود که شنود به این امر کمک می‌کرد. سیستم مخابرات ما در این عملیات رشد زیادی کرد. از لوازم و امکاناتی مانند بی‌سیم برد بلند، تلفن افیکس و تلفن باسیم و ... استفاده کردیم. نشانه عدم درک عراق این بود که تماس آنها با همه‌جا برقرار بود و سیستم شنود افیکس ایران را نداشتند. آنها بیشتر روی PRCRR، راکالا، بی‌سیم برد بلند و UHF حساسیت و تمرکز داشتند و بیشتر تجهیزات ارتش را رصد می‌کردند». (جلسه ۷۸؛ ۱۳۹۳/۷/۷)

رضایی بعضی از موارد را که در عملیات‌های قبل نیاز بود و در این عملیات وارد شد از جمله موفقیت‌های پشتیبانی عملیات می‌داند. برای مثال، یکی از ابتکارات

*. رضایی دربارهٔ سردار اسحاقی می‌گوید «سردار اسحاقی به زبان عربی تسلط داشت و فرماندهان عراقی را می‌شناخت. ما به دلیل اطلاعاتی که به ما می‌رساند مرهون ایشان هستیم» (جلسه ۸۳). او صدای ۲۵۰۰ فرماندهان عراقی را می‌شناخت.

سپاه در ستادهایش ایجاد معاونت تعاون بود.

رضایی در این باره می‌گوید «از درون ستاد زرهی ما که در عملیات بیت‌المقدس توسعه پیدا کرد، بعداً نیروهای سه‌گانه سپاه بیرون آمد. احمد کاظمی یکی از نمونه‌هایی بود که ستاد نداشت و تیپ عملیاتی داشت و خودش وارد جنگ می‌شد. اگر ما سازماندهی سپاه را پایه‌پای عملیات توسعه نمی‌دادیم نه می‌توانستیم عملیات انجام دهیم نه پشتیبانی. تحمل جنگ طولانی

نیز بدون تحقق دو مورد قبلی میسر نبود. ما گفتیم یک گام عملیات، یک گام سازماندهی. سپاه به قدری سریع گسترش یافت که نیروهای داخلی ترسیدند نکند سپاه می‌خواهد کودتا کند! برای این عملیات باید سازماندهی، تیپ و ستاد توسعه پیدا می‌کردند.

حسین علایی نیز معتقد است «ستادی که در قرارگاه کربلا شکل گرفت، ازجایی الگو نمی‌گرفت. این ستاد تدارکات امکاناتی وسیع

در اختیار داشت و از عوامل اصلی توسعه سازمانی و تشکیلات جدید بود. در ستاد واحدی به نام ادوات داشتیم که نیروها و لشکرها را سازماندهی می‌کرد که مانند آن در هیچ‌جایی حتی ارتش نبود. اینها به یگان‌ها می‌رفتند و امکانات آنها را فراهم می‌کردند. این امر به آنها سرعت عمل می‌داد». احمد غلامپور نیز می‌گوید:

شهید صیادی روی دو نکته تأکید می‌کرد: یکی حفظ سازمان ارتش و دوم حفظ روحیه بسیجی نیروها. به تدریج با پیشروی کارها مقاومت فرماندهان ارتش شکسته شد و ما نیز به این نتیجه رسیدیم که بگذاریم فرماندهان با هم کار کنند تا به فرمول بهتری برسند. در عمل یکسری مسائل نادیده گرفته شد، چون تداوم این مباحث ممکن بود به تفرقه منجر شود.

به علت محدودیت گلوله به لحاظ قواعد کلاسیک از عراق عقب تر بودیم. حُسن عملیات بیت المقدس این بود که آتشبارهای سپاه وارد عرصه شدند و نقشی تعیین کننده در عملیات بازی کردند». (جلسه ۷۸: ۱۳۹۳/۷/۷)

حسن بیگی* درباره نقش جهاد در عملیات می گوید «از عملیات بیت المقدس، شهید رضوی، جهاد را دارای یک سازمان رزمی کرد». او که در ادامه منطقه عملیاتی فتح المبین فعالیت داشت درباره اقدامات جهاد در این مقطع می گوید: «جاده سازی، پر کردن آب گرفتگی بیاض و کار روی سمت راست جاده اهواز خرمشهر که باتلاقی بود، انجام عملیات و کار را برای جهاد در آن امکان ناپذیر کرده بود. ایجاد تعمیرگاهی که هم به واحدهای جهاد و هم به واحدهای نظامی خدمت رسانی می کرد، آماده سازی بریدگی های ایجاد شده روی جاده اهواز خرمشهر (۵۰۰ متر)، احداث جاده از روبه روی پادگان حمید به سمت کارون برای برداشت آب در مرحله اول عملیات و... از جمله اقدامات جهاد بود». (جلسه ۷۸: ۱۳۹۳/۷/۷)

سردار رضایی درباره نقش کلیدی و محدودیت ناپذیر شناسایی در عملیات می گوید «از گزارش های اطلاعاتی مسئولان سپاه و ارتش و افراد محلی هم استفاده می کردیم. اطلاعات هر فرمانده به کار خود آن فرمانده می آمد. برای همین هنگام شناسایی من و رحیم و رشید همراه هم می رفتیم که در مباحث مان اطلاعات متفاوت و ضد و نقیض ارائه ندهیم. همچنین، ما با شهید باقری به جبهه نیسان و اهواز رفتیم. پس از رسیدن به آنجا از

«از نظر ساختاری ستادها محدودیت خاصی نداشتند و در قالب ساختار و سازمان نمی گنجیدند. تلقی رضایی از ستاد عریض و طویل امکانات و تشکیلات گسترده نبود. افراد مسئولی بود که کارها را پیگیری می کردند. پیگیری آنها جزئی ترین امور را نیز شامل می شد. حداکثر امکانات آنها یک خودرو بود». (جلسه ۷۸: ۱۳۹۳/۷/۷)

سردار یعقوب زهدی درباره سابقه توپخانه در سپاه به فعالیت های حسن تهرانی مقدم و حسن شفیع زاده اشاره می کند. تهرانی مقدم، مسئول ادوات تیپ ۲۵ کربلا در عملیات طریق القدس بود و به دلیل آشنایی که از زمان حصر آبادان با شفیع زاده داشت او را به همکاری دعوت کرد. رضایی می گوید «شهید حسن باقری، تهرانی مقدم را به رحیم معرفی کرد. او پس از دریافت حکمی از رحیم صفوی مسئول تطبیق آتش ادوات سپاه شد».

سردار زهدی معتقد است او در عملیات فتح المبین دو نقش بازی می کرد: یکی، هماهنگی آتش توپخانه سپاه (اغلب خمپاره بود) و دیگری، هماهنگی توپخانه سپاه و ارتش. در عملیات بیت المقدس ما دو گروه توپخانه ۲۲ و ۳۳ داشتیم و لشکرهای زرهی که تقریباً ۸۰ آتشبار می شد. در مجموع با ادوات لشکرهای ارتش ۹۰ آتشبار داشتیم. شهید ناهیدی نیز از جمله افراد بانبوغ در زمینه توپخانه و مسئول توپخانه لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) بود که در والفجر مقدماتی شهید شد. تیپ شهید خرازی نیز یک گردان تانک داشت که بسیار فعال بود.

سردار رضایی درباره نقش توپخانه در این عملیات می گوید «در عملیات بیت المقدس ۵۰ ارابه توپ به غنائمی که قبلاً گرفته بودیم، افزوده شد. عراق ۲۹ گردان [تانک] داشت و حجم آتش وسیع بود. ما همیشه

*. از نیروهای جهاد استان سمنان که معاون شهید ساجدی (مسئول جهاد قرارگاه قدس) بود.

بود زودتر آماده شویم. از اول تا دهم اردیبهشت عراق به سرعت نیرو به منطقه می‌آورد. دو سه روز قبل از عملیات همه فرماندهان [قرارگاه‌ها] برای شروع حمله را آماده کردیم، چون عراق داشت گسترش پیدا می‌کرد و سرعت عمل ما مهم بود. عراق هرچه نیرو داشت در محورهای حسینی، ایستگاه نود و کرخه نور یعنی شمال و غرب خرمشهر و پادگان حمید مستقر کرده بود. عمده قوای دشمن از سلمانیه شروع می‌شد و تا شمال خرمشهر ۴۰-۵۰ کیلومتری بین خرمشهر و بصره (محور قرارگاه نصر) ادامه می‌یافت. برای همین تلاش ما این بود که همان شب اول خودمان را به نهر عریض برسانیم. فرماندهان ارتش از جمله حسنی سعدی (فرمانده قرارگاه نصر) مخالف رفتن ما به سمت عریض بودند.

رضایی پوشش هوایی منطقه را چنین شرح می‌دهد «پایگاه هوایی دزفول و امیدیه بیشتر می‌توانستند به ما کمک کنند و این غنیمت بود. ارتش هم در این عملیات سازمان‌یافته‌تر وارد عمل شد، اما در مقابل عراق که روزانه ۳۵۰ تا ۴۰۰ سورتی داشت، سورتی‌های ما (۶۰ تا ۷۰) کم و ناچیز بود. مشکل اصلی نیروی هوایی ما ضعف پدافند هوایی بود». (جلسه ۷۹: ۱۳۹۳/۹/۳)

مشکلات عمده عملیات

از نظر فرمانده سپاه وقت دوران جنگ، از جمله مشکلات و پیچیدگی‌های این عملیات آماده‌شدن و عمل کردن هم‌زمان قرارگاه‌ها در زمینه تکمیل شناسایی، سرعت و گسترده‌گی و طراحی عملیات در قرارگاه‌ها و مهندسی منطقه بود. یکی از مشکلات عمده، ناهماهنگی بین ارتش و سپاه بود که به علت

منطقه طریق‌القدس بالا رفتیم و بررسی کردیم که آیا می‌توانیم از کرخه عبور کنیم و اگر آنجا تلاش اصلی انجام شد، می‌توانیم نیرو را عبور دهیم تا کرخه کور را به کمک آن برطرف کنیم یا خیر. در همین عملیات برای اولین بار جرقه عمل روی قسمتی از هور زده شد و درباره ویژگی‌های آن بحث شد. در کرخه ما متوجه شدیم جنگ سختی داریم، چون پیچیدگی‌های زیادی مانند عبور از رودخانه و... در آنجا مطرح بود». (جلسه ۷۹: ۱۳۹۳/۹/۳)

سردار احمد غلامپور، فرمانده سپاهی قرارگاه قدس در این عملیات نیز معتقد است «آقای رضایی با توجه به تجربه شناسایی فتح‌المبین، به‌دنبال مسیرهای سهل‌الوصول برای بستن عقبه دشمن بود تا در صورت امکان جناحی از سمت هویزه برای این منظور در نظر گرفته شود و از غرب هویزه دشمن احاطه شود. عملیات بیت‌المقدس پیچیدگی‌های عملیات فتح‌المبین را نداشت. آقای رضایی از همان اول توجه ما را به مارد معطوف کرد و کمتر به شناسایی بیت‌المقدس آمد. او در ادامه می‌گوید «ما در هر عملیاتی سعی می‌کردیم مناطقی را برای عملیات بعدی در نظر بگیریم. [عین خوش] برای ما جای مهمی بود. بنابراین، بعد از فتح‌المبین می‌خواستیم عملیاتی را هم‌زمان در جایی دیگر انجام دهیم». (جلسه ۷۹: ۱۳۹۳/۹/۳)

غلامپور معتقد است از جمله دلایل تأکید بیش از حد فرمانده کل سپاه بر تسریع به کارگیری نیروها-علاوه بر تلاش ارتش در ایجاد تأخیر که متأثر از تحولات قبل از فتح‌المبین بود-امکان وجود حمله عراق به چزابه بود. رضایی با توجه به اهمیت آماده‌سازی نیروها در مسابقه با عراق می‌گوید «برای من فوق‌العاده مهم

و ادغام آنها از هر نظر. ما در این عملیات دو واحد نامتجانس را کنار هم گذاشته بودیم که واحدهای زرهی با پیاده ادغام‌شدنی نبودند. زرهی و پیاده عملاً دنبال پشتیبان بودند. بهتر است بگوییم مشترک عمل می‌کردیم». (جلسه ۸۴: ۱۳۹۳/۱۱/۶)

۲. عبور از رودخانه. پس از اینکه ارتش پذیرفت تلاش اصلی عبور از رودخانه باشد، قرار شد سرپل‌گیری از جنوب سیدعبود تا شمال خرمشهر به طول ۶۰ کیلومتر و عرض ۲۵ کیلومتر یکباره انجام گیرد و نیروها هم دو قسمت شدند: یک عده نیروهایی که برونند و پاک‌سازی کنند. یک عده نیروهایی که برونند سمت جاده اهواز خرمشهر».

به‌نظر او بحث ادعای ارتش در جهت فرمانده‌بودن در کل عملیات طولانی شده بود. او در جلسه‌ای با صیادی تصمیم گرفت فرماندهان تیپ براساس شایستگی انتخاب شوند، فرمانده گردان‌ها از سپاه باشند. در سطح فرماندهان قرارگاه‌ها صیادی اصرار داشت لطفی و حسنی سعدی فرمانده باشند. ولی من گفتم من انتظار دارم فرماندهان نیروها را جلو بیاورند و ایشان هم مخالفتی نکرد. ما با فرماندهان سپاه درباره نحوه تعامل صحبت کردیم و (جلسه ۱۳۹۳/۹/۳۷۹) توافق کردیم که در عین اینکه فرماندهی مشترک باشد، فرمانده سپاه جانشین فرمانده ارتش هم باشد. (جلسه ۸۰: ۱۳۹۳/۹/۱۰)

وضعیت نیروهای خودی و ارتش عراق

سردار رضایی درباره استعداد نیروهای خودی در این عملیات می‌گوید «از ارتش و سپاه ۳۰ تیپ داشتیم. از ابتدا در منطقه سه قرارگاه و ۲۵ تیپ داشتیم و بعداً

حضور سریع عراق در منطقه، این امکان وجود داشت که عملیات از طریق معاونت اطلاعات (معینیان) لو برود و نقشه عملیات تغییر کند. یکی دیگر از پیچیدگی‌ها ضرورت راستی‌آزمایی گزارش‌ها بود که به‌علت نبود انضباط تشکیلاتی و در برخی موارد برای روحیه‌دادن به نیروها و... تشخیص دقیق صحت و سقم گزارش‌های آنها مشکل بود.

فرمانده کل سپاه پاسداران مشکلات مهم عملیات

را در دو موضوع خلاصه می‌کند:

۱. بحث ادغام نیروها.

رضایی در این زمینه می‌گوید «جلساتی در سه سطح داشتیم. در سطح نخست فرماندهان ارشد سپاه، در سطح دوم حضور برادر صیادی در جلسات فرماندهان ارشد سپاه و در سطح سوم فرماندهان دو نیرو حضور داشتند (که برای کاهش حساسیت

ارتش، برادر رحیم را می‌فرستادیم). بحث‌هایی مانند زمان عبور، ادغام نیروها و امکانات و فرماندهان از جمله مسائل پیچیده و طولانی بود. در بحث زمان به این نتیجه رسیدیم که نیرو و امکانات را مخفیانه و طی ۴۸ ساعت به آن طرف بفرستیم؛ یعنی روبه‌روی سلمانیه و هالوپ و دارخوین؛ جایی که مستقر شدند». (جلسه ۷۹: ۱۳۹۳/۹/۳) اصغر کاظمی درباره ادغام نیروها معتقد است «از نظر ما ادغام یعنی شکل‌گیری

غلامپور معتقد است از جمله دلایل تأکید بیش از حد فرمانده کل سپاه بر تسریع به کارگیری نیروها- علاوه بر تلاش ارتش در ایجاد تأخیر که متأثر از تحولات قبل از فتح‌المبین بود- امکان وجود حمله عراق به چزابه بود.

که در اطراف جاده [اهواز خرمشهر] مستقر شده بودند، موافق نبودند. من و صیادی تصمیم گرفتیم خصوصی صحبت کنیم و به نیروها ابلاغ کنیم. من این طور گفتم که ما سه حالت داریم: ۱. شب اول پشت جاده بمانیم، ۲. برویم منهدم کنیم و برگردیم و ۳. برویم و خرمشهر را تا عریض احاطه کنیم. خواست ما بیشتر تأمین حالت سوم بود که اگر شرایط جاده امکان این را داد به سمت عریض برویم. دشمن دید خوبی روی کارون نداشت و نیروها از بعدازظهر شروع به پیشروی کرده بودند. صیادی عبور از جاده را خطرناک قلمداد کرد ولی در نهایت قبول کرد. توکل مان بالا بود، من گفتم چون ماه رجب است، اسم رمز "یا علی بن ابیطالب" را انتخاب کنیم. برادر صیادی، رمز را به ارتشیان گفت و من به برادران سپاه اعلام کردم. "بسم الله القاسم الجبارین، یا علی بن ابیطالب" اسم عملیات را هم "بیت المقدس" گذاشتیم و به صیادی هم گفتیم آن را ابلاغ کند. بعد از صحبت با فرماندهان ساعت عملیات را هم ۰۰:۳۰ بامداد ۱۳۶۱/۲/۱۱ اعلام کردیم». (جلسه ۸۰: ۱۳۹۳/۹/۱۰)

رضایی شرایط شب عملیات را چنین شرح می دهد «این عملیات از فکه تا خرمشهر (حدود ۳۰۰ کیلومتر) ذهن ما را درگیر کرد. از ابتدا تلاش مان این بود که زودتر شروع کنیم. آنچه مهم تر بود این بود که عراق دیرتر متوجه خرمشهر شود؛ به همان اندازه که قرارگاه های قدس و فتح اهمیت داشتند، قرارگاه فجر در برغازه (ارتفاع ۱۸۲) هم مهم بود. بنابراین، شب عملیات که می خواستیم رمز را اعلام کنم احساس نگرانی از فکه تا خرمشهر موج می زد». (جلسه: ۱۳۹۳/۹/۳۷۹)

او ضمن بیان وضعیت قرارگاه ها می گوید «قرارگاه قدس از نظر عقبه مشکل چندانی نداشت و باید از

۶ تیپ از منطقه فتح المبین آمدند که شدند ۳۱ تیپ. روبه روی ما ۴۰ تیپ نیرو (۸ لشکر) وجود داشت. از نظر تجهیزات قابل مقایسه نبودیم. عراق در منطقه ۵۰۰۰ تانک و نفربر داشت در حالی که ما ۱۰۰۰ تانک و نفربر داشتیم. نکته اینکه تمام ادوات آنها در سنگر آماده بود، اما ما نتوانستیم تا پایان عملیات همه آنها را از ارونند عبور دهیم. (جلسه ۸۰: ۱۳۹۳/۹/۱۰) آخرین حرکت عراق حضور یک ستون با بیش از ۲۰۰ تانک به سمت ایستگاه ۹۰ بود. روز هشتم اردیبهشت عملاً با حضور نیروها و امکانات مهندسی نیروها پل آماده شده بود و سرعت ما نیز بیشتر از عراقی ها. درحقیقت، در این عملیات سرعت عمل برای ما مهم تر از غافلگیری بود». (جلسه: ۱۳۹۳/۹/۳۷۹)

شرح عملیات بیت المقدس

فرمانده کل سپاه درباره اتفاقات روز عملیات و حال و هوای آن روز می گوید «در جلسه ای خصوصی که بعد از ظهر روز عملیات با صفوی و آیت الله مشکینی* برگزار کردیم، آخرین مراحل آماده سازی را تمام کردیم و شب دستور دادیم عملیات انجام شود. ما در این جلسه با توجه به تغییرات ۷۲ ساعت آخر می خواستیم در صورت لزوم طرح مانور را عوض کنیم که در نهایت نیز به جمع بندی نرسیدیم و طرح قبلی را اجرا کردیم. ... با توجه به تغییر وضعیت دشمن خط حد آقای رشید را کمتر دیدیم و آن را تا ایستگاه ۹۰ تقلیل دادیم. فرماندهان [باقری و رشید] با حرف ما درباره انهدام نیروهای دشمن در همان شب

* آیت الله مشکینی با توجه به تعجیل نیروها چند جمله روحیه بخش گفتند و اشاره کردند که استخاره به قرآن کرده اند که آیات آخر سوره زمر آمده و خوب است.

او درباره وضعیت روحی قرارگاه در شب عملیات می‌گوید «وضعیت روحی آن زمان خیلی سخت بود و عادی نبود. مهم‌ترین دغدغه من مسئله زمان بود و بالعکس با گذشت هر دقیقه که به سختی سپری می‌شد، مرتب اطلاعات می‌گرفتم و تغییرات و تقویت‌ها را دنبال می‌کردم. اضطراب عجیبی داشتم و وضعیت قرارگاه‌ها را جویا می‌شدم. خبرها همه نگران‌کننده بود. احساس می‌کردم دشمن دارد از ما جلو می‌زند و... وقتی به طرح مانور نگاه می‌کردم بارقه‌هایی امیدبخش به قلبم می‌رسید و آرام می‌شدم ولی اخبار دشمن ناآرام می‌کرد.» (جلسه ۸۰: ۱۳۹۳/۹/۱۰)

۱۲ اردیبهشت شروع روز سوم که ما خط را کامل کردیم ادامه داشت تا اینکه لشکر امام حسین به کمک لشکرهای فتح آمدند و رخنه را پر کردند». (جلسه ۸۲: ۱۳۹۳/۱۰/۸)

«به علت مشکلات قرارگاه نصر، جلسات فرماندهی قرارگاه کربلا در این قرارگاه برگزار و روز سوم مشکلات این قرارگاه حل شد. در این جلسه برخلاف حسنی سعدی که بر تثبیت تأکید می کرد، باقری بر تداوم عملیات به سمت عرایض تأکید می کرد. هم زمان نیز شنودی به دست شهید صیادی رسید مبنی بر اینکه عراق گفته عراقی ها روی ما آتش بریزند و عقب نشینی کنند. من تذکر دادم که امکان عقب نشینی و پاتک دشمن هست نیروها به تصور عقب نشینی فریب نخورند، ما نقطه حسینی را به عنوان قلب منطقه در نظر گرفته بودیم. (جلسه ۸۱: ۱۳۹۳/۹/۱۷) گفتیم امشب [شب دوم] قرارگاه فتح، تیپ های ۸ نجف و ۱۴ امام حسین^(ع) به سمت پایین بیایند. روز دوم به علت خستگی نیروها نتوانستیم کاری کنیم، شب نیز عقبه ها را اصلاح و وضع ثابتي پیدا کردیم». (جلسه ۸۱: ۱۳۹۳/۹/۱۷)

محمد باقری، درباره وضعیت قرارگاه فتح می گوید «قرارگاه فتح از همه جا خلوت تر بود. جناح راست ما تیپ ۲۵ کربلا و سپس تیپ های ۱۴ امام حسین^(ع) و ۸ نجف و ۵۵ هوابرد و سه تیپ از لشکر ۹۲ مستقر بود. فعالیت تیم های شناسایی از حدود ۱۰ فروردین به صورت متمرکز آغاز شد. دشمن در سه چهار نقطه مقابل قرارگاه ما بین ۵۰ الی ۷۰ نفر نیرو داشت که یکی از آنها در کنار امامزاده سیدعبود بود که تقریباً ۱۰ کیلومتر با جاده فاصله داشت. ما هم بین ۱۵ تا ۲۳ کیلومتر شناسایی داشتیم. شب سوم که قرار بود عملیات از سر گرفته

که تأخیر داشت ناهماهنگی ایجاد کرده بود. تیپ ۷ ولیعصر^(ع) هم از قرارگاه نصر نتوانست به جناح راست فتح ملحق شود. احمد متوسلیان* از چند طرف زیر حمله و آتش بود. (جلسه ۸۰: ۱۳۹۳/۹/۱۰) به علت مشکل عبور تانک ها که تا ساعت ۱۰ شب هنوز عبور نکرده بودند، با اسحاق عساکره زرهی تیپ ۴۶ فجر تماس گرفتم که عجله کند. متوسلیان [به همراه رئوفی] رفته بود و تیپ ۶، لشکر ۳ عراق را تقریباً منهدم کرده بود، در حالی که سمت چپ او (تیپ ۲۲ خرمشهر و ۴۶ فجر) که باید به آن ملحق می شد هنوز نیامده بودند. این حرکت توان حمله و پاتک دشمن را گرفت. احمد ابتکاری انجام داد و محسن وزوایی را که جزو ۱۰ نفر اول تیپ بود با گروهی فرستاد تا کنار جاده سمت چپ را ترمیم کند که چون به صبح کشید، این نیروها در تیررس دشمن قرار گرفتند و به شهادت رسیدند. به قول خودش ۷۰ نفر شهید داد. تنها عامل مقاومت تیپ ۲۷ محمدرسول الله فرماندهش بود که بهترین عملکرد را داشت که دلیلش نیز شخصیت ویژه اش بود». (جلسه ۸۱: ۱۳۹۳/۹/۱۷)

«نکته مثبت این بود که هر دو لشکر از جاده عبور کرده و نیروهای دشمن (لشکر ۳ زرهی) نتوانسته بودند آرایش مناسبی جلوی ما بگیرند. این وضعیت تا شب

*. جاویدالاطر متوسلیان پس از عملیات بیت المقدس در اواخر خرداد سال ۱۳۶۱ در مأموریتی همراه هیئتی عالی رتبه دیپلماتیک از مسئولان سیاسی نظامی ایران راهی سوریه شد تا راه های مساعدت به مردم لبنان را بررسی کند. اما در ۱۴ تیر ۱۳۶۱، همراه اتومبیل هیئت نمایندگی دیپلماتیک ایران هنگام ورود توسط فالانژهای سمیر جعجع متوقف و به نیروهای اسراییلی تحویل داده و گروگان گرفته شدند.

شلمچه با مرز، برای ما مبهم بود. تا اینکه در نهایت نیروهای لشکرهای ۵ و ۶ از منطقه عقب‌نشینی کردند». (جلسه ۸۱: ۱۳۹۳/۹/۱۷)

رضایی درباره تدابیر فرماندهی در روز دوم و شب سوم می‌گوید: ما ۱۰ کیلومتر را الحاق انجام دادیم و شکاف‌ها را پر کردیم و برخی از یگان‌ها را هم آزاد کردیم. در قرارگاه نصر تصمیم گرفتیم که فتح کاملاً به سمت پایین بیاید و چون تلفاتش کم بود لشکرهای ۲۷ و ۱۴ امام حسین^(ع) را به حسن باقری بدهند تا در سمت عریض عمل کند و به سمت مرز از جاده عبور کند. به خاطر حل مسئله سمت راست ما به سمت مرز (جاده حسینیة) فتح را مأمور حفظ و تأمین این قسمت کردیم. ارتش بر این عقیده بود که لشکرهای ۵ و ۶ عراق پاتک خواهند کرد، درحالی‌که عقبه‌شان هدف تهدید واقع می‌شد. علاوه بر این، تیپ‌های ۲۱ امام رضا^(ع) و امام سجاد^(ع) (قرارگاه فجر در فکه) که عملیاتشان تمام شده بود و ارتفاعات ۱۸۲ را از دست داده بودند برای تأمین جناح راست جاده شلمچه در نظر گرفتیم. گفتیم بقایای درگیری را ادامه دهد و فقط یک تیپ را به ما بدهد. تهدید عماره هدف مهمی بود و لشکرهای ۱۰ و ۱ زرهی عراق زمین‌گیر می‌شدند. روز سوم، تیپ‌هایی از لشکر ۵ و ۶ به سمت طلائیة رفتند، عده‌ای می‌گفتند آنها می‌خواهند به ما پاتک کنند. ما ۴ تیپ را برای تأمین جناح راست جاده شلمچه آزاد کردیم. شب چهارم طرح‌مان برای ادامه عملیات به سمت مرز تقریباً آماده بود. (جلسه ۸۱: ۱۳۹۳/۹/۱۷) روز چهارم، اوج پاتک^۱ی دشمن بود که از صبح تا شب ادامه داشت. این رخنه تقریباً در کیلومترهای ۸۰ الی ۹۰ جاده اهواز خرمشهر بود و اوج فشار دشمن هم در همین نقطه بود. مشکل

شود، رحیم با نیاکی با تندی صحبت کرد و از نبود آتش توپخانه انتقاد کرد. از سمت شمال پاتکی به سمت جاده حسینیة به مرز انجام شد. شناسایی‌های قرارگاه قدس خیلی دشوارتر از شناسایی قرارگاه‌های دیگر بود. موانعی از قبیل میدان مین و آبگرفتگی‌های مقطعی و باتلاق داشت. از قرارگاه نصر هم فقط نیروهایی که از رودخانه عبور کرده بودند می‌توانستند برای شناسایی بروند. مقابل قرارگاه قدس لشکرهای ۵ و ۶ دشمن در غرب

هویزه و کنار هور تا مقابل جاده اهواز خرمشهر مستقر بودند؛ یعنی از مقابل هالوپ و فارسیات تا پادگان حمید. لشکرهای ۳ و ۱۱ مقابل دارخوین خرمشهر روبه‌روی قرارگاه نصر را پوشانده بودند. رضایی در ادامه واکنش عراق به پیشروی رزمندگان را چنین تحلیل می‌کند «دشمن با دیدن حرکت ما به سمت ایستگاه حسینیة- از ترس اینکه

مبادا عقبه لشکرهای ۵ و ۶ بسته شود- شروع به ایجاد موانع و استحکامات مرزی کرد. آنها احتمال نمی‌دادند با موانع و رده‌هایی که در شمال خرمشهر ایجاد شده بود و موانع طبیعی مانند رودخانه، جاده و... بتوانیم خرمشهر را بگیریم. پاتک^۲ی آنها نیز عمدتاً به سمت جاده آسفالت بود و با جهت‌های شمالی و شرقی برای محاصره نیروهایش تلاش می‌کرد. تداوم عملیات بعد از رسیدن قرارگاه ما به سمت حسینیة و تقاطع جاده

عراق باور نمی‌کرد تک اصلی از سمت دارخوین به سمت خرمشهر باشد. بنابراین در قرارگاه فتح و نصر ما مشکل آتش نداشتیم. مشکل رسیدن به جاده بود

ما را در شمال نداشته باشد. اصرار داشتیم کل قرارگاه آزاد نشود، چون این دو لشکر عراق نیروهای عظیمی در روبه‌روی هویزه و حمید داشتند. سرانجام ما راضی شدیم تیپ ۳۱ عاشورا به کمک قرارگاه نصر بیاید و اصل قرارگاه بماند». (جلسه ۸۲: ۱۳۹۳/۱۰/۸)

«سنگین‌ترین حمله دشمن در روز ۱۵ اردیبهشت انجام شد، تیپ‌های ۳۳ با همکاری لشکر ۹ عراق با انبوهی نیرو که در حال افزایش بودند به منطقه

دیگر ما عبور نکردن توپخانه از رودخانه و نبود دیده‌بان در این نقطه بود. آتش مؤثر سلاح‌های ما نهایتاً ۲۰۰ متر بود. با هماهنگی‌هایی که بین من و سرهنگ محمدزاده (نماینده شهید صیادی) انجام شد، آتش توپخانه تنظیم و از فشار روی نیروهای ما کاسته شد. یکی از عجایب این عملیات آسیب‌ندیدن پل‌های ما در این عملیات با وجود نزدیکی به مرزهای بین‌المللی و بمباران‌های دشمن بود». (جلسه ۸۲: ۱۳۹۳/۱۰/۸)

محسن رضایی ضمن تحلیل اتفاق‌های مهمی که در روز ۱۳ و ۱۴ اردیبهشت در جامعه جهانی رخ داد و فضای سیاسی داخل کشور را ملتهب کرده بود چنین اشاره می‌کند «در آن روزها اتفاقاتی در داخل و اوضاع جهانی رخ داد: یکی سقوط هواپیمای محمدبن یحیی، وزیر خارجه الجزایر توسط جنگنده‌های عراقی در حوالی ارومیه بود که بر اثر آن ۱۶ نفر کشته شدند. دوم، دستگیر و کشته‌شدن تعدادی از کادرهای مرکزی منافقین بود که از جمله عملیات‌های بسیار موفق ما و کار بزرگی بود و حادثه سوم، مواضع سوریه و مصر بود. مصر به‌سمت عراق متمایل شد و سوریه به‌سمت ایران آمد و خط لوله بنیاس را بست. این کار باعث شد صدام علیه حافظ اسد سخنرانی کند (جلسه ۸۲). هم‌زمان نیز خبر بدی به ما داده شد؛ اینکه هلیکوپتر ۲۱۴ ما که رفته بود جنازه وزیر خارجه الجزایر را پیدا کند به ترکیه پناهنده شده است. البته ما نگذاشتیم این خبر در میان رزمندگان پخش شود. مسئله دیگر نیز روشن‌نبودن وضعیت قرارگاه قدس بود که از زحماتش نتیجه نمی‌گرفت. به پیشنهاد غلامپور قرار شد تیپ بیت‌المقدس در کیلومتر ۲۰ جاده وارد عمل شود. ما اصرار داشتیم قرارگاه قدس، تیپ‌های ۵ و ۶ عراق را مشغول نگه دارد تا فرصت اذیت نیروهای

به‌علت مشکلات قرارگاه نصر، جلسات فرماندهی قرارگاه کربلا در این قرارگاه برگزار و روز سوم مشکلات این قرارگاه حل شد. در این جلسه برخلاف حسنی سعدی که بر تثبیت تأکید می‌کرد، باقری بر تداوم عملیات به‌سمت عرایض تأکید می‌کرد

آمد و حمله کرد. روز ۱۶ اردیبهشت نیروهای ما [قرارگاه‌های فتح و نصر] آماده انجام عملیات شدند. در این روز ما پاتکی از عراق نداشتیم. برخی نیروهای ما تعویض و توپخانه نیز به غرب رودخانه منتقل شده بود.

رضایی درباره تصمیم‌گیری برای ادامه عملیات می‌گوید «نگرانی ما از تصمیم‌گیری بود. مشکل این بود که با عبور از جاده

اهواز خرمشهر، یا باید به‌سمت مرز می‌رفتیم یا خرمشهر یا شمال. در هر صورت آسیب‌پذیر بودیم و عراق احتمال داشت از مرز عبور کند و به جاده برسد. مباحث زیادی مطرح شد. در نهایت تصمیم گرفتیم به مرز برویم. این تصمیم من بود خوشبختانه کسی مخالفت نکرد. مشکل این بود که قرارگاه فتح باید از امتداد جاده حسینی به‌صورت مورب به‌سمت مرز می‌رفت و از سمت راست پدافند می‌کرد. نگرانی ما از ۵ کیلومتری غرب جاده

اهواز خرمشهر بود. برخی از فرماندهان ارتش و سپاه از جمله آقای معین وزیری، محمدزاده، موسوی قویدل و رشید نظرهای متفاوت و نگرانی‌هایی داشتند. پیچیدگی صحنه نبرد و اشکال‌های طرح مانور سبب اختلاف نظر می‌شد. شب ۱۵ اردیبهشت هم‌زمان کار بسیار خوبی در فکده انجام شد و قرارگاه قدس هم حمله‌ای انجام داد که مجموعه خوبی را تشکیل داد». (جلسه ۸۲: ۱۳۹۳/۱۰/۸)

ب۔ مرحلہ دوم عملیات

فرمانده سپاه پاسداران، مرحله دوم عملیات و اقدامات انجام‌شده را چنین شرح می‌دهد: «بعد از ۷ شبانه‌روز از آغاز عملیات، مرحله دوم را شروع کردیم. نیروها با یک ساعت یا دو ساعت تأخیر به خط زدند. اولین یگان ما (مرتضی قربانی) ساعت ۲۲:۳۰ به خط زد[آخرین یگان هم احمد کاظمی بود] و عملیات شروع شد. از نظر انهدام دشمن، انهدام وسیعی انجام گرفت. ما با عبور از جاده از سه‌طرف با دشمن درگیر می‌شدیم. وقتی حمله شروع شد، تقریباً ساعت ۱۲ و ۱ بمداد شنود گفت اینها تسلیم می‌شوند و فرمانده تیپ ۳ دستور عقب‌نشینی داده است. شاید دلیل این عقب‌نشینی، دلهره و اضطراب عراقی‌ها از این بود که ما احتمالاً به سمت بصره پیش می‌رفتیم. شنود ما مرتب گزارش می‌داد که عراقی‌ها فکر می‌کنند محاصره شده‌اند. روحیه رزمندگان به سبب خوشحالی مردم بسیار عجیب و وصف‌ناپذیر بود. نیروهای ما ساعت ۶ و ۷ صبح تقریباً به مرز رسیدند. بعداً مشخص شد که ما به دژ عراق چسبیده‌ایم. (جلسه ۸۲: ۱۰/۸/۱۳۹۳)

شب ۱۶ اردیبهشت وقتی تیپ‌های ۸ نجف و ۱۴ امام حسین^(ع) روی جاده حسینیّه رفتند و شکافی ایجاد شد

گردانش محاصره شد و ساعت ۳ و ۴ زخمی شد ولی عقب‌نشینی نکرد. شدت آتش هلیکوپتر لشکر ۳ دشمن به شدت زیاد بود. فاصله عراقی‌ها با تیپ حضرت رسول^(ع) ۱۰ کیلومتر بیشتر نبود. بنابراین، سعی کردند هرطور شده این تیپ را عقب بزنند حتی اگر خرمشهر از دست برود. با فرارسیدن شب، غباری منطقه را گرفت و ما تا حدودی توانستیم از مشکلات بکاهیم. ساعت ۲۱ بامداد یک فرمانده تیپ عراقی را اسیر کردیم و اطلاعات بسیار خوبی از او گرفتیم که به ما کمک زیادی کرد.» (جلسه ۸۳: ۱۵/۱۰/۱۳۹۳)

رضایی نگرانی خود را از کُندی کار و درگیری‌ها چنین شرح می‌دهد «ساعت ۹ و ۱۰ با دفتر امام تماس گرفتم و با آقای محمدعلی انصاری صحبت کردم و گفتم خدمت امام بفرمایید حدود ۱۳ کیلومتر پیشروی کردیم، بگویید برای ما دعا کنند. بعد از ظهر آقای موسوی اردبیلی و سپس میرحسین موسوی تماس گرفتند و از اوضاع جبهه و وضعیت اسرا و مهمات پرسیدند. شب هفدهم، جبهه جنوبی قرارگاه نصر از جاده اهواز خرمشهر با جهت شرقی غربی تا شمال شلمچه را با کمک تیپ عاشورا و تیپ خرمشهر تقویت کردیم. صبح روز هجدهم دشمن شروع به عقب‌نشینی کرد. آقای غلامپور تماس گرفت که ما به ایستگاه حمید نزدیک شدیم، با این خبر خیال ما از سمت شمال راحت شد. روز هجدهم، پشت دژ مرزی عراق، قرارگاه قدس به قرارگاه فتح به هم وصل شد. قرارگاه نصر به علت آسیب دیدگی سه یا چهار روز طول کشید تا آماده شود. در همین زمان [دشمن] در کوشک و طلائیه جلوی لشکرهای ما خاکریز زد. پاتک^۹ی دشمن در این روز آغاز شد. این پاتک‌ها به ما اجازه بازسازی نمی‌داد. به علت تعداد زیاد شهدا و مجروحان تیپ‌های

که به دویرج عقب‌نشینی کرده بود. در این محاصره فکّه به دست قرارگاه فجر افتاد و ۷۰۰ نفر از دشمن نیز اسیر شدند. حادثه بعدی عقب‌نشینی لشکرهای ۵ و ۶ از روبه‌روی اهواز بود، که از روز ۱۷ اردیبهشت شروع شده بود. چون ما نیروی عملیاتی قوی مانند تیپ‌های نجف و امام حسین نداشتیم، بدون فشار و با دادن تلفات حداقلی عقب نشستند و گرنه این لشکرها منهدم می‌شدند. لشکر ۱۶ زرهی قزوین خیلی ضعیف عمل کرد. در صورت انهدام زرهی و تانک‌های این دو لشکر کار جنگ خیلی پیش می‌رفت، چون در این دو لشکر، عوامل اصلی عدم‌الفتح عملیات رمضان حضور داشتند.» (جلسه ۸۲: ۸/۱۰/۱۳۹۳)

«مسئله‌ای که برای ما پیش آمد این بود که نمی‌دانستیم عراق در حال فرار است و عقب‌نشینی می‌کند یا می‌خواهد مقاومت کند و این فقط یک فریب است. با اطلاعاتی که اسحاقی به ما داد به فرماندهان (ارتش و سپاه) گفتم: دشمن در حال عقب‌نشینی به سمت دژ مرزی ایران و عراق است که پشت آن آرایش بگیرد و مقاومت کند. بنابراین، تا ساعت ۸ و ۹ دغدغه ما وضعیت نیروها و [موقعیت‌شان نسبت به] دژ بود. تلاش کردیم خاکریز دوجداره‌ای در کنار ایستگاه حسینیّه احداث شود. نگرانی سوم ما قرارگاه نصر بود که پدافند جنوبی منطقه به سمت خرمشهر و شلمچه را که عقبه نیروهای موجود عراق بود برعهده داشت. روز هفدهم، سخت‌ترین روز جنگ بود و درگیری‌ها از ظهر شروع شد. دشمن یک تیپ با جهت جنوب به شمال از نهر عرایض و یک تیپ از شلمچه در امتداد خط مرزی راه انداخت و به خط زدند و تیپ حضرت رسول^(ع) دوباره تحت بیشترین فشار قرار گرفت، یک

۲۷ و ۷ ولیعصر^(ع)، پایین آمدن قرارگاه فجر از منطقه فتح‌المبین و شناسایی‌ها و آشنایی آنها با منطقه زمان بُرد. دشمن نیز پس از آنکه با عقب‌نشینی لشکرهای ۵ و ۶ مطمئن شد عقبه‌اش بسته نمی‌شود، با آوردن نیروهایش پشت دژ مرزی، تقویت کانال ماهی و ایجاد موانع در مقابل بصره، بر حمله مجدد به خرمشهر تمرکز کرد.» (جلسه ۸۳: ۱۳۹۳/۱۰/۱۵)

ج- مرحله سوم عملیات

مرحله سوم عملیات بیت‌المقدس در ساعات پایانی ۱۹ اردیبهشت آغاز شد و تا ۳ بعداز ظهر ادامه یافت. طی این زمان ۱۳ کیلومتر پیشروی انجام گرفت. سردار رضایی در توضیح زمین منطقه این مرحله از عملیات می‌گوید «زمین مربوط به مراحل سوم و چهارم کاملاً متفاوت بود. از کانال عریض که یک کانال آبی بود به سمت پایین (جاده خرمشهر) زمین عوض شد و چون شناخت درستی از آن نداشتیم، برای حل این مشکل جلسات متعددی برگزار کردیم. مراحل سوم و چهارم مراحل آزادسازی خرمشهر بود. برای قرارگاه‌ها از تقاطع جاده با ایستگاه حسینی تا مرز شلمچه و به سمت پایین طرح قرار دادیم و با اعلان اینکه عقب‌نشینی لشکرهای ۵ و ۶ طبق طرح قبلی صدام بوده حالت خوشبینی نیروهای خودی که احتمالاً بقیه نیروها هم عقب خواهند نشست، از بین بردیم.» (جلسه ۸۵: ۱۳۹۳/۱۱/۱۳)

سردار رضایی ضمن اشاره به حضور شهید صیادی در جلسه شورای عالی دفاع و بحث دربارهٔ ورود به خاک عراق چنین تحلیل می‌کند «بعداز ظهر با احمدآقا صحبت کردم و موضوع شرکت صیادی در جلسه شورای عالی دفاع و مسئله ورود به خاک عراق را مطرح کردم که نظر شما چیست؟ ایشان هم گفتند که نظر امام مثبت است و تا هر جا صلاح دانستید در این قضیه ورود

سردار اسحاقی دربارهٔ وضعیت شنود در این عملیات می‌گوید «هنوز فتح‌المبین تمام نشده بود که آقامحسن گفتند شما بروید قسمت آقای غلامپور و پادگان حمید (دارخوین) آمادگی بگیرید و از مقدورات جنگ الکترونیک ستاد مشترک ارتش استفاده کنید. ما قبلاً در ارتفاعات سایت‌های جمع‌آوری اطلاعات الکترونیک داشتیم. با افزایش توان فنی و امکانات (لانه جاسوسی و سپاه) شروع به کار کردیم. ما هم روی شنود و هم روی ضد شنود کار کردیم. برای هر لشکر عراق یک کارشناس اختصاص دادیم که تمام تحرکات و جابه‌جایی‌های آن لشکر را پیگیری کند. ما اطلاعات دشمن دربارهٔ خودمان را می‌گرفتیم و می‌دادیم به قرارگاه‌های خودمان. در آغاز مرحله دوم عملیات (شب هجدهم) متوجه شدیم که فرمانده یکی از لشکرها به سپاه سوم گزارش کرده بود که ایرانی‌ها مانند سیل به سمت بصره تنومه و در نهایت بغداد در حرکت هستند. شایعه آنقدر کارساز بود که آنها از رودخانه عقب‌نشینی کردند. صدام همان‌روز برای خنثی کردن این شایعه به خرمشهر آمد و در شهرک ولیعصر^(ع) مصاحبه کرد. عراق ضمن مین‌گذاری و اتصال خانه‌ها با تونل به همدیگر قصد داشت، در صورت هجوم کل منطقه به‌ویژه منطقه لشکرهای ۱۱ و ۹ و ۷ (از خرمشهر تا تات پل نو) را شیمیایی کند. آن طرف

رضایی درباره مشکلات موجود در مسیر آزادسازی خرمشهر می‌گوید «با آغاز مرحله دوم، تیپ ۲۲ خرمشهر و تیپ ۴۶ فجر را گفتیم بروند پایین به سمت خرمشهر که متوجه شدیم با دو تیپ نمی‌توانیم کاری از پیش ببریم. اصرار ما به مرتضی قربانی این بود که از نیرویی که مقابل ایستگاه حسینی از عراق هست، انهدام بگیرد. نیروهای نصر ۲ (متوسلیان) به اشتباه دژ ایران را به جای دژ مرزی عراق گرفته بودند [بین این دو دژ ۲۵ کیلومتر فاصله بود] و عراق از این موضوع بهره برد و برای مزاحمت ایجاد کرد. روز ۱۸ اردیبهشت که من با احمد کاظمی صحبت کردم به او گفتم به سمت جنوب خاکریز بزنند. احمد کاظمی توانست ۳۰۰ الی ۴۰۰ متر خاکریز بزند و با انهدام ۱۰ تا ۱۵ تانک ارتش عراق از شدت پاتک دشمن بکاهد. قبل از شروع مرحله سوم، در روز ۱۹ اردیبهشت نگرانی ما وضعیت قرارگاه نصر بود. از عوارض طبیعی و مصنوعی منطقه (مثل کانال ماهی) اطلاعات ناقصی داشتیم. با شروع مرحله سوم نیروهای مرتضی قربانی و سرهنگ عبادت را که حدود ۲۰ گردان نیرو داشت و خیلی هم هدف پاتک قرار نگرفته بود به سمت شلمچه بردیم و نیروهای شهید خادم الشریعه و چراغچی را به جای قبلی آنها برگرداندیم». (جلسه ۸۴: ۱۳۹۳/۱۱/۶)

رضایی، طولانی‌شدن مرحله سوم و چهارم عملیات را چنین استدلال می‌کند «دلایل زیادی وجود داشت؛ نخست، آشنابودن با زمین (از پل نو به سمت مرز) که ورود ما به شلمچه و اروند را در مرحله سوم دچار مشکل کرد. تصور ما ساده بود، یعنی تدبیر مادر گذاشتن مرتضی قربانی و سرهنگ عبادت برای حرکت به سمت اروند و گرفتن شهر خین از اشراف‌داشتن ما به موضوع حکایت

کنید. هدف آقایان این بود که از بُعد تاکتیکی ما در اثنای عملیات و قبل از آزادسازی خرمشهر وارد شویم [و بصره را بگیریم]. بنابراین، تصمیم گرفتیم با توجه به عقب‌نشینی لشکرهای ۵ و ۶ عراق، سریع‌تر به سمت مرز حرکت کنیم تا مواضع مرزی را بگیریم و مانع رسیدن عراق به دژهای مرزی شویم. همچنین با توجه به عقب‌نشینی بدون تلفات این دو لشکر، می‌خواستیم از لشکرهای ۱۱ و ۳ عراق انهدام و تلفات بگیریم.

سردار رشید نیز وضعیت زمین مقابل قرارگاهش را چنین شرح می‌دهد «منطقه ما چون عوارض طبیعی نداشت، مختصات جغرافیایی را به عنوان نقاط عزیمت در نظر گرفتیم. بنابراین، نیروهای ما به حسینی (ایستگاه ۸۰) رفته بودند. یگان‌های تحت امر ما تقریباً ۳۰ کیلومتر (از کیلومتر ۶۰ و ۹۵) را پوشش می‌دادند. دشمن تلاش می‌کرد از جناح جنوب ما (ایستگاه گرم‌دشت) و رخنه‌ای که در جاده ایجاد کرده بود وارد شود. اطلاعات شناسایی‌ها و عکس‌های هوایی حکایت از آن می‌کرد عراق نیرویی در حدود ۲ لشکر (۷ تیپ) نیرو وارد منطقه کرده بود، بنابراین انهدام نیرو در دستور کار قرار گرفت. از یگان‌های ما حسین خرازی و مرتضی قربانی هر کدام ۲ کیلومتر خط داشتند، ولی احمد کاظمی ۱۳ کیلومتر از حسینی خط گرفته بود و از این موضوع ناراحت بود و گله می‌کرد. تیپ‌های زرهی ارتش دنبال پشتیبان بودند. ارتش هم آتش کمی روی منطقه داشت و این امر باعث شد من با آقای نیاکی تندی کنم. نیرویی که در اینجا گذاشته بود، ۹ گردان (معادل یک لشکر) و به گفته اسرا به العمود معروف بودند. در روزهای ۱۳ و ۱۵ اردیبهشت ۳ بار (در هر روز) به ما پاتک شد که دفع شدند». (جلسه ۸۴: ۱۳۹۳/۱۱/۶)

می کرد. دوم، فشردگی دشمن در منطقه شلمچه بود. سوم، کانال ها و عوارض طبیعی از روی نقشه مشخص نبودند و شناخت درستی از منطقه و زمین نداشتیم. چهارم، روشن نبودن میادین مین در مرحله سوم بود. دشمن مستقل از مناطق روبه روی اهواز و هویزه برای نگهداری خرمشهر موانع، استحکامات و آرایش خاصی گرفته بود. در شمال خرمشهر از موانع، سیل بند و مواضع پدافندی محکم برای جلوگیری از سقوط خرمشهر استفاده کرده بود. از ۱۹ اردیبهشت بر اساس اطلاعاتی که از اسرای عراقی گرفتیم متوجه شدیم عراق قصد دارد به حسینیة کوشک و طلائیه حمله گسترده ای کند. بین من و رحیم و رشید و صیادی به دلیل نگرانی از حمله احتمالی دشمن بحث هایی در گرفت. تحلیل من از عقب نشینی لشکر ۵ و ۶ دشمن این بود که دشمن دچار اشتباه شده و ممکن است بخواهد اشتباهش را جبران کند. وقتی معلوم شد عملیات جدید برای آزاد کردن خرمشهر است، آماده سازی و تجدید سازمان نیروهای ما مشکل ایجاد می کرد. آنها از مشکلات زیادی مانند بهداری، آتش، بی سیم، پراکندگی نیروها و قرارگاه ها و... رنج می بردند. (جلسه ۸۴: ۱۳۹۳/۱۱/۶)

در مرحله سوم، روز ۲۴ اردیبهشت دشمن به پاسگاه شهابی در شمال طلائیه به نیروهای شهید علی هاشمی و تیپ ۳ لشکر ۱۶ قزوین حمله کرد و ما ترسیدیم به سمت پادگان حمید نیاید.

احمد غلامپور نیز با بیان اینکه عراق پاتک منسجم و همه جانبه ای علیه ما نداشت، درباره مشکلات قرارگاه قدس می گوید «ایجاد خاکریز ابرویی در کوشک و درگیری دشمن با قاسم سلیمانی که فشار زیادی را از لشکر ۵ زرهی عراق تحمل می کرد، از مشکلات دیگر ما بود».

محسن رضایی مرحله سوم عملیات را چنین بیان می کند «در ساعت مقرر همه واحدها به خط زدند. اولین واحدها لشکر ۱۴ و لشکر ۸ بودند که وارد عمل شدند. قرار بود فتح ۱ و فتح ۳ از مرز عبور کنند و ضمن انهدام سنگین نیروهای عراقی به پشت مرز برگردند. نصر ۲ (متوسلیان) و نصر ۳ به مرز رسیدند و دشمن را منهدم کردند و به پشت دژ مرزی برگشتند، ولی نصر ۷ (مرتضی قربانی) به علت آشنایی کمتر با منطقه با میدان مین مواجه شد و نیروهای زیادی از یگانش منهدم شد و خط را از دست داد. احمد هم دیر به خط زد و بین او و شریعتی شکافی ایجاد شد که شب بعد آن را پر کردند. نصر ۵ و نصر ۶ به علت تراکم نیروی دشمن نتوانستند جلو بروند. تیپ ۶ زرهی عراق پاتک کرد و شکاف بین شریعتی و متوسلیان را بیشتر کرد. عملیات تا ظهر ۲۱ اردیبهشت ادامه داشت و ما توانستیم در این عملیات ۱۳ کیلومتر را از مرز تأمین کنیم و با ۵ کیلومتر قبلی ۱۸ کیلومتر را از مرز در اختیار بگیریم. در پایان این مرحله توان نیروهای خودی تحلیل رفته بود و نیروهای دشمن فشرده و انبوه در منطقه آمده بودند. نتیجه مرحله سوم، تأمین جاده خرمشهر شلمچه و محاصره دشمن در خرمشهر بود».

رضایی مشکلات این مرحله را چنین بیان کرد «ما مشکل کادر و سازماندهی نیرو داشتیم، اکثر یگان های ما با وجود اینکه تیپ بودند، دو گردان بیشتر نمی توانستند پای کار بیاورند. با باز شدن جاده شلمچه در روز ۱۹ اردیبهشت مشکلات تدارکات و پشتیبانی ما بروز کرد. مسئله دیگر طرح بحث هایی مبنی بر حمله مجدد دشمن در محورهای خط لشکر ۵ و ۶ بود که عقب رفته بودند. نظر شهید صیادی در روز ۲۱ اردیبهشت این بود که خرمشهر را رها کنیم چون در هر صورت عراق از

مرحله چهارم عملیات

سردار محسن رضایی فرمانده وقت سپاه پاسداران در دوران جنگ درباره اقدامات لازم در زمینه آمادگی توپخانه برای مرحله چهارم عملیات می‌گوید «روز ۲۶ اردیبهشت که روز شروع مرحله چهارم بود، حسن تهرانی‌مقدم را خواستم و از وضعیت آتشبارها و توپها پرسیدم و دو نکته گفتم؛ یکی تأکید بر جدیت در امر دیدبانی و کنترل دشمن، [نکته دیگر] اینکه مدیریت آتش ارتش با ما باشد. در همین روز با سردار رشید و شهید باقری نشستیم و یک طرح مانور طراحی کردیم که بر اساس آن قرارگاه نصر سمت چپ جاده اهواز خرمشهر را پاک‌سازی کند. او سپس درباره وضعیت آمادگی قرارگاه‌ها در روز ۲۷ اردیبهشت در اولین جلسه نیکی گزارش داد که تیپ‌های ۱۷ و خرمشهر به او ملحق شده‌اند و رشید نیز گزارش داد که تیپ‌های ۱۴ و ۸ که پس از مرحله سوم در کوت‌سواری مانده بودند، آمده‌اند. آمادگی خوبی داریم و شناسایی‌هایی هم انجام دادیم ولی مشکلات و ابهاماتی مانند عبور از خین هست. حسن باقری هم درباره وضعیت خود گفت یک خاکریز در منطقه دارد و در شلمچه به یک میدان مین ۵۰۰ متری برخورد کرده است. به صیادی هم گفتیم همین خط‌ها را ادامه دهند». (جلسه ۸۶: ۱۳۹۳/۱۱/۲۷)

رضایی درباره پیشنهادهای فرماندهان در روز ۲۸ اردیبهشت می‌گوید «سه پیشنهاد داده شد، یکی پیشنهاد رشید که از غرب مرز در داخل خاک عراق از شمال به جنوب عمل کنیم که شهید باقری با آن مخالف بود. پیشنهاد دوم، پیشنهاد حسن باقری بود که می‌گفت در محور عریض باید عمل کنیم که حسنی

خرمشهر عقب خواهد نشست- و مستقیم برویم سمت بصره. ایشان معتقد بودند قرارگاه قدس را باریک‌تر و فتح را آزاد کنیم و ببریم سمت بصره و نشو! شاید این نظر پیامد مداخلات سیاسیون و از جمله آقای هاشمی در جلسه شورای عالی دفاع بود، که هدفشان حمله به بصره و تنومه بود. این مداخلات بعد از آزادی خرمشهر موجب شد شکاف‌ها و اختلاف دیدگاه‌های ما در عملیات‌های بعدی افزایش یابد. صیادی، از نظر نظامی هم روشن نمی‌کرد که قرارگاه فتح در صورت آزاد شدن تا کجا باید برود؟ در بحث مشخص شد که باید تا ۴۰ کیلومتر پیش برود، اما چون من با کل بحث مشکل داشتم مانع ادامه بحث شدم. مباحث صیادی بعضی از فرماندهان سپاه مثل قاسم و حسین خرازی را تحت تأثیر قرار داد و آنها برای انهدام نیروهای عراق پیشقدم شدند. رشید نیز با او مخالفت کرد. این مباحث در روزهای ۲۱ و ۲۲ اردیبهشت ادامه داشت و روز ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ دشمن حمله کرد. صیادی بعد از این حمله به پاسگاه شهابی و طلائی‌ه رفت. تیپ ۱۶ زرهی (لطفی) و تیپ نور(علی هاشمی) در پیچ کوشک مستقر بودند و عراقی‌ها حمله کردند و ده کیلومتر جلو آمدند و از ما انهدامی و اسیر گرفتند. من گفتم مشکل ما روبه‌روی کوشک تا روبه‌روی پادگان حمید است که باید نگهداریم. صیادی می‌خواست به‌علت قصور فرمانده لشکر ۱۶ جای خود را با لشکر ۹۲ عوض کند که من برای اولین بار (با توجه به زمین منطقه که خالی از عوارض بود و میدان مین و معبر و... نداشت) به او گفتم به آنها بگو باید عملیات کنند. او ناراحت شد و گفت لشکر ۹۲ درحال بازسازی است و نیروی پیاده ندارد و فقط به درد پدافند می‌خورد». (جلسه ۸۵: ۱۳۹۳/۱۱/۱۳)

کردیم. رشید را بین عرایض تا خرمشهر گذاشتیم تا وارد شهر شود. شهید باقری (قرارگاه نصر) از سمت راست بقایای به سمت شلمچه و قرارگاه فجر بین فتح و نصر عمل کند. بعضی فرماندهان مثل حسین خرازی و احمد متوسلیان و احمد کاظمی و آقای قویدل از ارتش معترض طرح مانور شدند، ما محکم ایستادیم و دوستان را دنبال آماده کردن برای عملیات فرستادیم. آنها نیز روزهای ۳۱ اردیبهشت و اول خرداد پای کار آمده بودند. روز سی‌ام اردیبهشت ۵-۶ پاتک به لشکر ۲۱ امام رضا^(ع) در شمال ایستگاه حسینیّه شده بود که همگی دفع شدند. روز اول خرداد جلسه گذاشتیم که در صورت طولانی شدن عملیات [چه باید کرد؟]، دو پیشنهاد مطرح کردند: یکی اینکه حسین یا احمد! از سمت طلائیّه (محور علی هاشمی) حمله کنند و اسیر بگیرند تا از زیر فشار مردم خارج شویم». (جلسه ۸۶: ۱۳۹۳/۱۱/۲۷)

از نظر رضایی چندین عامل باعث به طول انجامیدن عملیات شد: «نخست، پیچیدگی عملیات و مواضع بود، مانند شهر خین و میدان مین نرسیده به شلمچه و مناطق باتلاقی منطقه و... که نیازمند شناسایی گسترده و دقیق بود؛ دوم، نرسیدن تجهیزات مهندسی به سپاه از سوی دانیالی، معاون تشریفات نخست‌وزیر و ارائه آنها به ارتش بود و سوم، طرح مانور و تعیین تلاش اصلی بود که ورود اطلاعات جدید از وضعیت دشمن مستلزم تغییر آن بود. پیچیدگی مانور مربوط به پیوستگی دشمن و ایجاد عقبه دوم برای خود و زدن پل روی خین و اروند و کمبود توان خودی». (جلسه ۸۶: ۱۳۹۳/۱۱/۲۷)

«روز دوم خرداد آماده عملیات شدیم و شب رمز را اعلام کردیم. عملیات از ساعت ۲۲:۰۰ الی ۲۳:۰۰ شروع شد. احمد کاظمی، اولین نیرویی بود که وارد شهر شد.

سعدی و صیادی با او موافق بودند ولی در جزئیات با هم اختلاف داشتند. و پیشنهاد سوم، پیشنهاد سرهنگ محمدزاده بود که ما در خرمشهر تک فریب انجام دهیم و در جایی دیگر تلاش اصلی انجام دهیم، که بقایای مخالف بود، چون نظرش روی شهر بود.

سردار رضایی با اشاره به نزدیکی دیدگاه‌های ارتش و سپاه در این مرحله، استدلال ارتش را درباره اینکه «اینجا منطقه تنگ است و این همه نیرو را نمی‌شود به

منطقه برد» موجب مشارکت کمتر آنها از حیث نیرو دانست. او می‌گوید «در ادامه از ساعت ۲۳:۰۰ الی ۰۲:۳۰ بامداد ۲۹ اردیبهشت جلسه گذاشتیم. هدفم این نبود که درباره مانور بحث کنیم. هنوز بحث آزادسازی مطرح نشده است و من گفتم «هر تیپ حداقل باید ۵۰۰ نفر پاسدار داشته باشد که با مناطق خودشان در ارتباط باشند. دست و دل فرماندهان می‌لرزد و قاطعیت فرماندهی از آنها سلب شده است. ما

نباید تلفات بدهیم. تحلیل‌مان باید بر اساس واقعیت و منطقی باشد. توجیه و تشریح کل جنگ جزو وظایف فرماندهان است و نباید فقط به فکر لجستیک باشند. نکته دیگر رعایت امر تابعیت‌پذیری است».

او درباره طرح مانور نهایی مرحله چهارم عملیات می‌گوید «روز ۲۹ اردیبهشت کل طرح مانور را عوض

از ۱۹ اردیبهشت بر اساس اطلاعاتی که از اسرای عراقی گرفتیم متوجه شدیم عراق قصد دارد به حسینیّه کوشک و طلائیّه حمله گسترده‌ای کند. بین من و رحیم و رشید و صیادی به دلیل نگرانی از حمله احتمالی دشمن بحث‌هایی در گرفت. تحلیل من از عقب‌نشینی لشکر ۵ و ۶ دشمن این بود که دشمن دچار اشتباه شده و ممکن است بخواهد اشتباهش را جبران کند

جنوب سوسنگرد را تا اروند آزاد کردیم؛

- سنگین ترین شکست نظامی را عراق از ما متحمل شد؛

- بخش زیادی از مرزهای ایران آزاد شد و رزمندگان به مرز بین المللی رسیدند؛

- انهدام نیروها تیپ های سازمانی عراق در سطح وسیع مانند لشکر ۳ و لشکر ۱۱ که از همه یگان های بیش تر آسیب دیدند. در مجموع، ۲۱۰۰۰ نفر اسیر گرفتیم

و از اطلاعات آنها به خوبی استفاده کردیم؛

- شهرها و نقاط مهم مانند خرمشهر، آبادان، [شلمچه، جفیر، طلائی] و پادگان حمید و ... آزاد کردیم؛ (جلسه ۸۷: ۱۳۹۳/۱۲/۱۱)

- واحدهای مخابرات و شنود، بهداری، زرهی و ادوات و توپخانه در این عملیات متولد شد و رشد کرد؛

- از نکات مهم عملیات انجام سپاه بود از سازمان

رزم، سلسله مراتب، ارتباط مناطق با تیپ ها و ... که به عنوان یک نیروی نظامی مهم قد علم کرد؛

- یکی از دستاوردهای این عملیات ارتقا و انجام سازماندهی و سلسله مراتب در میان فرماندهان بود که نتیجه نفوذ معنوی، نفوذ کلمه و شخصیت خود فرمانده بود. جنس سلسله مراتب سپاه از نوع مادی و براساس پست و مقام نبود، بلکه براساس نفوذ اعتقادی بود. رابطه معنوی حلقه اتحاد بین رزمندگان و فرماندهان

احمد متوسلیان هم وارد شهر شد اما حسین خرازی به مشکل برخورد. نزدیکی های صبحف شنود اطلاع داد که دشمن پاتک خود را از پل خین آغاز کرد که خیلی مشکل ساز نشد. از نیروهای مابشریتی هم خوب پیش رفته بود. حدود ظهر به احمد آقا اعلام کردم که شهر آزاد شد.

«بعد از پایان عملیات با برادر صیادی جلسه گذاشتیم که در صورت سفر به تهران و شرکت در جلسه شورای عالی دفاع چگونه صحبت کنیم و تأخیر عملیات را توجیه کنیم (چون بعضی شخصیت های سیاسی از فرماندهان نظامی بدگویی کرده بودند). بعد از عملیات با امام دیدار کردیم که خیلی خوشحال بود. نقشه و کالک را بردیم و برایشان توضیح دادیم. مشکلات را توضیح دادیم. من گفتم اسیر (نزدیک به ۱۹۰۰۰ نفر) و غنائم زیادی گرفتیم که ایشان دعا کردند. آقای ظهیرنژاد هم چند سؤال پرسید که چرا از سمت طلائی نرفتید؟ گفتیم طرح ما عبور از کارون و سپس اروند بود که آن را نیز توضیح دادیم». (جلسه ۸۶: ۱۳۹۳/۱۱/۲۷)

نتایج و دستاوردهای عملیات

در این عملیات، علاوه بر شهادت برخی از کادرهای عملیاتی بسیار خوب- برای مثال از فرماندهان یگان ها احمد شهبازی، محسن وزوایی، شهید نوری که جزو شهدای لشکر ۲۷ بودند- در مجموع نزدیک ۶۰۰۰ نفر از نیروهای ما کشته شد. (جلسه ۸۶: ۱۳۹۳/۱۱/۲۷)

فتح خرمشهر دستاوردهای زیادی برای ما داشت که از جنبه های مختلف (نظامی سیاسی اقتصادی، تاریخی و...) در خور بررسی است.

از جنبه نظامی:

- ما بخش بزرگی (بیش از ۵ هزار کیلومتر مربع) از

در پایان این مرحله توان نیروهای خودی تحلیل رفته بود و نیروهای دشمن فشرده و انبوه در منطقه آمده بودند. نتیجه مرحله سوم، تأمین جاده خرمشهر شلمچه و محاصره دشمن در خرمشهر بود



ملزومات یک روایت‌گری جامع در یادمان عملیات فتح‌المبین

تهیه و تنظیم: اکبر رستمی*



در این نوشتار برآنیم که ملزومات و شاخص‌های یک روایت مطلوب را در یادمان فتح‌المبین که یکی از یادمان‌های اصلی مناطق عملیاتی است استخراج و سپس روایت یکی از راویان باسابقه و قدیمی این یادمان را با در نظر داشتن این ملزومات بررسی کنیم تا روایتی جامع و کامل از این یادمان برای راویان استخراج شود و در اختیار آنها قرار گیرد. در این نوشتار از متن پیاده‌شده روایت آقای علی ظهیری - که در مورخ ۹۶/۱۲/۲۸ در یادمان فتح‌المبین ضبط شده است- از راویان باسابقه و فرمانده سابق سپاه شوش که از رزمندگان بومی منطقه در عملیات فتح‌المبین بوده، استفاده شده است.	چکیده	

معرفی جغرافیای منطقه عملیاتی

(شیب) و از شرق به مرز بین‌المللی (در شمال و جنوب فکه) منتهی می‌شود. این منطقه با ۲۵۰۰ کیلومتر مربع وسعت، از نظر جغرافیایی ناهموار است و علاوه بر ارتفاعات یادشده، تپه‌های ماهر بسیار و گاهی عبورناپذیری دارد. این بلندی‌ها به‌علت پستی زمین در شرق کرخه، به شهرهای شوش، هفت‌تپه و جاده اهواز- اندیمشک کاملاً مشرف هستند. ارتفاعات ابوصلیبی خات با ۲۰۲ و ۱۸۹ متر، کوه‌های برغازه، رقابیه،

اولین موضوع که اکثر کارشناسان و راویان در روایت‌گری راهیان نور درباره آن اجماع نظر دارند، معرفی جغرافیای منطقه به مخاطبان برای شناخت کامل از آنجا است. منطقه عمومی فتح‌المبین در غرب رودخانه کرخه واقع شده است که از شمال به ارتفاعات صعب‌العبور تی‌شکن، دالپری، چاه نفت و تپه سپتون؛ از جنوب به ارتفاعات میشداغ، تپه‌های رملی و چزابه

* . پژوهشگر و کارشناس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

سال شانزدهم □ شماره شصت و یکم □ زمستان ۱۳۹۷

ملزومات یک روایت‌گر، جامع در پادمان: عملیات فتح‌المبین

آقای ظهیری دربارهٔ منطقه چنین می‌گوید: «جایی که تشریف آوردید منطقه عملیاتی فتح‌المبین است یا به تعبیری دیگر منطقه غرب کرخه، در مجاورت ما رودخانه کرخه هست، منطقه عملیاتی غرب کرخه، یا منطقه شمال خوزستان، منطقه عملیاتی فتح‌المبین حدود ۳۰۰۰ کیلومتر وسعتش هست. اول من منطقه را خدمت شما توضیح بدهم، آشنایی پیدا بکنید کجا آمدید، شرق منطقه عملیاتی همین‌جوری که گفتم رودخانه کرخه هست که شاید تنها مانع طبیعی بوده که جلوی دشمن بوده و شهرهایی مثل شوش هست، اندیمشک هست، دزفول هست، پایگاه چهارم شکاری دزفول هست، جاده مهم استراتژیک تهران اندیمشک هست که هدف عراق از هجوم به این منطقه شاید تصرف این نقطه و این مسیر حساس بوده، این شرق منطقه عملیاتی، غرب منطقه عملیاتی که تشریف آوردید پشتِ سرِ شما که نگاه می‌کنید حدود بین ۶۵ تا ۷۰ کیلومتر غرب منطقه عملیاتی مرز ایران و عراق هست؛ یعنی به تعبیری عراق حدود ۷۰ کیلومتر اینجا وارد مملکت اسلامی ما شده، خدمت شما عرض بکنم شمال منطقه دستِ چپ شما حساب می‌شود که از یل‌نادری گرفته به سمت دشت عباس و می‌روی آن

عملیات فتح‌المبین سومین عملیات بزرگ در سال دوم جنگ بعد از عملیات طریق‌القدس بود. این عملیات با هدف جلوگیری از قدرت تصمیم‌گیری، تجدید سازمان و تقویت روحیه دشمن آغاز شد. در این زمان که نیروهای انقلابی وفادار به حضرت امام خمینی^(ع) ابتکار عمل در جنگ و پشت جبهه را در دست داشتند، دو منطقه "غرب دزفول" و "منطقه عمومی خرمشهر" (غرب کارون) نظر فرماندهان نظامی را به خود جلب کرد که الزاماً باید یکی از آنها برای اجرای عملیات انتخاب می‌شد. پس از مدت‌ها بحث و بررسی، فرماندهان نیروی زمینی ارتش، منطقه خرمشهر و فرماندهان سپاه پاسداران، منطقه غرب دزفول را برای انجام عملیات بزرگ آینده پیشنهاد کردند که سرانجام منطقه پیشنهادی سپاه به دلایلی همچون تناسب یگان‌های خودی با وسعت این منطقه، تناسب شرایط طبیعی این منطقه با نیروی رزم قوای



روایت راویان دفاع مقدس، منطقه عملیاتی فتح‌المبین، اسفند ۹۵

خوزستان اختصاص داد، چرا به‌خاطر اهمیت‌ی که خوزستان دارد یعنی شما نگاه کنید عراق اگر حداقل خوزستان را می‌گرفت کل خلیج فارس مال خودش می‌شد، عراق ۱۹ کیلومتر بیشتر مسیر آبی ندارد و کلی این خلیج فارس را حالا اهمیت اقتصادی، اهمیت نظامی، بماند که فرصت توضیح نیست خُب نیمی از نیروهایش را به اینجا اختصاص داد و از پنج محور هم وارد خوزستان شد و جالب است بدانید که بیش از، حداقل نمی‌گویم بیش، نزدیک به ۵۰ درصد باز نیروهایش را به شمال خوزستان به‌خاطر اهمیت‌ی که منطقه داشته اختصاص داد، پنج محور عملیاتی وارد شد از شلمچه رفت آبادان را محاصره کرد خرمشهر را گرفت، از جزایه رفت تا شهر حمیدیه ۲۰ کیلومتری اهواز و امام پیام داد و آن اتفاقات که ما فرصت ورود بهش نداریم از طلائی‌ه رفت تا دب مردان باز چسبیده به اهواز که خطر سقوط اهواز احساس می‌شد که

پیاده و ... برای انجام عملیات فتح‌المبین برگزیده شد و رزمندگان اسلام در شب دوم فروردین سال ۱۳۶۱ این عملیات را برای بیرون‌راندن قوای اشغالگر عراق از سرزمین‌های اشغالی خوزستان، آغاز کردند. نام "فتح‌المبین" را بر اساس تفأل فرمانده وقت سپاه به قرآن و آمدن سوره فتح برای عملیات انتخاب کردند. آقای ظهیری عملیات فتح‌المبین چنین روایت می‌کند: «ما با عراق ۱۶۰۰ کیلومتر مرز مشترک داریم، عراق ۱۲۰۰ کیلومترش را وارد شد؛ یعنی به تعبیری به پنج استان ما حمله کرد، استان خوزستان که شما تشریف دارید در آن و استان ایلام که مجاور خوزستان است بعدش استان کرمانشاه، استان کردستان و استان آذربایجان غربی، شنیدید و دیدید و مطالعه کردید توی کتب مختلف که عراق با دوازده لشکر و تعداد زیادی تیپ به ایران اسلامی حمله کرد. جالب است بدانید که شاید نزدیک به نیمی از این نیروها را به

و به‌هرحال خیلی مردم اینجا اذیت شدند. برای انجام عملیات فتح‌المبین بعد از عزل بنی‌صدر توی تیرماه سال ۱۳۶۰ و معرفی محسن رضایی به‌عنوان فرمانده کل سپاه در شهریورماه سال ۱۳۶۰ و معرفی شهید بزرگوار شهید صیادشیرازی در مهرماه سال ۱۳۶۰ به فرماندهی نیروی زمینی ارتش سپاه و ارتش یکی شد و این وحدت بین نیروهای مسلح ایجاد شد

اشاره به تمام حوادث رخ داده در منطقه عملیاتی موضوع سوم که در یک روایتگری جامع و کامل باید رعایت شود بیان تمام وقایع و عملیات‌هایی است که در این مکان و منطقه رخ داده و سپس توضیح کامل یکی از این عملیات‌ها. در جغرافیای منطقه عملیاتی فتح‌المبین عملیات‌های محدود و ایذایی زیادی مثل امام مهدی، تپه چشمه، تپه ۳۵۰ و عملیات پل نادری (ارتش) انجام شد که بهتر است در روایت‌گری نیز به آنها اشاره‌ای مختصری شود. آقای ظهیری عملیات‌های انجام‌شده پیش از عملیات فتح‌المبین را چنین روایت چنین می‌کند:

«توی این مدتی که هجده‌ماه عراق اینجا بود من الآن نمی‌توانم به همه عملیات‌هایی که قبل از فتح‌المبین صورت گرفت که عملیات‌های بسیار مهم و محدود بودند ولی بسیار تأثیرگذار و برای بالابردن روحیه رزمندگان و برای بالابردن روحیه فرماندهان بسیار بسیار لازم بود و خیلی هم عراق به‌اصطلاح آسیب دید مثلاً نمونه‌اش همین درخت‌های بلندی که نگاه کنید روستای زعن است ۲۵ فروردین سال ۱۳۶۰ اینجا یک عملیاتی انجام شد که فرماندهش هم مرتضی صفار بود به‌اصطلاح عملیاتی انجام شد و دشمن را خیلی ضربه بهش زدند و برگشتند بچه‌ها، این روستای

۲۴ساعته خودشان را رساندند توی جنگل و پانزده، شانزده نفر یعنی زیر بیست نفر تعدادشان در مقابل لشکر ۱ مکانیزه عراق جلوی این رودخانه ایستادند و آن سمت و مانع عبور لشکر ۱ مکانیزه از رودخانه شدند چون این پل شهید ناجیان را بعد از جنگ هم ساختند سال ۶۷، هیچ پلی روی این مسیر غیر از پل نادری هیچ پلی روی این رودخانه وجود نداشت و این رودخانه هم خدمت شما عرض کنم که الآن شما نگاه می‌کنید خیلی آرام، دبی‌اش کم، حجم آبش به‌اصطلاح کم، قبلاً چون الآن سد کرخه را زدند آبش کنترل شده و گرنه زمانی که سد نبود یک رودخانه وحشی بود و حجم آبش خیلی زیاد بود به‌راحتی نمی‌شد از این عبور کرد و بچه‌ها یک گروه هفده، هجده نفره جلوی عراق را می‌گیرند و مانع عبورش می‌شوند که فرمانده‌شان هم که بچه همین شهرستان شوش است به‌اصطلاح جانباز غلامحسین قلاوند ایشان هم در همان درگیری که یک دانه آرپی‌جی داشت دست خودش بود تیر می‌خورد در کمرش و جانباز می‌شود و از سال ۵۹ تا حالا قطع نخاع است، خُب سر شما را درد نیاورم عراق نتوانست عبور کند و در این منطقه‌ای که شما نشستید آمد مستقر شد، به‌صورت هلالی شکل سنگرهای عراقی را نگاه می‌کنید در سمت چپ شما، همین جوری به‌صورت هلالی شکل پشتِ یادمان این تپه‌ها را عراق آمد مستقر شد و عراق ۱۸ ماه اینجا حضور داشت و توی این ۱۸ ماه عراق شهرهای شوش و دزفول و اندیمشک و پایگاه چهارم شکاری و خصوصاً جاده استراتژیک اهواز-اندیمشک را زیر برد توپخانه و موشک‌های خودش داشت و خدمت شما عرض کنم شهر دزفول را حدود ۱۷۰ موشک ۳متری و ۶متری زد

سمت راست شما همین درخت‌هایی که نگاه می‌کنید
عنکبوت هست یک عملیات باز به قول معروف ۲۹
اردیبهشت آنجا ۲۵ فروردین سال ۱۳۶۰ بود اینجا
۲۹ اردیبهشت سال ۱۳۶۰؛ یعنی در فاصله به اصطلاح
دو ماه دو تا عملیات خوب انجام شد یا نمونه‌اش یک
عملیات بزرگی زمان بنی‌صدر انجام شد، گفت من با
یک عملیات تمام عراقی‌ها را تا بغداد می‌برم و توانش
هم روی نیروهای برادران ارتشه بود و اعتقادی به

بچه‌های سپاه و بسیج نداشت. اعتقادی نداشت که جنگ مردمی اداره بشود. حُب عملیات هم انجام شد ۲۳ مهر سال ۱۳۵۹ شما نگاه بکنید شاید کمتر از یک ماه گذشته بود عملیات بزرگی را انجام دادند و پیشروی بسیار خوبی هم داشتند آمدند تا سه‌راه قهوه‌خانه تا به قول معروف جلو منطقه خمپاره‌های عراق کوت‌کاپن و اینها را گرفتند. آمدند

چهارمین و مهم‌ترین بخش هر روایت بیان خود عملیات و شرح وقایع آن است. روایت مطلوب، روایتی است که جامع باشد و ابعاد مختلف عملیات را در بر بگیرد. روایت صرف عملکرد یک یگان نمی‌تواند روایتی کامل باشد. در یک روایت مطلوب باید اهداف عملیات ذکر شود. برای مثال اهداف عملیات فتح‌المبین عبارت بودند از:

- آزادسازی بخشی وسیع از مناطق اشغال شده، همچون سایت ۴ و ۵، رادار و ده‌ها روستای منطقه؛
- انهدام دو لشکر عراق (۱۰ زرهی و ۱ مکانیزه)؛
- دستیابی به خطوط پدافندی مناسب و استفاده از حداقل نیروهای خودی در آن خطوط؛
- خارج کردن شهرهای شوش، اندیمشک و دزفول از تیررس آتش توپخانه دشمن؛
- دورکردن آتش مؤثر دشمن از جاده اهواز - اندیمشک.

رفتند جلو که عراق، جناح چپ ارتش خالی بود عراق دور می‌زند و به‌هرحال پاتک می‌کند و آن اتفاقی که نباید بیفتد افتاد، چراکه این‌همه نیروهای خوب ارتش ما شهید شدند، اسیر شدند، این‌همه ادوات زرهی ما، نفربرها و تانک‌های چیفتن ما چه منهدم شد، چه غنیمت گرفته شد به‌هرحال اتفاقی افتاد که نباید می‌افتاد و تا پایان جنگ هم جبران‌ش برای ارتش خیلی مشکل بود، خُب ارتش‌ها و کلاً جبهه ما حالا بحث

شناسایی و مطالعات دقیقی که رزمندگان اطلاعاتی قبل از عملیات انجام می‌دادند از جمله مواردی است که باید هنگام روایت نقل شود تا مخاطبان دریابند که رزمندگان برای انجام یک عملیات از مدت‌ها قبل باید چه سخته‌هایی متحمل می‌شدند.

سازمان رزم عملیات

وضعیت سازمان رزم ایران و عراق در این عملیات بسیار اهمیت دارد. این امر سبب می‌شود زائران دریابند که چه قرارگاه‌ها و یگان‌هایی در این منطقه و عملیات درگیر بودند. سازمان رزم ایران و عراق در این عملیات به قرار زیر بود:

استعداد دشمن: مسئولیت پدافند از منطقه غرب دزفول برعهده دو لشکر ۱۰ زرهی و ۱ مکانیزه ارتش عراق بود و به تناسب میزان هوشیاری دشمن و آگاهی از عملیات نیروهای ایران، بر استعداد آنها افزوده می‌شد. در مجموع، استعداد دشمن، تمامی یگان‌هایی را که قبل از شروع عملیات، در منطقه مستقر بودند و نیز تمامی یگان‌هایی را که هنگام عملیات وارد منطقه شدند، شامل می‌شدند.

سازمان رزم خودی: قرارگاه مرکزی کربلا با فرماندهی مشترک نیروی زمینی ارتش و سپاه پاسداران، هدایت کلی عملیات را بر عهده داشت که چهار قرارگاه فرعی تحت امر آن بود:

الف- قرارگاه قدس: شامل تیپ ۸۴ پیاده خرم آباد با سه گردان؛ تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ زرهی اهواز با سه گردان؛ تیپ ۴۱ ثار الله^(ع) با شش گردان؛ تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) با ۹ گردان و عناصری از سپاه ایلام.

ب- قرارگاه نصر: شامل تیپ‌های ۱، ۲ و ۳ لشکر ۲۱ پیاده حمزه با ده گردان؛ تیپ ۵۸ ذوالفقار با چهار گردان؛ تیپ ۲۷ محمد رسول الله^(ص) با ۹ گردان و تیپ ۷ ولی عصر^(عج) با ۹ گردان.

ج- قرارگاه فجر: شامل لشکر ۷۷ پیاده خراسان با سه تیپ؛ تیپ ۳۳ المهدی^(عج) با شش گردان؛ تیپ ۴۶ فجر با پنج گردان؛ تیپ ۱۷ علی ابن ابیطالب^(ع) با شش

گردان؛ تیپ امام سجاد^(ع) با یازده گردان.

د- قرارگاه فتح: شامل تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی؛ تیپ ۵۵ هوارد؛ تیپ ۳۷ زرهی شیراز؛ تیپ ۲۵ کربلا و تیپ ۸ نجف با هشت گردان.

در مجموع، حدود ۱۰۰ گردان از سپاه و ۳۵ گردان از ارتش در عملیات شرکت کردند. همچنین، واحدهایی از توپخانه، هوانیروز و نیروی هوایی ارتش، مهندسی جهاد سازندگی و مهندسی سپاه و ارتش، پشتیبانی عملیات را بر عهده داشتند.

در بخش پنجم راوی محترم سازمان رزم ایران و عراق را چنین روایت می‌کند:

«خُب چهار تا قرارگاه بین ارتش و سپاه بود من خلاصه این را بگویم من جاهای قرارگاه‌ها را می‌گویم که شما اهمیت عملیات فتح‌المبین و وسعت عملیات فتح‌المبین را متوجه بشوید، قرارگاه قدس در استان ایلام

شصت کیلومتر پشت سر شما است، هرکدام از این قرارگاه‌ها یک فرمانده ارتشی و یک فرمانده سپاهی داشت، فرمانده قرارگاه قدس از طرف سپاه سرلشکر عزیز جعفری که الان فرمانده کل سپاه است آن موقع درجه نداشتند بچه‌های سپاه و ارتش چهار تا فرمانده قرارگاهش سرهنگ بودند که آنجا ام‌الله، سرهنگ ام‌الله شهبازی بود، بعد خدمت شما عرض کنم همین سردار قاسم سلیمانی سرلشکر قاسم سلیمانی

شناسایی و مطالعات دقیقی که رزمندگان اطلاعاتی قبل از عملیات انجام می‌دادند از جمله مواردی است که باید هنگام روایت نقل شود تا مخاطبان دریابند که رزمندگان برای انجام یک عملیات از مدت‌ها قبل باید چه سختی‌هایی متحمل می‌شدند

ما با کل دنیا شاید نزدیک به چهل کشور دنیا مستقیماً و شاید هفتاد، هشتاد کشور دنیا غیرمستقیم، پشتیبان عراق بودند و عراق را از نظر تسلیحات و از نظر ادوات نظامی تأمین می‌کردند و کشورهای حوزه خلیج فارس هم الی ماشاءالله هرچی که می‌خواستند دلار بهش می‌دادند و هیچ مشکلی نداشت و به قول معروف از همه نظر تأمین بود.

خُب عراق می‌آید به قرارگاه فجر ما حمله می‌کند، به قرارگاه فتح ما حمله می‌کند از چزابه حمله می‌کند همین بچه‌های قرارگاه فتح و فجر می‌روند حدود دو هزار نفر ما آنجا تلفات می‌دهیم که صرفاً مانع پیشروی عراق شویم البته عراق قصدش پیشروی و آمدن گرفتن جایی نبود قصدش فقط و فقط برهم‌زدن عملیات فتح‌المبین بود و تأخیر انداختن که موفق شد. فرماندهان هرچی جلسه می‌گرفتند و هرچی فکر می‌کردند به نتیجه نرسیدند که چه کار باید کنند، یک بحران عجیبی روی جبهه خصوصاً توی منطقه حاکم شده بود و به‌هرحال به این نتیجه رسیدند که یکی به نمایندگی از طرف نیروهای مسلح خدمت حضرت امام برسد و بین محسن رضایی و شهید صیاد شیرازی آقای محسن رضایی انتخاب می‌شود. از همین پایگاه وحدتی دزفول با یک هواپیمای اف ۵ جنگی آموزشی توی کابین کمک خلبان می‌نشیند و از رفتن از قرارگاه کربلا تا دزفول و از دزفول تا فرودگاه تهران و تا جماران رفت و برگشتش حدود سه ساعت طول می‌کشد. وقتی خدمت حضرت امام می‌رسد گزارشی می‌دهد خدمت حضرت امام حالا مسائلی رد و بدل شد بین‌شان که خیلی هم جالب است اما شاید گفتنش صلاح نباشید و ما اجازه نداشتیم اینها را مطرح کنیم اما بسیار

نصر موظف بود اهدافی همچون شاوریه، بلتا، جوفینه، علی گره زد، تپه چشمه، شهدا و کوت کاپون را تصرف و تأمین کند که به‌دلیل نوع درگیری این قرارگاه (تک‌جبهه‌ای)، پیش‌بینی نتایج عملیات در این محور دشوار بود.

ج- محور غرب شوش. دشمن در این منطقه به‌دلیل وجود اهداف مهمی همچون سایت ۴ و ۵ و رادار از مستحکم‌ترین مواضع و خطوط دفاعی برخوردار بود. قرارگاه فجر مأموریت داشت ضمن تصرف این اهداف، روی ارتفاعات ابوصلیبی خات مستقر شود.

د- محور رقابیه. تصرف تنگه رقابیه و منطقه دوسلک، وظیفه قرارگاه فتح بود که در نتیجه آن، عقبه لشکر ۱ عراق بسته می‌شد. در صورت موفقیت نیروهای این قرارگاه و الحاق آنها با نیروهای قرارگاه قدس، خط نهایی عملیات تأمین می‌شد.

راوی محترم، درباره طرح‌های مد نظر فرماندهان برای اجرای این عملیات توضیح چندانی ندادند.

تک پیش‌دستانه عراق

در روایت یادمان فتح‌المبین به تک پیش‌دستانه عراق قبل از عملیات در شوش و چزابه که برای مختل شدن برنامه‌های عملیاتی ایران بود نیز اشاره و بیان کرده است که این تک چه تأثیراتی بر عملیات داشت.

روای محترم این تک را چنین روایت کرد:

«وقتی این عملیات می‌خواست انجام بشود دنیا متوجه شد که عملیات بزرگی می‌خواهد اینجا انجام شود عراق متوجه شد به‌دنبال این بودند که این عملیات را به‌اصطلاح به‌هم بزنند یا حداقل به تأخیر بیندازند که موفق هم شدند. چراکه ما با عراق تنها نمی‌جنگیدیم

ملزومات یک روایت‌گر، جامع در پادمان: عملیات فتح‌المبین



روایت راویان دفاع مقدس، منطقه عملیاتی فتح‌المبین، اسفند ۹۵

زیادی تجهیزات سنگین دشمن را به تصرف درآوردند. در پی این حرکت، نیروهای عراقی از فشار خود در محور عین خوش کاستند و پاتکه‌ای سنگین را متوجه منطقه رقابیه کردند و به‌رغم اینکه خطوط پدافندی نیروهای خودی در داخل تنگه تا آستانه سقوط پیش رفت، مقاومت رزمندگان باعث حفظ تأمین اهداف این مرحله شد.

در مرحله سوم عملیات (۱۳۶۱/۱/۷) فرماندهان سپاه و ارتش پس از کسب نتایج موفقیت‌آمیز در مرحله دوم عملیات، به این نتیجه رسیدند که نیروهای دشمن به‌علت ازهم‌پاشیدگی سازمان و گسستگی سیستم فرماندهی خود، احتمالاً از منطقه عملیاتی فرار خواهند کرد. بنابراین، تصمیم گرفته شد هرچه سریع‌تر با انجام عملیاتی دیگر، قوای دشمن منهدم و خطوط پدافندی قوای خودی تصحیح و تقویت شود. بر همین اساس، پس از طراحی مانور این مرحله از

کند و ضمن تهدید عقبه نیروهای عراقی در منطقه قرارگاه فجر، موجب کاهش فشار دشمن به قرارگاه قدس شود. قرارگاه‌های نصر و قدس نیز در این مرحله مأموریت داشتند با ترسیم خطوط پدافندی خود، در مقابل پاتکه‌ای دشمن مقاومت کنند. و قرارگاه فجر همچون مرحله اول عملیات مأموریت داشت به‌منظور جلب توجه دشمن، به انجام عملیات ایدایی بپردازد و ذهن فرماندهان عراقی را از محور اصلی عملیات منحرف کند.

قرارگاه همچون مرحله اول از دو محور عملیات خود را آغاز کرد. یک تیپ پیاده به همراه یک گردان زرهی با هدف تصرف ارتفاعات رقابیه، از حاشیه تنگه رقابیه و آب‌گرفتگی وارد عمل شدند و دو تیپ نیز محور اصلی حرکت خود را تنگه ذلیجان - به‌منظور دور زدن دشمن - قرار دادند و در نتیجه موفق شدند تنگه رقابیه، ارتفاعات رقابیه و میشداغ همراه تعداد

ملزومات یک روایت‌گر، جامع در پادمان، عملیات فتح‌المبین

«اگر من بخواهم جزئیات مراحل عملیات را یکی

گفتمش چرا می‌خندی؟ گفت چون اسیرم مسخره‌ام می‌کنی؟ گفتم نخیر من واقعیت را گفتم، مسخره‌ام نکردم گفت آقا الآن نیروهایتان باید توی بغداد باشند. گفتم شما بر چه اساسی این حرف را می‌زنی، زد روی سینه خودش گفت من فرمانده توپخانه بودم عراق می‌گفت، می‌گفت آقای محترم، به زبان عربی، می‌گفت عملیات هنوز شروع نشده، ما فهمیدیم عملیات می‌خواهد بشود اصلاً هنوز خط مقدم درگیری نشده گفت شما نظامی هستید توپخانه کجا باید مستقر بشود گفتم توپخانه حداقل ۲۰ کیلومتر پشت سر نیروها باید مستقر بشود، گفت درست است گفت من توی مقر فرماندهی توپخانه ۲۰ کیلومتر پشت سر نیروها. گفت آقا چهار، پنج تا از این نیروهای کم‌سن و سال شما وارد سنگر شد. من را دستگیر کرد حالا جنابعالی آمدی به من می‌گویی بچه‌ها شرق رودخانه دویرج ماندند آقا این حرف‌ها چیه می‌زنی؟ شما صدام را گرفتید یا نه؟ گفتم والله ما صدام را کجا، خدا خیرت بده بابا عملیات تمام شد، باورش نمی‌شد...

بیان رشادت‌های رزمندگان

در روایت کامل در این یادمان باید تا آنجا که ممکن است به نبرد سخت رزمندگان اسلام برای دستیابی به اهداف، پاتکه‌ای سنگین عراق اشاره شود و توصیفی حماسی از صحنه نبرد انجام گیرد که آقای میرشکاری به تقریباً بحث‌ها و خاطرات خوبی را مطرح کردند. آقای ظهیری نیز در بیان حماسه‌آفرینی رزمندگان در این عملیات مطالبی به شرح زیر را بیان کردند:

«شما نگاه می‌کنید روی این تابلوها نوشته رمز

مربع از منطقه آزاد شد. واقعاً عملیاتی بود که به تمام اهدافمان رسیدیم. این یک، دو در کوتاه‌ترین زمان این عملیات انجام شد. وسعت عملیات را نگاه کنید، شما نگاه کنید به خرمشهر. عملیات بیت‌المقدس ۲۵ روز طول کشید. جزایر مجنون عملیات خیبر ۵۰ روز طول کشید. فاو عملیات والفجر ۸ بیش از ۷۵ روز حالا به تعبیری می‌گویند هفتاد و هشت روز طول کشید تا شهر و عملیات تثبیت شود و اهدافی که مدّ نظر بود حاصل شود. البته بنا بود به سمت بصره رفته باشد اهداف دیگه بود اما حُب با توجه به شرایط خاصی که بود به هر حال بعد از ۷۵ روز توانستند آنجا را تثبیت کنند ولی این عملیات ۱۳۶۱/۱/۲ شروع شد. هشتم، نهم حالا بگوییم اصلاً ده روز طول کشید. این هم یک ویژگی دارد بیش از ۱۵۰۰۰ نفر در این عملیات از عراق به اسارت درآمدند.

من خاطره‌ای از عراقی‌ها بگویم که هم اهمیت گرفتن توپخانه را توسط بچه‌ها نشان می‌دهد که فرصت نشد من بگویم. من خودم عرب‌زبانم وقتی اسرا را آوردند در این شهر، تعداد زیادی از فرماندهانشان را که فرماندهان ما جدا و تخلیه اطلاعاتی کرده بودند در اختیار ما گذاشتند که اینها را سازماندهی کنیم و به اردوگاه‌ها بفرستیم ما هم اینها را بردیم هفت‌تپه که ده کیلومتر با شهر شوش فاصله است. جای امنی که هم فرصتی باشد هم امنیت باشد. فرماندهانشان را در سینما هفت‌تپه جا داده بودیم. یکی از فرماندهان از من سؤال کرد که آقا نیروهای شما کجا رسیدند من هم با صداقت گفتم یک رودخانه فصلی پهلوی دویرج اینجا گفتم بچه‌های ما شرق رودخانه دویرج، شما رفتید غرب رودخانه دویرج، تبسمی کرد سر انداخت پایین،

عملیات یا فاطمه الزهرا چرا؟ چون آن ایام، ایام فاطمیه

بود و همه به اصطلاح به بی‌بی فاطمه زهرا متوسل شدند و این عملیات بزرگ را انجام دادند. جالب است بدانید خیلی از عملیات‌های بزرگ ما با رمز یا فاطمه‌الزهرا است. همین فاوی که آزاد شد عملیات والفجر ۸ هم با رمز یا فاطمه‌الزهرا بود. حُب این دل فرماندهان قرص می‌شود. جملات آخر دیگه. عزیزان نگاه می‌کنید به دور

و برتان همین شیار شیخی است که شما نشستید اینجا
این پرچمهایی را که نگاه
می‌کنید زرد و قرمز و سبز
بادمان: حدود ۱۲۰

این پرچم‌هایی را که نگاه
می‌کنید زرد و قرمز و سبز
که نگاه می‌کنید هر کدام
نشانه یک شهید است.

بچه‌ها در این منطقه مرحله اول عملیات را که انجام دادند توی این شیارها با این

کمین‌ها و با این سنگرهای عراقی مواجه شدند نه اینکه نمی‌دانستند سنگرهای عراقی اینجا هستند، نه اینکه نمی‌دانستند کمین‌های عراقی‌ها، بلکه ده‌ها بار اینها را

شناسایی کرده بودند ولی موقع عملیات باید خط شکسته شود. در محدوده یادمان حدود ۱۲۰ نفر از بهترین عزیزان ما به شهادت رسیدند که در مرحله اول عملیات هم نشد آنها را تخلیه کنیم. پنج، شش روز جنازه اینها در این

آفتاب گرمی که الآن شما مشاهده می کنید جنازه های شان ماند. بعد از پنج، شش روز جنازه های شان تغییر کردند و بعضی ها ورم کردند. در مرحله دوم، سوم عملیات بچه ها موفق شدند این شهدا را تخلیه کنند».

بعضی‌ها ورم کردند. در مرحله دوم، سوم عملیات بچه‌ها موفق شدند این شهدا را تخلیه کنند».

در محدوده یادمان حدود ۱۲۰ نفر از بهترین عزیزان ما به شهادت رسیدند که در مرحله اول عملیات هم نشد آنها را تخلیه کنیم. پنج، شش روز جنازه اینها در این آفتاب گرمی که الآن شما مشاهده می کنید جنازه هایشان ماند. بعد از پنج، شش روز جنازه هایشان تغییر کردند و بعضی ها ورم کردند

عدم روایت صنفی

موضوعی که در هر روایت می‌شود به آن اشاره کرد، عملکرد واحدهای تخصصی دیگر است. در یک روایت مطلوب در این یادمان باید از عملکرد بی‌نظیر جهادگران سازندگی (احداث جاده و تونل)، مهندسی، نیروی هوایی و هوانیروز ارتش و واحدهای تخصصی دیگر نیز یاد کرد. نباید به روایت صرف از یک یگان یا نیرو و واحد خاص اکتفا کرد، زیرا بذر تفرقه می‌افکند.

جان روایت

آخرین و شاید مهم‌ترین مبحث از یک روایت خوب در این یادمان گفتن خاطره و حماسه‌آفرینی رزمندگان و ترسیم فضای معنوی و توسلات به ائمه و در کل نقش معنویت در جبهه‌ها است. راوی با ذکر یکی دو نمونه از رشادت‌ها و گذشت‌های رزمندگان می‌تواند پیوندی میان جبهه

برای مثال، وحدت بی‌نظیر فرماندهان سپاه و ارتش نقشی تعیین‌کننده در این عملیات داشت و این وحدت هم مدیون و مرهون حضور شهید بزرگواری مثل شهید صیادشیرازی است. کسی که بنی‌صدر عزلش کرد. او سرهنگ تمام بود و بنی‌صدر شاید دو درجه او را گرفت و سرگردش کرد. بلا تکلیف بود و با بچه‌های سپاه شاید به‌عنوان یک نیروی بسیجی خدمت می‌کرد ولی به‌خاطر اخلاصش و به‌خاطر ولایت‌مداریش به درجه‌ای رسید که وقتی شهید شد مقام معظم رهبری نشست و تابوت شهید صیاد شیرازی را بوسید که برای هیچ مسئولی، برای هیچ مقام لشکری و کشوری این کار را انجام نداده بود و این نشانه اخلاص و بزرگواری شهید صیادشیرازی است.

در مجموع، در این عملیات ما ۳۵۰۰ نفر از بهترین عزیزان ما، مخلص‌ترین عزیزان ما، کسانی که خداوند برگزیدشان یعنی شهدا از بین ارتش، از بین سپاه، از بین جهاد، ۳۵۰۰ نفر از بهترین، از این عزیزان به شهادت رسیدند که این منطقه آزاد شد که به‌رحال اینها خون خودشان را دادند که امروز ما در امنیت باشیم، در آرامش باشیم، در آسایش باشیم. عراقی‌ها هم بیش از ۱۵۰۰۰ نفر اسیر، حدود ۲۵۰۰۰ نفر کشته و زخمی دادند. اگر بخواهیم آمار سلاح و مهمات و غنایمی که گرفته شد را بگوییم باید ساعت‌ها توضیح بدهم. فقط این را بگوییم که می‌گویند توپخانه سپاه و زرهی سپاه بعد از عملیات فتح‌المبین به اصطلاح تشکیل شد، این نشانه این است که تمام این غنایم را از عراقی‌ها گرفتند.

وحدت بی‌نظیر فرماندهان سپاه و ارتش نقشی تعیین‌کننده در این عملیات داشت و این وحدت هم مدیون و مرهون حضور شهید بزرگواری مثل شهید صیادشیرازی است. کسی که بنی‌صدر عزلش کرد

با مسائل روز کنونی برقرار و جمع‌بندی مناسبی از مطالب ارائه کند. یک راوی باتجربه می‌تواند تأثیرگذاری خاصی بر مخاطبان خود داشته باشد.

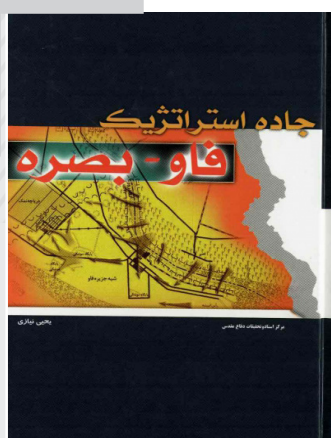
جمع‌بندی

در این نوشتار سعی شد تمام ملزومات یک روایت خوب در یادمان فتح‌المبین ذکر شود. نگارنده بر این موضوع که در روایتگری وقت محدودی در اختیار راوی

معرفی آثار منتشر شده مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

در مورد جبهه جنوب

اروند



جاده استراتژیک فاو-بصره

پدیدآورنده: یحیی نیازی

چاپ اول: ۱۳۹۱

قطع: رقعی

صفحه ۳۲۸

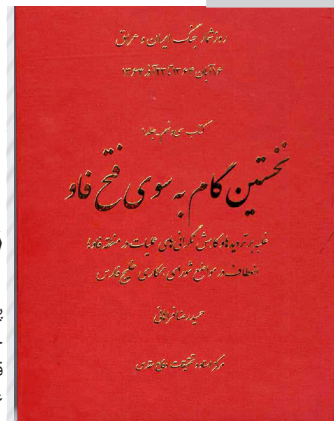
قیمت: ۹۰۰۰ تومان

کتاب "جاده استراتژیک فاو - بصره" به قلم یحیی نیازی، نویسنده و پژوهشگر دفاع مقدس به روایت شب چهارم این نبرد از نگاه و منظر هر یک از لشکرها حاضر در عملیات، پرداخته و تلاش کرده تا نمایی مستند و روشن و در عین حال جذاب از این مرحله از عملیات والفجر ۸ را به تصویر بکشد. این کتاب متشکل از ۸ فصل است که در فصل اول آن به تبیین چارچوب و زمینه‌های بحث می‌پردازد و هفت فصل دیگر تصمیم‌گیری و ماهیت و عملکرد یگان‌های سپاه پاسداران در انهدام لشکر گارد صدام را تشریح می‌کند.

مرور کوتاهی بر شرایط جبهه‌ها و عملیات‌های اجرا شده از سال سوم تا پنجم جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تبیین وضعیت خاص جغرافیایی فاو و دشواری‌ها و موانع پیش‌رو، طرح مانور، چگونگی سازمان رزم توسط قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا (ص) و هدایت و اجرای آن توسط قرارگاه‌های عملیاتی کربلا و نوح، آغاز عملیات و وضعیت نبرد در سه محور منتهی به فاو تا پایان روز سوم نبرد و هدایت و فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیا (ص) قبل از شروع پاتک لشکر گارد صدام در سه فصل از کتاب بیان شده‌اند.

فصل‌های چهارم تا هشتم این کتاب به صورت مجزا، محورهای محاصره لشکر گارد ریاست جمهوری عراق توسط پنج لشکر عمل‌کننده از وسط و چهار جهت جاده راهبردی را به تصویر کشیده‌اند. علاوه بر اینکه لشکر گارد عراق، به خوبی معرفی شده، روند رشد و سیر صعودی و گسترش سازمان رزم لشکر گارد به خوبی مشخص شده است. یکی از ویژگی‌های این اثر، استفاده از اسناد دست‌اول مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و صدای ضبط شده بی‌سیم دو طرف درگیری است. نویسنده کتاب، با تکیه بر پیاده‌نوارهای راپیان، صدای مکالمات بی‌سیم‌ها، دفترچه راپیان مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، گزارش جلسات ثبت شده توسط راپیان و منابع پیرامونی و مصاحبه اختصاصی با افراد مطلع، این مقطع حساس عملیات والفجر ۸ را روایت کرده است.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

[illegible]

نخستین گام بسوی فتح فاو

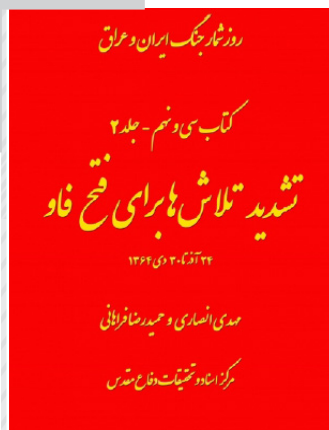
پدیدآورنده: حمیدرضا فراہانی
چاپ اول: ۱۳۷۹
قطع: وزیری
صفحه ۱۱۱۶
قیمت: ۳۲۵۰۰ تومان

کتاب سی و نهم از مجموعه روزشمار دوجلد است که جلد اول آن به «نخستین گام به سوی فتح فاو» می‌پردازد و حوادث اتفاق افتاده از تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۶۴ تا ۲۳ آذر ۱۳۶۴ را شامل می‌شود. این کتاب به قلم حمیدرضا فراهانی است.

این مقطع زمانی شامل مباحث بسیارمهم ذیل می‌باشد: نگاهی به راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی پس از فتح خرمشهر در میدان سیاست و صحنه جنگ؛ طرح‌های عملیاتی سپاه پاسداران شامل طرح فاو و مسائل پیچیده مرتبط با آن؛ طرح‌های عملیاتی نیروی زمینی ارتش؛ حملات هوایی عراق؛ حملات هوایی ایران؛ بازرسی کشتی‌ها و حمله به کشتی‌ها؛ اعزام نیروهای داوطلب و کمک‌های مردمی به جبهه‌ها؛ واکنش عراق به تالارهای ایران؛ وضعیت دسترسی ایران و عراق به تجهیزات نظامی؛ گروه‌های مسلح و شرارت آنان در شمال غرب ایران؛ وضعیت شمال عراق؛ تلاش گروه‌های مبارز، سرکوب و جنایات بعثی‌ها؛ جنگ و دولت؛ صادرات نفت؛ سفر صدام به شوروی، مواضع شوروی، مواضع جمهوری اسلامی؛ فعالیت‌های دیپلماتیک، تلاش‌های صلح؛ روابط ایران با سوریه و لیبی؛ روابط ایران و فرانسه؛ سفر رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به پاکستان و افریقا؛ لبنان؛ توافق گروه‌ها، ادامه درگیری‌ها، ادامه گروگان‌گیری.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

				سال شانزدهم ☐ شماره شصت و یکم ☐ زمستان ۱۳۹۷									
										۱۵۰			



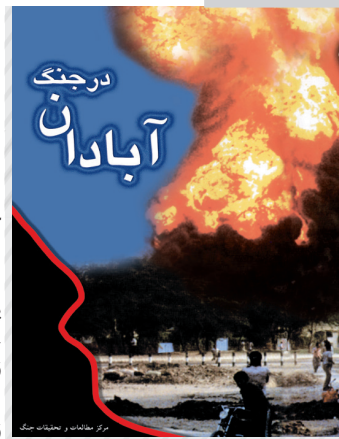
تشدید تلاش‌ها برای فتح فاو

پدیدآورندگان: مهدی انصاری - حمیدرضا فراهانی
چاپ اول: ۱۳۹۵
قطع: وزیری
صفحه ۱۱۳۸
قیمت: ۴۲۰۰۰ تومان

کتاب سی و نهم از روزشمارهای جنگ (بخش دوم) با عنوان «تشدید تلاش‌ها برای فتح فاو» است. این کتاب مقطع پر تحولی از تاریخ دفاع مقدس را در بازه زمانی ۲۴ آذر تا ۳۰ دی ماه سال ۱۳۶۴ پوشش می‌دهد. دوره زمانی این کتاب یکی از پرماجرترین مقاطع جنگ ایران و عراق هم از جنبه نظامی و هم از جنبه‌های سیاسی و دیپلماتیک است. بخش‌های نظامی این کتاب شامل جمع‌بندی و خلاصه و چکیده ۳۳۰۰ صفحه مطالب پیاده‌شده از حدود ۱۲۹ ساعت نوار جلسات بالاترین سطوح سیاست‌گذاری جنگ تحمیلی و طراحی عملیات‌های آن و نیز بهره‌برداری از ۱۳ دفتر یادداشت‌های محققان حاضر در این جلسات و ۱۸ جلد گزارشی است که آنان درباره آماده‌سازی زمینه اجرای عملیات در منطقه فاو تهیه کرده‌اند. علاوه بر این، چند هزار سند نظامی مربوط به این دوره بررسی و موارد مهم و ضروری در گزارش‌های این کتاب استفاده شده است. بخش‌های غیرنظامی این کتاب شامل گزارش‌های سیاسی داخلی و خارجی و بین‌الملل مربوط به جنگ یا دیگر مسائل متأثر از جنگ است یا موضوع‌هایی است که جنگ بر آنها تأثیر گذاشته یا به نوعی به جنگ ایران و عراق مربوط می‌شود. این گزارش‌ها با بهره‌برداری از صدها نشریه داخلی و خارجی مجرمانه و آشکار مربوط به دوره این کتاب از جمله نشریه روزانه گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه‌های وزارت امور خارجه و وزارت اطلاعات، نشریه‌های رادیوهای بیگانه واحد مرکزی خبر، روزنامه‌های این دوره و کتاب‌هایی که درباره این مقطع از جنگ منتشر شده، تهیه گردیده است.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

معرفی آثار منتشر شده مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس
درمورد جبهه جنوب



آبادان در جنگ

پدیدآورنده: ابوالقاسم حبیبی
چاپ اول: ۱۳۸۲
قطع: خشتی
۱۵۰ صفحه
قیمت: ۴۵۰۰ تومان

کتاب «آبادان در جنگ» جلد ششم از مجموعه اطلس‌های راهنمای جنگ ایران و عراق است. این کتاب روایتی است از وقایع آبادان از گذشته دور تا پایان جنگ که در قالبی جذاب، شامل اطلاعات متنوع، نقشه، تصویر و نمودار منتشر شده است.

کتاب «آبادان در جنگ» هفت فصل دارد که فصل اول با عنوان «جغرافیای آبادان» به موقعیت جغرافیایی آبادان پرداخته است. در فصل دوم که «آبادان و نهضت ملی شدن نفت» نام دارد، نهضت ملی شدن صنعت نفت و حوادث مرتبط با آبادان در آن دوره تشریح گردیده است.

فصل سوم با عنوان «آبادان در انقلاب اسلامی» به حوادث آبادان در جریان انقلاب اسلامی و پس از آن اختصاص دارد. در فصل چهارم با نام «آغاز جنگ و محاصره آبادان»، آغاز جنگ و پیشروی ارتش عراق به طرف آبادان و محاصره آن بررسی می‌شود.

در فصل پنجم با عنوان «آبادان در محاصره»، اهم وقایعی که در دوران محاصره آبادان رخ داده است، آورده شده است و در فصل‌های ششم و هفتم به ترتیب با عناوین «شکستن محاصره آبادان» و «عبور از اوندورد و پایان جنگ»، حماسه بزرگ شکستن محاصره آبادان و عملیات عبور از اوندورد و فتح فاو گزارش شده است.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

[illegible]



راهنمای مناطق جنگی آبادان

پدیدآورنده: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس
چاپ اول: ۱۳۸۲
قطع: پالتویی
قیمت: ۱۵۰۰ تومان

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس علاوه بر نشر کتاب های پژوهشی و تحقیقاتی، روزشمار و اطلس های راهنما، مجموعه راهنمای مناطق جنگی را در قالب بروشور منتشر کرده است. در این مجموعه، سعی شده است تا شهرها و شهرستان هایی که به صورت مستقیم در جدال با دشمن بوده اند، معرفی شوند.

در هر يك از این بروشورها، با استفاده از تصاویر، نقشه و مطالبی کوتاه و مختصر، به توضیحاتی در خصوص آن منطقه پرداخته شده است. هدف از نشر این بروشورها، مطالعه علاقه مندان و مخصوصاً افرادی است که در اردوهای راهیان نور شرکت کرده اند تا در مدت زمانی اندك با هر يك از مناطقی که بازدید می کنند، آشنایی داشته باشند.

در بروشور «راهنمای مناطق جنگی آبادان» با شرح مختصری از آبادان به معرفی مکان های معروفی که طی دوران انقلاب و در دوران جنگ تحمیلی شاهد حوادث و رخداد های مهمی بوده اند، پرداخته شده است.

حصر آبادان و اقدامات نیرو های خودی برای شکست این حصر از دیگر موضوعاتی است که در این بروشور مطرح شده است به طوریکه در بخشی از بروشور عملیات های دوره محاصره آبادان به صورت مختصر و با ارائه نقشه منطقه عملیاتی بیان شده است.

بروشور «راهنمای مناطق جنگی آبادان» توسط انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ منتشر شده است.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس





نبرد العمیه

تحقیقات میدانی: شهید سید محمد اسحاقی

تدوین نهایی: مهدی خداوردی خان

چاپ اول: ۱۳۷۵

قطع: رقعی

صفحه ۲۲۴

قیمت: ۲۰۰ تومان

کتاب نبرد العمیه در شش فصل، یک مقدمه و دو ضمیمه تدوین شده است. فصل اول با عنوان «منطقه عملیاتی» (البکر و العمیه در شمال خلیج فارس) به موقعیت جغرافیایی این اسکله‌ها، جنبه‌های تاکتیکی، عوارض طبیعی، عوارض مصنوعی سابقه نظامی منطقه عملیات و هیدروگرافی (آبنگاری) منطقه عملیاتی می‌پردازد.

فصل دوم «یگان عمل کننده و اقدامات آمادگی» نام دارد. در این فصل به معرفی و چگونگی انتخاب لشکر امام حسین (ع) به عنوان یگان عمل کننده و نیز آموزش‌ها و اقدامات این لشکر برای احراز آمادگی یک عملیات غافلگیر کننده پرداخته شده است. فصل سوم «شناسایی» (نفوذ اطلاعاتی در منطقه دشمن و نتایج حاصله) نام گرفته است.

فصلی که به انعکاس نحوه عملکرد لشکر ۱۴ امام حسین در شناسایی از دور، شناسایی از نزدیک، وضعیت دشمن، چگونگی پشتیبانی اسکله‌ها و... می‌پردازد.

فصل چهارم با عنوان «طراحی مانور عملیات» (طرح، سازمان و اهداف عملیات) منتشر شده است. در این فصل به اهداف عملیات، مراحل عملیات، زمانبندی عملیات و طرح مانور عملیات پرداخته شده است. فصل پنجم «در آستانه عملیات» (نارسانی‌ها، مشکلات محیط و لزوم تأخیر) نام دارد. در فصل پنجم گزارشی لحظه به لحظه از زمان آغاز عملیات ارائه شده است. فصل ششم با عنوان «اجرای عملیات» (رزم ۴۰ ساعته غواصان و قایق‌سواران در اولین نبرد دریایی سپاه) به ارائه گزارش توصیفی کاملی از اجرای عملیات می‌پردازد.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

[illegible]

عمليات والفجر ٨

چاپ اول: ۱۳۸۲
قطع: پالتویی
۷۰ صفحه
قیمت: ۱۲۰۰ تومان



عملیات والفجر ۸ با رمز یا فاطمه الزهرا (ع) در جبهه جنوبی - فاو در تاریخ بیستم بهمن سال ۱۳۶۴ شروع شد و تا نهم اردیبهشت سال ۱۳۶۵ ادامه داشت. این عملیات گسترده با هدف تصرف فاو و تهدید بصره از جنوب تحت فرماندهی سپاه پاسداران انجام شده است و از نتایج آن می توان آزادسازی و تصرف ۹۴۰ کیلومتر مربع از سرزمین های ایران و عراق، تصرف شهر بندری و مهم فاو، تسلط بر اروند رود و هم مرز شدن با کویت را نام برد.

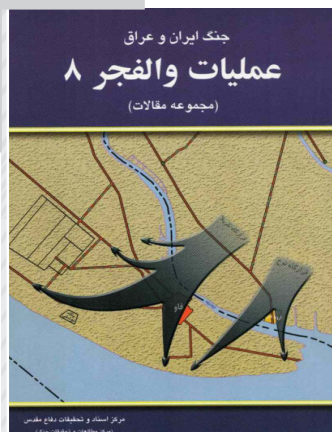
کتاب «عملیات والفجر ۸» با ارائه شناسنامه عملیات به مرور بر اوضاع قبل از عملیات از جمله تلاش غرب برای ایجاد توازن قوا در جنگ و همچنین وضعیت عراق و ایران پرداخته است.

در ادامه اهداف و جایگاه عملیات والفجر ۸ را در استراتژی نظامی ایران بررسی کرده و دلایل انتخاب منطقه را برای انجام عملیات بازگو می‌کند. سپس به طراحی عملیات، شناسایی جریان آب اروندرود، آموزش غواصان، سازمان رزم و مرحله بندی عملیات پرداخته شده است.

همچنین تشریح عملیات والفجر ۸ و تلاش دشمن و تغییر تاکتیک آن برای رویارویی با رزمندگان در این کتاب به خوبی بررسی شده است. در بخش بعدی، کتاب «عملیات والفجر ۸» به نتایج عملیات اشاره دارد و با بیان مهمترین ویژگی‌های این عملیات و نقاط قوت و ضعف دشمن، به علل موفقیت آن می‌پردازد. همچنین واکنش‌ها و بازتاب‌های حاصل از عملیات والفجر ۸ و اعتراف به شکست به خوبی تبیین شده است.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

[illegible]



عملیات والفجر ۸

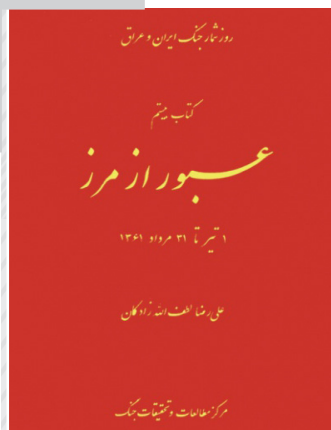
پدیدآورنده: حسن دری
چاپ اول: ۱۳۸۸
قطع: رقعی
صفحه ۳۳۴
قیمت: ۶۵۰۰ تومان

عملیات والفجر ۸ بعنوان مهم ترین و موفق ترین عملیات نظامی در پیشبرد استراتژی نظامی و سیاسی مطرح می شود. کتاب "عملیات والفجر ۸"، مجموعه نوشتارهایی از فرماندهان، محققان، نویسندگان و سازمان های نظامی است که هر یک قسمتی از عملیات فوق را ارزیابی و تحلیل کرده اند. در مقدمه با بیان ابعاد مختلف جنگ، بعد نظامی جنگ و بحث عملیات ها را مهم ترین عامل پیروزی یا شکست در روند استراتژی نظامی یا سیاسی در جنگ عنوان می کند. این کتاب شامل ۱۳ نوشتار است. در ابتدای این کتاب، کارنامه مختصری از عملیات والفجر ۸، آمده است که خود چکیده ی مناسبی از این عملیات است. در پایان کتاب برای راهنمایی محققان، فهرست آماری اسناد و منابع اختصاصی مرکز درباره عملیات والفجر ۸ درج شده است. همچنین سه نقشه شامل نقشه های منطقه عملیاتی فاو، محورها و مراحل عملیات والفجر ۸ و محورهای پانک های دشمن در این عملیات آمده است.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

دوشمده جنگ ایران و عراق
کتاب نوزدهم
آزادسازی خرمشهر
پیمان رویایی تجرید ایران
۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۱
مؤکراته و نهجست طق ناس

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس



عسبور از مرز

پدیدآورنده: علی رضا لطف الله زادگان

چاپ اول: ۱۳۸۱

قطع: وزیری

صفحه ۷۶۰

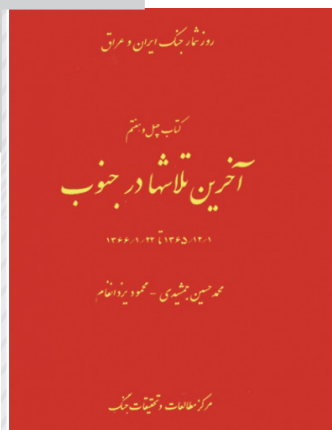
قیمت: ۸۸۰۰ تومان

«عسبور از مرز: تعقیب متجاوز با عملیات رمضان» بیستمین کتاب روزشمار جنگ ایران و عراق شامل دو ماه از وقایع سیاسی نظامی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در مقطع تیر و مرداد سال ۱۳۶۱ است. وقایع این مقطع متأثر از دو عملیات بزرگ و پیروزمندانه فتح المبین و بیت المقدس است که در بهار همان سال در مناطق اشغالی جنوب غربی کشور انجام شده بود و طی آن تقریباً تمام این مناطق، آزاد شده و خسارت های فراوانی نیز بر ارتش متجاوز عراق وارد آمده بود.

پیروزی های عظیم دو عملیات آثاری را در کشور و واکنش هایی را در خارج در پی داشت: در داخل ایران شور و شغفی شگرف پدید آمد و حمایت های توده مردم از جمهوری اسلامی بار دیگر نمایان گشت، همچنین اعتبار نظامی ایران در عرصه بین المللی سخت افزایش یافت. از سوی دیگر، ابرقدرت ها و کشورهای منطقه بر آن شدند تا برتری نظامی و سیاسی در جنگ را که در حال چرخش به سوی ایران بود، با حمایت بیش از پیش از عراق به این کشور بازگردانند. بدین منظور اقداماتی انجام شد که برخی از آن ها چنین است: برقراری مجدد رابطه سیاسی مصر با عراق؛ اظهارات علنی مقامات آمریکا مبنی بر خطر پیروزی ایران و حمایت از هر نوع تلاشی که مانع پیروزی جمهوری اسلامی ایران شود؛ تصمیم آشکار کشورهای فرانسه و انگلستان مبنی بر ارسال تجهیزات نظامی به عراق و حمایت های سیاسی از این کشور.

در ادامه این روند دوره ای در جنگ آغاز شد که روزشمار آن در این کتاب آمده است. از جمله مسائل مهم این دوره عدم همکاری نظام بین الملل در محکومیت تجاوزگری عراق و بی توجهی به درخواست های ایران برای پایان دادن به جنگ بود.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس



آخرین تلاش‌ها در جنوب

پدیدآورندگان: یحیی فوزی - علیرضا لطف‌الله‌زادگان
چاپ اول: ۱۳۸۱
قطع: وزیری
صفحه ۶۳۵
قیمت: ۷۵۰۰ تومان

«آخرین تلاش‌ها در جنوب» عنوان کتاب چهل و هفتم از مجموعه بزرگ روزشمار جنگ ایران و عراق است. ماه پایانی سال ۱۳۶۵ و ۲۲ روز نخست سال ۱۳۶۶ یک دوره ۵۱ روزه از جنگ است که با آغاز عملیات تکمیلی کربلای ۵ شروع و با اتمام عملیات کربلای ۸، پایان می‌پذیرد.

در این کتاب سعی شده مهم‌ترین اقدامات و وقایع نظامی این دوره در حوزه جنگ زمینی، هوایی و دریایی، همچنین اخبار و گزارش‌های سیاسی و اقتصادی معطوف به جنگ، در قالب روزشمار نوشته شود. موضوعات مربوط به جنگ در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی مورد توجه قرار گرفته‌اند و اقدامات و مواضع افراد، گروه‌ها، کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در خصوص جنگ به‌طور فشرده مطرح شده است؛ به عبارت دیگر کوشش بر آن بوده که به کلیه وقایع و اقداماتی که در جنگ مؤثر بوده‌اند یا در روشن شدن زوایای پنهان آن مفید می‌باشند، به اختصار اشاره شود.

شرح نبردهای ایران و عراق در جبهه‌های زمینی، جنگ شهرها و حملات هوایی، اوضاع کردستان دو کشور، همچنین حوادث خلیج فارس مهم‌ترین حوزه گزارش‌های کتاب می‌باشد، در مرتبت بعدی نگاه کتاب به اوضاع داخلی و روابط خارجی ایران و عراق با توجه به موضوعات نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است؛ مناسبات و اقدامات بین‌المللی در سطح منطقه‌ای و جهانی به صورت دوجانبه و چندجانبه با توسل به ابزارهای گوناگون دیپلماتیک و مالی و تسلیحاتی حوزه سوم گزارش‌های این روزشمار می‌باشد.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

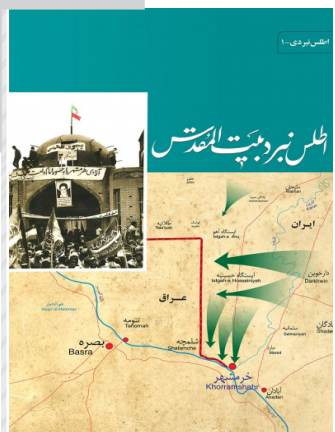


فراموشی در جنگ

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

فر مشهر
در جنگ

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس



نبرد بیت المقدس

پدیدآورنده: امیرحسین کیهان
چاپ اول: ۱۳۹۶
قطع: رحلی
۲۵۶ صفحه
قیمت: ۳۵۰۰ تومان

کتاب «اطلس نبرد بیت المقدس»، اولین جلد از مجموعه اطلس‌های نبردهای مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس است که روایتگر رویدادهای آغاز جنگ تحمیلی تا پایان نبرد برای آزادی خرمشهر می باشد. سیر تحولاتی که نویسنده تلاش می کند با کنکاش تاریخی این دوره از مقاومت، از خودگذشتگی و حماسه آفرینی، نقش مردم ایران را در شکل گیری و سرانجام آن نمایان سازد.

این اطلس مشتمل بر نه فصل است، در فصل اول به ویژگی های جغرافیایی منطقه پرداخته شده، فصل دوم، پیش نبردهای منطقه عملیاتی مطرح شده و در فصل سوم، به جایگاه راهبردی نبرد بیت المقدس اشاره دارد. فصل چهارم با عنوان در آستانه نبرد بزرگ به وقایع و تحولات در این برهه از زمان می پردازد. در فصل های پنجم، ششم، هفتم و هشتم به ترتیب به دور اول، دور دوم، دور سوم و دور چهارم نبرد بیت المقدس پرداخته است و فصل پایانی یعنی فصل نهم دستاوردهای نبرد بیت المقدس مطرح می شود. این اطلس باهمت امیرحسین کیهان پناه در ۲۵۶ صفحه در قطع رحلی و توسط انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

[illegible]

راهنمای مناطق جنگی و پدافند داخلی شلمچه

پدیدآورنده: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس
چاپ اول: ۱۳۸۸
قطع: پالتویی
قیمت: ۱۵۰۰ تومان



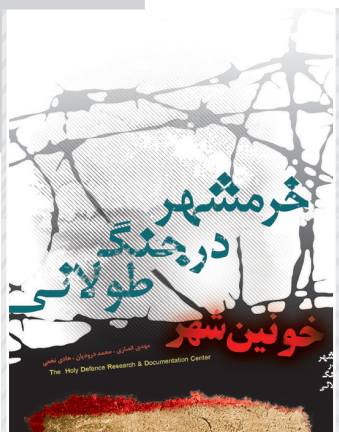
مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس علاوه بر نشر کتاب های پژوهشی و تحقیقاتی، روزنامه و اطلس های راهنما، مجموعه راهنمای مناطق جنگی را در قالب بروشور منتشر کرده است. در این مجموعه، سعی شده است تا شهر و شهرستان هایی که به صورت مستقیم در جدال با دشمن داخلی و مرزی بوده اند، معرفی شوند.

در هر یک از این بروشورها، با استفاده از تصاویر، نقشه و مطالبی کوتاه و مختصر، به توضیحاتی در خصوص آن منطقه پرداخته شده است. این بروشورها، به منظور مطالعه علاقه مندان و مخصوص افرادی است که در اردوهای راهیان نور شرکت کرده اند تا در مدت زمانی اندک با هر یک از مناطق که بازدید می کنند، آشنایی داشته باشند.

در بروشور «راهنمای مناطق جنگی و پدافند داخلی شلمچه» ابتدا با ارائه نقشه جغرافیایی، به معرفی منطقه عمومی شلمچه و شرایط این منطقه پرداخته است.

در بخش بعدی با معرفی شلمچه بعنوان گذرگاهی برای اشغال خرمشهر توسط دشمن به نقش آزادسازی شلمچه در آزاد شدن خرمشهر اشاره دارد. در این بروشور با یادآوری تجاوزات عراق به این منطقه و اشغال شلمچه به عملیات های مختلفی از جمله عملیات بیت المقدس، رمضان، والفجر ۸، کربلای ۴، کربلای ۵ که در منطقه عمومی شلمچه اجرا شده اختصاص دارد.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس



خرمشهر در جنگ طولانی

پدید آورندگان: مهدی انصاری، محمد درویدیان و هادی نخعی

چاپ اول: ۱۳۹۱

قطع: رقعی

صفحه ۵۲۸

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

این کتاب به بررسی مقاومت خرمشهر در ۳۵ روز نخست جنگ می‌پردازد. این کتاب مستند، برگرفته از اسنادی است که شامل مصاحبه‌های حضوری با شاهدان و حاضران در میدان نبرد خرمشهر و همچنین کسانی که اطلاعات دقیقی از این نبرد داشتند، می‌باشد. همچنین بخش دیگری از اسناد، مجموعه گزارش‌ها، بخشنامه‌ها و تلفنگرام‌ها و... و کتبی است که توسط ارکان‌های مختلف نظامی، انتظامی، نهادهای انقلاب و دیگر سازمان‌های کشوری صادر گردیده یا منتشر شده است و در پایان هر فصل منابع ذکر شده است. این کتاب از دو بخش مجزا و به طور کلی از ده فصل و دو ضمیمه تشکیل شده است. بخش اول کتاب خرمشهر در جنگ طولانی آن تحت عنوان «خرمشهر عرصه مطامع عراق» دارای چهار فصل است. در فصل اول به اوضاع و جریان‌های سیاسی قبل از انقلاب در خرمشهر می‌پردازد.

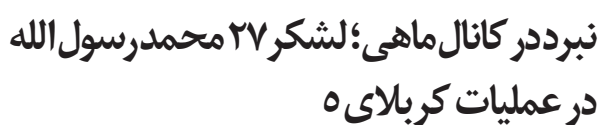
فصل دوم با عنوان «درگیری بد فرجام گرایش قومی در خرمشهر» است.

فصل سوم با عنوان «جایگاه جدید عراق در استراتژی آمریکا» و فصل چهارم با عنوان «خرمشهر در جنگ انفجارات می‌باشد.

بخش دوم کتاب با عنوان «خرمشهر در تهاجم سراسری عراق»، شامل ۶ فصل است که در آنها به‌طور مفصل جریان آمادگی‌های نهایی

ارتش عراق برای شروع هجوم نظامی مستقیم تا اشغال کامل خرمشهر پرداخته شده است.

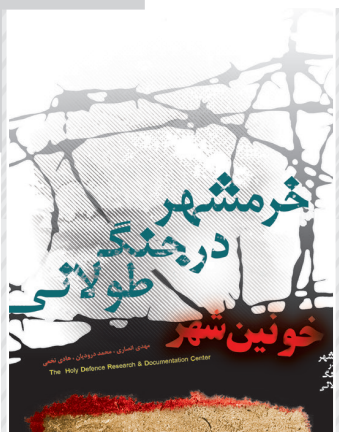
مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس



قیمت: ۱۶۵۰۰ تومان

فصل نهم به عنوان آخرین روز، به تصمیمات گرفته شده فرماندهان از سوی هر دو عیاره خودی و دشمن و نیز تاکتیک‌های به کار رفته از طرف هر دوی آنها و در آخر نیز به تدبیر آخر و پیام رهبر معظم انقلاب اشاره دارد.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس



خرمشهر در جنگ طولانی

پدید آورندگان: مهدی انصاری، محمد درویدیان و هادی نخعی

چاپ اول: ۱۳۹۱

قطع: رقعی

صفحه ۵۲۸

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

این کتاب به بررسی مقاومت خرمشهر در ۳۵ روز نخست جنگ می‌پردازد. این کتاب مستند، برگرفته از اسنادی است که شامل مصاحبه‌های حضوری با شاهدان و حاضران در میدان نبرد خرمشهر و همچنین کسانی که اطلاعات دقیقی از این نبرد داشتند، می‌باشد. همچنین بخش دیگری از اسناد، مجموعه گزارش‌ها، بخشنامه‌ها و تلفنگرام‌ها و... و کتبی است که توسط ارکان‌های مختلف نظامی، انتظامی، نهادهای انقلاب و دیگر سازمان‌های کشوری صادر گردیده یا منتشر شده است و در پایان هر فصل منابع ذکر شده است. این کتاب از دو بخش مجزا و به طور کلی از ده فصل و دو ضمیمه تشکیل شده است. بخش اول کتاب خرمشهر در جنگ طولانی آن تحت عنوان «خرمشهر عرصه مطامع عراق» دارای چهار فصل است. در فصل اول به اوضاع و جریان‌های سیاسی قبل از انقلاب در خرمشهر می‌پردازد.

فصل دوم با عنوان «درگیری بد فرجام گرایش قومی در خرمشهر» است.

فصل سوم با عنوان «جایگاه جدید عراق در استراتژی آمریکا» و فصل چهارم با عنوان «خرمشهر در جنگ انفجارات می‌باشد.

بخش دوم کتاب با عنوان «خرمشهر در تهاجم سراسری عراق»، شامل ۶ فصل است که در آنها به‌طور مفصل جریان آمادگی‌های نهایی

ارتش عراق برای شروع هجوم نظامی مستقیم تا اشغال کامل خرمشهر پرداخته شده است.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

[illegible]

نبرد شرق بصره

یدیدآورنده: محمد درودیان

چاپ اول: ۱۳۹۲

قطع: رقی

۲۲۴ صفحہ

قیمت: ۸۲۰۰ تومان



این کتاب شامل ۳ فصل است. فصل اول کتاب تحت عنوان « طرح ریزی در شرایط ویژه » از والفجر ۸ تا کربلای ۴ و فراهایی از مدیریت در فضای دشوار با ویژگی های انقلابی را به نمایش می گذارد.

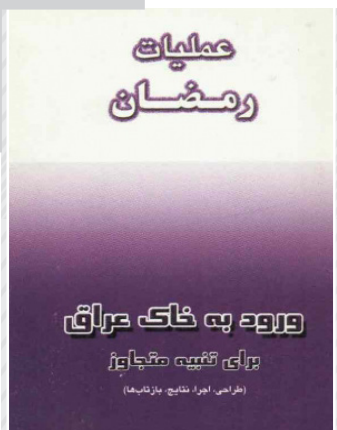
هجوم به مستحکمترین خطوط دفاعی دشمن " عنوان دومین فصل کتاب که طی آن به شرح اجمالی عملیات با هدف نمایش مدیریت و فرماندهی در صحنه نبرد، آن هم در فضایی مملو از خوف و رجا می پردازد.

فصل سوم و پایانی این اثر «بازتابها و دستاوردها» نام گرفته که واکنش رسانه های گروهی، مواضع آمریکا و شوروی، جنگ شهرها و شرایط ایران برای پایان جنگ را عرضه می کند. این فصل توضیح پیچیدگی های مواضع دو ابر قدرت شرق و غرب در آن زمان و نیز انگیزه ها و اهداف رسانه ها از نوع تنظیم و انتقال اخبار در دوران دفاع مقدس، به خواننده کمک می کند که عظمت عملیات کربلای ۵ و نتایج آن را بیش از پیش درک نماید. همچنین اشاره به «شرایط جمهوری اسلامی برای پایان بخشیدن به جنگ» نیز پاسخ ابهاماتی است که به علت ضعف اطلاعات، گاهی به اذهان خطور می کند.

از ویژگی های کتاب دارا بودن فهرست راهنمای موضوعی کتاب، جدول هایی در خصوص سازمان رزم و انواع یگان های دشمن و نیز نقشه عملیات کربلای ۵ شامل محورهای هجوم، موانع و منطقه آزاد شده می باشد، که برای سهولت در بهره برداری محققین و پژوهشگران به موضوعات مورد نظر در انتهای کتاب گنجانده شده است.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

[illegible]



عملیات رمضان

چاپ اول: ۱۳۸۴

قطع: پالتویی

۸۸ صفحه

قیمت: ۱۲۰۰ تومان

عملیات رمضان با رمز یا مهدی (عج) ادرکنی در زمینی مثلث شکل که از شمال به کوشک و طلائی و حاشیه جنوبی هورالهوریزه، از غرب به رودخانه اروند و از شرق به خط مرزی شمالی-جنوبی از کوشک تا شلمچه منتهی می شد، در تاریخ بیست و دوم تیر ماه ۱۳۶۱ آغاز شد. تصرف ۴۰ کیلومتر مربع از خاک عراق نتیجه این عملیات مشترک سپاه و ارتش بود.

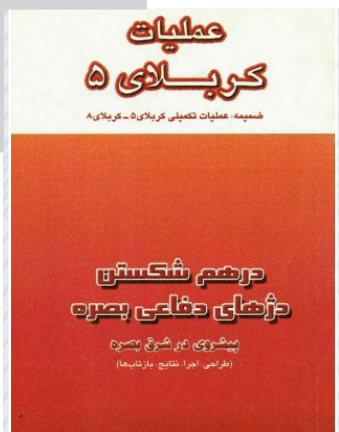
در کتاب «عملیات رمضان» با ارثه شناسنامه عملیات در ابتدای بحث، کوشیده شده تا بر اوضاع سیاسی-نظامی جنگ تا قبل از عملیات رمضان مرور مختصری داشته باشد. سپس به عملیات رمضان پرداخته و موقعیت منطقه و وضعیت دشمن را بررسی کرده است. طراحی عملیات، و پیش بینی حمله ایران، هشدارها و تهدیدها بیان و سپس گزیده پیام امام خمینی به مناسبت آغاز عملیات رمضان مطرح شده است.

در این کتاب، شرح عملیات و انجام آن طی پنج مرحله به خوبی بررسی شده است. در ادامه نیز به نتایج و ارزیابی عملیات و بازتاب آن از جمله برخوردها و واکنش های دولت ها و رسانه های خبری و تأثیر آن بر اقتصاد و از سویی تکاپوی کشورهای منطقه برای برقراری صلح و تلاش ها و مواضع سازمان ملل و همچنین مواضع مقامات رسمی ایران و امام خمینی اشاره دارد.

این کتاب دارای دو ضمیمه با عناوین «خاکریز سرنوشت» و «سخنرانی فرمانده کل سپاه» و همچنین نقشه عملیات رمضان می باشد.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

سال شانزدهم □ شماره شصت و یکم □ زمستان ۱۳۹۷



عملیات کربلای ۵

چاپ اول: ۱۳۸۴

قطع: پالتویی

۸۳ صفحه

قیمت: ۱۲۰۰ تومان

عملیات کربلای ۵ با رمز یا زهرا (س) در جبهه جنوبی، شرق بصره، شلمچه در نوزدهم دی ماه سال ۱۳۶۵ شروع شد و تا دوم اسفند ماه همان سال ادامه یافت. در این عملیات که با هدف تصرف شلمچه و پیشروی به سوی بصره انجام شد، رزمندگان توانستند حدود ۷۵ کیلومتر از مناطق استراتژیک دشمن را تصرف کنند و نیروها و تجهیزات وسیعی از دشمن را انهدام نمایند.

کتاب «عملیات کربلای ۵» با ارائه شناسنامه عملیات، مروری بر وضعیت سیاسی - نظامی ایران و عراق قبل از عملیات داشته و وضعیت دشمن پس از عملیات کربلای ۴ را بررسی کرده است. سپس به اهمیت و ضرورت اجرای عملیات و دلایل انتخاب منطقه شلمچه به عنوان منطقه عملیاتی پرداخته است.

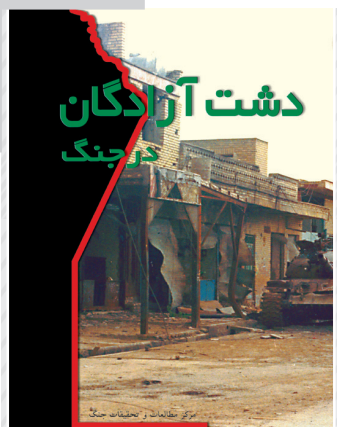
در ادامه با ارائه طرح مانور به شرح عملیات در شب و روزهای اول تا هشتم و ادامه عملیات تا هفتم بهمن ماه می پردازد. ضرورت تداوم عملیات، وضعیت نیروی انسانی خودی در عملیات کربلای ۵، نتایج عملیات و ویژگی های عملیات کربلای ۵ از دیگر محتویات اشاره شده در این کتاب است.

همچنین در این کتاب، مرحله سوم جنگ شهرها و مواضع آمریکا و شوروی بعد از اجرای عملیات کربلای ۵ بررسی شده است. به دلیل پیوستگی عملیات کربلای ۵ با عملیات تکمیلی کربلای ۵ و عملیات کربلای ۸، شرح مختصری از این دو عملیات نیز در این کتاب به عنوان ضمیمه ارائه شده است.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

میرزا اسدالله خان و تصانیف دفاع مقدس
میرزا ۱۷ شکر
در عملیات بندر
میرزا اسدالله خان

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس



دشت آزادگان در جنگ

پدیدآورنده: محمدالله باری فر
چاپ اول: ۱۳۸۱
قطع: خشتی
۱۳۸ صفحه
قیمت: ۴۵۰۰ تومان

این کتاب که وقایع منطقه دشت آزادگان را از هجوم ارتش عراق تا آزادسازی آن در برمی گیرد، هشت فصل دارد. در فصل اول «جغرافیای دشت آزادگان» تشریح شده است.

فصل دوم با عنوان «دشت آزادگان در بحران» به اقدامات خرابکارانه و ایدایی عراق و دست نشاندهان آن قبل از شروع رسمی جنگ می پردازد. در فصل سوم که «هجوم عراق، اشغال و آزادسازی بستان و سوسنگرد» نام دارد، وقایع مربوط به ۱۰ روز اول جنگ بررسی شده است.

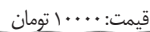
فصل چهارم با عنوان «اشغال دوم بستان و محاصره ناموفق سوسنگرد»، شرح مختصری از حملات پی در پی دشمن و نیز مقاومت مدافعان می باشد.

فصل پنجم با نام «عملیات نصر، اشغال هویزه»، آخرین تلاش دشمن و سپس زمین گیر شدن او را مورد بررسی قرار می دهد.

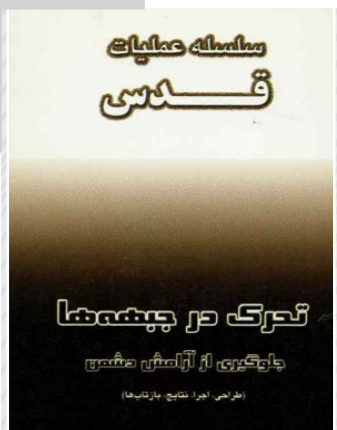
فصل ششم با عنوان «پیشروی گام به گام برای آزادسازی» گزارشی است از عملیات های ایدایی و محدود که با هدف انهدام دشمن و عقب راندن گام به گام او انجام شده است. فصل هفتم با عنوان «آزادسازی بستان و هویزه»، به گزارش آزادسازی بستان و هویزه به دست رادمردان ایران اسلامی اختصاص دارد.

فصل هشتم با عنوان «نبردهای هورالهویزه و حوادث پایان جنگ» شرحی است از نبردهای هورالهویزه و حوادث پایان جنگ در منطقه دشت آزادگان.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس



مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس



سلسله عملیات های قدس

چاپ اول: ۱۳۸۴
قطع: پالتویی
۹۲ صفحه
قیمت: ۱۲۰۰ تومان

این جلد از این مجموعه استثنائاً به پنج عملیات محدود اختصاص یافته است که با هدف جلوگیری از آرامش دشمن، ممانعت از رکود جبهه ها و تقویت سازمان رزم طراحی شد و از روز قدس سال ۱۳۶۴ آغاز گردید. از این سلسله عملیات، که همه قدس نامگذاری شده اند، چهار عملیات در منطقه هورالهویزه و یک عملیات در جنوب دهلران به اجرا درآمد. سلسله عملیات محدود قدس بسیاری از هدف های مد نظر را تأمین کرد و علاوه بر تضعیف روحیه دشمن، در روحیه مردم بسیار مؤثر بود و موجب تقویت روحیه یگان های عمل کننده نیز شد. پس از سلسله عملیات های محدود در تابستان ۱۳۶۴، که بر مبنای فرمان امام خمینی برای گرم نگه داشتن جبهه ها و لزوم جلوگیری از آسودگی دشمن در برخی مناطق با هدف های نظامی سیاسی انجام گرفت، به میزان بسیاری مؤثر واقع شد و ابتکار عمل در جبهه خودی و انفعال دشمن همچنان حفظ شد.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

									معرفی آثار منتشر شده مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس درمورد جبهه جنوب	
--	--	--	--	--	--	--	--	--	---	--

عملیات خیر



شهید
مهدی
باکری

از یادگار جان فدائی مقدس
بر کرامت و مصداق دفاع مقدس

شهید مهدی باکری

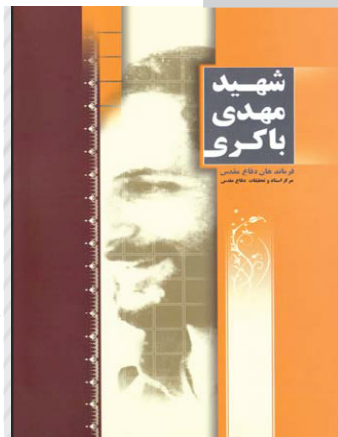
پدیدآورنده: سعید سرمدی

چاپ اول: ۱۳۹۰

قطع: رقعی

صفحه ۲۲۵

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان



کتاب "شهید مهدی باکری" مشتمل بر بازده فصل است که پس از مقدمه و وصیت نامه شهید در فصل اول مقاله ای با عنوان "مروری بر سختی های جنگ و نقش شهید مهدی باکری در تحمل آن ها به قلم سردار دکتر غلامعلی رشید، به بررسی بخشی از زوایای شخصیتی شهید می پردازد. در فصل دوم با عنوان "باکری آن گونه که من شناختم" سخنرانی دکتر محسن رضایی در مراسم شب خاطره است. "اصول مدیریت و اصول جنگ" عنوان فصل سوم کتاب است که برگرفته از یادداشت های شهید باکری است.

دکتر سید یحیی صفوی در فصل چهارم کتاب با عنوان "گفتاری در باره شهید مهدی باکری" به بررسی زوایا و ویژگی های اخلاقی و شخصیتی و نقش فرماندهی شهید باکری در دفاع مقدس، می پردازد. در فصل پنجم کتاب، دکتر حسین علایی شهید اسلام را در اندیشه و عمل در دوره زندگی در عملیات های گوناگون بررسی می کند.

دکتر محمد حسین فرهنگی هم رزم شهید باکری در فصل ششم در باره ناگفته هایی از ابعاد شخصیتی او سخن به میان می آورد. در فصل هفتم کتاب شهید مهدی باکری از نگاه فرماندهان جنگ از جمله سردار شهید احمد کاظمی، سردار مرتضی قربانی، سردار علی اکبر پور جمشیدیان، و سخنان شهید محلاتی در باره وصیت نامه شهید مهدی باکری روایت می شود. در فصل هشتم به تشریح عملکرد لشکر ۳۱ عاشورا در گفت و گو با باکری مطرح می شود. در فصل نهم سخنرانی شهید باکری با موضوع "تبیین عملیات والفجر ۴" مطرح شده است. در فصل دهم با عنوان "عملکرد لشکر عاشورا در عملیات بدر" می پردازد. فصل پایانی کتاب با عنوان "یادی از حمید باکری؛ شهید خیبر" به قلم دکتر حسین علایی ضمن بیان خاطراتی از شهید کارنامه عملیاتی لشکر ۳۱ عاشورا در جنگ را مورد کندوکاو قرار می دهد.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

دانشگاه جنگ ایران و عراق

کتاب پست و هم

والفجر مقتداتی

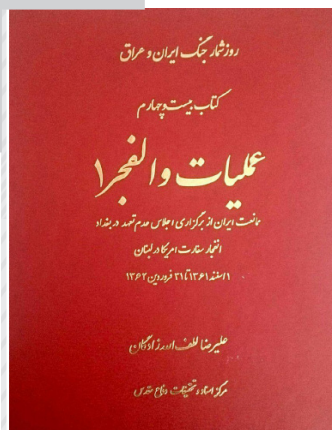
و کیمی سران زب و دوی و کیمی سران زب و دوی

۱۳۰۲ هجری قمری

طبرستان

مکرانه و خیمه و دوی

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس



عملیات والفجرا

پدید آورنده: علی رضا لطف الله زادگان

چاپ اول: ۱۳۹۴

قلم: وزیر

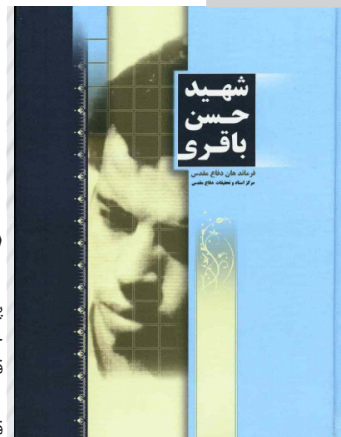
صفحه ۹۷۸

قیمت: ۳۹۰۰۰ تومان

کتاب بیست و چهارم از مجموعه بزرگ روزشمار جنگ ایران و عراق با عنوان اصلی عملیات والفجرا ۱ و عنوان فرعی «ممانعت ایران از برگزاری اجلاس عدم تعهد در بغداد، انفجار سفارت آمریکا در لبنان» به مرحله چاپ و انتشار رسید. این کتاب ۶۰ روز از دوران جنگ ایران و عراق در دوره زمانی بین ۱ اسفند ۱۳۶۱ تا ۳۱ فروردین ۱۳۶۲ را دربرمی گیرد. این اثر بارز در حوزه پژوهش های تاریخی دفاع مقدس با نویسندگی علیرضا لطف الله زادگان و توسط مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی وارد بازار نشر شده است. کتاب حاضر شامل یک مقدمه و ۷۵۲ گزارش درباره جنگ و موضوعات مربوط به آن است. مقدمه کتاب شامل جمع بندی مهم ترین موضوعاتی است که در گزارش های مختلف در سراسر کتاب بدان ها پرداخته شده است. هر روز از روزشمار نیز به منزله یک فصل و شامل چندین گزارش و تفسیر و تحلیل وقایع همان روز است.

در مقدمه کتاب تصریح شده است که: «کتاب حاضر شامل گزارش هایی است که به مهم ترین رویدادها و اقدامات در حوزه های گوناگون جنگ اعم از نظامی، سیاسی، اقتصادی و... می پردازد. در این میان، برخی موضوعات به علت اهمیت، گستردگی و تأثیری که در توان ملی دو کشور ایران و عراق (از نظر سیاسی و نظامی) داشته اند، بخش عمده ای از اخبار و مطالب کتاب را به خود اختصاص داده اند.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

[illegible]

شهید حسن باقری

پدیدآورنده: سعید سمرمدی
چاپ اول: ۱۳۹۰
قطع: رقعی
۲۴۰ صفحه
قیمت: ۷۰۰۰ تومان

این کتاب مجموعه ای از ۷ مقاله درباره شهید حسن باقری است. و در پایان هم به معرفی کتاب های تألیف شده درباره شهید حسن باقری می پردازد. این مقالات به شرح ذیل می باشد:

فصل اول: در رتای نظریه پرداز جنگ / سردار غلامعلی رشید

فصل دوم: نقش و جایگاه شهید باقری در طرح ریزی استراتژی نظامی فرماندهی جنگ / سخنرانی سردار رحیم صفوی

فصل سوم: شهید باقری اسوه ناشناخته: درآمدی بر الگوی فرماندهی و مدیریت / سردار حسین ظریف منش

فصل چهارم: پیش در آمدی بر فضائل اخلاقی و خصوصیات فرماندهی شهید حسن باقری / سردار غلامعلی رشید

فصل پنجم: تحلیلی بر روند تحولات جنگ / سخنرانی شهید حسن باقری

فصل ششم: باقری فراتر از دست نوشته هایش / علی مینو (راوی شهید باقری)

فصل هفتم: مروری بر دست نوشته های شهید حسن باقری

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

[illegible]

شرهانی



عملیات محرم

پدیدآورنده: علی رضا لطف الله زاده گان
چاپ اول: ۱۳۹۳
قطع: وزیری
صفحه ۱۰۷۲
قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

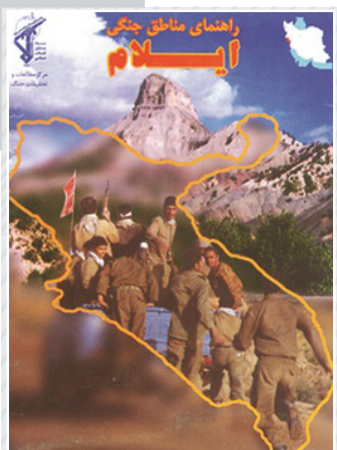
کتاب بیست و دوم روزشمار جنگ ایران و عراق، با عنوان «عملیات محرم؛ بهبود شرایط امنیتی و اقتصادی کشور»، ۶۰ روز از دوران جنگ ایران و عراق و در مجموع شامل ۹۰۴ گزارش درباره جنگ و موضوعات مربوط به آن در دوره زمانی ۱۳۶۱/۸/۱ تا ۱۳۶۱/۹/۳۰ است.

در این کتاب علاوه بر ابعاد مختلف وقایع نظامی به آن دسته از رخدادهاي سياسي، اقتصادي و ... نیز که بر توان نظامی طرفین و در نگاه کلی تر بر محیط جنگ ایران و عراق اثرگذار بوده، پرداخته شده است.

گزارش های کتاب حاضر در بخش نظامی اخبار مربوط به اجرای عملیات ها و سایر اقدامات مرتبط اعم از اجرای آتش توپخانه، حملات موشکی و شیمیایی عراق و ادامه حملات این کشور به جزیره خارك و بنادر جنوبی ایران، مباحث گسترده سازمان رزم، اعزام ها و نیز درگیری های نظامی در بخش های کردنشین را در بر می گیرد.

در بعد غیرنظامی هم به وقایع سه سطح ملی، منطقه ای و بین المللی پرداخته شده است و بر این اساس، رخدادهاي امنیتی، سیاسی، اقتصادی دو کشور اعم از اظهارنظرها و موضع گیری های مسئولان سیاسی، تعامل با سایر کشورها، برگزاری انتخابات و عملکرد گروه های معارض و نیز اقدامات و تحرکات سازمان های بین المللی و منطقه ای و اظهارنظرهای مقامات کشورهای مختلف و ... در گزارش های این بخش جای گرفته است.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس



راهنمای مناطق جنگی ایلام

پدیدآورنده: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

چاپ اول: ۱۳۸۲

قطع: پالتویی

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس علاوه بر نشر کتاب های پژوهشی و تحقیقاتی، روزشمار و اطلس های راهنما، مجموعه راهنمای مناطق جنگی را در قالب بروشور منتشر کرده است. در این مجموعه، سعی شده است تا شهر و شهرستان هایی که به صورت مستقیم در جدال با دشمن بوده اند، معرفی شوند.

در هر يك از این بروشورها، با استفاده از تصاویر، نقشه و مطالبی کوتاه و مختصر، به توضیحاتی در خصوص آن منطقه پرداخته شده است. هدف از نشر این بروشورها، مطالعه علاقه مندان و مخصوصا افرادی است که در اردوهای راهیان نور شرکت کرده اند تا در مدت زمانی اندك با هر يك از مناطقی که بازدید می کنند، آشنایی داشته باشند.

در بروشور «راهنمای مناطق جنگی ایلام» ابتدا به معرفی ایلام و شهرستان های مهران و دهلران و دلایل اهمیت این دو شهرستان برای ارتش بعثی عراق و حوادثی که در طول دوران جنگ تحمیلی بر آنها گذشت، می پردازد. سپس عملیات هایی که در این منطقه انجام شده معرفی کرده و در ادامه نیز به مناطق و مکان هایی که در طول دوران دفاع مقدس مورد توجه هر دو جبهه خودی و دشمن بوده است، اشاره دارد.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

Operation Muharram and review of two narrations in the memorial Sharhani

mohammad mohammadpoor

This article presents a model, evaluates two of the narrations of the Sharhani memorials related to Muharram operations. In this model, each narrative starts from a point and then reaches a peak, and eventually ends at a point.



review of the narrative of the benchmark in the Talaieh memorial (based on the narrative report of Hojjatoleslam Mahdi Fallah Tehrani).

Seyyed Mohammad Tabatabaei.

In this paper, after reviewing and analyzing the standard narrative elements in the Talaieh memorial, Research will focus on narrative and comprehensive narratives.



Mohsen Rezaei narrative about Operation Beit ol-Moqaddas.

mohammad mohammadpoor

The present article is about Reviewing the operations of Operation Beit ol-Moqaddas from the viewpoint of Mohsen Rezaei, commander of the Revolutionary Guards during the holy defense. Mohsen Rezaee after describing the process and the stages of operation, believes that the victory in the operation was the result of the gradual expansion military organization of IRGC.



The Essentials of a Comprehensive narrative in the memorial of Operation Fath-ol-Mobin.

Akbar rostami

The purpose of this article is to express the essentials and indices of a desirable narrative in the memoirs of Fath-ol-Mobin, and then to evaluate the narration of one of the experienced narrators of this monument.

[illegible]

The Pathology of a narration of RAHIYAN NOOR narrators, Memorial of the martyrs of Operation Valfajr 8.

Research Group of Journal

The purpose of this article is to evaluate and critique the narration of the RAHIYAN NOOR narratives related to the memory of the martyrs of Operation Valfajr 8.

The present paper first focuses on important historical and epic components of Memorial Operation Valfajr 8 and then several narratives have been criticized.



Narrative components in the memorial of Shalamcheh.

Amir Mohammad Hekmatian

This paper focuses on the description of the region of Shalamcheh, a brief mention of the events in the area from the beginning of the war to the end, the description of the barriers and complexities of the region, a brief explanation of the operations Karbala 4 and 5, and evaluating narrators about narrative standards.



Operation Before the Dawn and review of two narrations in the memorial of Falk and Kamil canal.

Nurollah Jafari

The purpose of this article is to evaluate the narrative criteria in the narrations of the Fakkeh Memorials and the Kumayl Channel. First, we will provide an overview of the Operation Before the Dawn and in the next step, we will review narrative of Narrators.



Ttrip to Sumar and the visit of the Muslim al-Aqil war zone, thirty years later.

Mansoureh Tajik

The Cultural Center of the Varesan provided the travel arrangements for the visit to Sumar and the Muslim ibn Aqil war zone in the middle fronts of the war in Kermanshah province.

Participants in the trip included students and graduates from different departments of the university, university professors, secretaries, veterans and families of martyrs. The trip was carried out by bus, during which a military officer and two war veterans expressed their memories of several operations in the area.

[illegible]



The Center for Holy Defense Documentation and Research



**NEGIN
IRAN**

Vol.16 □ No.60 □ Spring 2018

Published Quarterly by	The IRGC Center for Holy Defense Documentation and Research
Editorial Head	Dr. Ali Mohammad Naeini
Executive Editor	Yahya niazi
Deputy Editor - in - chief	Mohammad Javad Akbarpour Bazargani
Editorial Board	IRGC Major General Mohammad Bagheri, IRGC Brigadier General Hussein Salami, IRGC Brigadier General Ali Fadavi, IRGC Brigadier General Hamid Aslani
Page Designer	Abbas Dorudian
Address	No. 77, Shahid Vahid Dastgerdi (Zafar) Ave., Shariati St., Tehran, I.R.IRAN.
Email	neginiran@gmail.com
Tel	+ 98 21 - 22909525
Fax	+ 98 21 - 22909538
Price	120,000 R